

# پنجر اقتصاد کرمان

- فصل نامه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان
- سال ششم ● شماره ۱۷ ● بهار ۱۴۰۲ ● ۱۲۸ صفحه ● ۷۰ هزار تومان

## سرمایه انسانی؛ خالق مزیت رقابتی



با مطالبی دربارهٔ سیاست‌گذاری، تولید، بازرگانی، خدمات و جامعه

با نوشتارها و گفتارهایی از:

یونس ژانله / فاطمه مقیمی / حسین پیرمودن / میرهادی رهگشای / فرزانه صمدیان / یلدا راهدار / لطفعلی عاقلی / مسعود جمالی / علیرضا کلاهی / عباس جبال بازری / حسین میجانی / سعید غریب حسینی / سیدهادی طیب‌نیا / حجت‌اله شرفی / علیجان آبکار / پژمان تاج محرابی / محسن جلال پور / حسن ولی بیگی / مهرداد عباد / فرشته آب‌نیکی / جهانبخش سنجابی شیرازی / محسن وفاپی / نادر علیدادی سلیمانی / سوده مقصودی / اصغر میرفردی / محسن صانعی / محمدرضا رضایی / بهناز شیخ شریعتی کرمانی / احمد عباس نژاد / سروش طالبی اسکندری / حسین زراعتکار





## اتاق بازرگانی صنایع معادن و کشاورزی کرمان



[www.otagh-bazargani.com](http://www.otagh-bazargani.com)



[sepehr@kccim.ir](mailto:sepehr@kccim.ir)



۰۳۴-۳۲۴۸۳۳۷۸



۱۰۰۰۳۴۳۲۴۴۱۰۵۸

۰۹۰۵۸۵۰۸۰۶۹ (فضای مجازی)



Kccima



با اسکن بارکد بالا با ما در ارتباط باشید

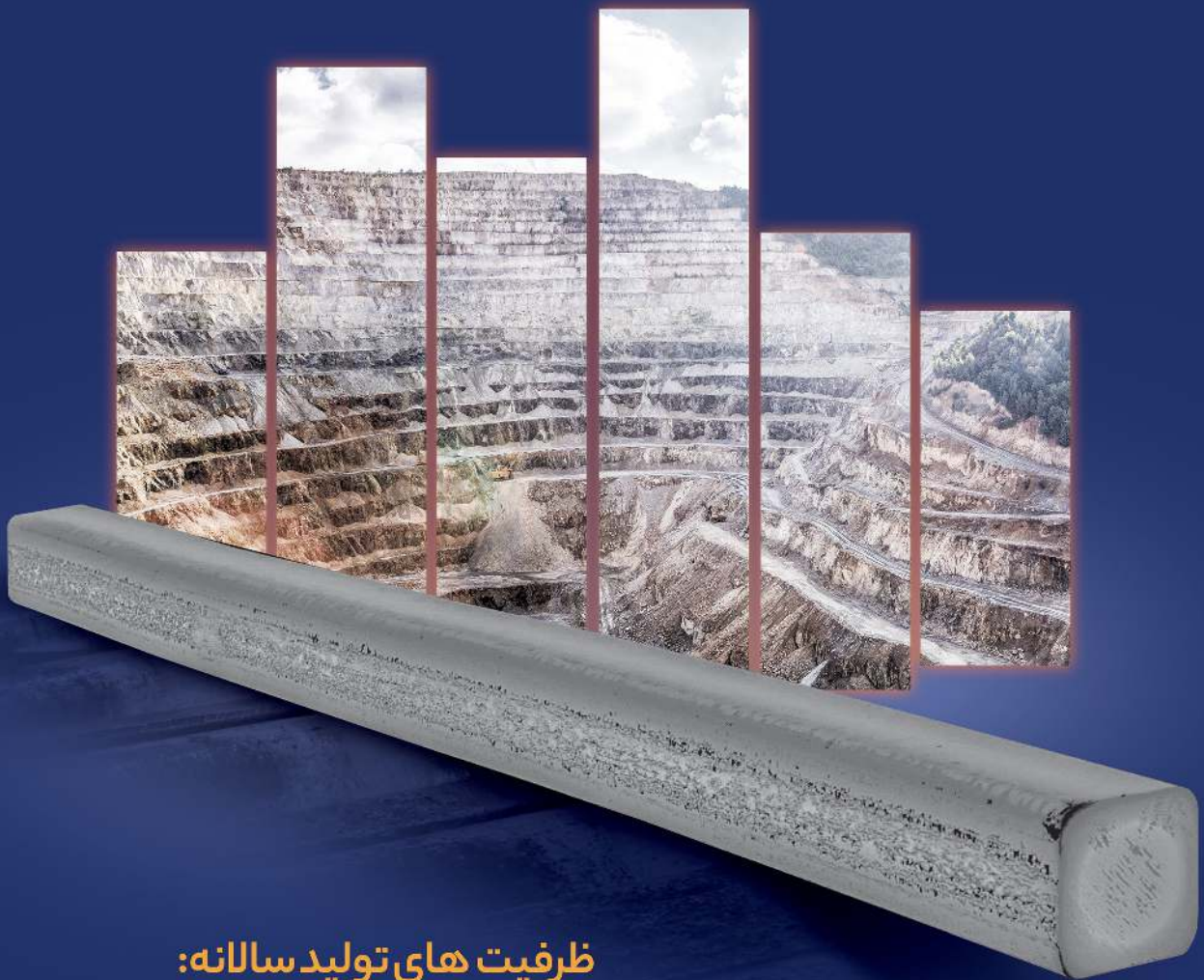




# ZISCO

## شرکت فولاد زرند ایرانیان

زنجیره کامل تولید فولاد از معدن تا شمش



**ظرفیت های تولید سالانه:**

۱٫۵ میلیون تن شمش فولادی

۱٫۲ میلیون تن کک متالورژی

۲٫۵ میلیون تن گندله آهن

۴ میلیون تن کنسانتره آهن

[www.zisco.midhco.com](http://www.zisco.midhco.com)



از پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۲

## مسئله اصلی ما مسئله اقتصاد است

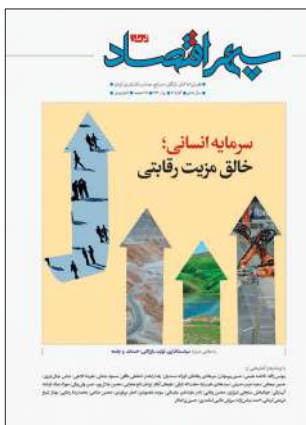
به نظر من در سال ۱۴۰۲ هم مسئله اصلی ما مسئله اقتصاد است؛ یعنی ما مشکل کم نداریم، مشکلات گوناگونی داریم، در زمینه فرهنگی، در زمینه سیاسی، لکن مسئله اصلی و محوری در این سال هم مسئله اقتصاد است. یعنی اگر ما بتوانیم ان‌شاءالله مشکلات اقتصادی را کاهش بدهیم و مسئولین ان‌شاءالله همت کنند، دقت کنند، تلاش‌های مهمی انجام بدهند در این زمینه، خیلی از مسائل دیگر کشور هم حل خواهد شد. هم دولت، هم مجلس شورای اسلامی، هم فعالان اقتصادی، هم گروه‌های مردمی جوان و پراکنجه که بنده تعدادی از این گروه‌ها را می‌شناسم و به آن‌ها جداً علاقه‌مند هستم. می‌دانم کارهای خیلی خوبی را در همین زمینه‌های اقتصادی انجام می‌دهند. این‌ها همه باید تلاش‌هایشان متوجه کمک به رفع مشکلات کشور و مشکلات مردم باشد. حالا این رفع مشکلات گاهی با فعالیت‌های بنیانی اقتصادی است؛ مثل تولید که یک فعالیت بنیانی است در اقتصاد، یعنی تولید یک کار اساسی است در اقتصاد. یا عرض کنم که کارهای انسانی و اسلامی مثل مواسات و کمک‌های مردمی و همکاری‌های مردمی با طبقات ضعیف جامعه.



اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی کرمان

فصل نامه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان |  
دارای پروانه انتشار (شماره ثبت ۷۹۸۳۷) از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی |  
سال ششم | شماره هفدهم | چهار ۱۴۰۲ | ۱۲۸ صفحه |

# سپهر اقتصاد



صاحب امتیاز: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان /  
رییس شورای سیاست‌گذاری: سیدمهدی طبیب‌زاده / مدیرمسئول: سیدمحمدعلی گلاب‌زاده /  
سردبیر و ویراستار: ذبیح‌الله کرمی / دبیر تحریریه و مدیر اجرایی: فرزانه زاهدی / تحریریه: ریحانه حسن‌زاده /  
طراحی گرافیک و صفحه‌آرایی: آتلیه گرافیک (پرانتز) / چاپ و صحافی: اطلس-قم /

نشانی: کرمان، میدان آزادی، ابتدای بلوار جمهوری اسلامی، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان /  
کدپستی: ۷۶۱۹۶۵۳۴۹۸ / صندوق پستی: ۴۷۱-۷۶۱۷۵ / تلفن: ۰۳۴-۳۲۴۴۲۳۲۴ / دورنگار: ۰۳۴-۳۲۴۸۳۳۷۴ /  
www.otagh-bazargani.com / پیامک: ۱۰۰۰۳۴۳۲۴۴۱۰۵۸ / @Kccima / sepehr@kccim.ir

«سپهر اقتصاد کرمان» در ویرایش و اصلاح مطالب رسیده، آزاد است. مطالب منتشرشده در فصل‌نامه، رأی و نظر نویسندگان آن‌هاست و لزوماً نظر «سپهر اقتصاد کرمان» نیست.

استفاده از مطالب مندرج در این نشریه به شرط ذکر منبع «فصلنامه سپهر اقتصاد کرمان اتاق بازرگانی کرمان» بلامانع است.

شماره برای ارتباط با «سپهر اقتصاد کرمان» در فضای مجازی: ۰۹۰۵۸۵۰۸۰۶۹

برای چاپ آگهی در «سپهر اقتصاد کرمان»، با ما تماس بگیرید: ۰۳۴-۳۲۴۴۲۳۲۴



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



● باغ فتح آباد کرمان | عکس: ابوزراحمدی زاده - ایرنا

### حدیث

رسول خدا (صلی الله علیه وآله):

اگر مدارا مخلوقی بود که دیده می شد

هیچ مخلوقی از مخلوقات خدا از آن نیکوتر نبود.

(وسائل الشیعه جهاد با نفس، حدیث ۲۷۴)



## سیاست گذاری

گفت‌وگو با دکتر یونس ژائله، رییس اتاق تبریز

توان بالایی در جهش تولید داریم

گفت‌وگو با دکتر فاطمه مقیمی، فعال اقتصادی و رییس اتاق مشترک ایران و گرجستان

سرمایه؛ عنصر هوشمند

گفت‌وگو با حسین پیرمودن، نایب رییس اول اتاق اردبیل

جذابیت‌های اقتصاد دستوری؛ مانع اصلاحات اقتصادی

یادداشتی از میرهادی رهگشای، کارشناس اقتصادی و سردبیر رسانه مسیر اقتصاد

الزامات تحقق شعار سال؛ راه‌های مهار تورم در اقتصاد ایران

یادداشتی از فرزانه صمدیان، رییس گروه صنعت، معدن و انرژی مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

علل عدم جذابیت تولید در مقایسه با بازارهای رقیب

مقاله‌ای از یلدا راهدار، عضو هیئت‌رئیس سازمان ملی کارآفرینی

فراهم‌سازی فضای کسب‌وکار و تولید

## تولید

مقاله‌ای از دکتر لطفعلی عاقلی، عضو هیئت‌علمی گروه اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

تحلیلی بر بهره‌وری معادن استان کرمان

یادداشتی از دکتر مسعود جمالی، رییس انجمن مدیران صنایع استان اصفهان

کاهش بهره‌وری بنگاه‌های تولید

گفت‌وگو با علیرضا کلاهی، رییس کمیسیون صنایع اتاق ایران

سیاست‌زدگی؛ مهم‌ترین چالش

مقاله‌ای از عباس جبال بارزی، عضو هیئت‌رئیس اتاق کرمان و نایب‌رئیس کمیسیون صنایع اتاق ایران

رشد تولید در گرو رفع موانع و مشکلات

گفت و گو با دکتر حسین میجانی، مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی کرمان

باز فعال‌سازی واحدهای صنعتی راکد استان کرمان

مقاله‌ای از سعید غریب حسینی، معاون فروش، بازاریابی و صادرات شرکت سیمان ممتازان کرمان

جایگاه استان کرمان در صنعت سیمان کشور

گفت‌وگو با دکتر سیدهادی طیب‌نیا، عضو هیئت‌علمی گروه جغرافیا دانشگاه سیستان و بلوچستان

رشد منفی؛ نرخ رشد جمعیت روستایی کشور با وجود افزایش جمعیت منفی است

مقاله‌ای از دکتر حجت‌اله شرفی، عضو هیئت‌علمی گروه جغرافیا دانشگاه شهید باهنر کرمان

توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها در خیال توسعه پایدار روستاها

مقاله‌ای از دکتر علیجان آبکار، عضو هیئت‌علمی مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی استان کرمان

آینده‌نگری در کشاورزی ایران با نگاه به تغییر اقلیم

گفت‌وگو با پژمان تاج محرابی، مدرس سازمان مدیریت صنعتی استان کرمان

مدیریت هزینه

۱۰



۱۳



۱۶



۱۹



۲۱



۲۲



۲۸



۳۱



۳۲



۳۸



۴۱



۴۴



۴۶



۵۱



۵۴



۵۷





## بازرگانی و خدمات

گفت‌وگو با محسن جلال‌پور، فعال و تحلیل‌گر مسائل اقتصادی

صادرات؛ استوار بر مزیت‌های رقابتی

مقاله‌ای از دکتر حسن ولی‌بیگی، مشاور مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

تجارت جهانی و منطقه؛ جایگاه ایران در تجارت جهانی و منطقه‌ای و چشم‌انداز صادرات غیرنفتی

گفت‌وگو با مهرداد عباد، نایب‌رییس کمیسیون تسهیل تجارت و توسعه صادرات اتاق تهران

نفع دولت یا نفع فعالان اقتصادی

مقاله‌ای از فرشته آب نیکی، کارشناس ارشد مطالعات روسیه، آسیای میانه و قفقاز

ایران و بازارهای بکر روسیه و اتحادیه اقتصادی اوراسیا؛ نگاهی به اتحادیه اقتصادی اوراسیا

یادداشتی از دکتر جهانبخش سنجابی شیرازی، دبیر کل اتاق مشترک بازرگانی ایران و عراق

تجزیه و تحلیل بهره‌وری ایران از فرصت‌های صادراتی عراق در ۵ سال اخیر

گفت‌وگو با محسن وفایی، مدیرعامل منطقه ویژه اقتصادی سیرجان

گام مؤثر برای تشویق سرمایه‌گذاران

مقاله‌ای از دکتر نادر علی‌دادی سلیمانی، باستان‌شناس

جنوب شرق ایران

۶۲



۶۷



۶۹



۷۳



۷۸



۸۰



۸۳



## جامعه

مقاله‌ای از دکتر سوده مقصودی، عضو هیئت‌علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید باهنر کرمان

بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه منطقه‌ای

مقاله‌ای از دکتر اصغر میرفردی، عضو هیئت‌علمی بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه شیراز

توازن نوسازی و نوگرایی در جامعه ایرانی

مقاله‌ای از دکتر محسن صانعی، عضو هیئت‌علمی گروه مهندسی برق دانشگاه شهید باهنر کرمان

هوشمندسازی؛ یک راهکار مناسب برای توسعه شهر کرمان

مقاله‌ای از دکتر محمدرضا رضایی و بهناز شیخ شریعتی کرمانی

کیفیت توسعه شهرنشینی در ایران

مقاله‌ای از دکتر احمد عباس‌نژاد، عضو هیئت‌علمی گروه زمین‌شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

کاهش کمی و کیفی آب‌های زیرزمینی، مسئله اساسی استان کرمان

گفت‌وگو با سروش طالبی اسکندری، دبیر کارگروه سیاست پژوهی اندیشکده آب ایران

پرهیز از حذف سیستماتیک

مقاله‌ای از حسین زراعتکار، کارشناس آب‌های زیرزمینی

سازگاری با کم‌آبی؛ ایده‌ها و واقعیت‌ها

۹۰



۹۲



۹۴



۹۹



۱۰۵



۱۰۹



۱۱۳



## رویدادها

خلاصه‌ای از رویدادهای اتاق در بهار ۱۴۰۲

۱۱۵



## منابع انسانی؛ مزیت رقابتی امروز



### سید مهدی طبیب زاده

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان  
و رئیس شورای سیاست گذاری فصلنامه سپهر اقتصاد کرمان

شنیده شده‌اند. مزیت رقابتی این عصر، تحلیل، تخیل و تفکری است که انسان در اختیار شرکت‌ها و جامعه فرا اطلاعاتی قرار می‌دهد. عصر جامعه صنعتی و تکیه بر ماشین‌آلات و منابع و انحصار دانش، عصری پایان یافته است. از این‌رو با تکثیر دانش به جای انحصار دانش، عصری جدید خلق شده است که نشانه‌های تمرکزگرایی و انبوه‌گرایی را ندارد، بلکه بر توان تحلیل و تفکر استوار است؛ آنچه که از ماشین و هوش مصنوعی انتظار نمی‌رود. بدیهی است که تربیت و داشتن نیروی انسانی توانمند، اصلی‌ترین سرمایه دولت‌ها و شرکت‌ها و فرهنگ سازمانی قلمداد می‌شود. تشکیل Agile Team و چاپک‌سازی با تمرکز بر توسعه مفاهیم انسانی و فاصله گرفتن از وظایف ساده و به اتمام رسیده حقوق و دستمزد، ضرورت سازمان امروز است. حوزه سرمایه‌های انسانی در سکوی پرورش و توسعه استعدادها و بروز توانمندی متمرکز شده است. بدیهی است نیروی انسانی را اگر سرمایه عصر جدید بدانیم، سرمایه‌گذاری بر روی ماشین‌آلات و سرمایه‌های مادی چندان معنادار نیست. سرعت تحولات و انطباق با سرعت نور برابری می‌کند. پس از معرفی هوش مصنوعی عده‌ای، شغل خود را از دست‌رفته می‌دانند و این سؤال ایجاد می‌شود که با تمرکز بر چه ویژگی‌های انسانی می‌توان با این ابزار مواجه شد؟ جواب ساده، اما پیچیده است! انسان دارای تحلیل، تخیل و تفکر، انسان جهان آینده و سازمان مدرن است. از این‌رو تمرکز بر روی شکوفایی انسان‌ها

چه چیزی اهمیت منابع انسانی را به موضوع روز دنیا تبدیل کرده است؟ رقابت کشورها برای جذب نیروی کار متخصص در قالب برنامه‌های مهاجرتی و ترسیم آینده‌ای مؤثر از فرار نخبگان فراتر رفته است و به برنامه‌ریزی برای جذب منابع انسانی سایر کشورها حتی در سطوح کارشناسی تبدیل شده است. از سوی دیگر، بحث محافل علمی، بلعیده شدن مشاغل توسط هوش مصنوعی است. باید پرسید که دقیقاً چه چیزی منابع انسانی را به مفهومی مدرن تبدیل کرده است؟ موضوع روز دنیا که فرای علم مدیریت، ریشه‌های آن در سیاست‌گذاری، روانشناسی، جامعه‌شناسی و حتی فلسفه و معنا نقش بسته است. شاید بتوان بخشی از این اهمیت تمرکز بر روی نیروی انسانی را در تغییراتی دانست که سرعت رخدادها را تشدید کرده است. سرعت تغییرات و دگرگونی‌ها در سطح جهانی، تحول جدیدی را وارد عرصه مدیریت نموده است که به تعبیر الوین تافلر غیرقابل باور است؛ از عصر کارخانه‌های سر به فلک کشیده و غول‌آسا به عصر فرا اطلاعاتی با شرکت‌های کوچک، اما قدرتمند رسیده‌ایم که خبر از ظهور موج جدید می‌دهد. موجی که متعلق به منابع تکنولوژیک و متنوع‌تر است. لازمه رقابت در این موج جدید، اطلاعات و قوه‌ی تخیل است. قدرت تخیل، تفکر و تحلیل براساس فرصت‌هایی که کمتر

به معنای ساختن تیم‌های مناسب آینده است. مدیرانی که بتوانند تیم‌های مؤثری خلق و هدایت کنند، مزیتی رقابتی محسوب می‌شوند. روندهای جهانی ایجاب می‌کند که متخصصان منابع انسانی نیز دستخوش تغییر رویکرد شوند و از تعریف استراتژی‌های از بالا به پایین بر تقویت اعتماد، تعلق و توسعه نیروی انعطاف‌پذیر متمرکز شوند. در واقع بهبود فرهنگ سازمانی و ارتقای مهارت‌های نرم می‌تواند زنجیره پرورش نیرو را تکمیل کند. هرچند این مسیر را بایستی ادامه تربیت نسلی دید. خانواده و تغییرات ارزشی و آموزش و پرورش نوآور قطعاً آغازگران و تسهیل‌گران مسیر توسعه توانمندی‌های سازمانی هستند. از این‌رو بارها مطرح شده است که ایجاد ارزش‌افزوده سازمانی از مسیری بلندتر می‌گذرد. ♦♦

# انتخابات دهمین دوره هیئت نمایندگان اتاق کرمان برگزار شد

جبالبارزی خزانهدار و آرش علوی به‌عنوان دبیر انتخاب شدند.

همچنین در این نشست نمایندگان اتاق کرمان، در هیئت نمایندگان اتاق ایران به شرح ذیل انتخاب شدند:

حامد بدرآبادی، مجید حجت نوقی، سید آرش علوی، محمدرضا بهرامی، محمدعلی محمدمیرزائیپان، محمد افشاری پور، حمید عزت‌آبادی پور، علی نقوی، عباس جبالبارزی، جلیل کاربخش راوری، سیدمحمدرضا ترابی موسوی، سیدمهدی طیب زاده و محسن ضرابی. در ادامه بر اساس مصوبه هیئت‌ریسه اتاق کرمان، روسای ۴ دفتر اتاق کرمان در شهرستان‌های استان برای دوره دهم فعالیت هیئت نمایندگان به شرح ذیل معرفی شدند: محمد افشاری پور؛ رییس دفتر جنوب استان (به مرکزیت جیرفت)، محمد صالحی؛ رییس دفتر سیرجان، مجید حجت نوقی؛ رییس دفتر رفسنجان و حامد بدرآبادی؛ رییس دفتر شرق استان (به مرکزیت بم).

محمدرضا بهرامی با ۱۵۱ رأی به‌عنوان ۵ نفر برگزیده انتخاب شدند.

همچنین در گروه صنعت، محمدعلی محمدمیرزائیپان با ۱۹۳ رأی، محمد افشاری پور با ۱۵۵ رأی، حمید عزت‌آبادی پور با ۱۵۲ رأی، علی نقوی با ۱۴۵ رأی و عباس جبالبارزی سربیزن با ۱۰۹ رأی ۵ نفر انتخاب شدند.

در گروه کشاورزی نیز مظفر محمدی با ۱۷۵ رأی، جلیل کاربخش راوری با ۱۵۴ رأی و سید محمدرضا ترابی موسوی با ۱۰۵ رأی سه نفر منتخب این گروه شدند.

در گروه معدن نیز سیدمهدی طیب زاده با ۱۸۷ رأی و محسن ضرابی با ۱۵۶ رأی انتخاب شدند. در ادامه در نخستین نشست هیئت نمایندگان دوره دهم فعالیت اتاق کرمان، اعضای هیئت‌ریسه این اتاق برای دوره مذکور انتخاب شدند.

بر این اساس سیدمهدی طیب زاده رییس، حمید عزت‌آبادی پور نایب‌رییس اول، محمدرضا بهرامی نایب‌رییس دوم، عباس

انتخابات دهمین دوره هیئت نمایندگان اتاق کرمان هم‌زمان با انتخابات اتاق‌های سراسر کشور، با سخنرانی سیدرضا فاطمی‌امین، وزیر صنعت، معدن و تجارت و سخنرانی آنلاین غلامحسین شافعی، رییس اتاق ایران که در اتاق مشهد حضور داشت، ساعت ۸ صبح ۲۰ اسفندماه ۱۴۰۱ آغاز شد و با یک ساعت تمدید تا ساعت ۱۹ ادامه یافت.

در این انتخابات ۶۷۲ نفر واجد شرایط رأی دادن بودند که ۳۲۴ نفر معادل ۴۸،۲۱ درصد اعضا در انتخابات شرکت کردند.

۱۵ منتخب این انتخابات شامل ۲ نفر از گروه معدن، ۳ نفر از گروه کشاورزی، ۵ نفر از گروه صنعت و ۵ نفر از گروه بازرگانی که بیشترین آراء را کسب کردند به شرح ذیل در جمع هیئت نمایندگان دهمین دوره فعالیت اتاق کرمان قرار گرفتند.

در گروه بازرگانی حامد بدرآبادی با ۱۸۵ رأی، مجید حجت نوقی با ۱۷۵ رأی، محمد صالحی با ۱۷۳ رأی، سیدآرش علوی با ۱۶۸ رأی و





## هیئت نمایندگان دوره دهم اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان



محمد رضا بهرامی



حمید عزت آبادی پور



سید مهدی طبیب زاده



محسن ضرابی



آرش علوی



عباس جبالبارزی



جلیل کاربخش



سید محمد رضا ترابی موسوی



محمد علی محمد میرزائیان



محمد افشاری پور



مظفر محمدی



علی نقوی



محمد صالحی



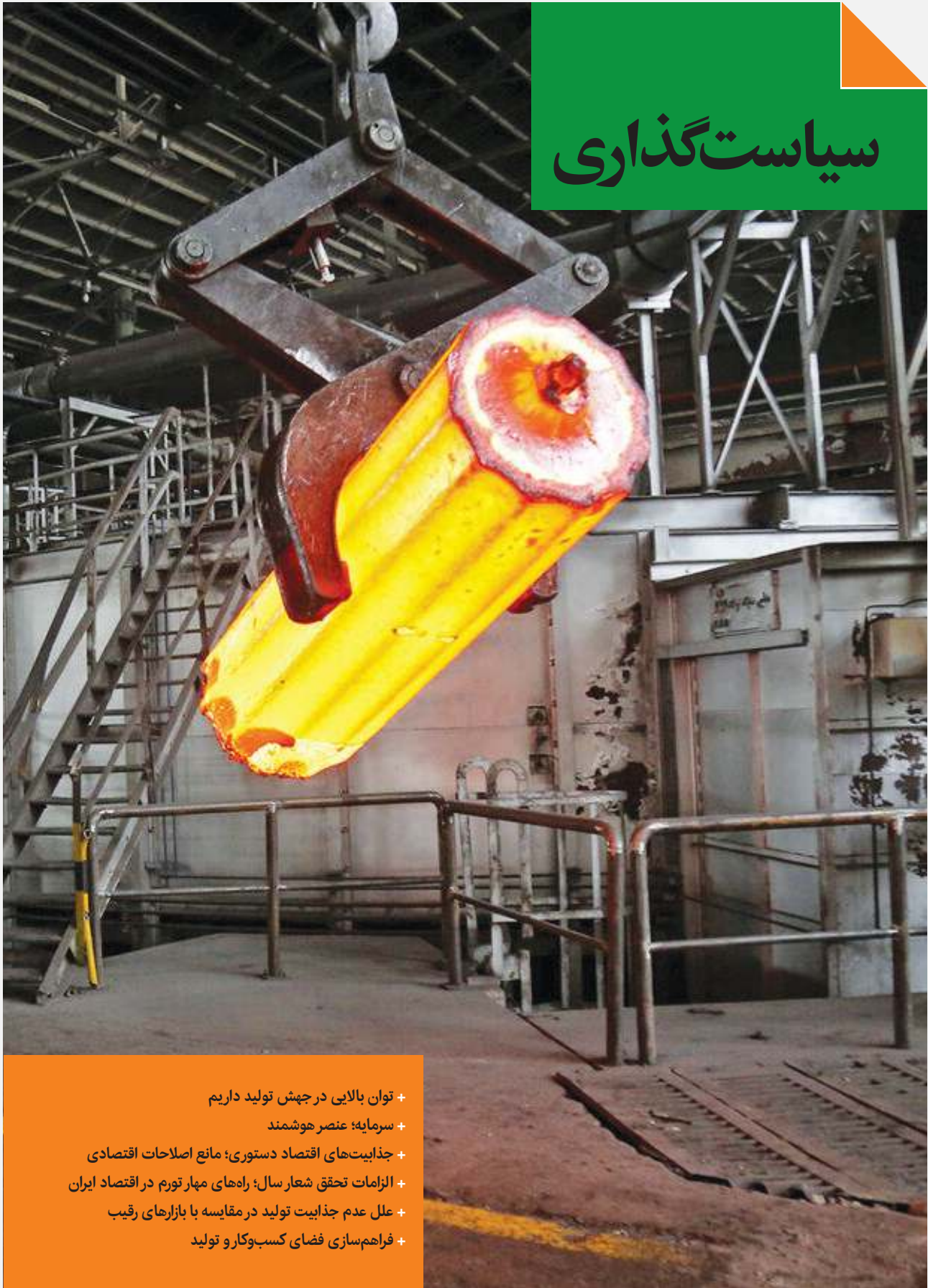
مجید حجت نقوی



حامد بدرآبادی

«سپهر اقتصاد کرمان» برای منتخبین اعضای اتاق، آرزوی سلامتی و کسب موفقیت‌های مطلوب و درخشان را دارد

# سیاست‌گذاری



- + توان بالایی در جهش تولید داریم
- + سرمایه؛ عنصر هوشمند
- + جذابیت‌های اقتصاد دستوری؛ مانع اصلاحات اقتصادی
- + الزامات تحقق شعار سال؛ راه‌های مهار تورم در اقتصاد ایران
- + علل عدم جذابیت تولید در مقایسه با بازارهای رقیب
- + فراهم‌سازی فضای کسب‌وکار و تولید





گفت وگو با دکتر «یونس ژائله» رییس اتاق تبریز

## توان بالایی در جهش تولید داریم

شاه کلید اصلی رشد تولید، بازار است. این که محصولی در بازار مشتری کمی دارد، ناشی از دو عامل درونی و بیرونی؛ بی کیفیت و قیمت تمام شده و کیفیت سیاستها و دستورالعملهای دولتی است. محصولی باید تولید شود که در بازارهای داخلی و خارجی مشتری داشته باشد؛ سرمایه این نوع کسبوکار، خودبه خود تضمین شده است. منابع کشور باید به جایی تخصیص یابد که ارزش افزوده بالاتر و تولید ثروت بیشتری ایجاد کند؛ چه در حوزه تولید و چه در حوزه تجارت که پیشران بخش تولید است. بخش خصوصی بسیار فعال، قوی و بانگیزه‌ای در کشور وجود دارد که باید فضا برای فعالیت آن آماده شود. در شرایط فعلی که بنگاه‌هایمان هنوز به اندازه کافی برای تنظیم مکانیزم بازار به بلوغ نرسیده‌اند، نمی‌توانیم بازار را به حال خود رها کنیم. دولت باید مسیر حمایتی را ادامه دهد.

دکتر یونس ژائله، رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز در ادامه به سؤال‌های ما پاسخ داده است.



علت نرخ رشد نقدینگی بانک‌های ما و فشاری که برای پرداخت سود سپرده‌ها (بدون وجود درآمدهای واقعی) دارند، است که باعث افزایش نرخ رشد نقدینگی در کشور می‌شود. در این زمینه سیاست‌های بانک مرکزی و مجلس در عمل نتوانسته است، موجب حفظ و ثبات بازار ارز در کشور شود. دولت و بانک مرکزی باید نرخ افزایش نقدینگی را کنترل کنند، اما به دلیل عدم موفقیت در این مهم، طی چند سال گذشته شاهد کاهش شدید ارزش پول ملی هستیم. منابع بانکی عملاً در اختیار حوزه صنعت نیست و باید به سمت تولید و تجارت سوق داده شود تا ارزش افزوده به کشور بازگردد. در حقیقت هزینه‌های ما بیشتر از درآمدهایمان است و کسری بودجه و عدم استفاده از منابع، باعث می‌شود شاهد افزایش هنگفت هزینه‌ها باشیم.

#### ◆ بهبود شرایط مالی حوزه تولید چگونه میسر می‌شود؟

ما در ابتدا باید برای هر تولید برنامه داشته باشیم و ببینیم آیا اصلاً این تولید را باید انجام بدهیم یا نه؛ یعنی باید دید در قبال یک محصول، پولی به کشور بازمی‌گردد یا نه؟! محصولی باید تولید شود که چه در بازارهای داخلی و چه در بازارهای خارجی مشتری داشته باشد. سرمایه‌ی این نوع کسب‌وکار خودبه‌خود تضمین شده است. ما باید بر اساس منابع هفت هزار

درصدی به دست بیاورند، چرا که در بخش تولید ما نمی‌توانیم به این سود برسیم. مورد دیگر این‌که اقتصاد ما ثبات ندارد و این امر خطرناک است؛ عدم ثبات اقتصادی باعث می‌شود که سرمایه‌گذاری در کشور به صفر برسد، لذا ثبات و امنیت اقتصادی مهم‌ترین شاخصه‌های تولید هستند. اگر ثبات باشد، اما سرمایه‌گذار از امنیت اقتصادی برخوردار نباشد، به‌طور حتم دچار مشکل خواهد شد.

#### ◆ چرا در کشور کسی را نداریم که بتواند بنگاه‌های بزرگ اقتصادی و صنعتی ایجاد کند؟

چه کسی می‌گوید، نداریم! در ایران بخش خصوصی بسیار فعال، قوی و با انگیزه‌ای وجود دارد. فقط کافی است تا فضا را برای فعالیت این افراد آماده کنیم. اکنون وقت امتحان نیست، بلکه زمان آن است که به شرکت‌هایی که امتحان خود را پس داده‌اند، اعتماد کنیم.

#### ◆ چرا با وجودی که نقدینگی زیاد است و از رشد بالایی هم برخوردار است، به میزان لازم در دست تولیدکنندگان نیست؟

این را باید از بانک مرکزی سؤال کنیم. بانک مرکزی باید با تشدید نظارت و سخت‌گیری بر بانک‌ها، آن‌ها را ملزم کند تا منابعی را که مصوبه مجلس است، تقسیم و در اختیار واحدهای تولیدی قرار دهند.

#### ◆ علت اینکه نرخ رشد نقدینگی در کشور از نرخ رشد تولید بیشتر است، چیست؟ و تأثیر متقابل این دو شاخص چه می‌باشد؟

مشکل اصلی ما این است که به هیچ وجه در کشور ثبات اقتصادی نداریم. این امر انگیزه سرمایه‌گذاری و مدرنیزه کردن کارخانجات را از صاحبان آن گرفته است. با افزایش متوالی نرخ ارز، سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند پول خود را در این قسمت بخواه‌باند تا در آینده، سود ۵۰ درصدی به دست بیاورند، چرا که در بخش تولید ما نمی‌توانیم به این سود برسیم.

#### ◆ چرا توان جهش تولید را نداریم، شاه کلید

##### اصلی رشد تولید در کشور چیست؟

با این گفته که «ما توان جهش تولید را نداریم» موافق نیستیم. اتفاقاً برعکس، از توان بالایی در این زمینه برخورداریم. از نظر من این جملات منفی، واقعیت‌های اقتصادی کشور ما نیستند. ما اکنون جهش تولید داریم و در آینده قطعاً بیشتر هم خواهد شد. این را می‌توان با یک نگاه ساده به اعداد و ارقام روشن شرکت‌های بورسی مشاهده کرد. بسیاری از این شرکت‌ها در سال‌های اخیر سودده و درآمدزا بوده‌اند.

شاه کلید اصلی رشد تولید، «بازار» است؛ تولید زمانی می‌تواند رشد کند که بازار، کشش خرید کالای شما را داشته باشد، همین امر می‌تواند باعث رشد تولید شود. اگر شما محصولی را تولید کنید که بازار به آن نیاز ندارد، طبیعتاً محصول شما به‌مرور از بین خواهد رفت و به‌مرور انگیزه برای ادامه‌ی کار وجود نخواهد داشت، اما اگر بازار مناسب برای کالاهای تولیدی وجود داشته باشد، به دنبال آن شاهد رشد و حرکت خواهیم بود. مسئله بعدی این است که ما باید بررسی کنیم که چرا در بازار، محصولی مشتری کم دارد. بایستی عوامل دخیل در این راستا ریشه‌یابی شود. در این زمینه می‌توان به دو عامل درونی و بیرونی اشاره کرد؛ عامل درونی به بی‌کیفیتی و قیمت تمام شده‌ی محصول ما بازمی‌گردد و این‌که آیا این محصول در بازار جهانی تقاضا دارد یا نه، اما عوامل بیرونی در واقع ناشی از سیاست‌ها و دستورالعمل‌های دولت است که در زمینه‌ی کسب‌وکار تأثیرگذار است. در این رابطه سیاست‌های دولت می‌تواند با ایجاد محدودیت به سرکوب یک مجموعه‌ی تولیدی انجامیده یا برعکس با حمایت‌های ویژه از یک محصول، آن را به شکوفایی برساند. بنابراین دولت باید سیاست‌های خود را برای تمام تولیدکنندگان به‌گونه‌ای تنظیم کند تا یک گروه چاق و گروه دیگر لاغر نشود. مشکل اصلی ما این است که به هیچ وجه در کشور ثبات اقتصادی نداریم. این امر انگیزه سرمایه‌گذاری و مدرنیزه کردن کارخانجات را از صاحبان آن گرفته است. با افزایش متوالی نرخ ارز، سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند پول خود را در این قسمت بخواه‌باند تا در آینده، سود ۵۰



## ◆◆ مکانیزم بازار چه تأثیری بر تولید دارد و الزامات طراحی نظام اقتصادی - اجتماعی بازار در کشور چیست؟

واقعیت این است که بنگاه‌های ما هنوز به اندازه کافی برای تنظیم مکانیزم بازار به بلوغ نرسیده‌اند و در صورت رهاسازی بازار، مشکلات عدیده‌ای پیش خواهد آمد. در شرایط فعلی (اقتصاد تحریمی و در حال جنگ) ما نمی‌توانیم بازار را به حال خود رها کنیم؛ چرا که بنگاه‌های ما آسیب می‌بینند. دولت باید فعلاً مسیر حمایتی را ادامه دهد تا با افزایش صادرات و مقبولیت کالاهای ایرانی در بازارهای جهانی، بعدها این امر محقق شود.

## ◆◆ در دوره‌های مختلف بر مصرف کالای وطنی تأکید شده است، اما در عمل به اندازه کافی چه توسط مردم و چه از طرف دستگاه دولتی و غیردولتی، مورد توجه قرار نگرفته است، به نظر شما علت چیست؟

تولیدکنندگان داخلی هر جایی که مشکل کیفیت، قیمت و توزیع داشته‌اند، طبیعتاً بازار را از دست داده‌اند و این امر فقط ناشی از ضعف کالای ایرانی بوده و به عوامل دیگر مربوط نبوده است؛ در این شرایط مردم محصولات تولیدی ایرانی را پس زده‌اند.

شما باید بتوانید یک محصول با کیفیت جهانی، اما با قیمت مناسب در بازار عرضه کنید. در این صورت مردم برای خرید این محصول صف می‌بندند، اما زمانی که تولیدکننده این مراحل را طی نکرده است، نباید انتظار داشته باشد که از محصولات داخلی حمایت شود. حمایت از تولید داخلی به معنی خرید جنس بنجل و بی‌کیفیت نیست. مردم باید جنس باکیفیت بخرند و اگر نتوانیم این محصولات باکیفیت را تولید کنیم، باید بازار را باز بگذاریم تا محصولات خارجی کشور وارد شوند.

سخن آخر، این یک ضرورت است که برای هر یک از کالاهای تولیدی باید زنجیره‌ی تولید و نقشه راه تعریف شود، در این صورت است که بخش خصوصی می‌تواند موفق شود و گرنه با حرکت‌های جزیره‌ای قطعاً با شکست مواجه خواهد شد. ◆◆

منابع بانکی عملاً در اختیار حوزه صنعت نیست و باید به سمت تولید و تجارت سوق داده شود تا ارزش افزوده به کشور بازگردد. در حقیقت هزینه‌های ما بیشتر از درآمد هایمان است و کسری بودجه و عدم استفاده از منابع، باعث می‌شود شاهد افزایش هنگفت هزینه‌ها باشیم.

## ◆◆ عوامل کلیدی برای افزایش بهره‌وری و اثربخشی سرمایه‌گذاری در بخش مولد کشور را چه می‌دانید؟

همان‌طور که می‌دانید، منابع کل کشور ما هفت هزار همت است و این منابع باید در جایی تخصیص یابد که ارزش افزوده بالاتر و تولید ثروت بیشتری ایجاد کند، چه در حوزه تولید و چه در حوزه تجارت که به‌عنوان لوکوموتیو و پیشران، بخش تولید را به گردش درمی‌آورد. در صورتی که ما در بخش تجارت، لوکوموتیوهای قوی ایجاد کنیم که بتواند کالای تولید شده در ایران را تحت نظر، تولید و در جهان عرضه کند، در این صورت موفق می‌شویم. باین‌حال اکنون مدتی است که مقوله صادرات چندان مورد توجه قرار نگرفته است؛ یعنی بودجه‌ای که در بانک‌ها برای صادرات در نظر گرفته شده است، به اندازه کافی نیست. ما باید ببینیم برای خریداران محصولات ایرانی چه برنامه‌ای داریم و در این زمینه اعتبار تخصیص دهیم.

واقعیت این است که در کشور تاکنون قدم چندان مؤثری برای توسعه صادرات صورت نگرفته است، ما اگر می‌خواهیم صادرات ۱۰۰ میلیارد دلاری داشته باشیم، باید حداقل برای این کار ۲۰ میلیارد دلار (معادل یک‌هزار همت) اعتبار در نظر بگیریم. این منابع را در اختیار صادرکنندگان بگذاریم تا بتوانند مواد اولیه موردنیاز محصول خود را تأمین و پس از آن، از قبل صادرات کالاهای خود، به کشور ارز تزریق کنند. بانک‌ها باید به صادرکنندگانی که امتحانشان را پس داده‌اند، اعتماد کنند. در این صورت است که می‌توانیم شاهد افزایش فروش محصولات ایرانی در بازار جهانی باشیم.

همتی کشور، نقشه راه تعریف کنیم و ببینیم به چه میزان و به کدام تولید باید بیشتر توجه شود. تدوین برنامه‌ی جامع توسعه کشور از لحاظ افزایش تولید، بهره‌وری، صادرات و غیره بدون تنظیم و تقسیم منابع کشور ممکن نیست. به همین منظور ضروری است تا نرم‌افزار جامعی تدوین شود که به‌وضوح نشان دهد کدام بخش به چه میزان ارزش افزوده وارد کشور کرده است؛ به عبارت ساده‌تر باید به درختی که میوه بیشتری می‌دهد، کود بدهیم. برای درختی که خشکیده هر اندازه هم هزینه کنیم، زنده نمی‌شود.

وقتی شما کالایی با کیفیت مناسب تولید می‌کنید و محصول قابل‌قبول به بازار عرضه می‌شود، به‌مرور زمان با پوشش نقاط ضعف و خرید ماشین‌آلات مجهزتر، فروش بیشتر می‌شود. همچنین با به حداقل رسیدن ضایعات و افزایش استفاده از نیروی ماهر و باسواد، بسته‌بندی مناسب و قیمت مناسب، زمینه افزایش خط تولید فراهم می‌شود و در این صورت شرکت‌های ایرانی می‌توانند، جزء چندین برند برتر دنیا شوند.

تصور کنید ما در فضای کسب‌وکار ماشین‌آلات، ثبات اقتصادی و مواد اولیه به اندازه کافی داریم، اما اگر به مؤلفه‌ی نیروی انسانی ماهر و باانگیزه توجه نکنیم، باز هم شکست خواهیم خورد. عدم تناسب بین افزایش درآمد نیروی انسانی با میزان تورم و به عبارتی سرکوب درآمدی، انگیزه کار را از نیروی انسانی می‌گیرد، در این صورت ما نمی‌توانیم فرصت و هزینه کافی برای افزایش مهارت و آموزش نیروی کار داشته باشیم، در نتیجه تمام نقشه‌های راه ما از بین می‌رود.

واقعیت این است که بهترین ماشین‌آلات، امکانات و بازار، بدون وجود نیروی انسانی باانگیزه بی‌تاثیر است. کارگری که فکر نان شب و خوراک و پوشاک فرزندش است، نمی‌تواند برای کارخانه مفید واقع شود. بنابراین نیروی انسانی باید از اولویت‌ها باشد و خواسته‌های آن تأمین شود، اگر نیروی کار از درآمد خود راضی نباشد، برای کسب درآمد بیشتر به کشورهای همسایه مثل عراق مهاجرت می‌کند.

گفت‌وگو با دکتر «فاطمه مقیمی» فعال اقتصادی و رییس اتاق مشترک ایران و گرجستان

## سرمایه؛ عنصر هوشمند

دکتر فاطمه مقیمی فعال اقتصادی و رییس اتاق بازرگانی مشترک ایران و گرجستان، مولدسازی را تبدیل یک حالت راکد به یک پتانسیل، تعریف می‌کند و معتقد است که در این امر علاوه بر حمایت‌های مادی و مدیریتی باید حمایت‌های قانونی وجود داشته باشد که اگر حمایت‌های قانونی بتواند نقش خود را به‌درستی ایفا کند، قطعاً منجر به یک بلوغ انتقالی و ارتقای جایگاه خواهد شد. برای مولدسازی، ابتدا باید بستر لازم فراهم باشد؛ وقتی نمی‌توان یک نرخ ثابت و یا یک شاخص را در بازار حفظ کرد، مولدسازی و ارتقای تولید نافرمام می‌ماند. بخش خصوصی که به دلیل عدم حمایت قانونی ضعیف‌تر شده، زمانی اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کند که از سود خود مطمئن باشد، در غیر این صورت، دلیل و انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری ندارد. همچنین در قیمت‌گذاری دارایی‌ها و بنگاه‌های دولتی در معرض واگذاری، نمی‌توان قیمتی گذاشت که قابل‌محاسبه و دارای توجیه اقتصادی نباشد. بلکه بایستی به نحوی قیمت‌گذاری انجام شود تا سرمایه که یک عنصر هوشمند است در جای خود بنشیند و بازده داشته باشد. پیشنهاد او، شناسایی تمام نقاط قوت و ضعف طرح، بازنگری، واکاوی و ارزش‌گذاری منطقی با توجه به شاخص‌های صحیح اقتصادی و انتخاب درست متقاضیان در انتظار شکل‌گیری موفقیت‌گام‌به‌گام این طرح است.



تفکر مدیریتی که در مجموعه دوم وجود دارد ترکیب شوند و در نتیجه یک اشتغال ممتد و روزافزون را ایجاد کنند، اما متأسفانه بعد از مدتی مشخص شد نه آن بنگاه دولتی موفق بوده و نه تشخیص واگذاری صحیح انجام شده است؛ بنابراین بایستی متولیان این امر بازنگری در مقررات و نحوه واگذاری‌ها و شرایط و چارچوب تخصیص را در اولویت قرار دهند.

### ♦♦ شما چه تعریفی از مولدسازی دارایی‌های راکد دولتی ارائه می‌نمایید؟

به اعتقاد من مولدسازی، تبدیل حالت راکد یک پتانسیل است. اگر هدف مولدسازی فقط راه‌اندازی یک سیستم که آهسته و پیوسته حرکت کند باشد، کافی به مقصود نیست. مولدسازی در واقع با یک پتانسیل جهشی اولیه با زیرساخت مزایایی که وجود دارد شکل می‌گیرد. اگر قرار بر این است که مولدسازی در یک بخش شکل گیرد، علاوه بر حمایت‌های مادی و مدیریتی باید حمایت‌های قانونی وجود داشته باشد و اگر حمایت‌های قانونی بتوانند نقش خود را درست ایفا کنند، قطعاً منجر به یک بلوغ انتقالی و ارتقای جایگاه خواهد شد.

### ♦♦ مهم‌ترین چالش‌های امر خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی در طرح خصوصی‌سازی از پروسه قیمت‌گذاری تا واگذاری چه بوده است؟

در کشور ما سازمان خصوصی‌سازی با تدوین یک چارچوب قانونی برای امر خصوصی‌سازی تشکیل شد و بر این اساس به‌ظاهر کار پیش رفت، اما اجرای خصوصی‌سازی یک امر موفق نبود، متأسفانه ارزش‌گذاری و قیمت‌گذاری روی مجموعه‌ها با در نظر گرفتن ارزش واقعی آنها شکل نگرفت. در فراخوانی که انجام شد در اکثر بخش‌ها ما شاهد حضور فرهیختگان متخصص و متقاضی راه‌اندازی یک بخش خصوصی خاص در یک بنگاه بخش دولتی نبودیم؛ به عبارتی یا فراخوان کامل نبود یا تشخیص اولویت واگذاری‌ها به‌درستی انجام نشد.

لذا ما امروز می‌بایست شاهد بنگاه‌های بخش دولتی باشیم که بتوانند با وجود تمام زیرساخت‌های اولیه به یک غول صنعتی مطمئن تبدیل شوند و در عرصه فعالیت، با یک بخش خصوصی غالب که اطلاعات کافی برای رشد سازمانی دارد تلفیق گردند و با سرمایه خودشان و سرمایه انسانی و

### ♦♦ به نظر شما الزامات و شرایط موفقیت طرح مولدسازی چیست؟

یکی از مهم‌ترین موارد، مدیریت توانمند مجموعه قابل رشد است. دومین مسئله زیرساخت قانونی است؛ یعنی اگر قرار است خُلق و فُرجی در مسائل قانونی وجود داشته باشد و ارتقاء با یک سد شیشه‌ای یا سد انتقالی همراه با عدم امکان رشد قانونی روبه‌رو باشد، قطعاً نمی‌تواند مجموعه موفق باشد؛ یعنی بازخورد این امر در عمل



## ◆ به نظر شما آیا بخش خصوصی به لحاظ مالی توان خرید دارایی‌های در معرض مولدسازی را دارد و می‌تواند این حجم از سرمایه‌گذاری را انجام دهد؟

به اعتقاد من سرمایه یک عنصر هوشمند است، سرمایه جایی می‌رود که برگشت منطقی پول در گردش خود را داشته باشد. این‌که ما بگوییم بخش خصوصی امکان خرید دارایی‌ها را دارد یا ندارد، برمی‌گردد به این‌که بخش خصوصی در طول یکی دو دهه اخیر به اندازه کافی ضعیف شده است. بخش خصوصی دل‌نگران است چون امنیت لازم برای سرمایه‌گذاری را احساس نمی‌کند. به عبارت دیگر بخش خصوصی واقعی در ایران چند درصد وجود دارد؟ شرکت‌های میانه بخش دولتی و بخش خصوصی بیشتر قوت و قدرت گرفته‌اند. بخش خصوصی ما به دلیل عدم حمایت قانونی ضعیف‌تر شده و زمانی سرمایه‌گذاری می‌کند که از برگشت سود خود مطمئن باشد، در غیر این صورت دلیل و انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری ندارد. برای مثال صنعت ساختمان را در نظر بگیرید، در صنعت ساختمان میزان سرمایه‌گذاری که امروز اتفاق می‌افتد با سرمایه‌گذاری که دو سال پیش صورت گرفته آیا یکی است؟ وقتی نمی‌توان نرخ تمام‌شده مصالح ساختمانی (سیمان، تیرآهن، سرامیک، لوازم بهداشتی، آجرنما و ...) را که انتظار است از تولید داخلی مصرف شود، ثابت نگه داشت، بازار گسیخته اتفاق می‌افتد؛ یعنی اگر قرار باشد ساختمان به متری دو تومان ساخته شود، این ساختمان به نرخ ۲ به اضافه ایکس تومان که هیچ‌وقت مشهود نیست تمام می‌شود و نمی‌توان برای آن برنامه‌ریزی کرد.

مسئله دوم این‌که فقط این موضوع نیست که اگر من گران‌تر خرید می‌کنم، گران‌تر هم می‌فروشم، خیر چون زمان یکی از فاکتورها و عوامل این ماجرا است. اگر قرار باشد یک سرمایه در طول زمان مشخص برگشت داده شود، در صورت طولانی شدن زمان، در واقع ضرر متوجه



منحصر به قیمت ارز بین‌المللی است که زیرساخت مواد اولیه آن تولید است. گفته می‌شود نرخ ماشین بالا می‌رود، چرا این اتفاق رخ می‌دهد؟ دلیل این است که مواد اولیه ساخت تجهیزات ماشین وارد کشور می‌شود، اما با چه نرخ ارزی؟ ارز ۴۲۰۰ تومانی، ۲۴۰۰۰ تومانی، ۴۲۰۰۰ تومانی یا ۵۵۰۰۰ تومانی؟! چطور می‌توان این ثبات قیمت را نگه داشت؟ این امر جز با استفاده از یک اقتصاد سالم برنامه‌ریزی شده امکان‌پذیر نیست.

به اعتقاد من مولدسازی، تبدیل حالت راكد يك پتانسیل است. اگر هدف مولدسازی فقط راه‌اندازی یک سیستم که آهسته و پیوسته حرکت کند باشد، کافی به مقصود نیست. مولدسازی در واقع با یک پتانسیل جهشی اولیه با زیرساخت مزایایی که وجود دارد شکل می‌گیرد. اگر قرار بر این است که مولدسازی در یک بخش شکل گیرد، علاوه بر حمایت‌های مادی و مدیریتی باید حمایت‌های قانونی وجود داشته باشد و اگر حمایت‌های قانونی بتوانند نقش خود را درست ایفا کنند، قطعاً منجر به یک بلوغ انتقالی و ارتقای جایگاه خواهد شد.

اتفاق نمی‌افتد و در این رشد ممانعت نیز شکل می‌گیرد.

## ◆ در شرایط فعلی فضای کسب‌وکار ایران که بخش مولد اقتصاد کشور درست کار نمی‌کند، امر مولدسازی را چقدر موفق می‌دانید؟

مولدسازی فقط به کلام نیست. ابتدا باید شاخصه‌ها شکل بگیرد. زمانی که من نوعی بخواهم تولیدی را انجام دهم، ولی چارچوب مواد اولیه الزام آن تولید فراهم نباشد، چطور ممکن است انتظار تولید خوب و مطلوب بازار را داشته باشم. جدای از بازار بین‌المللی در بازار داخلی نیز مواردی مثل سلیقه مشتری، حضور در بازار و انتخاب یک کالا را باید در نظر گرفت. اگر بهترین کالا تولید شود، ولی هرکدام از شرایط مثل تبلیغات خوب، بسته‌بندی مناسب، خدمات پس از فروش و ... وجود نداشته باشد، باعث می‌شود مولدسازی، تولید و ارتقای که انجام داده‌اید، نافرجام باقی بماند.

در مجموع برای مولدسازی ابتدا باید بستر لازم فراهم باشد. وقتی در اقتصاد نمی‌توان یک نرخ ثابت یا یک شاخص را در بازار حفظ کرد، میزان تورم قابل کنترل نیست. نمی‌توان نرخ ارز ملی و بین‌المللی را در یک‌روند طبیعی حفظ کرد، تولید داخل

و بازده داشته باشد. چنان‌چه واگذاری‌ها توجیه اقتصادی داشته باشد، روند واگذاری هم با مطلوبیت درخواست‌کننده شکل می‌گیرد. در غیر این صورت اگر قوانین، عدم وجود امکانات و نیروی متخصص مانع شود و برخلاف آن چیزی که ایده‌آل است پیاده شود، طبیعتاً قیمت‌گذاری منجر به ضرر و زیان خواهد شد.

### ♦♦ به نظر شما چرا خصوصی‌سازی گسترده در کشور معطل است؟

دلیل معطلی خصوصی‌سازی این است که این طرح از نظر تخصصی با ابزارهای حرفه‌ای جلو نرفته است و مواردی هم که با این طرح جلو رفته‌اند، پاسخ مناسب نگرفته‌اند. در حال حاضر ما در کشور نمونه خصوصی‌سازی موفق چه تعداد داریم که آن‌ها را الگوی سایرین قرار دهیم و آن‌ها را به‌عنوان شاخص در نظر بگیریم و دیگر سرمایه‌گذاران را تشویق به سرمایه‌گذاری نمایند. اگر توانستیم چنین چارچوبی را تهیه و سرمایه‌گذاری از آن را حمایت کنیم و بازخورد مطلوبی را ارائه نماییم، در نتیجه این امر می‌تواند نقشه راهی برای سایرین باشد که بدون دغدغه به سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی ورود پیدا نمایند.

### ♦♦ در کل چالش‌های فرا راه طرح مولدسازی دارایی‌های راکد دولت چیست و برای موفقیت این طرح چه پیشنهادهایی ارائه می‌نمایید؟

پیشنهاد من شناسایی تمام نقاط قوت و ضعف این طرح و بازنگری، واکاوی و ارزش‌گذاری بر مبنای منطق با شاخص‌های صحیح اقتصادی است و انتخاب افرادی که متقاضی دریافت مجموعه‌های راکد دولتی هستند به‌درستی شکل بگیرد نه به‌صرف اینکه کسی پول بدهد و این سرمایه‌گذاری را انجام دهد، بلکه چهارچوب‌ها باید درست باشد. در آن صورت می‌توان انتظار داشت که امر خصوصی‌سازی گام‌به‌گام در مورد یک سازمان با موفقیت شکل بگیرد. ♦♦

وجود دارد که همزمان و در طی اجرای طرح، وضعیت با طرح اولیه مقایسه و انحراف از آن به هر علتی و با توجه به شرایط غیر پیش‌بینی شده که به وجود می‌آید محاسبه و SWOT آن مشخص می‌شود، اما در مواردی شاید مجبور به ایجاد عمده نقطه انحرافی در یک‌روند مطالعاتی شویم که به آسیب‌های دیگر نرسیم.

### ♦♦ پیشنهاد شما برای مלאک واگذاری منطقی در طرح مولدسازی بویژه قیمت‌گذاری دارایی‌ها و بنگاه‌های دولتی در معرض مولدسازی چیست؟

اول این‌که قرار نیست ارزش‌گذاری و قیمت‌گذاری بنا به خواسته دل دیگران صورت پذیرد، به‌قول معروف می‌گویند «مادرت رو چند می‌فروشی، می‌گویی یک قیمتی که نتوانی بخری!»، یعنی نمی‌شود قیمتی گذاشته شود که قابل‌محاسبه و توجیه اقتصادی نباشد؛ به عبارتی بایستی به نحوی قیمت‌گذاری شود تا سرمایه که یک عنصر هوشمند است در جای خود بنشیند

به اعتقاد من سرمایه یک عنصر هوشمند است، سرمایه جایی می‌رود که برگشت منطقی پول در گردش خود را داشته باشد. این‌که ما بگوییم بخش خصوصی امکان خرید دارایی‌ها را دارد یا ندارد، برمی‌گردد به این‌که بخش خصوصی در طول یکی دو دهه اخیر به اندازه کافی ضعیف شده است. بخش خصوصی دل‌نگران است چون امنیت لازم برای سرمایه‌گذاری را احساس نمی‌کند. به عبارت دیگر بخش خصوصی واقعی در ایران چند درصد وجود دارد؟ شرکت‌های میانه بخش دولتی و بخش خصوصی بیشتر قوت و قدرت گرفته‌اند. بخش خصوصی ما به دلیل عدم حمایت قانونی ضعیف‌تر شده و زمانی سرمایه‌گذاری می‌کند که از برگشت سود خود مطمئن باشد، در غیر این صورت دلیل و انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری ندارد.

میزان سرمایه‌گذاری روی آن کالا یا خدمت است و این خود یک معضل جدید را ایجاد می‌کند و این به معنی عدم برنامه‌ریزی دقیق در یک‌روند اقتصادی است.

### ♦♦ در مجموع خصوصی‌سازی در ایران کنونی (چه با تعبیر خصوصی‌سازی و چه با تعبیر مولدسازی) از چه الگویی پیروی می‌کند؟

به اعتقاد من اگر این سؤال را آقایان دولتی که این نسخه را پیچیده‌اند جواب دهند، خیلی بهتر است! همیشه می‌توان چهارچوب، پتنت یا شاخص‌هایی را در هر اقتصادی از دنیا به‌عنوان الگو مدنظر قرار داد و از آن تبعیت کرد، اما بحث بومی‌سازی یکی از مواردی است که خیلی به آن اشاره کرده‌اند. ما ممکن است نمونه خصوصی‌سازی را در کشور مالزی ببینیم که خیلی هم موفق بوده، ولی این نمونه ممکن است در ایران موفق نباشد؛ چون فرهنگ، زمان، جامعه و میزان نقدینگی در آن متفاوت است. در نتیجه اگر بتوانیم الگوهای موفق را ابتدا بومی‌سازی کنیم، الگوبرداری نتیجه‌بخش خواهد بود.

لذا در حال حاضر باید قوانین بخش خصوصی یا قانون خصوصی‌سازی که در کشور پیاده‌سازی شده مورد ارزیابی و آسیب‌شناسی قرار گیرد و علاوه بر توجه به موفقیت‌ها، به عدم موفقیت نیز توجه شود و در این فرآیند الگوی جدیدی را مختص کشور تدوین نمود. مسئله‌ای که در حال حاضر در کشور ما وجود دارد، این است که هر برنامه‌ای که شروع می‌شود با ورود مدیر جدید متوقف می‌شود و مدیر بعدی که جایگزین می‌شود، تمام اقدامات مدیر قبلی (هر مدیر در هر بخش از کشور فرقی ندارد) را اشتباه عنوان می‌کند و خودش مجدد اقدام می‌کند، اما متأسفانه در نهایت به همان سیکل معیوب می‌رسد. به‌طور کلی در بحث‌های مدیریتی یک سری شاخص‌های سربه‌سر یا نقطه‌به‌نقطه





گفت‌وگو با «حسین پیرموزن» نایب رییس اول اتاق اردبیل

## جذاییت‌های اقتصاد دستوری؛ مانع اصلاحات اقتصادی

محیط کسب‌وکار به علت رویکردها و نگاه‌های نادرست نسبت به اصل اقتصاد، نامساعد است اگرچه خروج دولت از تصدی‌گری‌ها و تمرکز بر تسهیل‌گری و بسترسازی در سطوح بالاتر دولت مدام تکرار می‌شود، اما این مهم در عمل اتفاق نمی‌افتد. متأسفانه دولت در مهم‌ترین وظیفه خود که سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی است، موفق نیست و جذاییت‌های اقتصاد دستوری، عبور از آن را سخت کرده است. همواره دود ناشی از سیاست‌های غلط دولت به چشم مردم رفته است و هیچ یک از تصمیم‌گیران نسبت به عملکرد خود پاسخ‌گو نبوده و نهادهای ناظر، پیامدهای ناشی از سیاست‌گذاری‌های نادرست دولت‌مردان را پیگیری نکرده‌اند. همچنین رویکرد و نگاه درستی نسبت به اقتصاد وجود ندارد و تلاشی هم برای اصلاح آن صورت نمی‌گیرد. اینک شرح کامل گفت‌وگو با حسین پیرموزن، نایب رییس اول اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اردبیل.



دولت با وضع بروکراسی‌های متعدد سطح دخالت‌های خود را در اقتصاد افزایش داده و اجازه نقش‌آفرینی به بخش خصوصی نمی‌دهد.

خروج دولت از تصدی‌گری‌ها و تمرکز آن بر تسهیل‌گری و بسترسازی، در سطوح بالاتر دولت مدام تکرار می‌شود، اما در عمل اتفاقی نمی‌افتد. حتی در برنامه هفتم توسعه که قانونی بالادستی بوده و این روزها در حال تدوین است، می‌بینیم که دوباره دولت، محور امور قرار گرفته است. در واقع دولت در این برنامه نیز سعی کرده نواقص و کاستی‌هایی که دارد را در چارچوب برنامه هفتم پُر کند.

### ♦♦ ارزیابی شما از چگونگی سیاست‌ورزی و سیاست‌گذاری در اقتصاد و حوزه‌های مؤثر بر آن در کشور چیست؟

سیاست‌گذاری، وظیفه دولت است و همان‌طور که تشریح شد، به دلیل نگاه نادرستی که بر اقتصاد کشور حاکم است، دولت در اجرای این وظیفه خود نتوانسته چندان موفق باشد؛ از یک طرف به تجربیات جهانی و آنچه در دیگر کشورها اتفاق افتاده توجه نمی‌کند و از سویی نظرات مشورتی بخش خصوصی خود را نمی‌پذیرد، در واقع اعتماد لازم را به فعالان بخش خصوصی ندارد. اگر این اعتماد شکل می‌گرفت و دولت می‌پذیرفت که علاوه بر

این اثرگذاری دقیق و قابل پیش‌بینی است. بنابراین اگر شناخت درستی از اقتصاد داشته باشیم به‌خوبی می‌توانیم سلسله تغییراتی که در پی هم به دلیل تصمیمات اتخاذ شده، رخ می‌دهد را پیش‌بینی کنیم.

این‌که امروز با شرایط نامساعد اقتصادی مواجه هستیم ناشی از نبود شناخت درست از علم اقتصاد و دخالت‌های بی‌جا در روند آن است. این‌که دولت مدام با تصمیمات خود بازار را به هم می‌ریزد و از تعادل خارج می‌کند، نشان می‌دهد که دولت نسبت به دخالت و اثرگذاری در بازار اشتیاق دارد تا بتواند از این طریق سطح نفوذ خود را گسترش دهد که همین دیدگاه با اصل کوچک‌سازی دولت در تضاد است.

تا زمانی که دولت در نقش اصلی خود فرو نرود و سعی کند بازار را در دست بگیرد، محیط کسب‌وکار، مساعد نخواهد شد.

### ♦♦ اجرای قانون کسب‌وکار و بویژه پذیرش ضرورت‌هایی اقتصاد از بروکراسی که یک موضوع داخلی است، چرا این همه معطل مانده است؟

این تعلل نیز ناشی از همان علاقه‌ای است که دولت‌ها به حضور پررنگ خود در اقتصاد دارند. دستگاه‌های اجرایی و بدنه دولت مخالف کوچک‌سازی و محدود شدن گستره فعالیت و سطح دخالت‌های خود هستند و به همین دلیل بعد از گذشت این همه سال از وضع قوانین مختلف در راستای پررنگ شدن جایگاه بخش خصوصی در اقتصاد، همچنان

### ♦♦ زمینه‌های تعامل مشترک بین دولت و بخش خصوصی را چگونه توضیح می‌دهید؟

اتفاق، تشکل تشکل‌ها، خانه فعالان بخش خصوصی و بر اساس قانون، مشاور قوای سه‌گانه است. با این تعاریف باید گفت که زمینه‌های بسیار زیادی برای تعامل بین بخش خصوصی و دولت وجود دارد. حتی در مواد ۲ و ۳ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار آمده که دولت و دستگاه‌های اجرایی مکلفند پیش از برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری درباره مسائل اقتصاد که مربوط به محیط کسب‌وکار می‌شود، نظر تشکل‌های مرتبط را دریافت کنند. در واقع قانون‌گذار به این اصل واقف بوده که بخش خصوصی به دلیل حضور فعال و پررنگ در میدان و عرصه اقتصاد، شناخت بهتر و کامل‌تری از وضعیت، تنگناها و مشکلات حاکم بر اقتصاد دارد و به دلیل شناختی که از جزئیات امر دارد، می‌تواند در روند تصمیم‌گیری اثرگذاری مثبتی داشته باشد و نکاتی را در نظر بگیرد که از نگاه کلان‌نگر دولت به‌عنوان یک بسترساز و تسهیل‌کننده، دور بماند.

البته در این رابطه انتقادهایی هم نسبت به دولت وارد است. متأسفانه در بسیاری از مواقع تعامل مشترک بین دولت و بخش خصوصی اتفاق نمی‌افتد. بارها و بارها این فرآیند را تجربه کرده‌ایم که بخش خصوصی رویکرد، تجربیات و نظرات مشورتی خود را که برآمده از مطالعات کارشناسی است، در اختیار دولت قرار داده و در نهایت شاهد بی‌توجهی دولت‌مردان نسبت به آن‌ها بوده است.

### ♦♦ چرا کماکان فضای کسب‌وکار کشور بسیار نامساعد است؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت، متأسفانه محیط کسب‌وکار کشور به دلیل رویکردها و نگاه‌های نادرستی که نسبت به اصل اقتصاد وجود دارد، نامساعد است. اقتصاد و شاخص‌های آن در چارچوب یک علم و در یک تعامل منطقی با هم حرکت می‌کنند. این شاخص‌ها روی هم اثرگذار هستند و

متأسفانه در بسیاری از مواقع تعامل مشترک بین دولت و بخش خصوصی اتفاق نمی‌افتد. بارها و بارها این فرآیند را تجربه کرده‌ایم که بخش خصوصی رویکرد، تجربیات و نظرات مشورتی خود را که برآمده از مطالعات کارشناسی است، در اختیار دولت قرار داده و در نهایت شاهد بی‌توجهی دولت‌مردان نسبت به آن‌ها بوده است.



که بدون مطالعه کارشناسی صورت می‌گیرد و بعد از مدتی پیامدهای آن مشخص شده و شاهد اثرات مخرب آن بر روند اقتصاد هستیم. این اتفاقات مدام در کشور رخ می‌دهد و آسیب آن همیشه مردم را تهدید کرده است، اما هیچ یک از تصمیم‌گیران نسبت به عملکرد خود پاسخگو نبودند و نهادهای ناظر، پیامدهای ناشی از سیاست‌گذاری‌های نادرست دولت‌مردان را پیگیری نکردند.

### ♦♦ به نظر جنابعالی چرا اصلاحات اقتصادی در کشور به استمرار به آینده موکول می‌شود، روند تصدی‌گری دولت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

نگاه اصلاحی نسبت به اقتصاد وجود ندارد، چون به نظر می‌رسد هنوز تصمیم‌سازان به لزوم اصلاح در اقتصاد واقف نیستند. وقتی هنوز اصل مسئله شناسایی نشده و همان‌طور که توضیح دادم، رویکرد و نگاه درستی نسبت به اقتصاد وجود ندارد، تلاشی هم برای اصلاح آن صورت نمی‌گیرد. زمانی برای از بین بردن یک درد تلاش می‌کنیم که آن را احساس کرده باشیم. وقتی هنوز دردی را حس نکردیم چگونه برای رفع آن برنامه‌ریزی کنیم. پس قبل از هر چیز باید در سطح کلان کشور این باور شکل بگیرد که اقتصاد باید اصلاح شود بعد از شکل‌گیری این احساس، فرآیند اصلاح تعریف خواهد شد.

### ♦♦ چرا عبور از مسئله اقتصاد مدیریت شده در کشور این همه سخت است؟

جذابیت‌هایی که در اقتصاد مدیریت شده و دستوری نهفته است، عبور از آن را سخت می‌کند. برای تحقق این هدف به هم‌گرایی و همت بالا نیاز است. البته این اتفاق باید رخ دهد و روزی می‌رسد که فرآیند عبور از این مسیر آغاز می‌شود، در این بین، بخش خصوصی نیز باید با اراده در راستای رسیدن به اقتصاد غیردستوری سعی کند و مطالبه‌گرایانه در این وادی قدم بردارد. ♦♦

ارتباط باشیم که ساختار داخلی اقتصاد کشور را ترمیم کنیم. در نتیجه اگر قرار است در مسیر اقتصاد کشور بهبودی حاصل شود باید نگاه جامع و همه‌جانبه‌ای به آن داشته باشیم و همه اجزا و شاخص‌های اقتصاد را در قالب یک پیکر و مجموعه ببینیم.

### ♦♦ بالاخره عواقب و نتیجه کار تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران اقتصادی بردوش جامعه بار می‌شود، اما آن‌ها چقدر پاسخ‌گویی این تصمیمات هستند؟

بدون شک، مردم پاسخ‌گویی در قبال تصمیمات دولت ندارند، اما به دلیل کارشکنی‌ها و روابط نادرستی که در سطح کلان کشور تعریف شده است، همواره دود ناشی از سیاست‌های غلط دولت به چشم مردم رفته و می‌رود. دولت درباره صادرات و واردات تصمیمی اتخاذ می‌کند که آثار آن را روی کسب‌وکار مردم می‌بینیم. بخش‌نامه‌ای یک شبه صادر می‌شود، صادرات محصولی به یکباره ممنوع می‌شود، زیرساخت‌های اینترنتی ناگهان مسدود و محدود می‌شود، دریافت انواع مجوزها برای شروع و یا ادامه کسب‌وکاری اجباری می‌شود و مجموعه‌ای دیگر از اقداماتی



استفاده از دیدگاه‌های بخش خصوصی در برنامه‌ریزی‌های خود، اجرای آن‌ها را نیز به فعالان اقتصادی بسپارد و سطح دخالت خود را در امور اجرایی، بنگاهداری و تصدی‌گری، کاهش دهد، وضعیت اقتصادی کشور بهبود پیدا می‌کند. امروز دولت در مهم‌ترین وظیفه خود که سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی است، موفق نیست چون تمرکز لازم را ندارد و به دلیل گسترده کردن سطح دخالت‌های خود نمی‌تواند مأموریت اصلی خود را به درستی اجرا کند.

### ♦♦ به نظر شما در شرایط فعلی اقتصاد، اصلاح ساختار داخلی در اولویت است یا چگونگی روابط بین‌الملل و توسعه تجارت خارجی و چرا؟

نکته‌ای که در رابطه با این سؤال وجود دارد، پرهیز از جداسازی مسائل اقتصادی از یکدیگر است. کلیه امور و موضوعات اقتصادی مانند یک زنجیره ناگسستنی به هم وصل هستند و نمی‌توان برای برخورد، تخریب و حتی اصلاح یکی از حلقه‌ها، سایر حلقه‌های این زنجیره را نادیده گرفت. ساختار اقتصادی کشور زمانی اصلاح می‌شود که روابط بین‌المللی خود را در حوزه تجارت و فعالیت‌های اقتصادی بهبود ببخشیم و زمانی قادر خواهیم بود که با دیگر کشورهای دنیا در

این‌که امروز با شرایط نامساعد اقتصادی مواجه هستیم ناشی از نبود شناخت درست از علم اقتصاد و دخالت‌های بی‌جا در روند آن است. این‌که دولت مدام با تصمیمات خود بازار را به هم می‌ریزد و از تعادل خارج می‌کند، نشان می‌دهد که دولت نسبت به دخالت و اثرگذاری در بازار اشتیاق دارد تا بتواند از این طریق سطح نفوذ خود را گسترش دهد که همین دیدگاه با اصل کوچک‌سازی دولت در تضاد است. تا زمانی که دولت در نقش اصلی خود فرو نرود و سعی کند بازار را در دست بگیرد، محیط کسب‌وکار، مساعد نخواهد شد.

# الزامات تحقق شعار سال راه‌های مهار تورم در اقتصاد ایران



مسیر مالیات تأمین می‌شود، ولی در ایران هزینه‌های دولت به‌مراتب بیشتر از درآمدهای مالیاتی وصولی است و این مسئله در کنار کاهش درآمدهای نفتی در سال‌های اخیر موجب افزایش کسری بودجه و همچنین تحمیل بخشی از هزینه‌های مالی دولت همچون سیاست‌های حمایتی به بانک مرکزی و شبکه بانکی شده است. این هزینه‌ها در نهایت به افزایش رشد نقدینگی در اقتصاد منجر شده و به‌طور حتم در تورم مزمن چند دهه اخیر اقتصاد ایران نقش‌آفرین بوده است. بنابراین نظم‌بخشی به بودجه دولت از طریق کاهش فرار مالیاتی، کاهش هزینه‌های غیرضروری و جلوگیری از تحمیل هزینه‌های فرابودجه‌ای به شبکه بانکی از جمله اقداماتی است که برای مهار تورم ضروری است.

## ضرورت هدایت منابع بانکی به سمت تولید و رفع ناترازی بانکها

بررسی صورتهای مالی بانکها در ایران نشان می‌دهد که اغلب آنها در فعالیتهای معمول بانکی شامل اخذ سپرده و اعطای تسهیلات زیان‌ده هستند و

### میرهای رهگشای

کارشناس اقتصادی و سردبیر رسانه مسیر اقتصاد

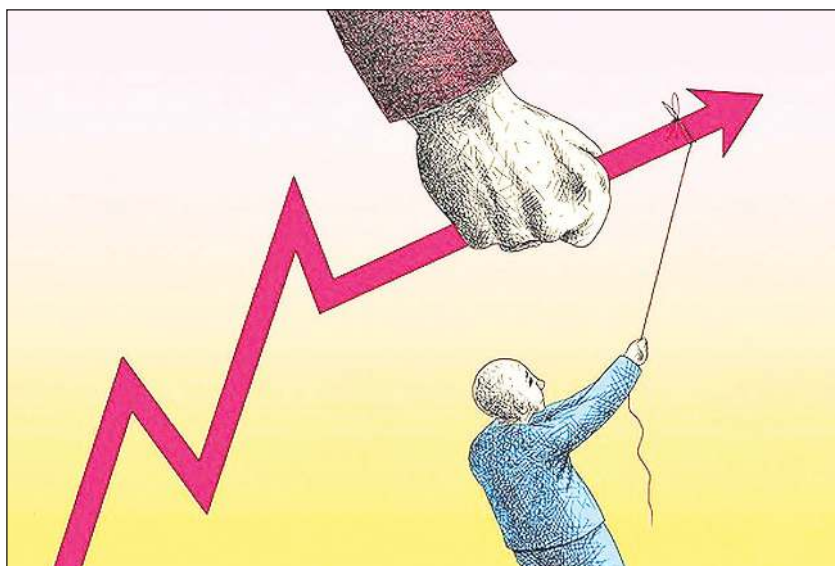
کاهش تورم از مهم‌ترین اقداماتی است که مورد تأکید تمامی اقتصاددانان قرار دارد و مقامات دولت سیزدهم نیز بارها بر لزوم آن تأکید کرده‌اند. در شعار سال ۱۴۰۲ نیز مسئله مهار تورم در کنار رشد تولید موردتوجه قرار گرفت و بعد از آن مقامات مختلف دولت بار دیگر بر ضرورت آن تأکید کردند.

### رابطه رشد نقدینگی و تورم چگونه است؟

برای مهار تورم یکی از مسائلی که باید به آن دقت شود، رابطه رشد نقدینگی و نرخ تورم است. بدون شک مواردی مثل تحمیل کسری بودجه دولت به شبکه بانکی و همچنین خلق پول بی‌ضابطه بانکها می‌تواند از طریق رشد نقدینگی به تشدید تورم در اقتصاد ایران منجر شود، اما به دلیل پدیده درون‌زایی پول، کنترل رشد نقدینگی تنها با اعمال سیاست‌های پولی ممکن نیست و مواردی همچون انتظارات تورمی ناشی از جهش‌های ارزی و آزادی سوداگری در بازار دارایی‌هایی همچون ملک، طلا، خودرو و ارز نیز می‌تواند به‌طور درون‌زا به رشد نقدینگی و در نتیجه تشدید تورم منجر شود. دلایل متعددی در اقتصاد ایران به بالا رفتن تورم منجر شده‌اند که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد و برای مهار تورم نیز لازم است همه این موارد در کنار یکدیگر و در یک برنامه جامع موردتوجه قرار گیرد.

### کنترل کسری بودجه دولت برای مهار تورم ضروری است

در اقتصادهای پیشرفته درآمد دولت از





از خرید و نگهداری ملک و دیگر دارایی‌ها کسب سود می‌کنند. این عملکرد بانک‌ها از یک‌سو به منجمد شدن دارایی‌های بانک و کاهش توان تسهیلات‌دهی به بخش تولید منجر شده و از طرف دیگر آن‌ها را به ذی‌نفعان اصلی تورم در اقتصاد ایران تبدیل کرده است. به‌این‌ترتیب بدون اصلاح شیوه عملکرد بانک‌ها، خصوصاً در زمینه خلق پول و هدایت اعتبارات بانکی به سمت بخش‌های تولیدی، امکان مهار تورم در اقتصاد ایران فراهم نخواهد بود. در واقع در شرایط فعلی، شیوه کسب‌وکار بانک‌ها به نحوی است که همواره در حال خلق نقدینگی و اعطای تسهیلات بدون توجه به ناترازی خود هستند و بانک مرکزی نظارت مطلوبی بر کیفیت و میزان خلق نقدینگی از سوی بانک‌ها ندارد و بدون رفع این مشکلات، امکان کاهش تورم در بلندمدت فراهم نخواهد بود.

### شفافیت‌گردش نقدینگی برای مهار تورم ضروری است

در حال حاضر به دلیل آزادی سوداگری در اقتصاد ایران، بخش زیادی از نقدینگی موجود در جامعه این قابلیت را دارد که با کوچک‌ترین تلنگر، به‌راحتی به بازارهایی همچون زمین، ملک و ارز سوق داده شود و بدون هیچ‌گونه محدودیتی یا پرداخت مالیاتی، تقاضا را به‌صورت کاذب افزایش دهد. سوداگری زمین و ارز در اقتصاد ایران به التهاب قیمتی در این بازارهای مهم منجر می‌شود و به دلیل افزایش قیمت نهاده‌های تولیدی، افزایش قیمت در این بازارها به‌سرعت به کل اقتصاد تسری پیدا می‌کند. نکته حائز اهمیت این است که افزایش هزینه تولید به‌طور طبیعی به افزایش تقاضای تسهیلات سرمایه در گردش بنگاه‌های تولیدی منجر می‌شود و به‌این‌ترتیب به جای این‌که رشد نقدینگی دلیل تورم باشد، تورم حاصل از سوداگری عملاً رشد نقدینگی را ناگزیر می‌کند. بنابراین بدون اعمال سیاست‌های مالیاتی بازدارنده و کنترل سوداگری، مهار تورم ممکن نیست.

### کنترل جهش‌های «نرخ ارز» مهم‌ترین رکن مهار تورم

یکی از مهم‌ترین دلایل افزایش تورم در اقتصاد ایران، افزایش نرخ ارز در سال‌های اخیر بوده است. نرخ ارز نه‌تنها به‌عنوان لنگر انتظارات تورمی در اقتصاد ایران عمل می‌کند، بلکه به دلیل وابستگی بسیاری از کالاهای تولیدی در داخل کشور به نرخ ارز، نوسانات آن بر قیمت تمام شده کالاها نیز اثرگذار است. به‌این‌ترتیب یکی از مهم‌ترین الزامات مهار تورم در اقتصاد ایران، تلاش برای ثبات بخشی و پیش‌بینی‌پذیر کردن نرخ ارز است. برای کنترل نرخ ارز نیز از طرفی لازم است که نیازهای وارداتی مدیریت شود و از صادرات غیرنفتی حمایت گردد و از طرف دیگر باید با همکاری شرکای اصلی تجاری، یک نظام پرداخت رسمی برای تجارت خارجی ایران اجرایی گردد تا بازرگانان ایرانی بتوانند بدون نیاز به شبکه‌های صرافی که جریان مالی آن‌ها قابل رصد و اعمال حاکمیت نیست، بتوانند با کمترین هزینه و در بستری قابل مدیریت، مبادلات مربوط به تجارت خود را با شرکای اصلی تجاری ایران همچون چین، روسیه، عراق، پاکستان و ترکیه به سرانجام برسانند. در نبود این بستر رسمی تجارت خارجی، امکان اعمال حاکمیت بر بازگشت ارزهای صادراتی ممکن نیست و نمی‌توان با اقداماتی همچون تثبیت نرخ ارز ثبات را در این بازار برقرار کرد.

### ثبات بخشی به اقتصاد، پیش‌نیاز ثبات در سطح قیمت‌ها

علاوه بر موارد فوق لازم است سیاست‌هایی

در حال حاضر به دلیل آزادی سوداگری در اقتصاد ایران، بخش زیادی از نقدینگی موجود در جامعه این قابلیت را دارد که با کوچک‌ترین تلنگر، به‌راحتی به بازارهایی همچون زمین، ملک و ارز سوق داده شود و بدون هیچ‌گونه محدودیتی یا پرداخت مالیاتی، تقاضا را به‌صورت کاذب افزایش دهد.

برای ایجاد ثبات در اقتصاد در دستور کار قرار گیرد، به‌طور مثال باید به سمت قراردادهای بلندمدت حرکت کنیم که اثرگذاری قابل‌توجهی در ثبات بخشی به اقتصاد دارد. بحث بعدی نظامات حاکم بر قیمت‌گذاری‌هاست که در حال حاضر وحدت رویه‌ای درخصوص آن مشاهده نمی‌شود و لازم است اصول کلی نظام قیمت‌گذاری در کشور تهیه و در دستور کار همه دستگاه‌ها قرار گیرد. تکمیل زنجیره‌های تولید و استفاده از ظرفیت آن برای تأمین مالی و ایجاد مقاصد برای سرمایه‌گذاری مردم در شرایط تورمی نیز ازجمله این سیاست‌های ثبات‌بخش است. این ابزارسازی‌ها سخت، زمان‌بر و بعضاً پرهزینه است، ولی بدون آن‌ها امکان مهار بلندمدت تورم فراهم نخواهد بود.

### مهار تورم بدون کاهش هزینه‌های تولید ممکن نیست

و در آخر، این‌که باید توجه داشت که مهار تورم و رونق تولید دو روی یک سکه هستند و از آنجا که تورم فعلی در اقتصاد ایران ریشه در محدودیت‌های سمت عرضه دارد، هر تلاشی برای کمک به رونق تولید، در واقع تلاش برای کاهش سطح عمومی قیمت‌هاست. به‌این‌ترتیب لازم است اقداماتی همچون کاهش هزینه لجستیک در بخش تولید، تأمین به‌هنگام و کم‌هزینه مواد اولیه، جلوگیری از اخلاف در تأمین انرژی کارخانجات و صنایع، رفع مشکل سرمایه در گردش و همچنین تأمین ارز موردنیاز واردات مواد اولیه و واسطه‌ای در زمان مناسب و با نرخ مناسب نیز برای کاهش تورم در اقتصاد ایران در دستور کار قرار گیرد.

به‌طور خلاصه، برای مهار تورم لازم است علاوه بر تلاش برای تأمین کسری بودجه دولت از مسیر درآمدهای مالیاتی و اعمال سیاست‌های پولی، سیاست‌های دیگری همچون محدودسازی معاملات در بازار دارایی‌ها، کنترل انتظارات تورمی، ثبات بخشی به نرخ ارز و کاهش هزینه تمام شده بخش تولید نیز در دستور کار قرار گیرد. ♦♦

# علل عدم جذابیت تولید در مقایسه با بازارهای رقیب

♦ فرزانه صمدیان

رئیس گروه صنعت، معدن و انرژی مرکز پژوهش‌های اتاق ایران



اقتصادی و سیاسی نشأت می‌گیرند که به دلیل ایجاد حس عدم اعتماد و بی‌ثباتی در روند متغیرهای کلان اقتصادی، فعالیت‌های تولیدی را به سوی طرح‌های با فناوری پایین و بازدهی کوتاه‌مدت، سوق می‌دهد. لذا سرجمع هزینه‌های برشمرده بر عدم جذابیت فعالیت در بخش‌های تولیدی و مولد اقتصادی، دامن می‌زند. از این رو، می‌توان گفت در شرایطی که فضای کلان اقتصاد کشور سطوح گسترده‌ای از بی‌ثباتی و نااطمینانی را به فعالان اقتصادی دیکته می‌کند، تضمین و اجرای حقوق مالکیت ناکارآمد و ضعیف است، هزینه مبادله بالاست، عدم اطمینان نسبت به اجرای قراردادها وجود دارد، فساد در اقتصاد کشور ریشه دوانده است، محدودیت شرایط تحریمی بر اقتصاد کشور هزینه‌افزایی می‌کند و چشم‌انداز روشنی از آینده پیش روی فعالان اقتصادی کشور قرار ندارد، نمی‌توان انتظار داشت که تولید و تولید محوری در اولویت فعالان اقتصادی قرار گیرد. از دیگر علل عدم جذابیت فعالیت‌های تولیدی در اقتصاد کشور، به سیستم پاداش‌دهی ایجاد شده در ساختار اقتصاد کشور مربوط می‌شود. در ساختاری که بیشترین پاداش‌ها به بخش‌های غیرمولد و سوداگرانه داده می‌شود و از بخش‌های حقیقی اقتصاد، نه تنها حمایت کافی صورت نمی‌گیرد بلکه به واسطه رقابت‌های غیرمنصفانه و تبعیض‌های حاکم از گردونه رقابت خارج می‌شوند. سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی و مولد اقتصادی توجیه اقتصادی پیدا نمی‌کند و عوامل اقتصادی به سمت فعالیت‌های کم‌ریسک‌تر و با بازدهی بالاتر جلب می‌شوند. مصداق روشن سیستم انگیزشی ضد تولید، درآمدهای بادآورده برای گروهی خاص، متأثر از فعالیت‌های سوداگرانه

عدم جذابیت تولید در مقایسه با بازارهای رقیب از عوامل متعددی نشأت می‌گیرد که به‌طور کلی می‌توان به «فضای کلان اقتصاد کشور» و «سیستم انگیزشی حاکم بر آن» اشاره نمود. در واقع، طی سنوات گذشته و به‌طور ویژه از سال ۱۳۹۷ و نقض یک‌جانبه برجام، محیط کسب‌وکار بیش از گذشته متغیر، بی‌ثبات و نامساعد شد و اقتصاد کشور بر اثر نابسامانی‌های رخ داده، سطوح بالایی از نااطمینانی را تجربه کرد. در طی این دوره قوانین و مقررات یک‌سویه وضع شدند و باطل نشده کنار گذاشته شدند و اقتصاد کشور انواع شوک‌های قیمتی و ارزی را تجربه کرد. در این شرایط چشم‌انداز فعالان اقتصادی نسبت به بازدهی فعالیت‌های مولد اقتصادی مخدوش گردید و انگیزه فعالان اقتصادی برای ورود به فعالیت‌های مولد اقتصادی و سرمایه‌گذاری جدید برای توسعه حوزه فعالیت خود در حد گسترده‌ای کاهش یافت. اهمیت ثبات اقتصاد کلان در شکل‌گیری و حیات فعالیت‌های مولد اقتصادی از این زاویه دوچندان می‌گردد که بدانیم فعالیت‌های تولیدی با انواع ریسک و مخاطرات درون‌سازمانی و برون‌سازمانی مواجه‌اند که همین مسئله، جذابیت این فعالیت‌ها را نسبت به سایر فعالیت‌های رقیب تولید تنزل می‌بخشد. در این میان، برخی هزینه‌ها به‌صورت غیرقابل پیش‌بینی و در نتیجه سیاست‌گذاری‌های کلان بر فعالیت‌های تولیدی اثر می‌گذارد که تغییرات نرخ تورم، نرخ بهره بانکی، حجم تسهیلات اعطایی شبکه بانکی و غیره از آن جمله‌اند. بخش دیگری از هزینه‌ها نیز از عدم ثبات

در بازارهای طلا، ارز و مسکن در سال‌های گذشته است؛ این درحالیست که وضعیت بخش‌های تولیدی در این دوره به‌شدت رو به وخامت بوده است. به‌عبارت‌دیگر سودآوری بالای فعالیت‌های سوداگری در بازارهای رقیب تولید نظیر مسکن، طلا، ارز و غیره سبب گردیده هزینه سرمایه‌گذاری‌های مولد در اقتصاد کشور افزایش یافته و عوامل اقتصادی به‌سوی فعالیت‌های غیر تولیدی، جلب شوند. لذا الزامات اولیه برای رونق بخشی به تولید، می‌تواند به مواردی چون «ثبات بخشی به اقتصاد»، «کنترل بازدهی بازارهای رقیب تولید»، «هم‌سویی سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و تجاری در راستای بهبود محیط کسب‌وکار و تقویت تولید» و «شناسایی و حذف گلوگاه‌های توزیع رانت و فساد در اقتصاد کشور» اشاره نمود تا از این‌گذر، جذابیت کسب‌وکارهای غیرمولد، کاهش و نظام انگیزشی به نفع سرمایه‌گذاری و فعالیت در بخش‌های تولیدی و مولد اقتصادی بازآرایی گردد. ♦♦



# فراهم سازی فضای کسب و کار و تولید

## یلدا راهدار

عضو هیئت‌رئیس سازمان ملی کارآفرینی



سرمایه، قرارگرفته باشد، اما شرایط بیرونی یا به عبارتی محیط مساعد کسب و کار مهیا نباشد به هیچ عنوان نمی‌تواند حداکثر ظرفیت خود را به منصه ظهور برساند. از زمانی که مباحث آزادسازی، خصوصی‌سازی و جهانی‌سازی در اقتصاد توسعه مطرح گردید، دولت‌ها به تأثیر قابل توجه این سیاست‌ها در فعالیت بنگاه‌های اقتصادی پی بردند. فضای حاکم بر کسب و کار و قوانین و مقررات یک کشور بر شرکت‌ها- بویژه بنگاه‌های کوچک و متوسط- در بازار تأثیر می‌گذارد. لذا شکل‌دهی به محیط در هر کشور از جمله اقداماتی است که دولت‌ها می‌بایست در اولویت امور قرار دهند. یک سیستم سیاسی پایدار می‌تواند تصمیماتی مناسب برای کسب و کار اتخاذ کند که باعث رونق مشاغل و جذب سرمایه‌گذاران خارجی شود. متغیرهای کلانی که ثبات اقتصادی را رقم می‌زند مانند مالیات، نرخ بهره، تورم و نرخ ارز در حوزه اختیارات دولتی بوده و تعیین سیاست‌ها بر اساس این متغیرها بر فضای کسب و کار کشور مؤثر است.

بر اساس شاخص‌های بین‌المللی گزارش بانک جهانی، محیط کسب و کار ایران نسبت به سایر کشورها وضعیت مطلوبی نداشته و در چند سال اخیر جایگاه ایران رو به تنزل نهاده است. آمارهای بانک جهانی از رتبه‌بندی فضای کسب و کار در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که ایران در جایگاه ۱۲۷ از ۱۹۰ قرار گرفته است و بستری مناسب برای ایجاد فضای امن جهت سرمایه‌گذاری خارجی و فرآیند تولید وجود ندارد. از میان مؤلفه‌های تعریف شده برای این محیط، شروع کسب و کار با امتیاز ۱۷۸ بدترین وضعیت و ثبت مالکیت با امتیاز ۷۰ مناسب‌ترین وضعیت را در سال ۲۰۲۰ داشته است. همین گواه این موضوع است که در این شرایط تولید، امکان رشد نخواهد داشت. پایش فصلی فضای کسب و کار ایران که از سوی اتاق ایران انجام می‌شود نیز مهر تأییدی بر نتایج بانک جهانی است. فعالان اقتصادی پس از گذشت ۶ سال از آغاز این طرح، همچنان سه مؤلفه «غیرقابل پیش‌بینی بودن

دولت‌ها موظفند ثبات اقتصاد کلان و زیرساخت‌های لازم را برای بخش خصوصی فراهم نمایند و با نظارت و نه دخالت، امکان رشد و پیشرفت را برای فعالان اقتصادی به وجود بیاورند. چنانچه یک بنگاه در بهترین حالت ممکن از به‌کارگیری نیروی متخصص بازدهی تا مرغوب‌ترین مواد اولیه و بالاترین بازدهی سرمایه، قرارگرفته باشد، اما شرایط بیرونی یا به عبارتی محیط مساعد کسب و کار مهیا نباشد به هیچ عنوان نمی‌تواند حداکثر ظرفیت خود را به منصه ظهور برساند.

دستیابی به رشد اقتصادی لازمه پیشرفت و زیربنای توسعه همه‌جانبه است. قدرت اقتصادی هر کشور را تولید و رشد اقتصادی آن کشور تعیین می‌کند، این قدرت در یک اقتصاد سالم و رقابتی و آزاد بایستی در دست بخش خصوصی و فعالان اقتصادی هر کشور بوده و دولت‌ها بایستی شرایط و محیط کسب و کار را برای آن‌ها مساعد نموده و نقش تولیدکننده نداشته باشند. اقتصادی به رشد و شکوفایی می‌رسد که همه بخش‌های آن بتوانند در محیطی مناسب به توان بالقوه خود دست یابند. نظریات اقتصادی و همچنین تجربیات کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که آنچه در طی این مسیر بسیار حائز اهمیت است، فعالیت آزادانه بخش خصوصی و فراهم بودن محیط مساعد کسب و کار برای فعالان این حوزه است. فضای کسب و کار به محیطی اطلاق می‌شود که از استیلای بنگاه خارج بوده، اما فعالیت صاحبان کسب و کار را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ابعاد یا عوامل تشکیل دهنده فضای کسب و کار شامل شرایط اقتصادی، اجتماعی، فناوری، سیاسی و حقوقی است. دولت‌ها تنها وظیفه ایجاد بستر مناسب فعالیت برای کسب و کارها و نظارت بر آن‌ها را به عهده دارند؛ به عبارت دیگر دولت‌ها موظفند ثبات اقتصاد کلان و زیرساخت‌های لازم را برای بخش خصوصی فراهم نمایند و با نظارت و نه دخالت، امکان رشد و پیشرفت را برای فعالان اقتصادی به وجود بیاورند. چنانچه یک بنگاه در بهترین حالت ممکن از به‌کارگیری نیروی متخصص گرفته تا مرغوب‌ترین مواد اولیه و بالاترین بازدهی

می‌تواند تصمیماتی مناسب برای کسب‌وکار اتخاذ کند که باعث رونق مشاغل و جذب سرمایه‌گذاران خارجی شود.

موتور محرک تولید و رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری است. افت سرمایه‌گذاری داخلی در چند سال اخیر و همچنین کاهش جذب سرمایه‌گذاری خارجی در همه بخش‌های اقتصادی، نخست به دلیل وجود تحریم‌ها و بالا رفتن ریسک سرمایه‌گذاری در کشور و دوم به دلیل قرار گرفتن کشور در لیست سیاه گروه ویژه اقدام مالی، ضرورت نشست‌های دیپلماتیک برای جذب منابع خارجی را بیش از هر زمان دیگر نشان می‌دهد. به‌علاوه سرمایه‌گذاری به دلیل بالا بودن هزینه‌های تولید و بازدهی اندک، مقرون به‌صرفه نبوده و در نتیجه سرمایه‌های بسیاری یا از کشور خارج و یا به فعالیت‌های غیرمولد و دلالی وارد شده است. عامل دیگری که در کاهش سرمایه‌گذاری مؤثر بوده است، رشد تورم و نوسانات فزاینده نرخ ارز بوده است. این دو منجر به کاهش

در چند سال اخیر و با اعمال تحریم‌های بین‌المللی این محل درآمد بسیار محدود گردیده که منجر به کسری‌های مزمن بودجه‌ای شده است. برای جبران این کسری، دولت به افزایش درآمدهای مالیاتی و پولی نمودن کسری بودجه روی آورده است. این رویه به رشد نقدینگی و پایه پولی و افزایش نرخ تورم به بالای ۵۰ درصد شده است که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم فشار مضاعف بر دوش تولید گذاشته است. همین بی‌ثباتی درآمدی دولت باعث شده که بودجه عمرانی دچار نوسان شده و سرمایه‌گذاری تحت تأثیر قرار گیرد و بخش خصوصی که نقش مهمی در سرمایه‌گذاری‌های دولتی بازی می‌کند، نتواند به‌درستی ایفای نقش نماید؛ بنابراین مهم‌ترین الزام برای بهبود فضای کسب‌وکار اصلاح ساختار بودجه و رفع کسری می‌باشد. این مسئله به‌شدت با دیپلماسی کشور گره‌خورده است. ثبات سیاسی دولت یکی از مؤلفه‌های تضمین‌کننده مساعد ماندن فضای کسب‌وکار است. یک سیستم سیاسی پایدار

و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات، «بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب‌وکار» و «دشواری تأمین مالی از بانک‌ها» را نامناسب‌ترین مؤلفه‌های محیط کسب‌وکار کشور نسبت به سایر مؤلفه‌ها می‌دانند، که تکرار این مؤلفه‌ها نشان‌دهنده عدم استفاده از نتایج در بهبود امور است.

یکی از مشکلات اقتصادی کشور که ریشه دیرینه دارد و بر فعالیت بخش خصوصی تأثیر فراوانی گذاشته است، وابستگی کشور به نفت و درآمدهای حاصل از آن به‌عنوان یک متغیر برون‌زا است. درآمدهای نفتی که طی سالیان متمادی تأمین‌کننده مخارج کشور بوده اند نقش مهمی در اقتصاد کشور داشته است. علاوه بر این که قیمت جهانی نفت برای تمام کشورهای صادرکننده خارج از کنترل است؛ ایران به دلیل این‌که در ۴۰ سال پس از انقلاب همواره دچار تنش‌های بین‌المللی بوده، بیشتر از سایر کشورها از نا اطمینانی درآمدهای نفتی تأثیر گرفته است.







محصولات مرغوب و بی‌نظیر کشور به دلیل مشکلات بسته‌بندی و فرآوری جایگاه خود را در بازارهای بین‌المللی از دست داده‌اند. در بخش معدن نیز به دلیل نبود تجهیزات و فناوری‌های به‌روز عمده صادرات به‌صورت خام صورت می‌گیرد؛ بنابراین برای ایجاد ارزش‌افزوده بایستی زیرساخت‌های لازم برای شناسایی و ایجاد زنجیره ارزش در هر بخش فراهم گردد. ایجاد زنجیره‌های ارزش نه‌تنها هزینه‌های تولید را کاهش می‌دهد، بلکه با ایجاد ارزش‌افزوده سود بیشتری را نصیب تولیدکننده نموده و منجر به رشد تولید ناخالص داخلی کشور می‌گردد.

یکی دیگر از مهم‌ترین چالش‌ها در کسب‌وکارهای حوزه کشاورزی، تأمین مالی است. کندی فرآیند تأمین مالی از سوی بانک‌ها از یک‌سو و اثربخشی پایین این تسهیلات و ناکارآمدی بازار سرمایه در تأمین مالی بخش کشاورزی از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری و رشد این بخش را با مشکل مواجه کرده است. به‌علاوه از آنجا که تولید این محصولات مخاطرات بالا و نوسان زیادی داشته، سرمایه‌گذاری در این بخش جذابیت کمتری دارد. نبود انبارهای استاندارد برای نگهداری تولیدات، کشاورزان را مجبور ساخته تا برای جلوگیری از فاسد شدن، محصول خود را با قیمت پایین و به‌صورت

امروزه پیوستن به زنجیره ارزش جهانی و ارتباط حلقه‌های این زنجیره از ابتدا تا حضور در بازارهای جهانی حرف اول را در تجارت می‌زند. متأسفانه این مهم در کشور ما مورد توجه قرار نگرفته است. در حوزه کشاورزی بسیاری از

از میان مؤلفه‌های تعریف شده برای این محیط، شروع کسب‌وکار با امتیاز ۱۷۸ بدترین وضعیت و ثبت مالکیت با امتیاز ۲۰٪ مناسب‌ترین وضعیت را در سال ۲۰۲۰ داشته است. همین گواه این موضوع است که در این شرایط تولید، امکان رشد نخواهد داشت. پایش فصلی فضای کسب‌وکار ایران که از سوی اتاق ایران انجام می‌شود نیز مظهر تأییدی بر نتایج بانک جهانی است. فعالان اقتصادی پس از گذشت ۶ سال از آغاز این طرح، همچنان سه مؤلفه «غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات»، «بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب‌وکار» و «دشواری تأمین مالی از بانک‌ها» را نامناسب‌ترین مؤلفه‌های محیط کسب‌وکار کشور نسبت به سایر مؤلفه‌ها می‌دانند، که تکرار این مؤلفه‌ها نشان‌دهنده عدم استفاده از نتایج در بهبود امور است.

بازدهی سرمایه‌گذاری و افزایش هزینه‌ها و توجه‌ناپذیر شدن طرح‌های اقتصادی می‌گردد؛ بنابراین هموار نمودن بستر مناسب برای سرمایه‌گذاری داخلی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی از جمله چالش‌های اساسی فضای کسب‌وکار است که حاکمیت بایستی برای رفع آن اقدام نماید. این مهم نیز جز با انجام اصلاحات ساختاری و ایجاد ثبات سیاسی و اقتصادی به دست نمی‌آید. همان‌گونه که گفته شد، نوسانات نرخ ارز یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر فضای کسب‌وکار کشور می‌باشد. نوسانات نرخ ارز و مشکل تأمین مواد اولیه باعث افزایش بهای تمام شده و ایجاد نااطمینانی در تصمیم‌گیری بنگاه‌های تولیدی شده است. افزایش قیمت تمام شده علاوه بر مشکلات داخلی، توان رقابت در بازارهای خارجی را از تولیدکنندگان گرفته است. عامل اصلی افزایش نرخ ارز کمبود عرضه ارز در بازار است. پس از اعمال تحریم‌های اقتصادی و کاهش درآمدهای ارزی کشور، شوک ارزی اتفاق افتاد و دخالت‌های دولت در این بازار بر نابسامانی آن افزود. برای واقعی نمودن قیمت‌ها ابتدا بایستی تورم کنترل گردد و رونق در بازار از طریق افزایش عرضه و تقاضا رخ دهد که همه این عوامل به اصلاح ساختار اقتصاد و بهبود روابط دیپلماتیک کشور منوط می‌گردد.



است که دولت در تصمیماتی که بر فضای کسب‌وکار کشور اثرگذار است، از نظرات بخش خصوصی بهره‌بردار.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت متغیرهای کلانی که ثبات اقتصادی را رقم می‌زند؛ مانند مالیات، نرخ بهره، تورم، نرخ ارز که در حوزه اختیارات دولتی است و تعیین سیاست‌ها بر اساس این متغیرها بر فضای کسب‌وکار کشور مؤثر است. هرگونه افزایش مالیات، سرمایه‌گذاری را خصوصاً در میان کارآفرینانی که ریسک راه‌اندازی و مدیریت کسب‌وکارها را می‌پذیرند، دلسرد خواهد کرد. افزایش هزینه‌ها همچنین باعث کاهش پس‌انداز شده و با توجه به رابطه مستقیم متغیر پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، پول کمتری برای سرمایه‌گذاری خصوصی باقی می‌گذارد. کاهش در سرمایه‌گذاری‌های خصوصی، تولید کالاها و خدمات را کاهش می‌دهد که به‌نوبه خود ممکن است منجر به حذف کسب‌وکارها شود. همچنین سیاست دولت می‌تواند بر نرخ بهره تأثیر بگذارد. افزایش این نرخ باعث افزایش هزینه وام در کسب‌وکارها می‌شود. نرخ بهره پایین باعث جذب سرمایه و رونق تولید در کسب‌وکارها می‌شود. زمانی که تورم بالا باشد، کسب‌وکارها رشد نخواهند کرد. مقررات تجاری، تعیین حداقل دستمزد و الزامات مجوزها یا پروانه‌ها بر فعالیت کسب‌وکارها تأثیر دارد. کسب‌وکارها ممکن است هزینه و زمان زیادی را صرف مطابقت با مقرراتی کنند که درنهایت بی‌اثر و غیرضروری است. با این وجود مقررات منصفانه و مؤثر موجب رشد کسب‌وکارها خواهد شد. بنابراین لازم است تا دولت‌ها تا حد امکان از دخالت در بازار و مشحیط کسب‌وکار اجتناب نموده و کارایی نظارتی خود را بهبود بخشند. تجربه کشورهای موفق و دارای فضای کسب‌وکار مساعد نشان می‌دهد که تغییرات مکرر در دولت و سیاست‌گذاری‌هایش نمی‌تواند پاسخگوی بحران‌های اقتصادی باشد و اثر مستقیم نامطلوب بر فعالیت اقتصادی کسب‌وکارها خواهد گذاشت. ♦♦

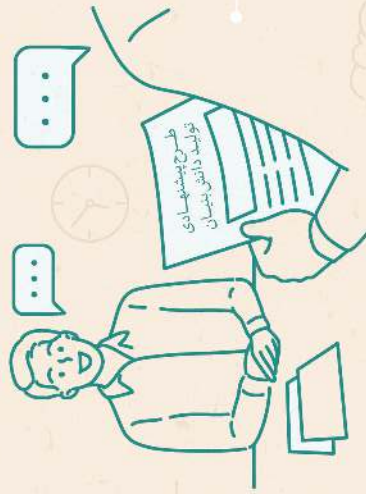
**در اقتصادهای دولت‌محور که فعالیت‌های بخش خصوصی و حتی قیمت‌گذاری کالاها و خدمات غالباً با دخالت مستقیم دولت صورت می‌گیرد و در نتیجه محیط مناسب کسب‌وکار و پیش‌نیازهای رقابت برای فعالیت اقتصادی آزادانه وجود ندارد، نقش تشکل‌ها پررنگ‌تر می‌گردد. در واقع این تشکل‌ها هستند که از طریق جذب نیروهای متخصص و انجام مطالعات علمی می‌توانند بر بهره‌وری بخش‌های موردنظر بیفزایند. کشورهای توسعه یافته توانسته‌اند با بهره‌گیری از توان بخش‌های غیردولتی، نظام رقابت کامل را بین تشکل‌ها ایجاد نموده و با استفاده از روش‌ها و شیوه‌های نوین، سیاست‌های کلان حاکمیت را دریافت و راهکارها و برنامه‌های اجرایی را در حوزه‌های مختلف ارائه نمایند.**

ارزش‌افزوده نیازمند فضای آرام و مساعد بدون هرگونه تنش‌های اقتصادی می‌باشند. این فضا حاکم نخواهد شد مگر آنکه دولت راهبردهای اصلاحی جدیدی را تدوین نماید که مهم‌ترین آن‌ها بازنگری و ارزیابی نحوه تصویب و تنظیم مقررات دولتی است. ایجاد ثبات در قوانین و مقررات و پرهیز از تفسیرهای فردی و سلیقه‌ای مأموران دولتی، رفع محدودیت‌های بخش خصوصی و ایجاد فضای رقابتی از طریق کاهش دخالت در امور اقتصادی و تغییر نقش به ناظر، یکی از مهم‌ترین الزامات رشد و تولید اقتصادی است. ناپایداری روابط دیپلماتیک در حال حاضر یکی از دغدغه‌های مهم فعالان اقتصادی است. یکی از برنامه‌های اصلی دولت می‌تواند بهبود روابط با سایر کشورها در راستای تسهیل دسترسی واحدهای اقتصادی به منابع مالی، تکنولوژیک و علمی این کشورها باشد. بخش خصوصی در قالب اتحادیه‌ها، انجمن‌ها و تشکل‌ها از کارگزاران مهم اصلاحات هستند که می‌توانند یاری‌رسان بخش دولتی در فرآیندهای سیاست‌گذاری باشند. لذا لازم

خام توسط واسطه‌ها به بازار عرضه نمایند. در نتیجه سود چندانی عاید کشاورزان نگشته، فلذا انگیزه‌ای برای پیشرفت، آموزش، استفاده از فناوری و رشد بهره‌وری نداشته باشند. بنابراین اتخاذ سیاست‌های لازم برای کوتاه کردن دست دلالان حائز اهمیت است و برای جهش تولید در بخش کشاورزی و ترغیب سرمایه‌گذاران برای ورود به این بخش، ایجاد بورس کالاهای کشاورزی، اجرای سیاست‌های حمایتی، اعطای تسهیلات با سود اندک، تقویت نظام بیمه‌ای و بازار و کاهش حاشیه بازاریابی بایستی در دستور کار مسئولان قرار گیرد.

وظیفه حاکمیت فراهم نمودن محیط مساعد و باثبات برای فعالیت‌های بخش خصوصی است. یکی از راه‌های این بسترسازی، حمایت و تقویت تشکل‌ها در تصمیم‌سازی و کاهش فاصله میان دولت و بخش خصوصی است. هرچند اهمیت تشکل‌ها در کشور را می‌توان از وجود قوانین مصوب در این حوزه از جمله قانون بهبود مستمر فضای کسب‌وکار مشاهده کرد، لکن به دلیل اجرای ناقص اصل ۴۴ قانون اساسی بدنه دولت بزرگ مانده و دخالت در فعالیت‌های بخش خصوصی همچنان ادامه دارد. در اقتصادهای دولت‌محور که فعالیت‌های بخش خصوصی و حتی قیمت‌گذاری کالاها و خدمات غالباً با دخالت مستقیم دولت صورت می‌گیرد و در نتیجه محیط مناسب کسب‌وکار و پیش‌نیازهای رقابت برای فعالیت اقتصادی آزادانه وجود ندارد، نقش تشکل‌ها پررنگ‌تر می‌گردد. در واقع این تشکل‌ها هستند که از طریق جذب نیروهای متخصص و انجام مطالعات علمی می‌توانند بر بهره‌وری بخش‌های موردنظر بیفزایند. کشورهای توسعه یافته توانسته‌اند با بهره‌گیری از توان بخش‌های غیردولتی، نظام رقابت کامل را بین تشکل‌ها ایجاد نموده و با استفاده از روش‌ها و شیوه‌های نوین، سیاست‌های کلان حاکمیت را دریافت و راهکارها و برنامه‌های اجرایی را در حوزه‌های مختلف ارائه نمایند. واحدهای تولیدی جهت ادامه حیات و ایجاد

رهبر انقلاب در دیدار مسئولان نظام فرمودند: «اگر بخواهم شعار [سال] عملیاتی بشود، باید... اولویت را به این شعار بدهیم؛ این جور نباشد که فقط سیاست اعلام بشود. حالا گاهی اوقات یک سیاستی اعلام میشود، یک کارگروهی هم درست میشود و اما اینها کافی نیست؛ باید... دنبال بشود...» (۱۴۰۲/۰۱/۱۵).  
حضرت آیت الله خامنه‌ای در ادامه برخی الزامات عملیاتی شدن شعار «مهارتورم، رشد تولید» را برشمردند که در این اطلاع‌نگاشت مرور میشود.



ساختارسازی برای  
مشارکت مردم در اقتصاد

# الزامات عملیاتی شدن شعار سال ۱۴۰۲ شعار سال برای عمل است



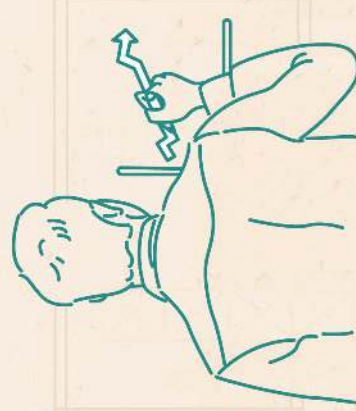
پذیرش اولویت شعار سال  
توسط دستگاہهای مختلف



کمک دستگاہ‌های  
مختلف به یکدیگر



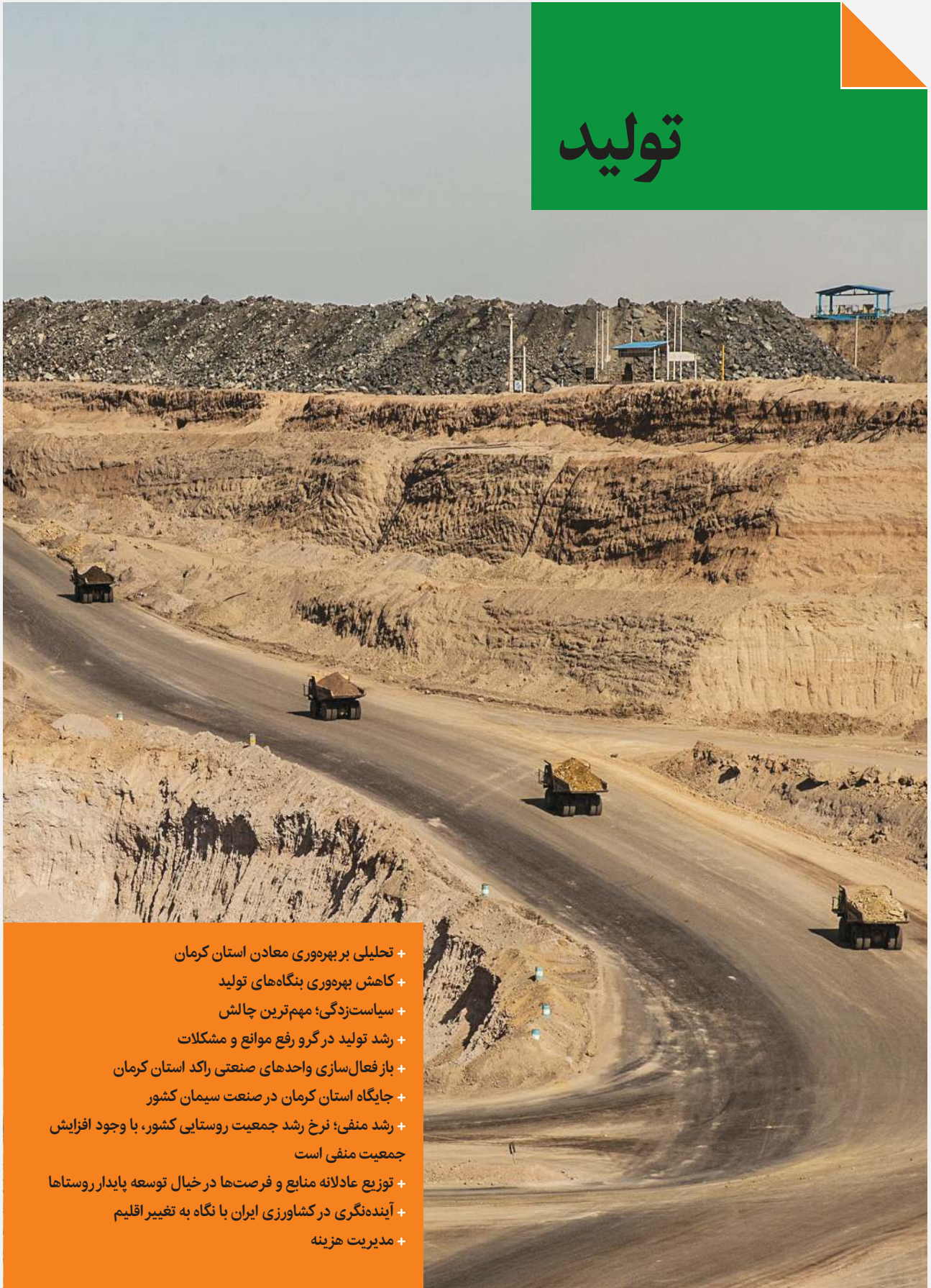
پیگیری جدی تصمیم‌ها



ثبات در سیاستها و  
تصمیم‌های اقتصادی



# تولید



- + تحلیلی بر بهره‌وری معادن استان کرمان
- + کاهش بهره‌وری بنگاه‌های تولید
- + سیاست‌زدگی؛ مهم‌ترین چالش
- + رشد تولید در گرو رفع موانع و مشکلات
- + باز فعال‌سازی واحدهای صنعتی راکد استان کرمان
- + جایگاه استان کرمان در صنعت سیمان کشور
- + رشد منفی؛ نرخ رشد جمعیت روستایی کشور، با وجود افزایش جمعیت منفی است
- + توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها در خیال توسعه پایدار روستاها
- + آینده‌نگری در کشاورزی ایران با نگاه به تغییر اقلیم
- + مدیریت هزینه



# تحلیلی بر بهره‌وری معادن استان کرمان

## ♦ دکتر لطفعلی عاقلی

عضو هیئت‌علمی گروه اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس



۳۰۴۴۹ نفر و سرانه اشتغال هر معدن ۸۶ نفر بوده است. با توجه به تولیدات معدنی حدود ۵۱ میلیون تن، بهره‌وری متوسط نیروی کار در سال ۱۳۹۹ تقریباً ۱۶۷۵ تن به ازای هر شاغل برآورد می‌شود. در مجموع می‌توان گفت که در فاصله ۱۴۰۰-۱۳۹۹ هرچند از تعداد معادن فعال استان کاسته شده، اما بهره‌وری متوسط نیروی کار با افزایش اندک در کانال ۱۶۷۰ واحد باقی‌مانده است.

ارزش‌افزوده معادن فعال استان در سال ۱۴۰۰ برابر ۱۰۹۶ هزار میلیارد ریال بوده که نسبت به ارزش‌افزوده ملی، سهمی نزدیک به ۵۰ درصد را تشکیل می‌دهد. بهره‌وری ریالی متوسط شاغلین (نسبت ارزش‌افزوده به تعداد شاغلین) بخش معدن در سال ۱۴۰۰ معادل ۳۵ میلیارد ریال به دست می‌آید. به‌بیان‌دیگر، هر فرد شاغل توانسته حدود ۳۵ میلیارد ریال ارزش‌افزوده، ایجاد نماید. حال چنانچه ارقام

بهره‌وری یکی از دغدغه‌های اصلی مدیریتی در بخش‌های مختلف اقتصاد از جمله معادن است. افزایش بهره‌وری به شیوه‌های گوناگون از جمله کاهش زمان تولید و بهره‌برداری، کاهش تلفات مواد اولیه و انرژی، کاهش هزینه حمل‌ونقل، کاهش بهای تمام شده و تسریع در عرضه کالاها به بازار مصرف تحقق می‌یابد. در نتیجه، تحلیل بهره‌وری نیاز به دسترسی به داده‌های آماری زمان تولید، میزان تلفات، انواع هزینه‌ها، قیمت محصول و داده‌های بازاربازی دارد. باین‌حال، آمار جزئی معادن در سطح ملی در دست نیست. از این‌رو، تحلیل‌گران بهره‌وری به ارقام تولید، ارزش‌افزوده و سرمایه‌گذاری بسنده می‌کنند. بر اساس نتایج آمارگیری از معادن در حال بهره‌برداری کشور، تعداد معادن در حال بهره‌برداری استان کرمان در سال ۱۴۰۰ معادل ۳۱۴ معدن بوده که سهمی در حدود ۵,۲ درصد از کل معادن کشور را به خود اختصاص داده است. متوسط شاغلان در این معادن ۳۱۵۷۵ نفر بوده و در نتیجه در هر معدن به‌طور میانگین ۱۰۱ نفر مشغول معدنکاری بوده‌اند. استان کرمان با تولید حدود ۵۳ میلیون تن انواع مواد معدنی و سهم ۱۱ درصد از تولید ملی معادن، رتبه اول تولید معادن را داشته است. مقایسه ارقام شاغلان و تولید معادن، شاخص بهره‌وری متوسط نیروی کار را به دست می‌دهد. این شاخص در معادن استان کرمان در حدود ۱۶۷۹ تن به ازای هر شاغل معدن برآورد می‌شود. در سال ۱۳۹۹ نیز تعداد معادن فعال استان کرمان ۳۵۳ معدن و شامل ۶,۱ درصد کل معادن بوده است. در این سال، متوسط تعداد شاغلان معادن

**تعداد معادن در حال بهره‌برداری استان کرمان در سال ۱۴۰۰ معادل ۳۱۴ معدن بوده که سهمی در حدود ۵,۲ درصد از کل معادن کشور را به خود اختصاص داده است. متوسط شاغلان در این معادن ۳۱۵۷۵ نفر بوده و در نتیجه در هر معدن به‌طور میانگین ۱۰۱ نفر مشغول معدنکاری بوده‌اند. استان کرمان با تولید حدود ۵۳ میلیون تن انواع مواد معدنی و سهم ۱۱ درصد از تولید ملی معادن، رتبه اول تولید معادن را داشته است. مقایسه ارقام شاغلان و تولید معادن، شاخص بهره‌وری متوسط نیروی کار را به دست می‌دهد. این شاخص در معادن استان کرمان در حدود ۱۶۷۹ تن به ازای هر شاغل معدن برآورد می‌شود.**

سال ۱۳۹۹ مدنظر قرار گیرد، ارزش‌افزوده معادن استان حدود ۶۸۱ هزار میلیارد ریال بوده که نسبت به ارزش‌افزوده معادن کشور، سهمی بالغ بر ۵۴ درصد را تشکیل می‌دهد. بهره‌وری ریالی متوسط شاغلین (نسبت ارزش‌افزوده به تعداد شاغلین) بخش معدن در سال ۱۳۹۹ معادل ۲۲ میلیارد ریال به دست می‌آید. به‌بیان‌دیگر، هر فرد شاغل در سال ۱۳۹۹ توانسته حدود ۲۲ میلیارد ریال ارزش‌افزوده، ایجاد نماید. در مقایسه دو سال ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ بدیهی است از یک سو سهم ارزش‌افزوده معادن استان کاهش‌یافته و از سوی دیگر متوسط بهره‌وری ریالی شاغلین افزایش داشته است. افزایش بهره‌وری نیروی کار به این دلیل بوده که رشد ارزش‌افزوده در این دو سال (حدود ۶۱ درصد) نسبت به رشد شاغلین (حدود ۳,۷ درصد) بسیار بیشتر بوده است. مجموع مزد، حقوق و سایر پرداختی‌ها در معادن کرمان در سال ۱۳۹۹ بالغ بر ۴۷ هزار میلیارد ریال بوده که در سال ۱۴۰۰ به تقریباً ۶۳ هزار میلیارد ریال رسیده است. با توجه به

سال	تولید سرانه (تن/انفر)	پرداختی سرانه (میلیارد ریال/انفر)
۱۳۹۹	۱۶۷۵	۱,۵۴
۱۴۰۰	۱۶۷۹	۲,۱

سال	ارزش افزوده (هزار میلیارد ریال)	سرمایه‌گذاری (میلیارد ریال)
۱۳۹۹	۶۸۱	۹۸۹۶
۱۴۰۰	۱۰۹۶	۷۵۸۲

تعداد کل شاغلین، متوسط پرداخت‌های سالانه به هر شاغل در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به ترتیب ۱,۵۴ میلیارد ریال (ماهانه ۱۲۸ میلیون ریال) و ۲,۱ میلیارد ریال (ماهانه حدود ۱۷۱ میلیون ریال) بوده است. شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی (سال پایه ۱۳۹۵) بر اساس محاسبات بانک مرکزی در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به ترتیب ۲۹۸,۸۵۸ و ۴۳۷,۰۴۲ بوده است. به این ترتیب مشخص می‌شود که پرداختی واقعی ماهانه به هر کارگر معدن در سال ۱۳۹۹ معادل ۴۲,۸ میلیون ریال و در سال ۱۴۰۰ معادل ۳۹,۱ میلیون ریال است. در نتیجه قدرت خرید واقعی کارگران به دلیل تورم بالا در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۹ کاهش یافته است. مقایسه تولید سرانه و پرداختی سرانه به شاغلین معدن استان، نشان می‌دهد که در سال‌های مورد بررسی، با افزایش تولید سرانه، جبران حقوق و دستمزد شاغلین نیز افزایش یافته است و بین این دو متغیر کلیدی ارتباط مستقیم وجود دارد.

میزان سرمایه‌گذاری در معدن کرمان در سال ۱۳۹۹ معادل ۹۸۹۶ میلیارد ریال بوده که در سال ۱۴۰۰ به تقریباً ۷۵۸۲ میلیارد ریال کاهش یافته است. سهم سرمایه‌گذاری

در معدن استان از کل معادن کشور در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به ترتیب ۱۸ درصد و ۱۰ درصد است. مقایسه ارقام ارزش افزوده و سرمایه‌گذاری گویای آن است که علیرغم افزایش قابل توجه ارزش افزوده معدن استان کرمان، از میزان سرمایه‌گذاری در معدن کم شده است. میزان رشد ارزش افزوده حدود ۶۱ درصد و میزان کاهش سرمایه‌گذاری حدود ۲۳ درصد است. به این ترتیب، تفاوت ارزش دریافت‌ها و پرداخت‌ها در معدن استان - احتمالاً به دلیل تورم - بیشتر شده است.

#### بهره‌برداری بر حسب مدت کار

طول مدت بهره‌برداری از معدن می‌تواند نشانه‌ای از دوام و پایداری تولیدات معدنی باشد. از تعداد ۳۵۳ معدن فعال در سال ۱۳۹۹، تعداد ۳۱۲ معدن (حدود ۸۸ درصد) بیش از ۹۰ روز به فعالیت مشغول بوده‌اند. در سال ۱۴۰۰ نیز از تعداد ۳۱۴ معدن فعال، حدود ۲۷۳ معدن (حدود ۸۷ درصد) بیش از ۹۰ روز فعالیت داشته‌اند. ارقام مشابه برای کل کشور در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به ترتیب ۵۰۰۶ (۸۷ درصد) و ۵۴۳۷ (حدود ۹۰ درصد) بوده است.



### نسبت استخراج به ذخیره معادن

در سال ۱۳۹۹ ذخیره قطعی معادن استان حدود ۱۴۲۳ میلیون تن و میزان استخراج سنگ خام حدود ۸۴ میلیون تن بوده است. با توجه به ثبات ذخیره قطعی و میزان استخراج ۸۵،۵ میلیون تن در سال ۱۴۰۰، می‌توان نتیجه گرفت که بر حجم استخراج افزوده شده و از طرف دیگر، از عمر ذخایر کاسته شده است. افزایش استخراج در صورتی توجیه‌پذیر است که رانت حاصل از استخراج در فعالیت‌های اقتصادی سودبخش، سرمایه‌گذاری شود و همچنین ثمرات و مزایای حاصل از فروش مواد معدنی استخراج شده بین شاغلان معدن توزیع شده و نیز فعالیت استخراج و معدنکاری به اقتصاد منطقه‌ای و ملی کمک نماید.

### نسبت کارگران غیر تولیدی به تولیدی

از تعداد کل ۱۴۴۴۸ شاغل با مزد و حقوق در معادن استان کرمان در سال ۱۳۹۹، تعداد ۳۰۱۸ نفر در فعالیت‌های غیرتولیدی (امور اداری، مالی و خدماتی) مشغول به کار بوده‌اند و بقیه شاغلان را کارگران ساده، کارگران ماهر، تکنیسین‌ها، مهندسان و شاغلان امور حمل‌ونقل تشکیل داده‌اند. بر اساس آمار موجود، نسبت کارگران پشتیبانی (غیرتولیدی) به کارگران تولیدی در سال ۱۳۹۹ حدود ۲۶ درصد بوده است. در سال ۱۴۰۰ تعداد کارگران غیر تولیدی ۲۹۷۵ نفر از تعداد کل ۱۳۷۱۴ شاغلان با مزد و حقوق بوده است. به‌این‌ترتیب، نسبت کارگران پشتیبانی به کارگران تولیدی در سال ۱۴۰۰ حدود ۲۸ درصد بوده است. سهم کارگران غیر تولیدی از کل شاغلان در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به ترتیب ۲۱ درصد و ۲۲ درصد بوده است. در حقیقت، حدود یک‌پنجم کارگران را بخش پشتیبانی به عهده داشته که به نظر می‌رسد با استانداردهای اشتغال در معادن سازگار است. همچنین در سال ۱۴۰۰ از تعداد کل ۲۵۴ شاغل بدون مزد و حقوق، تعداد ۲۵۱ نفر در امور غیر تولیدی فعال بوده‌اند. از طرف دیگر، متوسط تعداد شاغلان پیمانکاری ۱۷۶۰۷ نفر بوده که از این تعداد، ۱۵۶۳ نفر به امور پشتیبانی مشغول

بوده‌اند. به‌این‌ترتیب، نسبت کارگران غیر تولیدی به تولیدی در بخش پیمانکاری حدود ۹،۷ درصد بوده است. این نسبت پایین برای پیمانکاری در معادن ممکن است موجه باشد؛ زیرا اغلب فعالیت‌های پیمانکاری از ماهیت تولیدی و مهندسی برخوردارند و نیاز به فعالیت‌های اداری و پشتیبانی در این فعالیت‌ها کمتر است.

### نسبت زنان به مردان شاغل

از تعداد ۳۰۴۴۹ نفر شاغل در معادن استان کرمان در سال ۱۳۹۹، تعداد ۳۵۳ نفر زن بوده‌اند؛ بنابراین، نسبت زنان به مردان شاغل حدود ۱،۲ درصد بوده است. نسبت متناظر برای معادن کشور نیز حدود ۱،۲ درصد بوده است. این ارقام نشان می‌دهند که اولاً معدنکاری فعالیت عمده‌تر مردانه است و ثانیاً الگوی مشابهی در نسبت جنسی اشتغال در کرمان و کل کشور برقرار است. در سال ۱۴۰۰، تعداد زنان شاغل در معادن استان به ۳۴۳ نفر کاهش یافته در حالی که تعداد کل شاغلان ۳۱۵۷۵ نفر بوده؛ در نتیجه نسبت زنان به مردان شاغل حدود ۱،۱ درصد بوده است. نسبت متناظر برای معادن کشور در این سال، ۱،۴ درصد بوده است. در سال ۱۴۰۰ سهم اشتغال زنان در معادن کشور بیشتر و در استان کرمان کمتر شده است.

### ارزش سوخت مصرفی

ارزش سوخت مصرف‌شده (نفت سفید، نفت سیاه و نفت کوره، بنزین، گازوییل، گاز مایع، گاز طبیعی و سایر مواد سوختی) در معادن استان در سال ۱۳۹۹ حدود ۱۷۰۲ میلیارد ریال

با توجه به ثبات ذخیره قطعی و میزان استخراج ۸۵،۵ میلیون تن در سال ۱۴۰۰، می‌توان نتیجه گرفت که بر حجم استخراج افزوده شده و از طرف دیگر، از عمر ذخایر کاسته شده است. افزایش استخراج در صورتی توجیه‌پذیر است که رانت حاصل از استخراج در فعالیت‌های اقتصادی سودبخش، سرمایه‌گذاری شود

بوده که با رشد تقریبی ۸۰ درصدی در سال ۱۴۰۰ به ۳۰۶۱ میلیارد ریال افزایش یافته است. سهم ارزش سوخت مصرفی از ارزش افزوده کل معادن در این دو سال به ترتیب ۰،۲۵ و ۰،۲۸ درصد بوده است. این ارقام نشانگر سهم پایین، اما نقش بسیار ضروری سوخت مصرفی در تداوم فعالیت‌های معدنی است.

### ارزش برق مصرفی

ارزش برق مصرف شده در استخراج معادن استان کرمان در سال ۱۳۹۹ حدود ۶۸۸۲ میلیارد ریال بوده که در سال ۱۴۰۰ به ۱۶۰۴۹ میلیارد ریال افزایش یافته و بیش از ۲،۳ برابر شده است. سهم ارزش برق مصرفی از ارزش افزوده کل معادن در این دو سال به ترتیب ۱،۰۱ و ۱،۴۶ درصد بوده است. این ارقام نشان‌دهنده سهم پایین برق در معدنکاری است.

### ارزش آب مصرفی

ارزش آب مصرف شده در استخراج معادن استان کرمان در سال ۱۳۹۹ حدود ۳۳۸۸ میلیارد ریال بوده که در سال ۱۴۰۰ به ۱۵۷۳۴ میلیارد ریال افزایش یافته و بیش از ۴،۵ برابر شده است. سهم ارزش آب مصرفی از ارزش افزوده کل معادن در این دو سال به ترتیب ۰،۴۹ و ۱،۴۴ درصد بوده است. با توجه به این ارقام می‌توان گفت که استخراج معدنی، یک فعالیت اقتصادی آب‌بر محسوب نمی‌شود.

### تحلیل معادن بر اساس مالکیت

از تعداد کل ۳۵۳ معدن در حال بهره‌برداری استان کرمان در سال ۱۳۹۹ تعداد ۳۳۳ معدن در مالکیت بخش خصوصی بوده، ۵ معدن به‌صورت تعاونی فعالیت داشته و ۱۵ معدن در تملک بخش عمومی بوده‌اند. در سال ۱۴۰۰ نیز یک معدن به‌صورت تعاونی فعال بوده، ۱۵ معدن در مالکیت دولت قرار داشته و ۲۹۸ معدن (حدود ۹۵ درصد معادن استان) تحت مالکیت بخش خصوصی بوده است. سهم معادن بخش خصوصی از کل معادن در سطح ملی در سال ۱۴۰۰ معادل ۹۳ درصد بوده و الگوی مالکیت معادن در استان و کشور نسبتاً مشابه است. ♦♦



# کاهش بهره‌وری بنگاه‌های تولید

♦ دکتر مسعود جمالی

رئیس انجمن مدیران صنایع استان اصفهان



\* کاهش نرخ سرمایه‌گذاری صنعتی و پیشی گرفتن نرخ استهلاک از آن، که منجر به عقب افتادن از چرخه به‌روز فناوری و عمر بالای ماشین‌آلات گردیده است،

\* بازگشت تحریم‌ها و کمبود منابع ارزی باعث ایجاد قوانین بازدارنده و سخت‌گیری برای ورود ماشین‌آلات به کشور شده است. اثرات برجاسم در ایران و چشم‌انداز مثبت از اقتصاد در آن سال‌ها را می‌توان علت افزایش کارایی سرمایه و رشد بهره‌وری کل از ۴،۲ در سال ۹۴ به ۶،۳ در سال ۹۵ دانست که نشان‌دهنده تأثیر مهم تعاملات جهانی در رشد بهره‌وری کل کشور است،

\* کمبود نقدینگی و سرمایه در گردش؛ نرخ بالای تورم و بالا رفتن قیمت عوامل تولید موجب شده بنگاه‌ها بیشتر به فکر حفظ وضع موجود باشند تا سرمایه‌گذاری و تحقیق و توسعه بر روی بهره‌وری،

\* هرچند در میان بخش‌های صنعت، کشاورزی و معدن بالاترین رشد بهره‌وری نیروی کار در بخش صنعت رخ داده است، ولی کمبود نیروی انسانی حرفه‌ای و ماهر و حتی نیروی کار ساده و متناسب نبودن دستمزدها با هزینه‌های خانوار، برنامه‌های بهره‌وری نیروی انسانی را با مشکل مواجه کرده است،

\* وجود منابع ارزان و رانت در تولید مواد اولیه موجب گردیده است تا برخی بنگاه‌های بزرگ به‌واسطه سود ناشی از رانت به دنبال بهره‌وری سیستم‌ها نروند،

\* انحصار از بزرگ‌ترین عوامل ضد تولیدی و ضد بهره‌وری است که به‌واسطه تفکر معیوب سیستمی شکل گرفته و ثمره آن شرکت‌های به‌ظاهر بزرگ غیر کارآمد است، صنعت خودروسازی نمونه آشکار این تفکر ضد توسعه‌ای در کشور است،

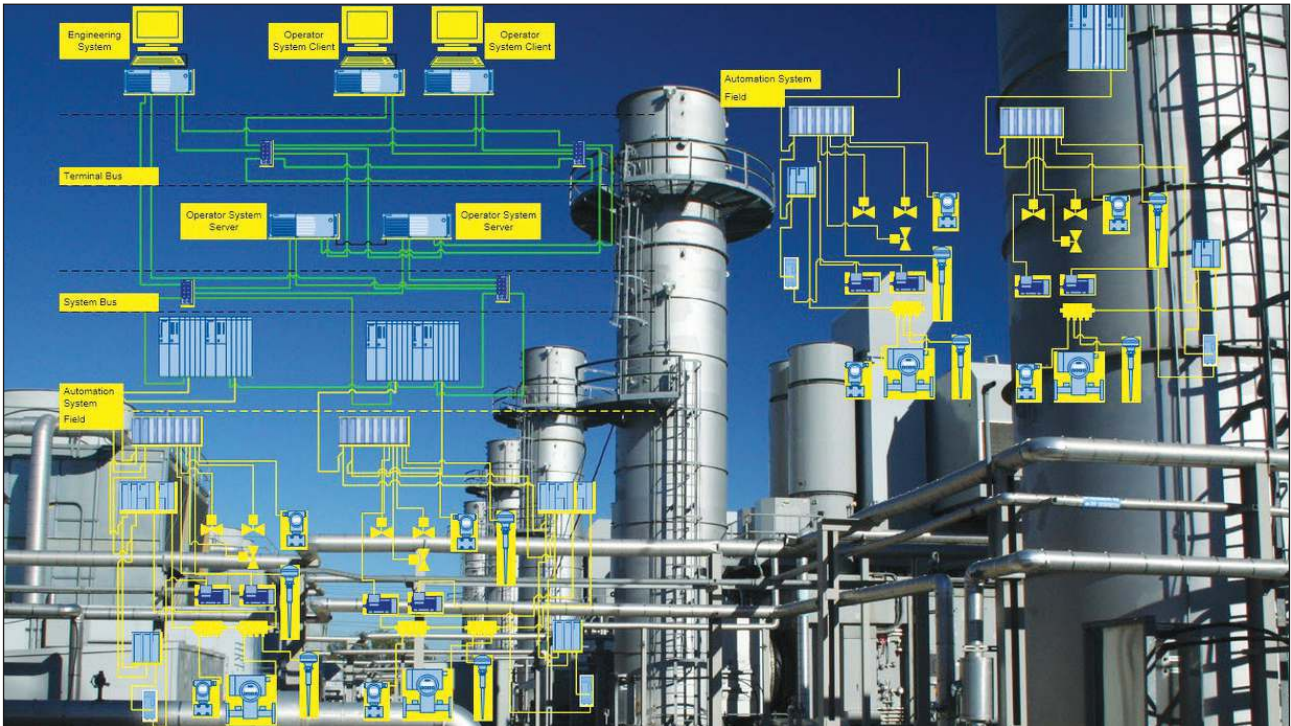
\* در شرایط تورمی به‌طور متوسط، سود اسمی برخی شرکت‌ها به دلیل کاهش ارزش

بهره‌وری یک مفهوم اقتصاد خرد است که با نظام قیمت‌ها رابطه یک‌به‌یک دارد و عبارت است از به حداکثر رساندن استفاده بهینه از منابع (نیروی انسانی، سرمایه، مواد خام تولیدی، زمان و غیره) به شیوه‌ای عملی و به‌منظور گسترش بازار، افزایش سودآوری و بهبود معیارها به‌گونه‌ای که به نفع ذینفعان باشد. نرخ رشد بهره‌وری عبارت از تفاضل نرخ رشد اقتصادی از میانگین موزون نرخ رشد نیروی کار و سرمایه است. یکی از مهم‌ترین اهداف کشورها دستیابی به رشد اقتصادی است. این هدف به دو صورت «انباشت عوامل تولید» و «افزایش بهره‌وری عوامل تولید» امکان‌پذیر است. افزایش بهره‌وری عوامل تولید به ایجاد توازن بین ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی منجر می‌شود. از سوی دیگر، دستیابی به اشتغال کامل و کاهش نرخ بیکاری، اصلی‌ترین اهداف کشورها را تشکیل می‌دهد. در ایران نیز این موضوع از عمده‌ترین اهداف برنامه‌های توسعه بوده است که به‌مانند سایر موضوع‌ها مغفول مانده است. مشکل اساسی بهره‌وری در کشور، سهم اقتصاد دولتی و بنگاه‌های خصولتی وابسته به دولت از کل اقتصاد است که به‌واسطه انباشت منابع طبیعی مانند نفت و گاز، ساختار معیوب دولت‌ها، ضعف مدیریتی و عدم استفاده از نیروهای نخبه و متخصص در ارکان تصمیم‌گیری کشور و بنگاه‌های دولتی باعث اتلاف منابع عظیمی در کشور شده است.

**عوامل کاهش بهره‌وری در بنگاه‌های تولیدی ایران بسته به صنعت، اندازه بنگاه و تفکر مدیریت متفاوت است که می‌توان به برخی موارد ذیل اشاره کرد:**

پول، افزایش پیدا می‌کند و افزایش سود اسمی تحت تأثیر تورم باعث غفلت برخی مدیران از تمرکز بر روی بهبود سیستم‌ها و فرآیندها می‌شود،

\* عدم توجه به خصوصی‌سازی واقعی و واگذاری غیرحرفه‌ای بنگاه‌های دولتی فرصت بهره‌وری نمودن بنگاه‌های دولتی را محدود کرده است. در خاتمه باید اشاره کنم مفهوم بهره‌وری ساده است. رشد و ارتقای بهره‌وری از جمله اهداف تمامی دولت‌ها و سازمان‌ها است. بررسی بهره‌وری از منظر اقتصادی، شرکتی یا فردی، می‌تواند برای موفقیت بلندمدت بسیار مهم باشد. در محیط کلان اقتصاد کشور، جاری شدن عقلانیت و صلاحیت در ارکان تصمیم‌گیری، ارتباط با جهان، بهبود شاخص‌های محیط کسب‌وکار، حذف موانع تولید و ایجاد نشاط و امید در جامعه و در سطح بنگاه‌ها، مدیریت نوین، استفاده از تکنیک‌ها و روش‌های بهبود فرآیندهای تولید، آموزش و سرمایه‌گذاری بر نیروی کار و افزایش سرمایه‌های فیزیکی و سازمانی می‌توانند بهره‌وری را افزایش دهند. ♦♦



گفت‌وگو با «علیرضا کلاهی» رییس کمیسیون صنایع اتاق ایران

## سیاست‌زدگی؛ مهم‌ترین چالش

تنها زمانی می‌توانیم به جذب سرمایه در صنایع ساخت محور و ارزش آفرین کشور امیدوار باشیم که سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی جهت‌گیری صحیحی در راستای حمایت از این‌دست از صنایع داشته باشند، از خام‌فروشی به جلو حرکت کنیم، با پرهیز از بلندپروازی‌های غیرمنطقی، صنایع آریترازی غیررقابتی خلق نکنیم و بیش از این منابع کشور را به هدر ندهیم. جبران جاماندگی ایران از روند توسعه صنعتی جهان تنها از مسیر بهره‌وری چندوجهی امکان‌پذیر است. این جبران به معنای لزوم وارد کردن همه تکنولوژی‌های جهان نیست؛ پیاده‌سازی سیستم‌هایی مانند مانیتورینگ خطوط، اینترنت اشیا و اتوماسیون به‌منظور افزایش بهره‌وری، ارتقای حجم تولید و همچنین کاهش هزینه‌های آن، کارهایی هستند که به‌عنوان گام‌های اولیه برای همسو شدن با چهارمین انقلاب صنعتی باید انجام دهیم.

علیرضا کلاهی، رییس کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی ایران همچنین یادآوری می‌کند که در صنایع پایین‌دستی ساخت محور، فاقد مزیت‌های رقابتی و قدرت رقابت با رقبای خارجی هستیم و سعی هم نکرده‌ایم که در رشته‌های منتخب مزیت خلق کنیم، بلکه خواسته‌ایم همه‌چیز را فارغ از قیمت و کیفیت تولید نماییم. لذا به همین دلیل طی دهه‌های گذشته، عمدتاً بر صنایع بالادستی متمرکز بوده‌ایم و تبدیل به کشوری شده‌ایم که منابع خود را صادر کرده و محصول نهایی را وارد می‌نمایند و در بهترین حالت در بسیاری از صنایع، مونتاژکار هستیم. همین مسئله دست ما را برای توسعه صادرات به‌عنوان یکی از پیش‌شرط‌های کلیدی توسعه صنعتی و اقتصادی، بسته است. نبود قدرت رقابتی در قیمت و کیفیت به‌تدریج سطح نفوذ ایران در بازارهای منطقه‌ای را کاهش داده است. به‌این‌ترتیب لازم است که مشوق‌ها در جهت افزایش بهره‌وری و افزایش عمق ساخت در نظر گرفته شود و تنها صناعی از آن‌ها برخوردار شوند که به اهداف مشخصی مانند اشتغال با کیفیت، تولید صادراتی و ثبت اختراع دست یافته باشند؛ زیرا تخصیص بی‌حساب و کتاب مشوق‌ها نتیجه‌ای جز ایجاد رانت و فساد ندارد.

وی این سؤال را مطرح می‌کند که چرا جامعه به بورس اطمینان ندارد؟ و می‌گوید که دولت باید اعتماد سرمایه‌گذاران را به بورس برگرداند و منابع کشور را به سمت بخش مولد هدایت کند و اینکه توسعه صنعتی در سایه سیاست‌های درست رخ می‌دهد درحالی‌که وزارت صمت به شکل غالب فاقد استراتژی بوده و عمدتاً درگیر روزمرگی‌هاست.



منجر شده، به طوری که در صورت ادامه این روند قطعاً ایران در عرضه صنعت و تجارت دنیا جایگاهی نخواهد داشت. البته این مسئله را هم نباید از نظر دور داشت که جبران این جاماندگی از روند توسعه صنعتی جهان، به معنای لزوم وارد کردن همه تکنولوژی‌ها نیست. کاری که باید در گام‌های اولیه برای همسو شدن با چهارمین انقلاب صنعتی انجام دهیم، پیاده‌سازی سیستم‌هایی مانند مانی‌تورینگ خطوط، اینترنت اشیا و اتوماسیون به منظور افزایش بهره‌وری، ارتقاء حجم تولید و همچنین کاهش هزینه‌های آن است. کاهش قیمت تمام شده، قدرت خرید مردم و مشتریان را بالا می‌برد و در نهایت به افزایش رفاه و تسهیل معیشت آن‌ها منجر شده و از سوی دیگر بر توان رقابت شرکت‌های ایرانی در بازارهای صادراتی می‌افزاید.

به همین منظور کمیسیون صنایع اتاق ایران در کمیته ماده ۴۶ که بر اساس مصوبه دولت در سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایجاد شده، پیشنهاد مشخص خود را مبنی بر انتخاب شرکت‌های پیشرو در زمینه مانی‌تورینگ، هوشمندسازی و اینترنت اشیا ارائه داده تا از این طریق با تخصیص مشوق‌های متعدد، برگزاری دوره‌های

خودرو نیست، اما ارزش تولید و صادرات صنعت تولید قطعات یدکی در این کشور بیش از ۱۰ تا ۱۱ میلیارد یورو است و این میزان خلق ارزش به معنای جهت‌گیری صحیح سیاست‌های اقتصادی این کشور به نفع مزیت‌های ساخت و تولید آن است. در ایران هم این ظرفیت وجود داشت که در صورت استمرار و اجرایی شدن قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی و ورود خودروسازان بزرگ جهانی به ایران پس از امضای برجام، می‌توانستیم شاهد تحولات جدی در صنعت خودرو باشیم، اما متأسفانه این فرصت از دست رفت.

### ♦♦ دنیا در مسیر انقلاب صنعت نسل چهارم است، اگر کشورمان نتواند مشارکتی در آن داشته باشد، چه می‌شود؟ ایران برای جبران جاماندگی‌ها و همراه شدن با روند صنعت جهان چه باید بکند؟

جبران جاماندگی ایران از روند توسعه صنعتی جهان تنها از مسیر افزایش بهره‌وری چندوجهی امکان‌پذیر است که به‌طور معمول شامل بهره‌وری در خطوط و تجهیزات تولید، مواد اولیه و انرژی و همچنین نیروی انسانی است که همگی عوامل اصلی انقلاب صنعتی نسل چهارم محسوب می‌شوند. واقعیت این است که در حال حاضر ما با مشکلات جدی در حوزه بهره‌وری مواجهیم و همین امر به کاهش شدید توان رقابتی ما در بازارهای بین‌المللی

در صنایع مادر و بالادستی تجارب ناموفق بسیاری داشتیم که نشان می‌دهد نباید دوباره همان مسیر را در پیش بگیریم؛ به‌عنوان مثال مجموعه سرمایه‌گذاری مستقیم انجام شده در صنعت پتروشیمی مبلغ معادل ۸۲ میلیارد دلار بوده و بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار یارانه گاز و ارز دولتی نیز پرداخت شده، اما زنجیره ارزش تکمیل نشده و جایگاه استراتژیکی نیز برای کشور کسب نکرده‌ایم.

### ♦♦ تولید هوشمندانه چیست و چه تأثیری دارد؟

تولید هوشمند در کشورهای توسعه‌یافته در دوره‌های پس از شکل‌گیری انقلاب صنعتی چهارم و بر مبنای آنچه در طول این رخداد به دست آمده رشد می‌کند. در واقع تولید هوشمندانه بیش از هر چیز بر کاهش هزینه‌های تولید و به‌تبع آن افزایش بهره‌وری و قدرت رقابت‌پذیری استوار است و عمدتاً با بهره‌گیری از فناوری‌های جدید و نمایی در روش‌های طراحی، تولید و کنترل شکل می‌گیرد. به این ترتیب یک تولیدکننده برای دستیابی به تولید هوشمند می‌تواند تنها با تغییر امکانات فناورانه در خطوط تولید، با کمترین هزینه به بیشترین کارایی در بهره‌وری و سودآوری دست یابد. نمونه موفق این نوع تولید را می‌توان در بسیاری از برندهای موفق جهانی در حوزه‌های متعدد از جمله تلفن‌های همراه مشاهده کرد.

برای دستیابی به تولید هوشمند، ضروری است که از ابتدای زنجیره تأمین تا تولید و عرضه محصول به‌عنوان حلقه نهایی این زنجیره، یک برنامه مدون مبتنی بر بهره‌وری داشته باشیم. به این ترتیب اگر این برنامه به‌صورت موردی در بخشی از این زنجیره اجرایی شود، به‌تدریج به سایر حلقه‌های تشکیل دهنده زنجیره تأمین هم تسری پیدا می‌کند.

البته در این میان نگاه واقع‌بینانه به‌منظور جلوگیری از تدوین سیاست‌های غلط در حوزه تولید هم یک الزام جدی برای دستیابی به تولید هوشمند است؛ چرا که تنها زمانی می‌توانیم به جذب سرمایه در صنایع ساخت محور و ارزش‌آفرین کشور امیدوار باشیم که سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی، جهت‌گیری صحیحی در راستای حمایت از این دست از صنایع داشته باشند و هم از خام فروشی به جلو حرکت کنیم و هم با پرهیز از بلندپروازی‌های غیرمنطقی، صنایع آریترازی غیررقابتی خلق نکنیم و بیش از این منابع کشور را به هدر ندهیم؛ به‌عنوان مثال کشور اتریش، تولیدکننده



آموزشی و تسهیل انتقال تکنولوژی، گام‌های ابتدایی برای انقلاب صنعت نسل چهارم در این صنایع برداشته شود.

### ♦ چرا کشورمان بر روی توسعه صنایع ساخت محور تمرکز نکرده است؟ ارزیابی شما از سرمایه‌گذاری‌های منابع محور و تأثیر آن‌ها در توسعه سایر بخش‌ها چیست؟

پیش از هر چیز باید این مسئله را پذیرفت که ما در صنایع پایین‌دستی ساخت محور، فاقد مزیت‌های رقابتی و قدرت رقابت با رقبای خارجی هستیم و سعی هم نکردیم که در رشته‌هایی منتخب مزیت خلق کنیم، بلکه خواستیم همه‌چیز را فارغ از قیمت و کیفیت تولید کنیم. به همین دلیل طی سال‌ها و دهه‌های گذشته، عمدتاً بر صنایع بالادستی متمرکز بوده و تبدیل به کشوری شده‌ایم که منابع خود را صادر کرده و محصول نهایی را وارد می‌کند، به طوری که در بهترین حالت در بسیاری از صنایع، یک مونتاژکار هستیم.

راه دوری نرویم، صنعت خودرو گواه مسیری است که در طول این سال‌ها طی کرده‌ایم، شاید اگر از ابتدا منابع و سرمایه‌های کشور را بر توسعه صنعت قطعات خودرو متمرکز می‌کردیم، امروز شاهد نتیجه متفاوتی بودیم. مانند کاری که در کشور ترکیه انجام شد و این کشور را ابتدا به یک قطعه ساز بزرگ تبدیل کرد. امروز اما نه تنها همه برندهای بین‌المللی در این کشور حضور دارند، بلکه صنعت خودروسازی بومی آن هم به تدریج در حال شکل‌گیری و توسعه است.

اما در ایران تمرکز بر صنایع بالادستی شرایطی را رقم زد که در آن هیچ برند ملی قدرتمندی شکل نگرفت و صنعت کشور در تولید محصولات پیچیده با ارزش افزوده بالا از دنیا عقب ماند. همین مسئله دست ما را برای توسعه صادرات به‌عنوان یکی از پیش شرط‌های کلیدی توسعه اقتصادی و صنعتی هم بسته است. نبود قدرت رقابتی در قیمت و کیفیت، به تدریج سطح نفوذ ایران را در

بازارهای منطقه‌ای کاسته است. در نهایت آنچه باقی می‌ماند صناعی هستند که ناگزیرند به صورت مستمر به دنبال رانت و آربیتراژ از دولت باشند تا بتوانند به واسطه تخفیف، وام ارزان قیمت و ممنوعیت وارداتی حیات خود را حفظ کنند.

تغییر این نوع پارادایم مستلزم شناسایی صنایع ساخت محور دارای مزیت رقابتی و سرمایه‌گذاری در این بخش با هدف توسعه صادرات آن‌هاست. در حال حاضر بخش محدودی از صنایع ایران در این حوزه روند اصولی را در پیش گرفته‌اند اما در عمده صنایع، با چالش‌های جدی مواجهیم. لذا به نظر می‌رسد ضروری است که یک تیم خبره، با بررسی عمیق و دقیق، منابع و الزامات لازم را جهت تقویت صنایع دارای مزیت رقابتی شناسایی کنند. از جمله این صنایع می‌توان به صنایع شیمیایی و پتروشیمی اشاره کرد که قابلیت توسعه قابل توجهی دارند. هر چند امروز این دست از صنایع به دلیل عدم تولید محصولاتی با عمق ساخت بالا، ارزش افزوده چندانی ندارند و رشد متوازنی را تجربه نکرده‌اند. آمار گمرک هم گواه همین مدعاست و نشان می‌دهد که بهای واحد کالاهایی که از این گروه وارد کشور می‌شوند، سه برابر بهای کالاهای صادراتی ما در این حوزه است. به علاوه متوسط بهای صادراتی محصولات صنایع پتروشیمی ایران ۳۰ درصد کمتر از عربستان سعودی و تنها یک سوم کره جنوبی است؛ بنابراین تولید پلیمرهای

در حال حاضر نسبت بازدهی اجاره‌بهای مسکن در ایران حدود ۳ تا ۴ درصد است؛ اما هیچ‌کس حاضر نیست سهام یک شرکت تولیدی را با این نسبت‌ها خریداری کند. سؤال این است که چرا با وجود اینکه نرخ بهره واقعی در کشور ما ۲۵ تا ۳۰ درصد است، شخص حاضر است مسکن را با بازه ۳ تا ۴ درصد خریداری کند؟

مهندسی و پیچیده‌ای که ارزش افزوده بالا و زنجیره تأمین گسترده‌تری دارند و در کنار آن زنجیره تأمین صنایع دیگر را هم تکمیل می‌کنند، می‌تواند زمینه‌ساز توسعه در این بخش شود. در گام‌های بعد هم البته می‌توانیم به سراغ صنایع دیگری مانند تولید قطعات پلیمری خودرو، لوازم‌خانگی، ظروف، وسایل اسباب‌بازی و ... برویم.

در صنایع فلزی هم قطعات خودرو و قطعات لوازم‌خانگی ارزش افزوده بالایی دارند و ما می‌توانیم با اتکا به ظرفیت‌های فعلی کشور کار را از محصولات محدودتر و کوچک‌تر شروع کرده و زمینه را برای توسعه زیرساختی در این حوزه فراهم کنیم. در صنعت برق هم توانمندی‌های قابل توجهی برای تولید تجهیزات با عمق ساخت و ارزش افزوده بالا داریم، بویژه آنکه سازندگان این صنعت در شرایط کنونی و علیرغم چالش‌های متعدد باز هم توان رقابت با شرکت‌های خارجی را دارند. این پتانسیل در زمینه تولید و صادرات خدمات فنی و مهندسی هم به شکلی گسترده وجود دارد و می‌تواند از پروژه‌های طرح و احداث تا تعمیرات و اورهال زیرساخت‌های متعدد توسعه یابد.

### ♦ موانع پیش روی صنایع برای افزایش عمق ساخت در کشور چیست، بهبود بهره‌وری و رقابت‌پذیری در تولیدات صنعتی موقوف به فراهم بودن چه الزاماتی است؟

یکی از دلایل ضعف ما در ایجاد یا توسعه صناعی با عمق ساخت و پیچیدگی بالا، وجود ضعف‌های چشمگیر در بهره‌وری و رقابت‌پذیری است. صنایع پیچیده، زنجیره تأمین گسترده‌ای دارند و واقعیت این است که ما برای توسعه، به این‌گونه صنایع نیاز داریم، اما متأسفانه هزینه‌های ناشی از عدم بهره‌وری و ضعف رقابت‌پذیری پله پله در این صنایع انباشته می‌شود، به طوری که با افزایش عمق ساخت، این هزینه‌ها هم افزایش پیدا کرده و توان رقابت را کاهش می‌دهند و همین امر ما را به شدت

شوند که به یکسری اهداف مشخص مانند اشتغال باکیفیت، صادراتی شدن و یا ثبت اختراع دست یافته باشند. تخصیص بی‌حساب و کتاب مشوق‌ها، نتیجه‌ای جز ایجاد رانت و فساد ندارد، بنابراین باید از ادامه این روند به‌شدت خودداری کنیم.

◆ **راه‌های تقویت بنیه تولید در کشور و ایجاد کارایی و کسب بازدهی بالا، به‌گونه‌ای که نقدینگی به دنبال تولید برود چیست؟** همان‌طور که در سؤال قبل گفته شد یکی از این راهکارها، طراحی مشوق‌های هوشمند است. علاوه بر آن باید بر اجرای دقیق و صحیح قانون جهش تولید دانش‌بنیان به‌عنوان یک قانون بسیار پیشرو تمرکز

بوده است. خروجی این سیاست‌ها ایجاد شرایطی است که در آن سود ایجاد واحد تولیدی از اداره کردن یا گرداندن آن بیشتر است.

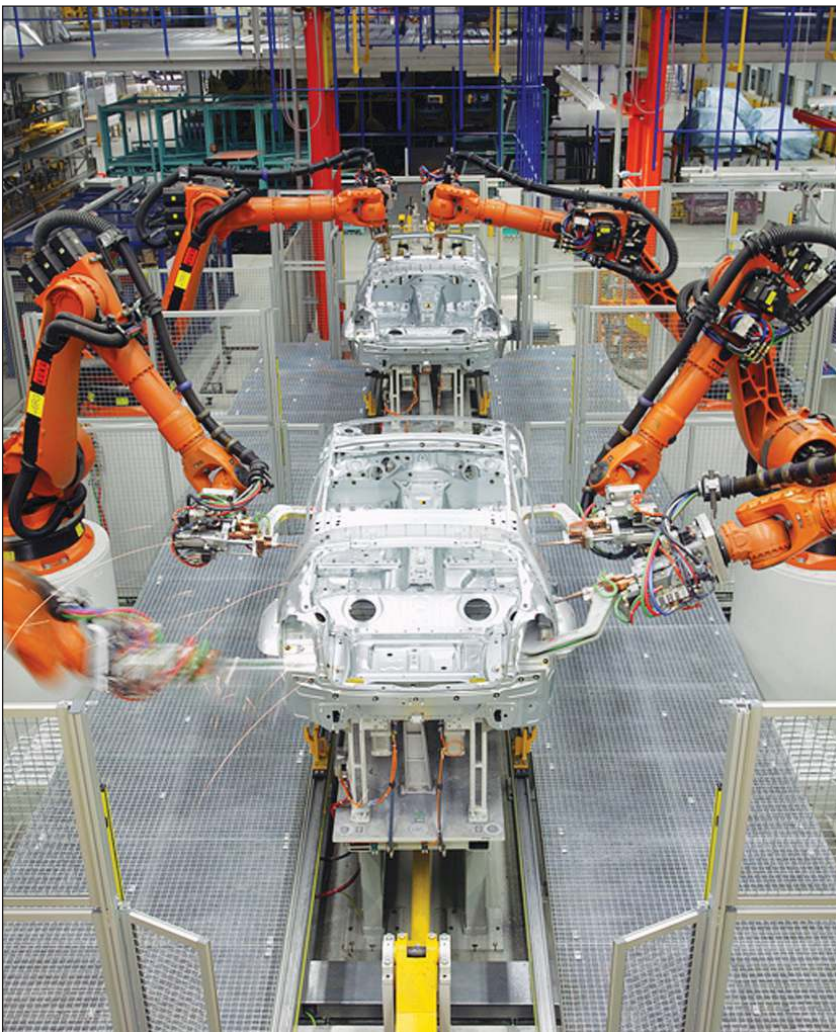
در نتیجه چنین سیاستی است که امروز با تعداد قابل توجهی از واحدهای کوچک کم ظرفیت مواجهیم که نه تنها امکان رقابت در عرصه‌های بین‌المللی را ندارند، بلکه حتی با الزامات ماندگاری در اقتصاد داخلی هم به‌درستی آشنا نبوده و اساساً فاقد مقیاس اقتصادی قابل قبول هستند.

بنابراین لازم است مشوق‌ها را در جهت افزایش بهره‌وری، توسعه فناوری، افزایش عمق ساخت و بهبود بهره‌وری تعیین کنیم و تنها صنایعی از این مشوق‌ها برخوردار

از کشورهای رقیب عقب ننگه داشته است. یکی دیگر از موانع پیش روی صنایع ساخت محور، سیاست‌های نادرست صنعتی در کشور است. در واقع این سیاست‌ها به نحوی تدوین و پیاده‌سازی شده که عمده مزیت‌ها را در حوزه منابع طبیعی و انرژی متمرکز کرده است، هر چند امکانات و ظرفیت‌های این دو حوزه هم با بهای ارزان به صنایع بالادستی فاقد عمق ساخت عرضه شده، به نحوی پله اول حبس شده و در مقابل درآمد قابل توجه و مبتنی بر رانتی را برای این صنایع ایجاد کرده است. درست مثل یک سد که کل حجم یک رودخانه را حبس کرده و حبابه پایین‌دست را نداده است.

حل این مسئله مستلزم تنظیم سیاست‌های مالیاتی است که مباحث مربوط به آن، هرساله در اتاق بازرگانی مطرح شده و بیش از دو سال است که از سوی کمیسیون صنایع اتاق ایران پیگیری می‌شود. مطالبه کمیسیون، لغو معافیت مالیاتی صنایعی است که صادرات مواد اولیه و خام دارند؛ این اقدام سالیانه حدود ۵ میلیارد دلار منابع جدید برای دولت ایجاد خواهد کرد. ما در صنایع مادر و بالادستی تجارب ناموفق بسیاری داشتیم که نشان می‌دهد نباید دوباره همان مسیر را در پیش بگیریم؛ به‌عنوان مثال مجموعه سرمایه‌گذاری مستقیم انجام شده در صنعت پتروشیمی مبلغ معادل ۸۲ میلیارد دلار بوده و بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار یارانه گاز و ارز دولتی نیز پرداخت شده، اما زنجیره ارزش تکمیل نشده و جایگاه استراتژیکی نیز برای کشور کسب نکرده‌ایم.

برای استقرار انقلاب صنعتی چهارم و در جهت توسعه صنایع پایین‌دستی، افزایش عمق ساخت و بهبود بهره‌وری باید مشوق‌های درستی طراحی و به‌صورت دقیق پیاده‌سازی شوند. آنچه که تا امروز انجام شده، تقدیم برخی از مشوق‌ها نظیر ارز یا وام ترجیحی و یا زمین به صنایع





و ... است و تنها ۲۰ درصد از این منابع از سرمایه‌گذاری مستقیم تأمین می‌شود که با توجه به ماهیت این دسته از سرمایه‌گذاران که پورتفولیوهای بسیار بزرگ دارند از نظر تعداد حدود ۳ یا ۴ درصد کل جامعه سرمایه‌گذاران را در برمی‌گیرد که معمولاً شامل افراد بسیار متمولی است که یا در حوزه سرمایه‌گذاری کاملاً حرفه‌ای هستند و دائماً به داده‌های بازار دسترسی دارند یا با اتکا به تیم حسابدار و آنالیزور حرفه‌ای، به شکلی هوشمندانه عمل می‌کنند.

در کشور ما برعکس این روند، اتفاق افتاده و ۸۰ درصد منابع متعلق به سرمایه‌گذاران و اشخاص حقیقی بوده و ۲۰ درصد آن از طریق صندوق‌ها و حرفه‌ای‌ها تأمین می‌شود. این موضوع باعث شده که مردم اسپر سیگنال فروش و توصیه‌های غلط شده و عمدتاً سهام ناکارآمد را از شرکت‌های حیاتی خریداری کنند. ضمن این‌که در این بین اقدامات غیرقانونی مثل باد کردن سهام

**توسعه صنعتی در سایه سیاست‌های درست رخ می‌دهد و عمده این سیاست‌ها باید در وزارت صمت تدوین شوند، اما شاهد بودیم که وزارت صمت در غالب موضوعات فاقد استراتژی بوده و عمدتاً درگیر روزمرگی‌ها است. در واقع این وزارتخانه به جای برنامه‌ریزی برای آینده، دائماً درگیر حل کردن موضوعاتی است که از سوی نهادهای مختلف مطرح می‌شود. بنابراین در این شرایط داشتن استراتژی پایدار، اجرایی و هدفمند بسیار دشوار است.**

اقتصادی برای کشور و برای کارآفرینان کشور فراهم می‌کند.

#### ♦ چرا جامعه به بورس اطمینان ندارد؟

در همه جای دنیا ۸۰ درصد منابع بورس مربوط به صندوق‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و مسترمی‌بگیران

کنیم. در واقع نباید اجازه دهیم که این قانون هم در سایه برخی تنگ‌نظری‌ها به سرنوشت قانون رفع موانع تولید دچار شود.

فراموش نکنیم که در شرایط فعلی به نظام بانکی کشور هیچ امیدی نیست، بنابراین باید تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی را از طریق سایر ابزارهای مالی نظیر بازار سرمایه و ایجاد رونق و اطمینان در آن تسهیل کرد. البته در نگاهی کلی باید گفت که نظام تأمین مالی کشور باید به شکلی اصلاح شود که امکان تخصیص بهینه منابع به بخش‌های مولد را فراهم کرده و زمینه‌ساز توسعه اقتصادی کشور شود.

در حال حاضر نسبت بازدهی اجاره‌بهای مسکن در ایران حدود ۳ تا ۴ درصد است؛ اما هیچ‌کس حاضر نیست سهام یک شرکت تولیدی را با این نسبت‌ها خریداری کند. سؤال این است که چرا با وجود اینکه نرخ بهره واقعی در کشور ما ۲۵ تا ۳۰ درصد است، شخص حاضر است مسکن را با بازه ۳ تا ۴ درصد خریداری کند؟ پاسخ روشن است، خرید مسکن، برای شهروندان یک سپر تورمی در حوزه مسکن ایجاد می‌کند، ضمن اینکه عدم دخالت دولت و عدم اخذ مالیات در این حوزه، مردم را ترغیب می‌کند که با اطمینان سرمایه‌های خود را به خرید ملک اختصاص دهند. این موضوع دو خروجی بد داشته، به طوری که نسبت کل قیمت املاک و مستغلات در ایران نسبت به تولید ناخالص ملی، ۶ به ۱ است، در حالی که این نسبت در آمریکا ۲ به ۱ است. این موضوع نشان می‌دهد که بخش بزرگی از سرمایه‌گذاری‌های کشور در یک بخش غیر مولد قفل شده و همین امر به افزایش چشمگیر قیمت‌ها و ایجاد چالش‌های جدی برای مردم در زمینه تأمین مسکن منجر شده است.

در صورت رفع مشکلات بورس و ایجاد اطمینان می‌توان سرمایه سرگردان و نقدینگی را به سمت فعالیت‌های مولد هدایت و امکان خلق ارزش و توسعه





چوب سیاست‌زدگی را خورده‌ایم؛ برای مثال در صنعت خودرو مداخله دولت باعث ایجاد انحصار شد، اما پس از امضای برجام قراردادهای بسیار هوشمندانه‌ای بسته و با ورود خودروسازان بزرگ خارجی به بازار ایران موافقت شد. شرط اول برای ورود این شرکت‌ها این بود که مشارکت ۵۱ درصدی در مالکیت و مدیریت شرکت‌های جدید در بازار ایران بر عهده خودروسازان خارجی باشد و در مقابل کیفیت محصولات و عملکرد سازمان پاسخگو باشند.

دومین شرط هم صفر بودن بیلان ارزی شرکت‌های خارجی در قبال در اختیار قرار دادن بازار و حمایتی بود که از طریق افزایش حقوق گمرکی و جلوگیری از واردات سایر خودروها برای آن‌ها در نظر گرفته شده بود. به این ترتیب خودروسازان خارجی با ارزیابی کل قطعه سازان ایرانی و انتخاب بهترین‌ها و توانمندسازی و ارتقاء آن‌ها علاوه بر این که این قطعه سازان را مهیای ورود به بازارهای صادراتی می‌کردند و یا خودروی ساخته شده را صادر می‌کردند که تحولی را در صنعت خودروی ایران رقم می‌زد.

### ◆ چالش‌های تدوین سیاست‌های پایدار صنعتی در کشور چیست؟

مهم‌ترین چالش ما سیاست‌زدگی است که در سؤال قبل مفصل به آن پرداخته شد. از طرفی روزمرگی نیز چالش دیگری است که باید برای حل آن چاره‌اندیشی کنیم؛ توسعه صنعتی در سایه سیاست‌های درست رخ می‌دهد و عمده این سیاست‌ها باید در وزارت صمت تدوین شوند، اما شاهد بودیم که وزارت صمت در غالب موضوعات فاقد استراتژی بوده و عمدتاً درگیر روزمرگی‌ها است. در واقع این وزارتخانه به جای برنامه‌ریزی برای آینده، دائماً درگیر حل کردن موضوعاتی است که از سوی نهادهای مختلف مطرح می‌شود. بنابراین در این شرایط داشتن استراتژی پایدار، اجرایی و هدفمند بسیار دشوار است. ◆◆

و آریتراز به شیوه‌های مختلف در صنعت دخالت کرده است.

البته ناگفته نماند که در کشور مصداق مداخله مثبت دولت هم وجود دارد. صنعت برق به‌عنوان یک صنعت رقابتی صادراتی در یک دوره زمانی بیش از ۹۳ درصد صادرات خدمات فنی مهندسی کشور را به خود اختصاص داده بود. این موضوع به زمان دولت آقای هاشمی رفسنجانی برمی‌گردد که مشکل برق مطرح شد. در این بین دو مسیر در پیش رو بود: مسیر اول این بود که فرصت در اختیار خارجی‌ها قرار بگیرد تا برای ما نیروگاه، پست و خط انتقال احداث کنند که خوشبختانه این اتفاق نیفتاد. در آن دوره در صنعت برق هوشمندانه عمل کردیم و یک تیم از بروکرات‌های توانمند که یکی از لازمه‌های افزایش کیفیت سطح مداخله دولت است، ذیل وزارت وقت نیرو تشکیل شد. این تیم بهترین‌های دنیا را در رشته‌های مختلف شناسایی کرد. مثلاً برای توربین زمینس، برای سویچ‌گیر برق ABB و در جایی دیگر هادسون و ... را انتخاب کردند. به این ترتیب در جریان واگذاری پروژه به این شرکت‌ها، انتقال فناوری هم به‌صورت عمیق و درست انجام شد و از همین مسیر مجموعه‌های توانمندی مانند مینا، پارس سویچ، ایران ترانسفو، نیرو ترانس شیراز و ... ایجاد شد و ارتقا پیدا کرد. در کنار آن مهندسان ایرانی در کنار خارجی‌ها کار یاد گرفتند و هسته اولیه ساخت در این صنعت ایجاد و پس از آن تبدیل به خوشه صنعتی شد. حتی مقدمات صادراتی کردن صنعت برق هم در همان زمان فراهم و شرکت صنایع تأسیس شد تا به شرکت‌ها کمک کند که به بازارهای بین‌المللی راه یابند. در حال حاضر صنعت برق علیرغم همه بی‌مهری‌ها، سوء مدیریت‌ها و کمبود نقدینگی شدید کماکان پا بر جا مانده، هر چند این ظرفیت قابل توجه به دلیل مسائل اقتصادی و تراز به‌شدت منفی در خطر است. در مجموع ما در اقتصاد و توسعه همیشه

بعضی از شرکت‌ها و در نهایت تخلیه آن انجام می‌شود و همین امر از دست رفتن سرمایه مردم و ایجاد عدم اطمینان به بورس را در پی داشته است. در حالی که این موضوعات به راحتی با سیستم‌های مانیتورینگ و الگوریتم‌های مشخصی قابل کنترل هستند. در مجموع به اعتقاد من دولت باید اعتماد سرمایه‌گذاران را به بورس برگردانده و منابع کشور را به سمت بخش مولد هدایت کند و البته برای بخش مولد هوشمند هم مشوق‌هایی در نظر بگیرد که به واسطه آن مثلاً قیمت سهام و یا قدرت رقابتی شرکت‌های فعال این حوزه افزایش یافته و زمینه برای بزرگ‌تر شدن آن‌ها و در نهایت مولدسازی اقتصاد فراهم شود.

همچنین اصلاح ساختار مشوق‌ها، کاهش تصدی‌گری دولت و ایفای صحیح نقش تنظیم‌گری حاکمیت و دولت و افزایش کیفیت دخالت دولت بویژه از مسیر تعامل با نهادهایی مانند اتاق بازرگانی هم می‌تواند مؤثر واقع شود. امروز بر همگان روشن است که تصدی‌گری دولت در بسیاری از امور نتایج منفی در پی داشته، بنابراین ضروری است دولت به جایگاه خود به‌عنوان تنظیم‌گر بازگشته و هدایت اقتصاد را در سطح کلان در دست بگیرد و با تقویت بازار سرمایه و تدوین سیاست‌های درست، توسعه اقتصاد را به فعالان این حوزه بسپارد.

### ◆ در بسیاری از کشورها، مداخله دولت در صنایع باعث شده است تا سهم خود را در بازار جهانی افزایش دهند، مداخله دولت در صنایع در کشور ما چقدر به این بخش کمک کرده است؟

بله در کشورهایی مثل کره، تایوان و ترکیه مداخله دولت به افزایش سهمشان در بازار جهانی منجر شده، اما همان‌طور که قبلاً اشاره شد نوع مداخله دولت ما در حوزه صنعت نادرست و ناکارآمد بوده است. دولت با تصدی‌گری و تعریف مشوق‌های غلطی مانند افزایش تعرفه‌ها، ایجاد رانت

# رشد تولید در گرو رفع موانع و مشکلات



## عباس جبال بارزی

عضو هیئت رئیسه اتاق کرمان و نایب رئیس کمیسیون صنایع  
اتاق بازرگانی ایران

قبل از صدور هر بخشنامه و تصمیم اقتصادی، عامل بسیاری مهمی برای رشد تولید و برنامه‌ریزی فعالان اقتصادی است. متأسفانه تاکنون بیشتر بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها بدون نظرخواهی از اتاق‌ها و تشکل‌های بخش خصوصی صادر و اجرا شده است. ۲-۲- رعایت ماده ۲۵ قانون مستمر بهبود فضای کسب‌وکار در خصوص قرار ندادن واحدهای تولیدی در اولویت قطع گاز و برق که متأسفانه در سال‌های اخیر برخلاف این تکلیف قانونی بخش تولید در اولویت قطع گاز در زمستان و قطع برق در تابستان بوده است و هیچ‌گونه جبران خسارتی هم انجام نشده است.

سال ۱۴۰۲ از سوی مقام معظم رهبری، سال «رشد تولید و مهار تورم» نام‌گذاری شده است؛ دو موضوع بسیار مهم که اگر محقق شوند می‌تواند رشد اقتصادی، افزایش اشتغال و افزایش صادرات را در بر داشته باشد، اما راه رشد تولید، رفع موانع و مشکلات پیش روی این بخش مهم اقتصادی است که سعی شده در این مطلب به برخی از مشکلات و موانع که حل آن‌ها در گرو اراده دولت است اشاره شود.

### ۳- تأمین سرمایه در گردش:

علیرغم افزایش شدید قیمت مواد اولیه و نرخ ارز، سرمایه در گردش بنگاه‌های تولیدی متناسب با نیاز، توسط سیستم بانکی تأمین نمی‌گردد، این مسئله باعث کاهش تولید خصوصاً در بنگاه‌های کوچک و متوسط شده است.

### ۴- تمديد سرمایه در گردش در سررسید، صرفاً با اخذ بهره:

متأسفانه در حال حاضر فرایند تخصیص و تأمین ارز برای واردات مواد اولیه و ماشین‌آلات بخش تولید، حداقل به ۵ ماه رسیده است و بانک مرکزی به جای حل مشکل با صدور بخشنامه‌های خلق الساعه از جمله بخشنامه سپرده‌گذاری، واحدهای تولیدی را با چالش نقدینگی مواجه نموده است. تخصیص و تأمین ارز نیمایی در حداقل زمان ممکن (کمتر از دو ماه) خواسته اصلی بخش خصوصی است.

### ۱- بهبود رتبه کسب‌وکار:

بر اساس آخرین رتبه‌بندی بانک جهانی رتبه کسب‌وکار کشور ما عدد ۱۲۷ است. همچنین مطابق گزارش پایش محیط کسب‌وکار در پاییز سال ۱۴۰۱ که توسط مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران انجام شده است، میانگین نمره ارزیابی عدد ۶،۵ از ۱۰ بوده است که هر دوی این پایش نشان‌دهنده وضعیت نامناسب محیط کسب‌وکار هستند، لذا اصلاح روش‌ها، مقررات و اقدامات لازم برای ارتقاء رتبه کشور از عدد ۱۲۷، به عدد دو رقمی زیر ۵۰، عامل بسیار مهمی در رشد تولید بوده و از خواسته‌های اصلی بخش خصوصی است.

### ۲- اجرای قانون مستمر بهبود فضای کسب‌وکار:

۱-۲- اجرای کامل مواد ۲ و ۳ و ۲۴ قانون بهبود مستمر فضای کسب‌وکار توسط دولت، وزارتخانه‌های مربوطه و دستگاه‌های مرتبط با فعالیت‌های اقتصادی در خصوص نظرخواهی از تشکل‌های بخش خصوصی و اتاق‌ها، استفاده از جایگاه قانونی شورای گفت‌وگو

در حال حاضر بانک‌ها به دلیل بخش‌نامه‌های بازارنده بانک مرکزی و دستگاه‌های نظارتی از تمديد سرمایه در گردش بنگاه‌های تولیدی در سررسید، صرفاً با اخذ بهره خودداری می‌کنند که متأسفانه این موضوع باعث افزایش معوقات بانکی و همچنین مشکلاتی چند از جمله وارد شدن نام بنگاه‌های تولیدی در لیست سیاه بانک‌ها و محروم شدن از خدمات بانکی شده است. در صورتی که اگر بانک‌ها صرفاً با اخذ بهره، سرمایه در گردش بنگاه‌های تولیدی را که عمدتاً به صورت کار در جریان ساخت، طلب از مشتری یا موجودی مواد اولیه می‌باشد در سررسید تمديد نمایند، این حجم از معوقات بانکی و بالطبع گرفتاری‌های واحدهای تولیدی را نخواهیم داشت.

### ۵- تأمین سرمایه ثابت برای سرمایه‌گذاری جدید و یا اجرای طرح‌های توسعه توسط بنگاه‌های تولیدی موجود:

متأسفانه چندین سال است که بانک‌ها پرداخت تسهیلات سرمایه ثابت را به حداقل و

نقدینگی مواجهه نموده است. تخصیص و تأمین ارز نیمایی در حداقل زمان ممکن (کمتر از دو ماه) خواسته اصلی بخش خصوصی است.

#### ۹- افزایش شدید قیمت ارز:

از شهریور ماه سال گذشته تاکنون نرخ ارز جهش ۱۰۰ درصدی داشته و بانک مرکزی به جای بررسی و حل مشکل، اصرار به کاذب بودن نرخ بازار و پافشاری به نرخ ۲۸۵۰۰ تومان دارد. تغییرات روزانه نرخ ارز امکان برنامه‌ریزی مدیران بخش تولید را به صفر رسانده و عملاً برنامه‌ریزی بنگاه‌های اقتصادی از سال به ماه و از ماه به روز رسیده است. حذف ارز چند نرخ و ثبات نسبی نرخ ارز از الزامات اولیه رشد تولید است.

#### ۱۰- اصلاح رویه گمرکی:

در حال حاضر چنانچه کالای بنگاه‌های تولیدی اعم از مواد اولیه و یا ماشین‌آلات وارد گمرک شده باشد، اما تأمین ارز صورت نگرفته باشد که عمدتاً مشکل از طرف صراف‌ها و یا بانک مرکزی می‌باشد، واحد تولیدی امکان خروج کامل کالای خود را از گمرک نخواهد داشت در صورتی که: الف: عدم تأمین ارز هیچ‌گونه تعهدی برای گمرک نخواهد داشت زیرا اصولاً گشایش

۴-۶- ارائه جواز صادراتی و همچنین پرداخت یارانه در خصوص هزینه حمل محصولات صادراتی،

۵-۶- انجام توافقات لازم با کشورهای همسایه در خصوص برقراری تعرفه‌های ترجیحی فی‌مابین.

#### ۷- ثبات در قیمت مواد اولیه:

یکی از اصلی‌ترین چالش‌های بنگاه‌های تولیدی خصوصاً SME ها تغییرات شدید قیمت مواد اولیه و همچنین تأمین آن است که عمدتاً توسط بنگاه‌های دولتی و شبه‌دولتی تولید و توزیع می‌شوند. بی‌ثباتی قیمت‌ها و همچنین دشواری تأمین از بورس و شکل گرفتن بازار دلالی در برخی از موارد تا ۵۰ درصد کاهش تولید را در بنگاه‌های کوچک و متوسط به دنبال داشته است.

#### ۸- تخصیص و تأمین ارز نیمایی:

متأسفانه در حال حاضر فرایند تخصیص و تأمین ارز برای واردات مواد اولیه و ماشین‌آلات بخش تولید، حداقل به ۵ ماه رسیده است و بانک مرکزی به جای حل مشکل با صدور بخشنامه‌های خلق‌الساعه از جمله بخشنامه سپرده‌گذاری، واحدهای تولیدی را با چالش

در برخی از موارد به صفر رسانده‌اند و عملاً این موضوع در کنار کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و ورود سرمایه‌های سرگردان به فعالیت‌های دلالی (ارز، سکه و غیره) باعث رشد منفی نرخ تشکیل در سرمایه‌گذاری ثابت شده است. لذا تأمین سرمایه ثابت طرح‌ها دارای توجیه اقتصادی از اساسی‌ترین نیازهای کشور و از وظایف اصلی وزارت صمت و بانک مرکزی است.

#### ۹- حمایت هدفمند از صادرات غیرنفتی:

سازمان توسعه و تجارت به‌عنوان مسئول گسترش تجارت خارجی کشور بایستی با همکاری تشکل‌های بخش خصوصی، خصوصاً اتاق بازرگانی و استفاده از تجربیات کشورهای موفق، برنامه و اقدامات لازم برای توسعه صادرات غیرنفتی را به عمل آورد، از جمله: ۱-۶- ایجاد دفاتر ارائه خدمات بازاریابی و مشاوره فروش در کشورهای هدف صادراتی که تاکنون این دفاتر در آنجا ایجاد نشده است، ۲-۶- برنامه‌ریزی و انجام اقدامات لازم برای تشکیل شرکتهای حرفه‌ای مدیریت صادرات در کلاس جهانی، ۳-۶- حمایت‌های مالی و ارائه مشوق‌های قابل‌توجه به بنگاه‌های تولیدی که پتانسیل صادرات دارند جهت شرکت در نمایشگاه‌های خارجی،





اعتبار اسنادی انجام نشده است و واردکننده نیز اسناد مرتبط را به گمرک تحویل می‌نماید، ب: عدم تأمین ارز هیچ ارتباطی به بنگاه تولیدی نداشته و مشکل از طرف بانک مرکزی است. لذا ترخیص صددرصدی کالا و یا ماشین‌آلات با اخذ کامل حقوق و عوارض گمرکی بایستی انجام گردد تا واحدهای تولیدی دچار مشکل نشوند.

### ۱۱- صدور مجوز سازمان‌های بیمه‌ای مشابه سازمان تأمین اجتماعی و اصلاح ترکیب هیئت‌های بدوی و تجدیدنظر:

۱-۱۱- در حال حاضر سازمان تأمین اجتماعی به دلیل انحصاری بودن یا اخذ حق بیمه مضاعف در حسابرسی‌های غیرقانونی و تحمیل بخشنامه‌های غیرقانونی به کارفرمایان از جمله بازرسی غیرتخصصی از کارگاه‌های ثابت، برخلاف قانون رفع موانع تولید باعث دلسردی کارآفرینان برای توسعه بنگاه و افزایش اشتغال شده است. لذا ایجاد سازمان‌های مشابه تأمین اجتماعی که ارائه‌دهنده خدمات بازنشستگی و درمان باشند، از ضرورت‌های لازم و به نفع بقای سازمان تأمین اجتماعی است. بیم آن می‌رود که ادامه وضع موجود در آینده نزدیک سازمان تأمین اجتماعی را مشابه سایر سازمان‌های بازنشستگی بودجه بگیرد دولت نماید. همچنین سازمان بیمه مرکزی امکانات و توانایی مالی لازم را برای انجام این مهم دارد.

۲-۱۱- در ترکیب فعلی هیئت‌های بدوی و تجدیدنظر، نماینده وزیر محترم از سازمان تأمین اجتماعی تعیین شده است که متأسفانه این مسئله هیئت‌ها را از یک مرجع بی‌طرف، به یک مرجع یک‌طرفه تبدیل نموده است. تعیین نمایندگان وزیر محترم در ترکیب هیئت‌های بدوی و تجدیدنظر خارج از سازمان تأمین اجتماعی امری ضروری است و رعایت عدالت در صدور رأی را به دنبال خواهد داشت.

### ۱۲- برداشتن فشار مالیاتی و همراهی سازمان مالیاتی با بخش تولید کشور:

۱-۱۲- اجرای کامل تبصره ۲ ماده ۹۷ قانون مالیات‌ها در رسیدگی‌ها به اظهارنامه‌ها که نهادهای مالیات بر مبنای ریسک است.

۲-۱۲- جلوگیری از تعجیل در اجرای سامانه مؤدیان مالیاتی و جلوگیری از سپردن سرنوشت بنگاه‌های کوچک و متوسط به شرکت‌های معتمد که خلاف آشکار محرمانگی و افشای اطلاعات مؤدیان است. لذا پیشنهاد می‌گردد این سازمان با هماهنگی تشکلهای بخش خصوصی، خصوصاً اتاق بازرگانی با ارائه آموزش لازم، ایجاد زیرساخت کامل و نرم‌افزارهای واسطه‌ای ضمن انجام تکالیف قانونی از گرفتاری واحدهای تولیدی نیز جلوگیری نماید. متأسفانه بخشنامه شماره ۲۹۳۷/۲۰۰۷ مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۲۲ سازمان مالیاتی با حمایت از رشد تولید مغایرت دارد و بایستی ابطال گردد.

### ۱۳- تعدد سامانه‌های گزارش‌گیری:

در حال حاضر بنگاه‌های تولیدی موظف به ارائه گزارش در سامانه‌های مختلف از جمله سامانه ماده ۱۶۹، سامانه جامع انبار و غیره می‌باشند و هر دستگاهی با ایجاد سامانه خاص خود بنگاه‌های تولیدی را وادار به ارائه گزارش و ثبت اطلاعات نموده و هزینه اضافی را به این بنگاه‌ها تحمیل می‌نماید. لذا پیشنهاد می‌گردد این دستگاه‌ها ضمن هماهنگی با یکدیگر یک سامانه مرکزی برای اخذ اطلاعات طراحی نموده و تولیدکنندگان صرفاً اطلاعات را در این سامانه بارگذاری نمایند و هر دستگاهی به فراخور نیاز خود از این سامانه مرکزی اطلاعات را برداشت نماید.

### ۱۴- واگذاری اختیارات به مدیران استانی:

متأسفانه در حال حاضر مدیران استانی از اختیارات کافی برای تصمیم‌گیری در خصوص

هزینه اجاره مسکن از اصلی‌ترین مشکلات کارگران است که گاهی تا ۷۰ درصد حقوق این قشر زحمتکش را در برمی‌گیرد. وزارت کار می‌تواند با هماهنگی بانک رفاه کارگران با پرداخت تسهیلات بلندمدت خرید مسکن (۳۰ ساله مشابه سایر کشورها) این معضل را تا حدودی حل نماید که باعث رشد بهره‌وری و تولید خواهد بود.

حل مشکلات بنگاه‌های تولیدی به‌خصوص در حوزه‌های بانکی، مالیاتی، اجتماعی برخوردار نیستند و عمدتاً کارگروه‌های رفع موانع استانی کارایی لازم را ندارند و در نتیجه بخشی از مصوبات این کارگروه‌ها به دلیل نداشتن اختیار لازم، در عمل اجرا نمی‌شود.

### ۱۵- حمایت شرکت شهرک‌ها و سازمان صنایع کوچک از بنگاه‌های SME:

۱-۱۵- واگذاری زمین با حداکثر ۲۰ درصد پیش‌پرداخت و اقساط ۶۰ ماهه پس از بهره‌برداری رسیدن بنگاه تولیدی،

۲-۱۵- حمایت مالی از ایجاد شعبه توسط بنگاه‌های SME در کشورهای هدف صادراتی و حداقل ۳ کشور تا سقف ۵۰ درصد هزینه تأسیس و راه‌اندازی شعبه،

۳-۱۵- عدم دریافت وجوه غیرمعارف مثل هزینه نقل و انتقال، تفکیک و غیره که هیچ‌گونه توجیهی ندارد،

۴-۱۵- ساخت کارگاه‌های کوچک و واگذاری در قالب اجاره به‌شرط تملیک، به کارفرمایان زیر ۱۰ نفر کارگر.

### ۱۶- اصلاح قانون کار:

۱-۱۶- قانون کار فعلی توانایی لازم را در خصوص حمایت از نیروی کار و کارآفرینان ندارد و بیشتر یک قانون یک‌طرفه است که در عمل به‌جای حمایت از کارگر، افزایش اشتغال و به‌تبع آن افزایش تولید، باعث سوق دادن کارفرمایان به کاهش دادن نیروی کار و در برخی موارد استفاده از خدمات بازنشستگان شده است. اصلاح این قانون با هماهنگی تشکلهای کارفرمایی و کارگری از موضوعات مهم و حائز اهمیت است.

۲-۱۶- هزینه اجاره مسکن از اصلی‌ترین مشکلات کارگران است که گاهی تا ۷۰ درصد حقوق این قشر زحمتکش را در برمی‌گیرد. وزارت کار می‌تواند با هماهنگی بانک رفاه کارگران با پرداخت تسهیلات بلندمدت خرید مسکن (۳۰ ساله مشابه سایر کشورها) این معضل را تا حدودی حل نماید که باعث رشد بهره‌وری و تولید خواهد بود. ♦♦

گفت‌وگو با دکتر «حسین میجانی» مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی کرمان

## بازفعال سازی واحدهای صنعتی راکد استان کرمان

در استان کرمان ۴۴ شهرک و ناحیه صنعتی با ۲۲۰۹ واحد تولیدی در حال فعالیت هستند و مجوز هیئت‌وزیران برای ایجاد ۵ شهرک و ناحیه صنعتی جدید نیز دریافت گردیده است. نرخ تعطیلی واحدهای صنعتی، مستقر در شهرک‌ها و نواحی صنعتی استان معادل ۷ درصد یعنی برابر نصف این نرخ در کشور است. در سال ۱۴۰۱ از ۱۱۰ واحد صنعتی راکد مستقر در شهرک‌ها و نواحی صنعتی استان، تعداد ۳۴ واحد (۲۹ درصد) به عرصه تولید بازگشته‌اند.



حوزه صنایع فلزی، ۳۶۹ واحد تولید در حوزه کانی غیرفلزی و ۳۲ واحد در حوزه صنایع نساجی با اشتغال ۳۳۸۵۷ و سرمایه‌گذاری ۳۷۸۱۰ میلیارد ریال در شهرک‌ها و نواحی صنعتی استان کرمان مشغول به فعالیت می‌باشند.

در بحث توسعه شهرک‌ها و نواحی صنعتی، در سال ۱۴۰۱ برای ایجاد تعداد ۵ شهرک و ناحیه صنعتی جدید مصوبه هیئت‌وزیران گرفته شده است که می‌توان به بزرگ‌ترین شهرک تخصصی تولید انرژی پاک (خورشیدی) در شهر رفسنجان به مساحت ۱۵۰۰ هکتار و نیز ایجاد شهرک فناوری به مساحت ۲۵ هکتار در شهر کرمان اشاره کرد. در حال حاضر استان کرمان

### ♦♦ مهم‌ترین چالش‌های امر خصوصی‌سازی

#### بنگاه‌های دولتی در طرح خصوصی‌سازی از

#### پروژه قیمت‌گذاری تا واگذاری چه بوده است؟

ابتدا در مورد آمار واحدهای مستقر در شهرک‌های صنعتی استان و ظرفیت توسعه نواحی و شهرک‌های صنعتی و جایگاه استان کرمان در حوزه بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشور توضیحاتی ارائه بفرمایید؟ در مجموع، ۴۴ شهرک و ناحیه صنعتی با در برداشتن تعداد ۲۲۰۹ واحد تولیدی فعال که از این تعداد، ۷۹ واحد فعال زیرمجموعه گروه صنعت برق و الکترونیک، ۵۰۱ واحد خدماتی و کارگاهی، ۱۴۴ واحد سلولزی، ۳۳۴ واحد در حوزه صنایع شیمیایی، ۴۲۶ واحد تولیدی در حوزه صنایع غذایی، ۳۲۴ واحد در

به‌عنوان استان گروه یک از لحاظ میزان اراضی در اختیار در رتبه ۱۱ کشوری قرار دارد که امید است در سال رشد تولید، به همت دولت زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری استان افزایش یابد.

### ♦♦ چرا واحدهای کوچک از فعالیت بازمانده و

#### متوقف می‌شوند؟

بر اساس رصد کارشناسان این شرکت و ارتباط، بازدید و برگزاری نشست‌های تخصصی با مدیران واحدهای تعطیل و راکد و نیز اعلام مدیران بنگاه‌های اقتصادی راکد، عمده علل تعطیلی واحدهای صنعتی را می‌توان به چند دسته به ترتیب اولویت تقسیم کرد: اول- کمبود نقدینگی برای خرید مواد اولیه،





صنعتی استان به همت کارکنان و مدیران این شرکت و مسئولان استانی به چرخه تولید بازگشته اند.

### ◆ استان کرمان از حیث رکود بنگاه‌ها در شهرک‌های صنعتی و نیز احیاء آن‌ها به لحاظ آماری در چه جایگاهی از کشور است؟

نرخ تعطیلی واحدهای صنعتی مستقر در شهرک‌ها و نواحی صنعتی کشور ۱۴ درصد می‌باشد که به لطف دولت مردمی و انقلابی این نرخ در استان کرمان ۵۰ درصد کمتر است (۷ درصد)، لازم به ذکر است که در سال ۱۴۰۱ از تعداد ۱۱۰ واحد صنعتی راکد مستقر در شهرک‌ها و نواحی صنعتی استان، ۳۴ واحد با استقرار دبیرخانه کارگروه رفع موانع تولید و برگزاری جلسات مکرر و همت کارکنان و مدیران این شرکت و مسئولان استانی به چرخه تولید بازگشته اند (تقریباً ۲۹ درصد) و به لحاظ آمار در جایگاه نسبتاً خوبی در سطح کشور قرار داریم.

راکد در شهرک‌ها و نواحی صنعتی وجود دارد که دلیل اصلی غیرفعال بودن آن‌ها کمبود نقدینگی است و از دیگر علل می‌توان به اختلاف شرکا، عدم توان رقابت با بازار، عدم توان مدیریتتی و غیره اشاره نمود که در سال ۱۴۰۱ تعداد ۳۴ واحد صنعتی راکد و غیرفعال مستقر در شهرک‌ها و نواحی

در سال ۱۴۰۱ برای ایجاد تعداد ۵ شهرک و ناحیه صنعتی جدید مصوبه هیئت وزیران گرفته شده است که می‌توان به بزرگ‌ترین شهرک تخصصی تولید انرژی پاک (خورشیدی) در شهر رفسنجان به مساحت ۱۵۰۰ هکتار و نیز ایجاد شهرک فناوری به مساحت ۲۵ هکتار در شهر کرمان اشاره کرد. در حال حاضر استان کرمان به عنوان استان گروه یک از لحاظ میزان اراضی در اختیار در رتبه ۱۱ کشوری قرار دارد که امید است در سال رشد تولید، به همت دولت زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری استان افزایش یابد.

ماشین‌آلات و تجهیزات، دوم- فرسودگی ماشین‌آلات و عدم توان به‌روزرسانی و تأمین آن‌ها به دلیل بالا بودن نرخ ارز و به‌صرفه نبودن واردات، سوم- فقدان بازار، چهارم- کمبود یا گرانی مواد اولیه، پنجم- نداشتن نیروی متخصص و مجرب و غیره.

### ◆ موضوع خروج واحدهای تولیدی از چرخه تولید و احیای بنگاه‌های راکد مسئله مهمی است که پاره‌ای سؤال‌ها را برمی‌انگیزد، در مورد توزیع واحدهای خارج شده از چرخه تولید برحسب نوع و علل خروج آن‌ها از این چرخه در استان کرمان چه توضیحاتی ارائه می‌نمایید؟

می‌توان گفت بیشترین گروه در صنعت‌های استان که تعطیلی و رکود گریبان‌گیر آن‌ها می‌شود، گروه صنعت‌های کانی غیرفلزی و شیمیایی و غذایی به دلایلی که در سؤال قبل پاسخ داده شد، همچون کمبود نقدینگی، فقدان بازار، عدم آشنایی با تکنولوژی‌های به‌روز و ... می‌باشد. در حال حاضر بیش از ۱۱۰ واحد صنعتی



## احیای آن‌ها که به وضعیت رکود و خروج از چرخه تولید رسیده‌اند؟

ابتدا لازم است توضیح دهیم که رسالت اصلی شرکت شهرک‌های صنعتی، ایجاد زیرساخت مناسب برای سرمایه‌گذاری امن در استان و واگذاری حق انتفاع به متقاضیان ایجاد واحدهای صنعتی کوچک و متوسط است، توسعه صنایع کوچک و متوسط در استان مستلزم همکاری همه ارگان‌های ذیربط (اعم از استانداری، سازمان صمت، شرکت شهرک‌های صنعتی، اتاق بازرگانی، خانه صمت و غیره) است، این‌که دیدگاه ما این باشد که شرکت شهرک‌های صنعتی به‌تنهایی این مهم را به انجام برساند، قطعاً اشتباه و نشدنی است. در هر صورت سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران و شرکت‌های تابعه به‌عنوان سیاست‌گذار حوزه صنایع کوچک و متوسط کشور در ابتدا اولویت خود را بر حفظ و نگه داشتن واحدهای در حال کار، چه با ظرفیت کامل و چه با ظرفیت محدود جهت حفظ اشتغال و به تعطیلی کشیده نشدن این واحدها با استفاده از توان مشاوران بخش خصوصی در حوزه‌های تأمین بازار و ایجاد زنجیره ارزش و ... بنا گذاشته است و در وهله دوم، احیاء حتی‌الامکانی واحدهای تعطیل و بازگردانی آن‌ها به چرخه تولید.

## چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان فرمایید.

قابل ذکر است در سال ۱۴۰۲ با فرمایش مقام معظم رهبری در خصوص شعار سال به‌عنوان مهار تورم و رشد تولید، این شرکت در توافقی‌نامه‌ای با بانک توسعه تعاون استان برای تأمین سرمایه در گردش واحدهای صنعتی زیر ظرفیت تولید و واحدهایی که در دو سال اخیر به دلیل کمبود نقدینگی تعطیل شده‌اند اقدام نموده است، امید است با عنایت حضرت ولی‌عصر (عج) بتوانیم گامی مؤثر در مهار تورم و رشد تولید برداریم. ♦♦

روز و تکنولوژی‌های به‌روز گام برمی‌دارند؛ لذا شرکت شهرک‌ها با تخصیص یارانه حمایتی به صنایع کوچک با استفاده از مشاوران توسعه فناوری، اقدام به شناسایی و رفع عارضه‌های فناوری آن‌ها نموده است؛ به‌گونه‌ای که تاکنون در حوزه رفع مسائل فناوری تعداد ۲۳ نیاز فناورانه از صنایع مختلف مرتفع شده است.

## در طرح احیای واحدهای راکد در شهرک‌های صنعتی استان به چه نسبتی از بنگاه‌ها رسیده‌اید که احیای آن‌ها دیگر صرفه اقتصادی ندارد و لذا از فهرست حمایتی خارج شده‌اند و یا این‌که بر احیای آن‌ها به هر شکلی تأکید می‌شود؟

در حال حاضر واحدهای صنعتی راکد و تعطیل که باز فعال‌سازی نشده‌اند و مدیران آن‌ها راغب به بازفعال‌سازی هستند، توسط مشاوران عارضه‌یابی این شرکت در حال عارضه‌یابی عمیق با استفاده از ظرفیت مشاوران استانی و نخبگان دانشگاهی هستند تا پس از انجام عارضه‌یابی مشخص گردد که اگر زمینه فعالیت و طرح‌های آن‌ها قابل توجیه نبوده، برای راه‌اندازی مجدد تغییر کاربری دهند و طرح‌های توجیهی جدید به آن‌ها پیشنهاد گردد.

## سؤال پایانی این است که اولویت شرکت شهرک‌های صنعتی چیست، ایجاد واحدهای جدید یا جهت‌گیری‌های دقیق اقتصادی و اشتغال‌زایی و حل مشکلات بنگاه‌هایی که در چرخه تولید فعالند و یا

از ابتدای سال ۱۴۰۱ بیش از ۶۰ واحد تعطیل و نیمه تعطیل عارضه‌یابی و پایش شده‌اند و در مواردی که مشکل واحد تولیدی به‌غیراز کمبود نقدینگی بوده با تعریف پروژه‌های بهبود و حمایت مالی در قالب یارانه حمایتی به بازفعال‌سازی واحد کمک شده است.

## ♦♦ در مجموع طرح‌های توجیهی و هزینه احیاء و بازآفرینی بنگاه‌ها با چه نقطه نظرات و رویکردهایی انتخاب و عملیاتی می‌شود؟

شرکت شهرک‌های صنعتی کرمان با استفاده از مشاوران آموزش‌دیده ذیل کلینیک صنعت مرکز خدمات فناوری و کسب‌وکار و همچنین ظرفیت بسیج مهندسين صنعت و معدن استان اقدام به پایش و عارضه‌یابی صنایع تعطیل و راکد و نیمه تعطیل در شهرک‌ها و نواحی صنعتی استان و ارائه راهکارهای راه‌اندازی مجدد با استفاده از ظرفیت خبرگان و افراد متخصص نموده است که از ابتدای سال ۱۴۰۱ بیش از ۶۰ واحد تعطیل و نیمه تعطیل عارضه‌یابی و پایش شده‌اند و در مواردی که مشکل واحد تولیدی به‌غیراز کمبود نقدینگی بوده با تعریف پروژه‌های بهبود و حمایت مالی در قالب یارانه حمایتی به بازفعال‌سازی واحد کمک شده است.

## ♦♦ دو مسئله مهم همواره در اظهارات فعالان اقتصادی در حوزه بنگاه‌های کوچک و حتی متوسط مطرح می‌شود؛ عدم دسترسی به فناوری و ضعف در نوآوری و نیز کمبود سرمایه نقدینگی، اکنون این سؤال مطرح است که آیا به‌صرف تزریق پول به آن‌ها، به فناوری و نوآوری دسترسی پیدا کرده و به فعالیت و تولید و اشتغال‌زایی خواهند رسید؟

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، یکی از دلایل رکود و تعطیلی واحدها، ضعف در اختیار داشتن تکنولوژی‌های جدید است؛ در این مورد دیدگاه و نگرش مدیران واحدهای درگیر با این مشکل به دو دسته تقسیم می‌شود: دسته اول- مدیرانی که اصلاً دنبال تغییر نیستند، به‌طوری‌که حتی اگر نقدینگی هم در اختیارشان قرار گیرد همان سیستم قبل را پایش می‌برند. دسته دوم- مدیرانی که به دنبال تغییر هستند، چه سرمایه کافی در اختیارشان گذاشته شود و چه گذاشته نشود، برای بقا و همگام شدن با بازارهای

# جایگاه استان کرمان در صنعت سیمان کشور

## سعيد غريب حسيني

معاون فروش، بازاریابی و صادرات شرکت سیمان ممتازان کرمان

### مقدمه

تولید سیمان در کشور از سال ۱۳۱۲ و با راه‌اندازی کارخانه سیمان در ۷ کیلومتری جنوب تهران (شهر ری) و در کنار کوه بی‌بی شهربانو با ظرفیت روزانه یک‌صد تن سیمان آغاز گردید. (بین ۶۰ تا ۷۰ سال پس از آلمان و آمریکا) در گذشته، در کشورهای صنعتی و در حال حاضر در کشورهای درحال توسعه نیز تولید و مصرف سیمان نمادی از رشد صنعتی و زیرساختی یک کشور است. در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ شمسی، شاهد راه‌اندازی کارخانه‌های سیمان در نقاط مختلف کشور بودیم؛ به گونه‌ای که در سال ۱۴۰۲، ظرفیت اسمی به بیش از ۸۰ میلیون تن انواع سیمان در کشور رسیده است.

### تولید و مصرف سیمان

بیش از ۱۶۵ سال از شروع مصرف سیمان پرتلند می‌گذرد. در تعریفی ساده سیمان، چسبی است که در اثر ترکیب با آب قادر به چسباندن ذرات شن و ماسه (سنگدانه) است و پس از سفت و سخت شدن، در آب حل نمی‌شود. به همین خاطر به این سیمان، سیمان هیدرولیک گفته می‌شود و اساساً از اکسید کلسیم تشکیل شده است و این اکسید با اکسیدهای سیلیسیم، آلومینیوم و آهن ترکیب می‌شود و ترکیبات مینرالی یا فازهایی با خاصیت سیمانی را به وجود می‌آورد. در فرایند تولید سیمان ابتدا محصول میانی بنام کلینکر تولید شده و بعد پس از آسیاب کلینکر با مقدار معینی سنگ گچ از نوع ژپیس، سیمان تولید می‌گردد.



در سال ۱۴۰۲ قریب به ۷۸ کارخانه سیمان در کشور، فعال هستند و همان‌طور که در بالا ذکر شد، در صورت مهیا بودن شرایط، امکان تولید بیش از ۸۰ میلیون تن انواع سیمان در کشور وجود دارد.

در دهه ۸۰ ظرفیت تولید سیمان در کشور رشد قابل توجهی پیدا کرد. در آن مقطع زمانی پیش‌بینی می‌شد که رشد اقتصادی ۸ درصدی در کشور داشته باشیم تا سیمان تولید شده به مصرف برسد، اما از سال ۱۳۹۳ به بعد و تا سال ۱۳۹۷ به دلیل رکود ساخت‌وساز و پایین آمدن رشد اقتصادی، میزان تولید سیمان بیش از مصرف در کشور بود که باعث ایجاد رقابت در امر فروش و پایین آمدن قیمت سیمان نسبت به قیمت مصوب شد؛ لذا بسیاری از کارخانه‌ها شروع به صادرات تولیدات خود کردند و یا آن دسته از کارخانه‌ها که به دلیل بُعد مسافت امکان صادرات نداشتند، میزان تولید خود را کاهش دادند.

اما از سال ۱۳۹۸ قیمت فولاد به صورت تصاعدی در کشور بالا رفت به گونه‌ای که از سال ۱۳۹۹ به بعد، قیمت فولاد در کشور نزدیک به قیمت جهانی فولاد شد و این در حالی بود که این صنعت از انرژی یارانه‌ای بهره می‌برد. این موضوع باعث بالا رفتن قیمت تمام شده اسکلت فولادی در صنعت ساختمان گردید و تمایل به استفاده از اسکلت بتنی بالا رفت تا آنجا که برای مثال در شهر کرمان در سال ۱۳۹۵ با توجه به آمار بانک مرکزی حدود ۳۰ درصد سازه‌ها بتنی بودند و در سال ۱۴۰۱ این عدد به بالای ۸۵ درصد رسیده است. این تغییر و تحول در ساخت‌وساز که به دلیل بالا رفتن قیمت فولاد بود، موجب بالا رفتن مصرف سیمان در کشور گردید.

سؤال اصلی که مطرح می‌گردد این است که چرا کشور با توجه به امکان تولید بیش از ۸۰ میلیون تن انواع سیمان، به این مهم دست نیافته است؟ پاسخ به این سؤال با نگاه به وضعیت تولید و مصرف سیمان در دو مقطع زمانی مذکور از دهه گذشته مشخص می‌شود.

امروزه با بالا رفتن قیمت فولاد و استفاده از سازه‌های بتنی به جای آن، شاهد رشد مصرف سیمان هستیم. اینجا که تولید سیمان بایستی افزایش پیدا کند و کارخانه‌ها با حداکثر توان، سیمان تولید کنند، با قطع گاز و برق روبه‌رو هستیم. قطعی گاز که در دوره گذشته به دلیل پایین بودن مصرف سیمان، تأثیر چندانی نداشت، از زمستان ۱۳۹۹ به بعد، کاهش تولید را به همراه داشته، البته به این موضوع، ایجاد محدودیت در مصرف برق و گاهی قطعی کامل آن برای برخی از کارخانه‌های سیمان را بایستی اضافه کرد که تأثیر به‌مراتب بالاتری نسبت به گاز دارد، زیرا گاز با مزوت قابل جایگزینی است.

صادرات سیمان ورود پیدا کرده‌اند، اما در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ به دلیل نیاز کشور، تولیدی را در داخل کشور توزیع کردند. ♦♦ تقریباً بیش از ۹۸ درصد توزیع سیمان

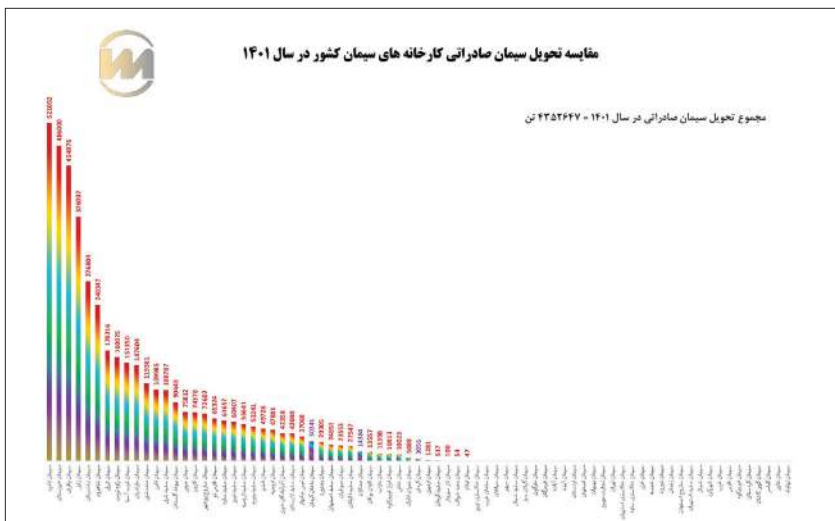
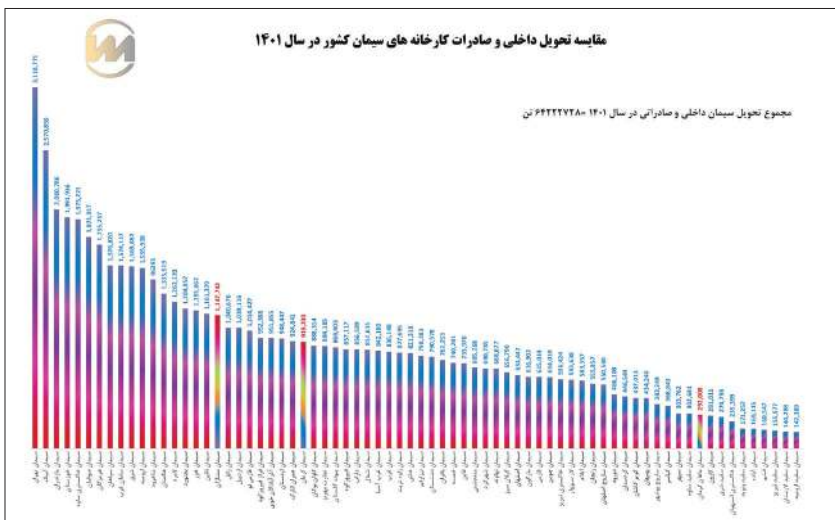
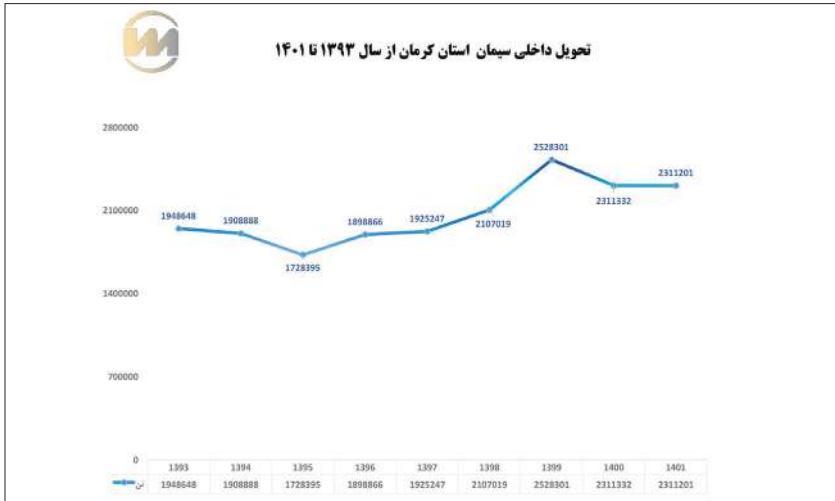
**تولید و توزیع سیمان در استان کرمان**

در حال حاضر سه کارخانه سیمان در استان در حال فعالیت هستند که شامل سیمان ممتازان کرمان (با ظرفیت اسمی سالانه یک میلیون تن)، سیمان کرمان (با ظرفیت اسمی سالانه یک میلیون تن سیمان) و کارخانه سیمان ماهان (با ظرفیت اسمی ۳۰۰ هزار تن سیمان) می‌باشد. لذا ظرفیت تولید سیمان در استان کرمان به صورت سالانه بیش از ۲ میلیون و سیصد هزار تن انواع سیمان می‌باشد.

اگر مقایسه‌ای با سایر استان‌های هم‌جوار داشته باشیم، متوجه می‌شویم که استان کرمان نسبت به سایر استان‌ها از ظرفیت تولید سرانه پایین‌تری برخوردار است؛ به‌عنوان مثال در استان فارس بیش از ۱۰ کارخانه سیمان با ظرفیت فعال هستند که ظرفیت بسیار بالاتری در تولید سیمان دارند و لذا در شرایط عادی، بخشی از سیمان موردنیاز برخی از شهرستان‌های استان کرمان مانند سیرجان، انار، شهربابک و غیره توسط کارخانه‌های سایر استان‌ها تأمین می‌شود. لازم به ذکر است استان کرمان رتبه پایینی از لحاظ تولید سرانه سیمان در کشور در قیاس با سایر استان‌ها دارد.

از نیمه دوم سال ۱۳۹۸ و با افزایش میزان تقاضا، شرکت‌های سیمان استان تولید و توزیع سیمان را افزایش داده‌اند تا آنجا که در سال ۱۳۹۹ بیشترین میزان تحویل سیمان برای کارخانه‌های استان کرمان (۲۵۲۸۳۰۱ تن) ثبت گردید، علی‌رغم قطعی گاز در زمستان ۱۳۹۹ و بعد از آن با مدیریت صحیح و تأمین سوخت مازوت مانع از بروز مشکل برای واحدهای تولیدی خود گردیدند، این در حالی بود که سایر کارخانه‌ها به دلیل قطعی گاز دچار کاهش تولید شدند.

نکته دیگر موضوع صادرات سیمان است. مقوله توسعه صادرات و ارز حاصل از آن جزو اهداف کلان کشور بویژه در شرایط تحریم است که در همین راستا، شرکت‌های سیمان استان نیز از گذشته در حوزه







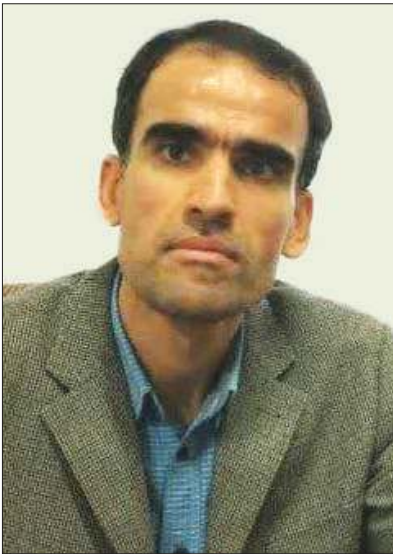
عکس: احسان رسولی

گفت‌وگو با دکتر «سیدهادی طیب‌نیا» عضو هیئت علمی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه سیستان و بلوچستان

## رشد منفی

### نرخ رشد جمعیت روستایی کشور با وجود افزایش جمعیت منفی است

مهاجرت از روستا به شهر یک پدیده معمولی است و در همه جای دنیا اتفاق می‌افتد، ولی این مهاجرت بی‌رویه است که مطلوب نیست. روستا را با کشاورزی می‌شناسند. محیط و بستر روستا به‌طور عمده جوان‌گرا نیست و چون بستر اشتغال برای جوانان در روستا فراهم نیست، لذا بیشتر مهاجرت‌ها توسط جوانان روستا اتفاق می‌افتد. این مهاجرت‌ها معمولاً جوان‌گزین و نخبه‌گزین هستند؛ یعنی روستا را از نیروی جوان و کارآمد محروم می‌کند و بنیان‌های کشاورزی سنتی باقی می‌ماند که به‌شدت بهره‌وری پایینی دارد و مصرف منابع تولید از جمله آب که کالایی بسیار ارزشمند و کم‌یاب است را افزایش می‌دهد. روند کنونی یک روند روستا‌گریزی و در مقابل شهرگرایی است. در یک نظام سیاست‌گذاری کارآمد، نواحی شهری و روستایی، ارتباطی متقابل، دائمی و متعادل دارند و مکمل یکدیگر هستند. در کشورهای پیشرو با رشد تولید در بخش کشاورزی اشتغال بیشتری در بخش‌های خدمات و صنعت ایجاد می‌شود که در کشور ما به دلیل ساختار نامناسب برنامه‌ریزی، چنین نیست. لذا اصلاح ساختار برنامه‌ریزی در کشور، پیش‌نیاز توسعه روستایی است. جریان تبدیل روستا به شهر در کشورمان بدون در نظر گرفتن سایر ملاک‌ها علاوه بر ملاک جمعیتی است، لذا شهرهایی می‌بینیم که ساختارهای اقتصادی و اجتماعی آن‌ها روستایی است، اما به علت شهر شدن کم‌کم کاربری اراضی کشاورزی آن‌ها به دلیل سودآور بودن به سایر کاربری‌ها از جمله مسکونی تغییر داده می‌شود که همین امر موجب کاهش تولیدات کشاورزی و پیامدهای منفی زیادی می‌شود. از نمونه‌های موفق اجرای سیاست‌های توسعه روستایی می‌توان به کشورهای چین و هندوستان اشاره کرد. واقعیت این است که در ایران نه مدل مناسب و علمی برای توسعه روستایی اجرا می‌شود و نه از مدل‌های موفق جهانی و راهبردهای بین‌المللی استفاده می‌شود. اینک شرح کامل گفت‌وگو با دکتر سید هادی طیب‌نیا عضو هیئت علمی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه سیستان و بلوچستان.



### ◆ این روند چه تأثیری در بنیان کشاورزی و روستایی از طرفی و شهر از طرف دیگر دارد؟

مهاجرت‌هایی که از نواحی روستایی اتفاق می‌افتد، معمولاً جوان‌گزين و نخبه‌گزين است؛ یعنی روستا را از نیروی جوان و کارآمد محروم خواهد کرد. لذا بخش کشاورزی نیز از نیروی جوان و متخصص محروم می‌شود و امکان توسعه روش‌های نوین کشاورزی که موجب کاهش هزینه‌ها و افزایش کارآمدی بخش کشاورزی می‌شود را در نواحی روستایی کاهش خواهد داد. لذا بنیان‌های کشاورزی، سنتی باقی خواهد ماند. نظامی که به‌شدت بهره‌وری پایین دارد و مصرف منابع تولید از جمله آب که کالایی بسیار ارزشمند و کمیاب است را افزایش خواهد داد. بر این اساس، روند کنونی موجب روستا‌گریزی و در مقابل شهرگرایی می‌شود.

### ◆ یک نظام سیاست‌گذاری کارآمد چگونه می‌تواند پیوندهای روستا شهری را ایجاد کند؟

یک اصل بسیار مهم در برنامه‌ریزی‌ها وجود دارد، با عنوان اصل مکمل بودن فضاها. یعنی باید نواحی شهری و روستایی مکمل یکدیگر باشند. در یک نظام سیاست‌گذاری کارآمد، نواحی شهری و روستایی، ارتباطی متقابل، دائمی و همچنین متعادل با

روستا را با کشاورزی می‌شناسند و بیش از ۷۰ درصد از اراضی کشاورزی و باغداری کشور و همچنین دام‌های کشور در نواحی روستایی است. محیط و بستر روستا عمدتاً جوان‌گرا نیست و بستر ایجاد اشتغال برای جوانان در روستا فراهم نیست. لذا بیشتر مهاجرت‌ها توسط جوانان روستا اتفاق می‌افتد و افراد مسن در فعالیت‌های کشاورزی مشغول به کار می‌شوند. همچنین نظام بازاریابی و بازرسانی مناسبی برای محصولات کشاورزی در کشور وجود ندارد و کشاورز، نمی‌داند دقیقاً چه باید بکارد تا فروش داشته باشد. لذا معمولاً تولید محصولات کشاورزی توسط دلالان شهری و با قیمت بسیار نازلی از کشاورزان خریداری می‌شود. بر این اساس سود و درآمد کشاورزی بسیار پایین است. از طرف دیگر مشاغل شهری، با زحمت کمتر سود بیشتری دارند. بر این اساس، کشاورز که چنین وضعیتی را می‌بیند، اقدام به مهاجرت به شهر می‌کند، اما با توجه به توان اقتصادی پایینی که دارد، در سکونتگاه‌های غیررسمی شهری اسکان می‌یابد و همین امر موجب گسترش حاشیه‌نشینی در نواحی شهری می‌شود.

مهاجرت‌هایی که از نواحی روستایی اتفاق می‌افتد، معمولاً جوان‌گزين و نخبه‌گزين است؛ یعنی روستا را از نیروی جوان و کارآمد محروم خواهد کرد. لذا بخش کشاورزی نیز از نیروی جوان و متخصص محروم می‌شود و امکان توسعه روش‌های نوین کشاورزی که موجب کاهش هزینه‌ها و افزایش کارآمدی بخش کشاورزی می‌شود را در نواحی روستایی کاهش خواهد داد. لذا بنیان‌های کشاورزی، سنتی باقی خواهد ماند. نظامی که به‌شدت بهره‌وری پایین دارد و مصرف منابع تولید از جمله آب که کالایی بسیار ارزشمند و کمیاب است را افزایش خواهد داد. بر این اساس، روند کنونی موجب روستا‌گریزی و در مقابل شهرگرایی می‌شود.

### ◆ آیا مهاجرت روستایی امری ناگزیر است که حتی افزایش تولید کشاورزی آن را تقویت می‌کند، در مجموع آیا تاکنون جاذبه‌های شهری عامل تعیین‌کننده در مهاجرت روستاییان به شهرها بوده است یا دافعه‌های روستایی؟

ابتدا باید گفت چرا مهاجرت روستایی اتفاق می‌افتد و این‌که آیا ضرورتاً مهاجرت روستایی بد است؟ مهاجرت از روستا به شهر یک پدیده معمولی است و در همه جای دنیا اتفاق می‌افتد، اما این مهاجرت بی‌رویه است که مطلوب نیست و باید به آن پرداخت. چراکه روستا را از جمعیت عمدتاً فعال، جوان و دارای مهارت خالی کرده و در مقابل به علت ناکافی و ضعیف بودن زیرساخت‌های شهرهای مقصد در کشور، شهرها را نیز با چالش‌های فراوانی مواجه می‌کند. همچنین موجب تخلیه روستاها و بلااستفاده ماندن منابع تولید و نیز زیرساخت‌های موجود در نواحی روستایی تخلیه‌شده، خواهد شد. اما این‌که در دلایل مهاجرت، دافعه‌های روستایی عامل تعیین‌کننده است یا جاذبه‌های شهری، باید گفت که نمی‌توان با قطعیت یک عامل را تعیین‌کننده دانست. چراکه هر دو عامل در کنار هم تعیین‌کننده هستند. ساختار برنامه‌ریزی در کشور متمرکز و نیز شهرمحور است و تمام امکانات را در شهرها قرار داده است. یعنی جذابیت‌های زیادی در شهرها فراهم کرده و در مقابل در روستا و نواحی روستایی، به‌مراتب امکانات بسیار کمتر و حتی بی‌امکانات هستند، به طوری که برخی روستاها حتی از امکانات اولیه زندگی محرومند. به همین دلیل، به شهرها مهاجرت می‌کنند؛ طوری که حاضرند در حاشیه شهرها زندگی کنند، اما در روستا نباشند. چراکه روستا دیگر برایشان قابل زیست نیست و از طرف دیگر می‌توانند از امکانات شهرها هم استفاده کنند، هرچند معضلات شهرها را چند برابر می‌کنند.

### ◆ نظام بهره‌برداری کنونی کشاورزی در کشور چه تأثیری در چگونگی مهاجرت روستایی و ابعاد سکونتگاه‌های غیررسمی شهری دارد؟



یکدیگر دارند. به طوری که نیازهای یکدیگر را در بخش‌های مختلف برطرف می‌کنند. چنین رابطه‌ای، موجب ایجاد پیوندهای روستا شهری متعادل و مناسب خواهد شد. در چنین نظامی، نواحی شهری و روستایی به‌طور متناسبی مورد توجه قرار می‌گیرند و امکانات و تسهیلات به‌طور متعادل بین آن‌ها توزیع می‌شود و نواحی روستایی و شهری در یک رابطه متعادل و برابر، نیازهای یکدیگر را برطرف کرده و نگاه بالا به پایین بین آن‌ها وجود نخواهد داشت.

### ◆ رابطه رشد تولید و اشتغال در بخش کشاورزی کشور را در تطبیق با کشورهای پیشرو در امر کشاورزی، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در کشورهای پیشرو به علت مکانیزه کردن شدید کشاورزی، تولیدات بسیار زیاد و برای مصرف جهانی است؛ یعنی نه تنها نیازهای داخل کشورشان را برطرف می‌کنند، بلکه نیازهای جهانی را نیز برطرف می‌سازند. از طرف دیگر به علت مکانیزه کردن کشاورزی، بخش کوچکی از جمعیت در فعالیت کشاورزی مشغول به فعالیتند، اما بخش زیادی از جمعیت به دلیل جابه‌جایی از بخش کشاورزی در بخش‌های صنعت و بویژه خدمات مشغول به کارند که خود تسهیل‌کننده فعالیت‌های کشاورزی در زمینه تأمین نیازهای این بخش و نیز بازاریابی محصولات و تبدیل محصولات کشاورزی جهت ایجاد ارزش افزوده بیشتر در این بخش هستند. همچنین به علت وجود اقتصاد قوی و پویا در این کشورها، در بخش‌های صنعت و خدمات به نیروی کار نیاز دارند که با مکانیزه شدن کشاورزی، این نیرو از مازاد نیرو بخش کشاورزی تأمین می‌شود. به عبارت بهتر با رشد تولید در بخش کشاورزی، اشتغال بیشتری در بخش‌های خدمات و صنعت ایجاد می‌شود. در کشور ما، به علت ضعف بخش‌های خدمات و صنعت، امکان اجرای این مدل وجود ندارد. چرا که بخش خدمات و صنعت به دلیل ساختار نامناسب برنامه‌ریزی کشور و

مشکلات ساختاری، توان پایینی در ایجاد اشتغال دارند و لذا امکان جذب نیروی مازاد بخش کشاورزی نیز در آن‌ها محدود است. لذا در صورتی رشد تولید در بخش کشاورزی موجب ایجاد اشتغال در سایر بخش‌ها خواهد شد که نظام برنامه‌ریزی در کشور اصلاح شده و اصلاحات ساختاری به‌شدت ضروری است.

### ◆ نظر شما در مورد روند تغییر معیارهای قانونی تبدیل مناطق روستایی به شهر در ایران چیست؟

در ایران تنها ملاک تفکیک شهر از روستا و نیز تبدیل روستا به شهر، ملاک جمعیتی است. تا سال‌های متمادی نیز عدد ثابتی برای تبدیل روستا به شهر ملاک بود، اما به علت فشارهای زیادی که به نمایندگان مجلس وارد می‌شد، این عدد به‌شدت پایین آمد و تعداد زیادی از نواحی روستایی کشور با این قانون درخواست تبدیل شدن به شهر دادند که پیامد آن، کاهش قابل توجه تعداد روستاهای کشور است. از طرف دیگر یکی از دلایل تمایل روستاییان به شهر شدن روستایشان، امکانات شهری است؛ چراکه از دید روستاییان با شهر شدن روستا، امکانات شهری به روستا خواهد آمد. در صورتی که به علت کمبود منابع، امکانات چندان به این شهرها داده نمی‌شود و به علت عدم در نظر گرفتن سایر ملاک‌ها از جمله ملاک‌های اقتصادی، اجتماعی و غیره در تبدیل روستا به شهر، تفاوت چندان با

از دید روستاییان با شهر شدن روستا، امکانات شهری به روستا خواهد آمد. در صورتی که به علت کمبود منابع، امکانات چندان به این شهرها داده نمی‌شود و به علت عدم در نظر گرفتن سایر ملاک‌ها از جمله ملاک‌های اقتصادی، اجتماعی و غیره در تبدیل روستا به شهر، تفاوت چندان با روستا ندارند.

روستا ندارند. اصلاح ملاک‌های شهر شدن به تعداد بیشتر و در نظر گرفتن ساختارهای اقتصادی و اجتماعی هر منطقه در تبدیل روستا به شهر، پیشنهاد مهمی است که در اصلاح قانون تبدیل روستا به شهر باید ملاک قرار گیرد.

### ◆ ارزیابی شما از وضعیت توسعه روستایی کشور چیست و در مورد عوامل ساختاری مؤثر بر چگونگی توسعه روستایی ایران در دهه‌های اخیر چه توضیحاتی ارائه می‌نماید؟

در طول حدود ۸۰ سال سابقه در کشور توسعه روستایی، فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته است. آنچه بیش از هر چیزی در این مورد به چشم می‌خورد، درک برنامه‌ریزان و دیدگاه آنان به این موضوع فارغ از هر نوع حکومت یا دولتی است. از زمان شروع دوره توسعه در کشور، دیدگاه عمده برنامه‌ریزی در کشور، دیدگاه شهرگرایی و تمرکزگرایی است. در این نوع دیدگاه، همیشه روستا در درجات پایین اهمیت قرار دارد، لذا امروزه می‌بینیم که با وجود سابقه شش برنامه قبل از انقلاب و شش برنامه بعد از انقلاب، وضعیت روستا و توسعه روستایی چندان مناسب نیست و حتی می‌توان گفت، اسفبار است. به علت غالب بودن این دیدگاه، روستایی همیشه خود را درجه دو و سه و پایین‌تر از فرد شهری می‌بینید. دلیل این امر، ساختار متمرکز برنامه‌ریزی در کشور است. در دهه‌های اخیر با وجود اقدامات زیادی که برای روستاها انجام شده است، اما به علت پراکنده بودن این اقدامات و نیز عدم اعتقاد راسخ ساختار و برنامه‌ریزان به توسعه روستایی واقعی، هنوز روستاهای کشور فاصله زیادی با توسعه دارند. همچنین چون عمده اقدامات انجام شده، صرفاً دادن امکانات فیزیکی بدون در نظر گرفتن شرایط اشتغال و بهبود وضعیت آن بوده است، باعث افزایش هزینه‌های روستاییان



برنامه سوم به بعد، فصل مستقلى برای توسعه و عمران روستایی در نظر گرفته شد، اما به علت اعتبارات پایین تخصیص داده شده، اقدامات انجام شده جوابگوی جامعه روستایی کشور نبوده است. همچنین به علت ساختار متمرکز برنامه‌ریزی در کشور، روستاهای دور از پایتخت، از جمله نواحی محروم کشور مانند استان سیستان و بلوچستان، همچنان محروم ماندند. در سال‌های بعد به علت تغییر وضعیت اجتماعی کشور، مدرنیته و نفوذ شبکه جهانی اینترنت، اقتصاد روستاهای کشور کم‌کم تغییر جهت دادند و به سمت گسترش مشاغل جدید از جمله در زمینه گردشگری حرکت کردند که نویدبخش تغییرات

### ◆ عوامل مهم تغییرات اقتصاد روستایی در چند برنامه توسعه بعد از انقلاب کدامند، چگونه می‌توان اقتصاد روستایی را به اقتصاد ملی نزدیک‌تر کرد؟

در برنامه‌های بعد از انقلاب به علت تأکید برنامه‌گذار بر عدالت اجتماعی، توجه بیشتری به روستا و اقتصاد روستایی شد، اما ادامه سیاست تمرکزگرایی در صدر سیاست‌های کلی، موجب عدم موفقیت این سیاست و توجه درست و علمی به روستا شد. در برنامه‌های اول و دوم، فصل مستقلى برای توسعه روستایی وجود نداشت و برنامه‌های پیش‌بینی‌شده برای اجرا در روستاها عمدتاً در سایر فصول از جمله کشاورزی گنجانده شده بود. از

شده و در مقابل درآمد و اشتغال آنان تغییر نکرده است. پس تغییر و اصلاح ساختار برنامه‌ریزی در کشور جهت شروع بهبود وضعیت موجود، پیش‌نیاز توسعه روستایی در کشور است.

### ◆ پیامدهای تبدیل روستا به شهر در چند دهه اخیر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

همان‌طور که عرض شد؛ تبدیل روستا به شهر در کشور بدون در نظر گرفتن سایر ملاک‌ها علاوه بر ملاک جمعیتی است. لذا ما شهرهایی می‌بینیم که فقط یک تابلو در ورودی آن با عنوان شهر ... نصب‌شده و یک ساختمان شهرداری با یک بلوار ساده در ورودی آن، اما ساختارهای اقتصادی و اجتماعی آن روستایی است. از جمله شغل ساکنان آن، ترکیب جمعیتی، زیرساخت‌ها و غیره. از طرف دیگر به علت شهر شدن، کم‌کم کاربری اراضی کشاورزی به دلیل سودآور بودن به سایر کاربری‌ها از جمله مسکونی و غیره تغییر داده می‌شود. همین امر موجب کاهش تولید محصولات کشاورزی و پیامدهای منفی زیادی می‌شود. همچنین دامداری کاهش می‌یابد و افراد به شغل‌های غیر از کشاورزی روی می‌آورند که به دلیل ضعف زیرساخت‌های اقتصادی، این شغل‌ها عمدتاً مشاغل کاذب و غیرتولیدی از جمله دلالی زمین، مسکن و غیره هستند که خود این امر موجب تشدید جریان تبدیل اراضی کشاورزی می‌شود. به‌علاوه منابع آب و سایر زیرساخت‌های موجود پاسخگوی جمعیت جدیدی که از روستاهای مجاور به امید زندگی بهتر مهاجرت کرده‌اند، نیست و مشکلات جدیدی را موجب می‌شود. مسئله دیگر، ایجاد یک موج تقاضا در روستاهای منطقه به‌تبع از روستاهای شهرشده است که موجب بروز و تشدید مشکلات اشاره شده می‌شود؛ بنابراین در نهایت با نقطاتی مواجه هستیم که نه شهر هستند و نه روستا، اما مشکلات هر دو را دارند!



مثبت و خوبی است، اما کافی نیست. اما این که چگونه می‌توان اقتصاد روستا را به اقتصاد ملی نزدیک کرد، به نظر سؤال اشتباهی است؛ چراکه اقتصاد کشور اقتصاد متمرکزگرا و شهرمحور است. لذا برای این کار باید اقتصاد روستایی را اقتصاد شهری کرد که با ساختارهای اقتصادی همخوانی ندارد.

### ♦♦ در کل به نظر شما ملاک‌های اصلی طرح‌های روستایی کشور، چه اندازه دارای منطق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و در سیاست‌گذاری توسعه روستایی کشور به چه عوامل و متغیرهایی باید توجه شود؟

با مطالعه محتوای طرح‌های روستایی کشور به نظر می‌رسد یکی از ایده‌های اصلی در آن، ایده شهر کردن روستاهاست؛ یعنی با اجرای طرح‌هایی مانند طرح هادی روستایی به لحاظ کالبدی روستاها را شهری کنیم. از نظر اجتماعی و فرهنگی نیز به علت این که تهیه‌کنندگان این طرح‌ها شرکت‌های شهری هستند و برداشتی متفاوت از روستاییان دارند و روستاییان را در هیچ‌کدام از مراحل اجرای این طرح‌ها (تهیه، اجرا، نظارت و...) مشارکت فعالی نمی‌دهند، لذا طرح‌هایی متفاوت از نیازهای روستاییان تهیه و اجرا می‌کنند. به همین دلیل با وجود هزینه‌های زیادی که برای تهیه و اجرای این طرح‌ها می‌شود، خروجی و اثر مثبت چندانی برای بیشتر روستاییان ندارد. لذا در سیاست‌گذاری توسعه روستایی در کشور باید از شهری کردن روستاها دست برداشته و نیازهای واقعی روستاییان را از طریق مشارکت مؤثر و واقعی روستاییان سنجید، سپس با همراهی روستاییان در تمام مراحل، این طرح‌ها را اجرا کرده و نگهداری آن‌ها را به خود روستاییان داد. البته آموزش صحیح، علمی و منطبق با فرهنگ هر منطقه روستایی در کشور را در تمام فرایندهای تهیه طرح‌های توسعه روستایی نباید فراموش نمود.

### ♦♦ برای نمونه، راهبردهای توسعه روستایی در الگوهای موفق جهانی به چه هدف‌هایی می‌پردازد؟

اصلی‌ترین راهبرد بانک جهانی (World Bank) به‌عنوان یکی از متولیان اصلی توسعه روستایی در جهان از چند دهه گذشته، راهبرد فقرزدایی است. این راهبرد، توسعه روستایی را راهبردی برای کاهش فقر و توانمندسازی فقرا معرفی کرده است. براساس این راهبرد، پیش‌نیاز، اجرای سیاست‌های توسعه در نواحی روستایی است که ابتدا باید نیازهای اساسی روستاییان برطرف شود و سپس به اجرای طرح‌های توسعه دست زد. چراکه افراد فقیر که عمدتاً هم در نواحی روستایی هستند، به علت عدم توانایی در تأمین نیازهای اساسی زندگی، امکان شرکت در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه را ندارند. البته اجرای این راهبرد توأم با توانمندسازی است؛ چراکه با دادن صرف پول و مواد غذایی در درازمدت، موجب وابستگی آنان شده و اجرای سیاست توسعه روستایی با شکست مواجه خواهد شد.

یکی دیگر از سیاست‌های موفق در زمینه توسعه روستایی، در کشورهای چین و سپس هندوستان است. در این کشورها به علت بالا بودن جمعیت روستایی و عدم وجود شغل کافی برای آنان در بخش کشاورزی، استقرار صنایع کوچک و واسط در نواحی

از برنامه سوم به بعد، فصل مستقلی برای توسعه و عمران روستایی در نظر گرفته شد، اما به علت اعتبارات پایین تخصیص داده شده، اقدامات انجام شده جوابگوی جامعه روستایی کشور نبوده است. همچنین به علت ساختار متمرکز برنامه‌ریزی در کشور، روستاهای دور از پایتخت، از جمله نواحی محروم کشور مانند استان سیستان و بلوچستان، همچنان محروم ماندند.

روستایی در پیش‌گرفته شد. این صنایع با تکنولوژی و سرمایه پایین و متوسط موفق به ایجاد اشتغال و درآمد در نواحی روستایی به میزان زیادی در این کشورها شدند؛ به طوری که میزان بیکاری در نواحی روستایی این کشورها به شدت کاهش پیدا کرد و از طرف دیگر تولید ناخالص داخلی را به میزان بسیار زیادی افزایش دادند، به طوری که جزو کشورهای موفق در سطح جهانی قرار گرفتند.

### ♦♦ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم میدانید، عنوان فرمایید.

واقعیت آن است که در کشور ما نه مدل مناسب و علمی برای توسعه روستایی تهیه و اجرا می‌شود و نه از مدل‌های موفق کشورهای موفق و راهبردهای سازمان‌های بین‌المللی در این زمینه استفاده می‌شود. سیاست‌هایی که تاکنون اجرا شده، هزینه‌های زیادی بر کشور تحمیل کرده، اما نتایج چندانی نداشته است. بر همین اساس است که حدود دو دهه اخیر، نرخ رشد جمعیت روستایی کشور با وجود افزایش جمعیت، منفی است و اکنون به نزدیک منفی یک رسیده است. دلیل اصلی این مسئله، مهاجرت جمعیت روستایی به علت نامناسب بودن وضعیت زندگی در نواحی روستایی از طرف دیگر زندگی بهتر در نواحی شهری نسبت به نواحی روستایی است. با روند کنونی، تخلیه روستاهای بیشتری اتفاق خواهد افتاد. راهکار اصلی و شروع‌کننده تغییر وضعیت موجود، تنها و تنها اصلاح و تغییر ساختاری در نظام برنامه‌ریزی کشور است و نه تغییر برنامه‌ها و طرح‌های خرد. در پایان باید گفت جای تقدیر و تشکر دارد که مسائل روستایی را پیگیری می‌نمایید و به توسعه روستایی توجه نموده‌اید. چراکه متأسفانه روستا و موضوعات روستایی، به شدت مغفول مانده و دغدغه کمتر کسی بویژه ساختار نظام برنامه‌ریزی کشور هستند. ♦♦

# توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها در خیال توسعه پایدار روستاها



## ♦ دکتر حجت‌اله شرفی

عضو هیئت‌علمی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه شهید باهنر کرمان

است، اما به جرأت می‌توان گفت اقدام همه‌جانبه‌نگر و اثرگذاری در راستای توسعه روستایی برای پیشگیری از پدیده مهاجرت به شهرها صورت نگرفته و با وجود بردن امکانات پایه به مناطق روستایی و صرف هزینه‌های سنگین برای بهبود شاخص‌های رفاه، همچنان علامت سؤال بزرگی در مقابل مقوله مهاجرت به شهرها و خالی شدن بسیاری از روستاها از جمعیت وجود دارد.

با بررسی متون علمی، توسعه روستایی، توسعه پایدار و توسعه ملی دارای شش هدف مشترک می‌باشند که بیشتر متخصصان اهداف توسعه پایدار روستایی، در این موارد اتفاق نظر دارند که عبارتند از: ۱- تأمین نیازهای اساسی، ۲- افزایش تولید و کاهش

به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، توجه ویژه به روستاها و برنامه‌ریزی برای توسعه روستایی، علاوه بر افزایش تولید ناخالص ملی، موجب ماندگاری جمعیت مولد بویژه جوانان و نوجوانان در این مناطق شده و جامعه را از پیامدهای مهاجرت و حاشیه‌نشینی، مشاغل کاذب، فقر و آسیب‌های اجتماعی می‌رهاند. از سال ۱۳۲۷ که نخستین برنامه توسعه روستایی کشور تدوین شد، تلاش‌های پراکنده‌ای در نقشه توسعه روستایی رقم خورده و این امر در تدوین برنامه‌های عمرانی کشور نیز تا حدودی مورد توجه قرار گرفته

فقر، ۳- امنیت غذایی، ۴- افزایش درآمد، ۵- حفظ محیط‌زیست، ۶- توسعه فرصت‌های شغلی و افزایش مشارکت و اعتمادبه‌نفس. در این بین اهداف خاص توسعه روستایی و توسعه پایدار عبارتند از: امنیت غذایی، افزایش مشارکت، حفظ محیط‌زیست و کاهش فقر. امروزه این اهداف چهارگانه به‌عنوان منشور بین‌المللی در همه محافل علمی و اجرایی مورد توجه هستند. یعنی همه کشورها اعم از کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه به‌نوعی در برنامه‌های راهبردی خود برای هر یک از این مقوله‌ها و اهداف، برنامه‌ریزی مشخصی دارند.

توسعه پایدار که امروزه یکی از موضوعات اصلی مورد بحث محافل توسعه و برنامه‌ریزی است، خود برآیند انگاره‌های مختلف توسعه است. درعین حال از این مفهوم نیز مانند خود مفهوم توسعه، برداشت‌های گوناگونی شده است. نکته مشترک تمامی این





انگاره‌ها، پایداری و رسیدن به فرآیندی از توسعه است که بتواند پایا و بادوام باشد. لازمه پایداری تعادل است؛ زیرا یک سیستم نامتعادل، ناپایدار نیز خواهد بود و برعکس. تفاوت در انگاره‌های مختلف در تعمیم مفهوم تعادل و پایداری است که گروهی به تعادل در رابطه انسان و محیط‌زیست طبیعی اکتفا می‌نمایند و گروهی آن را به‌تمامی شئون زندگی انسانی، یعنی رابطه انسان با محیط و انسان با انسان در جوامع تعمیم می‌دهند. در توسعه پایدار انسانی، پایداری در تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی مورد تأکید قرار می‌گیرد و عقیده بر این است که بدون پایداری و ایجاد تعادل و توازن در تمامی ابعاد جامعه نمی‌توان به یک توسعه با دوام دست یافت. به‌منظور نیل به این هدف، توسعه به‌سان سیستمی نگریده می‌شود که عناصر اصلی آن، مردم، منابع و سرزمین به‌شمار می‌روند و ترکیب مطلوب این عناصر بر مبنای مشارکت و در قالب یک ساختار اجتماعی، اقتصادی و فضایی مناسب به معنای دستیابی به توسعه خواهد بود. برای رسیدن به الگوی توسعه مطلوب یا استفاده صحیح از منابع و فرصت‌ها و توزیع عادلانه آن، مشارکت مردم به‌عنوان عاملی اصلی و محوری به‌شمار می‌رود که تلفیق و ترکیب عناصر اصلی در جریان توسعه و به‌فعلیت درآوردن آن‌ها را بر عهده دارد.

بر اساس گزارش بانک جهانی در قرن بیست و یکم، توسعه روستایی با چالش‌های بزرگی روبه‌روست. بیشتر فقرای جهان در مناطق روستایی زندگی می‌کنند؛ بیش از یک میلیارد نفر در گرسنگی و در فقر مطلق به سر می‌برند و با درآمد کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند و میلیون‌ها کودک قربانی عدم توسعه انسانی می‌شوند.

به دلیل پراکندگی جغرافیایی فقرای روستایی، کم‌توجهی به ساختار اقتصادی روستاها و توانمندسازی جمعیت ساکن، پیامدهای خشکسالی، کند بودن برنامه‌های توانمندسازی و رشد متوازن کانون‌های اقتصاد روستایی از عواملی است که در این مناطق ریزش سطح درآمدی خانواده‌ها را رقم زده و جمعیت روستایی برای تأمین معاش ناچار به مهاجرت به شهرها شده و این مسئله رونق مشاغل کاذب، تورم و آسیب‌های پیدا و پنهان را باعث شده است.

توسعه روستایی، راهبردی برای بهبود زندگی اجتماعی و اقتصادی روستاییان است که باید همه‌جانبه، مستمر و متکی بر مشارکت و خودباوری روستاییان باشد. برای تحقق این امر باید زمینه مشارکت همه‌جانبه، همکاری و همدلی بین همه اهالی روستا فراهم باشد و مسئولان نیز باید با برنامه‌ریزی صحیح و توزیع عادلانه منابع و اعتبارات، رفاه و آسایش را برای روستاییان به ارمغان آورند و از فاصله طبقاتی

بین زندگی خانوار روستایی و شهری بکاهند. توجه ویژه دولت به توسعه روستایی و ایجاد اشتغال در روستاها در راستای توسعه متوازن و ایجاد محیط مناسب برای زندگی روستاییان است تا از مهاجرت به شهرها و بروز پدیده‌هایی مانند حاشیه‌نشینی جلوگیری شود. توسعه متوازن و توزیع عادلانه امکانات موجب رضایت‌مندی عمومی می‌گردد.

تجربه مایوس‌کننده دهه‌های اخیر و تشخیص این‌که آینده اکثر کشورهای توسعه‌نیافته با درحال توسعه تا حدود زیادی به بهبود موقعیت روستایی بستگی دارد، اهمیت بی‌چون‌وچرای توسعه روستایی برای تحقق نهایی توسعه کشورها را روشن می‌نماید. یک برنامه توسعه روستایی باید دربرگیرنده فرآیندهای توسعه‌ای نظیر توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، محیطی و توسعه مشارکتی در سطح روستاها باشد. هدف کلیه تحقیقات و طرح‌های روستایی، آگاهی از خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی روستا است که به‌منظور ایجاد بستر و زمینه‌ی الزام برای تصمیم‌گیری و اقدام مناسب و به‌جا در این مراکز محروم کشورمان صورت می‌گیرد. امروزه توسعه دیگر از رشد اقتصادی صرف خارج شده و با مفهوم توسعه انسانی، عدالت اجتماعی و بهبود توزیع امکانات و خدمات پیوند خورده است. هدف کلی برنامه‌ریزی فضایی، سازمان‌دهی فضای سرزمین در عین بهره‌برداری خردمندانه از آن در راستای چشم‌انداز بلندمدت توسعه در ابعاد و مقیاس‌های گوناگون می‌باشد. در این راستا برنامه‌ریزی و سطح‌بندی مراکز روستایی جهت پیشبرد اهداف برنامه‌ریزی منطقه‌ای بسیار مؤثر واقع می‌شود. یکی از موانع مهم بر سر راه توسعه، وجود پدیده نابرابری و عدم توازن‌های اقتصادی و اجتماعی در کشور یا در سطح منطقه است. توزیع عادلانه امکانات و ثمرات توسعه در میان اکثریت جمعیت از خصیصه‌های مهم اقتصاد پویا و سالم است. در جریان هرگونه تصمیم‌گیری اعم از برنامه‌ریزی، مدیریت، ارزیابی و یا کنترل چنانچه در طلب و جستجوی شرایطی مطلوب هستیم، باید در راستای ایجاد



تعالی منطقی و واقع‌بینانه بین مناطق به لحاظ برخورداری از امکانات و خدمات حرکت نمود. گام اول در جهت چنین حرکتی شناخت وضع موجود و امکانات و محدودیت‌های آن است. برنامه‌ریزان جهت تحقق این امر سعی در کاهش نابرابری‌ها و عدم تعادل‌ها از طریق تدوین و اجرای برنامه‌های متعدد محرومیت‌زدایی و گسترش یکپارچه جنبه‌های مثبت توسعه‌یافتگی دارند. به‌کارگیری معیارها و روش‌های کمی جهت سطح‌بندی سکونتگاه‌ها در سیستم فضایی مناطق، نه‌تنها موجب شناخت تفاوت میان سکونتگاه‌ها می‌گردد، بلکه این سطح‌بندی معیاری برای تعیین مرکزیت، همچنین تعیین انواع خدمات موردنیاز و تعدیل نابرابری بین سکونتگاه‌ها است.

### نتیجه‌گیری

از منظر ساماندهی روستایی، برنامه‌ریزی برای روستا با دو چالش عمده روبروست؛ یکی پراکندگی نامناسب روستایی در سراسر کشور که تعداد روستاها در جنوب و جنوب شرقی ایران، اندک ولی در نقاط شمالی تعداد روستاها زیاد است. دیگری توزیع نامناسب جمعیت در نقاط روستایی است؛ تعداد جمعیت در بعضی از روستاها ۴۰۰۰ نفر و در بعضی نقاط زیر ۴۰ نفر است. توزیع نامناسب جمعیت برنامه‌ریزی را دچار مشکل کرده است و ناگزیر هستیم به ساماندهی روستاها بپردازیم تا در قالب یک طرح ساماندهی روستا، مدیریت و ارائه خدمات را در سطح کشور سازمان‌دهی کنیم.

در کلیه کشورهای درحال توسعه، تکنولوژی یا فنون روستایی واقعاً عقب افتاده است که دلیل عمده آن می‌تواند منزوی بودن مناطق روستایی از مراکز شهری و کشاورزی از صنعت باشد. هنگام آن فرا رسیده است که گرایش‌های دوگانگی از برنامه‌ریزی توسعه حذف شود، گرایش‌هایی که شهر (ی) را در مقابل روستا (بی) و صنعت را در مقابل کشاورزی قرار می‌دهد، در عوض باید گرایش به قرار دادن شهر در کنار روستا و صنعت در کنار کشاورزی و به‌طورکلی هماهنگی این

عناصر در برنامه‌ریزی توسعه موردنظر باشد. باید سعی شود موانع موجود بر سر راه هماهنگی، جامع‌بینی و در کنار هم قرار دادن عناصر فوق‌الذکر شناسایی شوند. نیاز کنونی پیشبرد، بهبود و ارتقای فنی فعالیت‌های روستایی است که در زمینه‌های غیرزراعی ایجاد اشتغال کند؛ بنابراین نیاز فزاینده‌ای به برنامه‌ریزی منطقه‌ای در جهت ائتلاف مناطق شهری و روستایی و نوسازی فنی و اصلاح کلی آن‌ها حس می‌شود. برنامه‌ریزی در جهت شناسایی روستاهای مرکزی برای ارائه خدمات مناسب و موردنیاز، ایجاد مشاغل غیر زراعی و توسعه صنایع روستایی، یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی، کاهش مهاجرت روستاییان، توسعه منابع انسانی و غیره می‌تواند چالش‌های موجود در توسعه روستایی را تا حدی حل نماید.

به دلیل وجود تنگناهایی در توسعه روستایی ایران و برنامه‌ریزی آن باید در جهت اقدامات زیر گام برداشته شود:

\* به دلیل عملی نشدن طرح تجمیع در ایران، باید روستاهای مرکزی جهت ارائه خدمات بهتر شناسایی شوند.

\* تعادل مناسب در سیستم فضایی مناطق برای توزیع عادلانه حداقل امکانات و خدمات ضروری برای آحاد روستاییان ایجاد شود.

\* در مورد روستاهای خیلی کوچک، در راستای توسعه انسانی و خدمات‌رسانی نباید صرفاً از دید اقتصادی نگریسته شود.

یک برنامه توسعه روستایی باید دربرگیرنده فرآیندهای توسعه‌ای نظیر توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، محیطی و توسعه مشارکتی در سطح روستاها باشد. هدف کلیه تحقیقات و طرح‌های روستایی، آگاهی از خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی روستا است که به‌منظور ایجاد بستر و زمینه‌ی الزام برای تصمیم‌گیری و اقدام مناسب و به‌جا در این مراکز محروم کشورمان صورت می‌گیرد.

\* در جهت تلفیق صنایع روستایی در چهارچوب برنامه‌ریزی ملی سراسری تلاش شود و اقداماتی در جهت تشویق صنایع جدید و کوچک‌مقیاس در روستا صورت گیرد.

\* مشارکت تعاملی روستاییان در طراحی، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌ها جهت عملی شدن و موفقیت‌آمیز بودن آن‌ها ضروری است.

\* باید نیازسنجی افراد منطقه موردنظر، قبل از برنامه‌ریزی امری اجتناب‌ناپذیر باشد.

در پایان به برخی از اقدامات محرومیت‌زدایی در جهت توزیع عادلانه امکانات و خدمات در روستاها می‌توان اشاره کرد: نهضت آب‌رسانی به روستاها، ایجاد کارگاه‌های اقتصاد مقاومتی، احیای جاده‌های روستایی در کنار فرهنگ‌سازی کار جهادی و تقویت روحیه انقلابی از جمله رسالت‌های جهادگران در مناطق مختلف و کم‌برخوردار کشور برای محرومیت‌زدایی و فراهم کردن زمینه‌های رشد و پیشرفت روزافزون کشور است.

بنابراین توزیع عادلانه امکانات مستلزم شناخت منابع است. روستاها در عصر حاضر با فرصت‌ها و تهدیدات زیادی روبه‌رو هستند، ازاین‌رو تضمین و تداوم حیات و بقای روستاها نیازمند راهکارها و روش‌های جدید مقابله با این موانع است که به نوع‌آوری، ابداع، خلق محصولات، فرآیندها و روش‌های جدید بستگی زیادی دارد؛ بنابراین توسعه روستاها در مقایسه با گذشته، پیوند گسترده‌تری با مفهوم کارآفرینی دارد. اهمیت توسعه کارآفرینی روستایی و نقش حیاتی آن در پیشبرد توسعه کشورها و بویژه کشورهای در حال رشد، بر هیچ‌کسی پوشیده نیست. با توجه به این‌که شغل اصلی بسیاری از روستاییان کشاورزی است، برنامه‌ریزان و قانون‌گذاران به کارآفرینی در این بخش تأکید دارند. توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی باعث تنوع بخشیدن به تولیدات کشاورزی و غیرکشاورزی روستاییان می‌شود و همچنین فرصت‌های مناسبی را برای کاهش خطر معیشتی و افزایش امنیت غذایی پایدار در مناطق روستایی فراهم می‌کند. ♦♦

# آینده‌نگری در کشاورزی ایران با نگاه به تغییر اقلیم



## ♦ دکتر علیجان آبکار

عضو هیئت‌علمی گروه تحقیقات آبخیزداری و حفاظت خاک  
مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان کرمان

تولید و خدمات این منابع و در نهایت منافع حاصل از آن‌ها، قابل چشم‌پوشی نیست. تغییر در کیفیت و کمیت منابع آب‌و‌خاک، وضعیت جنگل‌ها و مراتع، فضای سبز، حیات‌وحش، آبریزان، تولید محصولات کشاورزی و غیره منافع انسان را در معرض خطر قرار می‌دهد. (جانا و ماجومدیر، ۲۰۱۰). یکی از نگرانی‌های اصلی متخصصین شاخه‌های مختلف علوم، در خصوص تغییر اقلیم، اثراتی است که بر منابع آب (به‌عنوان مایه حیات و مهم‌ترین مؤلفه بخش کشاورزی) و در نتیجه تولیدات کشاورزی دارد (فانگ و همکاران، ۲۰۱۱). با توجه به اهمیت این پدیده در سطح جهانی، سازمان هواشناسی جهان (WMO) و برنامه محیط‌زیست سازمان ملل (UNEP) در سال ۱۹۸۸، هیئت بین دول تغییر اقلیم را تأسیس نمودند. وظیفه این هیئت، شناخت تمام جنبه‌های پدیده تغییر اقلیم در سطح جهان است. تأثیرات منفی این پدیده در آینده به سبب نگرش جوامع بر توسعه سریع صنعت، اقتصاد و همچنین توجه کمتر به محیط‌زیست می‌تواند با نرخ رشد بیشتری نسبت به گذشته، افزایش یابد. مهم‌ترین متغیرهای اتمسفری که به‌طور مستقیم تحت تأثیر

بخش کشاورزی به لحاظ جایگاهی که در تأمین امنیت و سلامت غذایی انسان دارد، از اهمیت خاصی در مقیاس جهانی برخوردار است. یکی از شاخص‌های اصلی و اساسی شکوفایی و توسعه کشورها تولید و توسعه کشاورزی محسوب می‌شود. به‌طوری‌که این حوزه یک اهرم سیاسی قدرتمند در توافقات بین‌المللی تلقی می‌گردد. اغلب کشورهای توسعه‌یافته که مدعی اقتصاد آزاد هستند، برای بخش کشاورزی بارانه دولتی در نظر می‌گیرند. اهمیت این موضوع در کشورهای خشک و نیمه‌خشک جهان (از جمله ایران) از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دوچندان برآورد می‌شود.

رشد جمعیت، افزایش فعالیت‌های اقتصادی و توسعه صنعت در سال‌های اخیر گازهای گلخانه‌ای را افزایش داده است. از سوی دیگر، تغییر کاربری اراضی (خصوصاً تخریب جنگل‌ها و مراتع) اثر این تغییرات را شدت بخشیده است. افزایش گازهای گلخانه‌ای-ی تغییرات اقلیمی شدیدی را منجر می‌شود که یکی از آن‌ها گرم شدن کره زمین است (صمدی و همکاران، ۲۰۱۱). افزایش درجه حرارت از سال ۱۸۶۰ تاکنون حدود ۰٫۶ درجه سانتی‌گراد می‌باشد. در صورت تداوم این روند، در آستانه سال ۲۱۰۰ میلادی دمای کره زمین بین ۲ تا ۴ درجه سانتی‌گراد افزایش خواهد یافت (این پیش‌بینی نسبت به دوره ۱۸۵۰ تا ۱۹۵۰ برآورد شده است، هیئت بین دول تغییر اقلیم IPCC) (۲۰۰۷).

یکی از مهم‌ترین پیامدهای تغییر اقلیم، تغییر در کارکرد و ساختار اکوسیستم‌های طبیعی است. اثر این تغییرات در میزان

تغییر اقلیم قرار می‌گیرند، عبارتند از: بارش، درجه حرارت و تشعشعات خورشیدی (صمدی و همکاران، ۱۳۸۸). این متغیرها مهم‌ترین ورودی‌ها برای اکوسیستم‌های طبیعی و بخش کشاورزی هستند، بنابراین هر نوع تغییری در آن‌ها میزان عملکرد، ساختار و در نتیجه خدمات اکوسیستم‌ها را تحت تأثیر قرار خواهد داد. بررسی اثرات تغییر اقلیم بر مؤلفه‌های اصلی بخش کشاورزی و رسیدگی به امنیت غذایی کشورها، ضرورت اجتناب‌ناپذیر زندگی مدرن امروز است.

## تغییر اقلیم و خشکسالی

عموم مردم تغییر اقلیم و خشکسالی را مترادف یکدیگر می‌دانند، اما در حقیقت خشکسالی (Draught) کاهش معنی‌دار بارش یا رطوبت یک منطقه نسبت به میانگین درازمدت آن است. هر چه میزان این کاهش بیشتر و مدت آن طولانی‌تر باشد شدت خشکسالی و در نتیجه خسارات آن شدیدتر خواهد بود. خشکسالی جزء ویژگی‌های اصلی و اساسی

یکی از مهم‌ترین پیامدهای تغییر اقلیم، تغییر در کارکرد و ساختار اکوسیستم‌های طبیعی است. اثر این تغییرات در میزان تولید و خدمات این منابع و در نهایت منافع حاصل از آن‌ها، قابل چشم‌پوشی نیست. تغییر در کیفیت و کمیت منابع آب‌و‌خاک، وضعیت جنگل‌ها و مراتع، فضای سبز، حیات‌وحش، آبریزان، تولید محصولات کشاورزی و غیره منافع انسان را در معرض خطر قرار می‌دهد.



سیستم برهم می‌زند. عوامل داخلی و خارجی متعددی می‌توانند این تعادل را تغییر دهند. عوامل داخلی ناشی از کنش‌های متقابل اجزاء سیستم هستند و عوامل خارجی تابش خورشیدی، فعالیت‌های آتشفشانی و افزایش غیرطبیعی گازهای گلخانه‌ای را شامل می‌شوند. تغییرات ایجاد شده ناشی از عکس‌العمل‌های درونی اجزاء اکوسیستم به‌عنوان نوسانات درونی شناخته می‌شوند (پدیده نینو). به مجموعه تغییرات ناشی از عوامل خارجی و داخلی کره زمین، نوسانات طبیعی اقلیمی اطلاق می‌کنیم. علاوه بر عوامل یادشده، فعالیت‌های انسانی نیز بر اکوسیستم کره زمین اثرگذار است. رشد جمعیت، فعالیت‌های اقتصادی، توسعه کارخانه‌ها و صنایع، قطع جنگل‌ها و تخریب مراتع از جمله عوامل خارجی غیرطبیعی محسوب می‌شوند که گازهای گلخانه‌ای را افزایش داده‌اند. گازهای گلخانه‌ای، خصوصاً دی‌اکسید کربن، امواج مادون قرمز ساطع شده از سطح زمین را جذب کرده و باعث گرم شدن کره زمین می‌شود. این فرآیند به تغییر اقلیم منجر می‌گردد. اهمیت این موضوع (افزایش گازهای گلخانه‌ای ناشی از فعالیت‌های انسانی) در تغییر اقلیم به حدی است که در بعضی از منابع فقط به این نوع تغییر در اکوسیستم

تعریفی دیگر افزایش گازهای گلخانه‌ای نظیر دی‌اکسیدکربن، متان، اکسید ازت کلرو فلور، بخار آب و... را که دمای کره زمین را افزایش می‌دهند، تغییر اقلیم تعبیر می‌کنند (فانگ و همکاران، ۲۰۱۱؛ مساح‌پوانی، ۱۳۸۵).

تغییر اقلیم اثرات متنوع و پایداری بر منابع طبیعی و محیط‌زیست بر جای می‌گذارد. افزایش درجه حرارت، ذوب یخچال‌ها، افزایش ارتفاع آب سطح دریا، تغییر درازمدت پارامترهای اقلیمی، وقوع ناهنجاری‌های آب و هوایی مانند سیل‌های خانمان‌سوز و یا خشکسالی‌های متوالی که برای همیشه منطقه را تحت شعاع قرار می‌دهد. تغییر اقلیم همچنین عاملی برای نابودی و انقراض گونه‌های گیاهی و جانوری در چرخه حیات به شمار می‌رود. در بحث خشکسالی، مدیریت بحران، مقابله و کاهش خسارات مطرح است، درحالی‌که در حوزه تغییر اقلیم، باید در جستجوی سازگاری و یک تغییر رویکرد دایمی باشیم.

#### عوامل مؤثر در تغییر اقلیم

کره زمین از چهار جزء اصلی اتمسفر، یخ کره، زیست‌کره و آب‌کره تشکیل شده است. هرگونه تغییری در این اجزاء تعادل را در کل

مناطق خشک، نیمه‌خشک و حتی مرطوب و نیمه مرطوب محسوب می‌گردد. هر چه منطقه از نظر اقلیمی خشک‌تر باشد احتمال خارج شدن متغیرهای اقلیمی از حالت نرمال (متوسط) بیشتر خواهد بود. بنابراین احتمال وقوع خشکسالی در مناطق خشک به مراتب از احتمال وقوع آن در مناطق مرطوب بیشتر است. خشکسالی را از ابعاد مختلف می‌توان طبقه‌بندی نمود؛ مثلاً خشکسالی هواشناسی که به کاهش نزولات جوی و رطوبت هوا اطلاق می‌شود، خشکسالی هیدرولوژیکی که به کاهش قابل‌ملاحظه جریان رودخانه یا دبی منابع آبی برمی‌گردد و همچنین خشکسالی کشاورزی، اقتصادی و اجتماعی که به ترتیب به کاهش محصولات کشاورزی و بروز مشکلات اقتصادی و اجتماعی منجر می‌گردند. ما بعد از سپری شدن دوره خشکسالی توقع داریم شرایط اقلیمی به حالت اولیه برگردد. تغییر اقلیم (Climate change) را می‌توان هر نوع تغییر درازمدت در متغیرهای اتمسفری معرفی کرد. این تغییرات ناشی از پدیده‌های طبیعی یا غیرطبیعی هستند که در بازه‌های زمانی یک دهه تا چند میلیون سال طولانی‌مدت اتفاق می‌افتند (از چند دهه تا چند میلیون سال -جانا و ماجومدیر، ۲۰۱۰). در



کره زمین، تغییر اقلیم اطلاق می‌شود. در حقیقت، نوسانات طبیعی اقلیمی کره زمین از طریق خود سیستم تعدیل خواهد شد. فعالیت‌های خورشیدی و آتشفشانی نیز به دلیل عدم پیش‌بینی پذیری در سناریوهای تغییر اقلیم نادیده گرفته می‌شوند.

### اثرات تغییر اقلیم بر کشاورزی

یکی از ویژگی‌های اصلی و اساسی تغییر اقلیم، افزایش گازهای گلخانه‌ای و به تبع آن افزایش درجه حرارت کره زمین است. در نگاه اول افزایش درجه حرارت به دلیل افزایش میزان تبخیر آب از سطح دریاها باید باعث افزایش رطوبت و در نتیجه افزایش میزان بارش گردد، اما با افزایش درجه حرارت هوا، میزان نگره داشت رطوبت در هوا نیز افزایش می‌یابد (میزان رطوبت قابل ذخیره در هوای گرم بیشتر از هوای سرد است) یا به عبارتی هوای کره زمین میزان رطوبت را به صورت بارش آزاد نمی‌کند. مگر این‌که شرایط آن فراهم گردد. حال چنانچه شرایط آن فراهم گردد با توجه به میزان زیاد رطوبت موجود در هوا، ریزش بارش‌های سیل‌آسا و مخرب را شاهد خواهیم بود. به همین دلیل در شرایط تغییر اقلیم هم خشکسالی‌های شدید داریم و هم سیل‌های مخرب. بنابراین اولین اثر تغییر اقلیم بعد از گرم شدن کره زمین، تغییر منابع آب است. تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که تغییر اقلیم در عرض‌های بالا به دلیل ذوب برف و یخچال‌ها و در مناطق حاره‌ای به دلیل بارش‌های سیل‌آسا ناشی از افزایش رطوبت هوا ممکن است باعث افزایش میزان نفوذ آب به سفره‌های زیرزمینی و در نتیجه افزایش آب قابل‌دسترس کشاورزی گردد، اما در عرض‌های میانی (کمر بند جنب حاره‌ای) مناطق خشک و نیمه‌خشک مانند کشور ایران تغییر اقلیم باعث کاهش میزان آب قابل‌دسترس، افزایش تبخیر و تعرق می‌گردد. به‌طور خلاصه تغییر اقلیم در مناطق خشک و نیمه‌خشک، مانند ایران به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم روی بخش کشاورزی تأثیرگذار خواهد بود. مهم‌ترین اثرات تغییر

اقلیم بر کشاورزی عبارتند از:

### الف- اثرات مستقیم:

- تغییر اقلیم به دلیل کاهش بارش و افزایش درجه حرارت باعث کمبود آب قابل دسترس در بخش کشاورزی و سایر بخش‌ها خواهد شد. این موضوع در کشور ایران بسیار حاد است و می‌تواند به یک بحران اساسی تبدیل شود،  
- به دلیل تغییرات شدید و ایجاد ناهنجاری‌ها در متغیرهای اتمسفر نظیر دما، باد، بارش و...  
- سرمایه‌گذاری (سرمایه‌گذاری چندین سال متوالی محصولات کشاورزی مانند پسته، گردو و...) افزایش یا کاهش طول دوره رشد، ظهور آفات، حشرات و بیماری‌های گیاهی نوظهور را شاهد خواهیم بود،  
- به دلیل تغییر درازمدت در شرایط محیطی ممکن است بعضی گونه‌های گیاهی یا جانوری (با دامنه‌ی نیاز اکولوژیکی محدود) برای همیشه از بین بروند یا به عرض‌های جغرافیایی و ارتفاعات بالاتر کوچ کنند و یا این‌که محصولات آن‌ها به میزان فراوانی کاهش یابد،  
- ذوب برف و یخچال‌ها ناشی از افزایش درجه حرارت باعث افزایش سطح آب دریاها و آزاد و در نتیجه پیشروی و هجوم آب شور به آبخوان‌های ساحلی و کاهش کیفیت آب مورد استفاده در بخش کشاورزی می‌گردد.

### ب- اثرات غیرمستقیم:

- با ایجاد تغییرات شدید و ناهنجاری‌ها اتمسفری، خطر ریسک تولید محصولات کشاورزی افزایش می‌یابد و این موضوع سبب کاهش سرمایه‌گذاری خصوصی در این بخش می‌گردد،  
- وجود سیلاب‌های مخرب، تخریب اراضی کشاورزی را به همراه دارد،

- تنش‌های سیاسی و اقتصادی ناشی از تغییر کمی و کیفی در محصولات کشاورزی می‌تواند افزایش یابد،

- بخشی از اشتغال کشاورزی در مناطق حساس به تغییرات اقلیمی (مناطق خشک و نیمه‌خشک) ممکن است برای همیشه حذف گردد. این امر منجر به افزایش فشار جمعیت در سایر مناطق است که مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متعددی را در پی خواهد داشت،  
- با توجه به محدودیت دسترسی به مؤلفه‌های اصلی بخش کشاورزی (خصوصاً منابع آب) مناقشات و منازعات در مقیاس محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی افزایش خواهد یافت. لذا با توجه به این چشم‌اندازها، فعالیت‌های بخش کشاورزی با شکل فعلی امکان‌پذیر نیست. بنابراین برای حفظ اقتصاد، طبیعت و پایداری رشد خود نیازمند یک رویکرد مناسب هستیم که با شرایط تغییر اقلیم سازگاری داشته باشد.

### پیشنهادات

- تحقیقات لازم جهت بررسی و شناخت ابعاد مختلف پدیده تغییر اقلیم و بررسی اثرات آن بر مؤلفه‌های مختلف بخش کشاورزی،  
- بررسی روش‌های علمی و عملی سازگاری با شرایط جدید،  
- تغییر رویکرد از کشاورزی در محیط آزاد به کشت در محیط‌های بسته مانند گلخانه‌های هیدروپونیک (مجهز به سامانه‌های خودتنظیم متغیرهای اقلیمی مؤثر در تولید محصولات کشاورزی)،  
- تغییر الگوی کشت از محصولات آب بر به گونه‌های سازگار با شرایط تغییر اقلیم،  
- تغییر الگوی کشت از گونه‌های حساس به گونه‌هایی که دامنه اکولوژیکی وسیعی دارند (قطعاً گونه‌های طبیعی بومی و سازگار با شرایط تغییر اقلیم در اولویت اول هستند)،  
- تحقیقات لازم در خصوص امکان تکمیل و تجهیز سامانه‌های هشدار (سرمایه‌گذاری، گرم‌زدگی، خشک‌سالی، سیل، آفات و...)،  
- فراهم نمودن ساختارهای حمایتی با بنیان منطقی برای کاهش هزینه‌های ناشی از خسارات سرمایه‌گذاران (از سوی دولت و بیمه‌گذاران). ♦♦

تغییر اقلیم اثرات متنوع و پایداری بر منابع طبیعی و محیط‌زیست بر جای می‌گذارد. افزایش درجه حرارت، ذوب یخچال‌ها، افزایش ارتفاع آب سطح دریا، تغییر درازمدت پارامترهای اقلیمی، وقوع ناهنجاری‌های آب و هوایی مانند سیل‌های خانمان‌سوز و یا خشکسالی‌های متوالی که برای همیشه منطقه را تحت شعاع قرار می‌دهد.

گفت‌وگو با «پژمان تاج محرابی» مدرس سازمان مدیریت صنعتی استان کرمان

## مدیریت هزینه

تعیین هدررفت منابع با انتظار ما از دوره بازگشت منابع بستگی مستقیم دارد. تحقق برنامه مدیریت در قالب تنظیم برنامه و کنترل بودجه‌ای عبارتی آشنا و رایج است که موضوع مدیریت هزینه را به همراه مدیریت درآمد در متن مدیریت عملیات کسب‌وکار در دل خود جای داده است. مدیریت عملکرد در نظام اجرایی کسب‌وکار می‌تواند تعیین کند که آیا با این عملیات، با این مخارج و با این مداخل، کسب‌وکار در مسیر تعیین شده قرار دارد یا نه؟ در اقتصاد دستوری، رقابت مطرح نیست و تولیدکننده (عرضه‌کننده) برخوردار از سوبسید، رانت و یارانه دولتی از بابت مدیریت هزینه نگرانی ندارد و عواقب ناکارآمدی و نابه‌رور بودن، از جیب دولت یا جیب مصرف‌کننده به سمت عرضه‌کننده پرداخت می‌شود و او نیازی به مدیریت هزینه یا اصولاً مدیریت ندارد. پژمان تاج محرابی، مدرس سازمان مدیریت صنعتی استان کرمان با ذکر مقدمه‌ای به سؤال‌های ما در باب مدیریت هزینه پاسخ داده است.



حسابداری ظاهر می‌شود:

**دارایی = سرمایه + بدهی**

مالک یک کسب‌وکار با تأمین مستقیم منابع موردنیاز (سرمایه) یا تأمین مالی از بیرون (بدهی)، امکان انجام عملیات کسب‌وکار و مدیریت آن را فراهم می‌کند. عصاره تعریف هزینه در حسابداری این است که: در جریان عملیات، با تصمیمات مدیریتی، منابع در اختیار به اهداف اقتصادی و معقول تخصیص می‌یابند یا مصرف و خرج می‌شوند؛ به عبارتی مخارجی انجام می‌شود (افزایش هزینه)؛ یعنی منابعی از دست می‌رود (کاهش دارایی) یا این‌که تعهد پرداخت در آینده انجام می‌شود (افزایش بدهی). طبیعی است که در این هدف اقتصادی و

قبل از ورود به مبحث جالب «مدیریت هزینه» می‌خواهم به یک مقدمه کوتاه بپردازم. ابتدا تعریفی ساده از «مدیریت» را مرور کنیم و سپس به تعریف «هزینه» از دیدگاه مالی و حسابداری بپردازیم. سپس ترکیب «مدیریت هزینه» را باز تعریف نماییم. شاید در این مسیر، هم سؤال و هم پاسخ‌ها؛ شفاف‌تر شود. در نگرش زیر می‌توان گفت که تعریف مدیریت و اقتصاد و مدیر و مقتصد با هم یکی است:

**تخصیص منابع محدود به نیازهای نامحدود**

در نگاه حسابداری دوطرفه به منابع از یک‌طرف به‌عنوان دارایی و از طرف دیگر به نحوه تأمین آن (سرمایه یا بدهی) توجه می‌شود و این نگاه در معادله اصلی

معقول، از دست دادن با انتظار و امید و ریسک برای به دست آوردن است؛ یعنی منابعی از دست می‌رود تا در یک فاصله زمانی، منابعی دیگر برگشت شود (افزایش درآمد). برای کسب انتفاع، مابه‌التفاوت این دو باید مثبت باشد؛ یعنی منابع ازدست‌رفته (هزینه) کمتر از منابع به‌دست‌آمده (درآمد) باشد. تفاوت بین هزینه و درآمد همان سود یا زیان است. این همان مفهوم عملکرد است که حاصل تصمیمات مدیر در یک دوره زمانی است. این مقدمه کمک می‌کند تا با مفاهیمی اولیه در خصوص مدیریت و هزینه، وارد مبحث «مدیریت هزینه» شویم.





### ♦♦ هزینه چه تفاوتی با هدر رفت مالی دارد؟

اگر صرف منابع منجر به حصول نتیجه نشود، می‌توان گفت که هدر رفت مالی اتفاق افتاده است. در حسابداری این مفهوم تحت عنوان «زیان» مطرح می‌شود؛ یعنی در عملیات یک دوره مالی مجموع هزینه‌ها (صرف منابع) از مجموع درآمدهای همان دوره (کسب منابع)، بیشتر باشد. به این نکته باید توجه شود که انتفاع برخی مخارج در یک دوره، ممکن است به دوره‌های مالی بیش از یک دوره تسری پیدا کند، در این صورت مخارج سرمایه‌ای انجام شده است و سهم هر دوره از این مخارج، تحت سرفصل «استهلاک» به چند دوره سرشکن و منظور می‌شود، نه فقط به دوره زمانی که هزینه یا مخارج در آن انجام شده است. پس تعیین هدر رفت منابع با انتظار ما از دوره بازگشت منابع بستگی مستقیم دارد. این نکته مهمی است که به هنگام اخذ تصمیم مدیریتی باید به آن توجه کرد؛ یعنی توجه به آثار زمانی کوتاه/ میان/ بلند/ مدت تصمیمات.

این نکته به افق دید مدیر در خصوص ظهور آثار تصمیماتش و صبر سیستمی او برای مشاهده آن بستگی تام دارد و از همین‌جا نگرانی‌های او توجیه پیدا می‌کند.

### ♦♦ مدیریت هزینه را چطور تعریف می‌کنید و چه زمانی می‌توان باور داشت که در فعالیت اقتصادی بنگاه، مدیریت اصولی و اثربخش انجام شده است؟

اصطلاح مدیریت هزینه بازتاب نگرانی‌هایی است که درباره از دست دادن داریم. درحالی‌که موضوع مدیریت درآمد بویژه در شرایط رقابتی قاعدتاً باید بیشتر موجب نگرانی باشد. به دست آوردن، درآمد داشتن، فروش داشتن در حضور رقیب و داشتن بازارهای متغیر و متلاطم، به مراتب می‌تواند دشوارتر از اموری که مستلزم انجام مخارج است باشد. مانند استخدام پرسنل، خرید مواد اولیه، خرید و نصب ماشین‌آلات و

تأسیسات یا عملیات تولید و ارائه خدمت. ممکن است در پاسخ گفته شود که: درآمد فروش متغیری بیرونی است که ما برای تأثیرگذاری بر آن در محیط تلاش می‌کنیم، ولی هزینه متغیری درونی است که ما تأثیرگذاری بیشتری روی آن داریم و به عبارتی این تصور را داریم که تحت کنترل ماست!

با هر نگرشی، اگر به تعاریف ارائه شده نگاهی مجدد داشته باشیم، می‌توانیم بگوییم که مدیریت هزینه شامل همه اقداماتی است که درصدد کنترل هزینه‌های کسب‌وکار باشد. مفهوم کنترل وقتی روشن می‌شود که برنامه مشخص باشد، برنامه آن زمان روشن می‌شود که تخصیص منابع معین، در زمان معین، برای کاری معین، از سوی (به‌وسیله) نفراتی معین، با روش معین، تصویب شده باشد. به بیان دیگر تصمیم‌های مدیریتی در چهارچوب پاسخ سؤالات کلیدی به شرح زیر اخذ شده و آماده اجرا نیز باشد:

♦♦ **When:** چه زمانی؟ کی؟

♦♦ **What:** چه کاری؟ چه فرایندهایی؟

♦♦ **Who:** چه کسی؟ چه ساختار و آدم‌هایی؟

♦♦ **How:** چگونه؟ چه روش چه ابزار و چه سیستمی؟



♦♦ **Which:** کدام؟ منابع موردنیاز؛ مالی، انسانی، تکنولوژیکی، دانش بنا براین اگر این اقدامات در زمان موردنظر و با منابع پیش بینی شده برای حصول اهداف معین انجام شود، برنامه مدیریت محقق می‌شود. مجموعه‌ای که طرح شد در قالب «تنظیم برنامه و کنترل بودجه‌ای» عبارتی آشنا و رایج است و طبعاً موضوع مدیریت هزینه به همراه مدیریت درآمد را در متن مدیریت عملیات کسب‌وکار در دل خود جای داده است.

### ♦♦ به نظر شما راه‌کارهای مدیریت بهینه هزینه چیست و آیا در مدیریت هزینه راهکارهای اقتصادی نتیجه بهتری به دست خواهد داد یا راه‌کارهای حسابداری؟

اصولاً چنین تفکیکی صحیح نیست. این راهکارهای جداگانه وجود خارجی ندارند. اگر برنامه (به تعبیری که شرح آن داده شد) موجود باشد، پس قرار است که منابعی در دسترس برای اهدافی معین تخصیص یابد و در مرحله اجرای عملیات معطوف به آن هدف، مقدار مصرف آن اندازه‌گیری شود. حسابداری در این فرایند کار اندازه‌گیری را از هر دو جنبه به عهده دارد:

آنچه باید صرف می‌شد (استاندارد) و آنچه صرف شده (واقعی) است.

استاندارد مصرف منابع باید در زمان اخذ تصمیم روشن باشد. رویدادهای دارای بار مالی هم پس از وقوع در سیستم حسابداری اندازه‌گیری و ثبت می‌شوند. طبق نظام کنترل بودجه، انحراف اندازه‌گیری می‌شود و این یک محاسبه صرفاً ریاضی است.

حد انطباق نتایج با اهداف، یک موضوع تحلیلی و ترکیبی است که از تعریف شفاف و متعامل انتظارات و امکانات و نتایج قابل استخراج است. در واقع خروجی این نظام بودجه در حسابداری به‌عنوان ورودی نظام و دیگری به نام مدیریت عملکرد تازه قابل موشکافی و بررسی سیستمی است.

## ◆ از نظر شما شدت کاهش هزینه‌ها به کجا محدود می‌شود؟

پاسخ بسیار ساده است:  
\* تا حدی که قبلاً تعیین شده است،  
\* تا حدی که عملیات اصلی و کلیدی از رونق نیفتد،  
\* تا حدی که کیفیت خروجی سیستم افت پیدا نکند،  
\* تا حدی که فعالیت‌های پشتیبانی قادر به حمایت و پیشبرد عملیات اصلی باشند،  
\* تا حدی که کسب‌وکار بتواند علاوه بر بقا به رشد خود هم ادامه دهد.  
دقت داشته باشید که در این سؤال از مفهوم مدیریت هزینه به نگرانی کاهش هزینه تنزل پیدا کردیم!

## ◆ در شرایط امروز، مهم‌ترین عنصر بهبود هزینه‌ها چیست؟

بهبود هزینه زمانی اتفاق می‌افتد که هزینه در محل خود، به‌موقع و به‌اندازه انجام شود. در این صورت کار مدیریت انجام شده چون منابع را درست تخصیص داده است. هزینه حاصل تصمیمات مدیریت است. برخی از این تصمیمات آثار کوتاه‌مدت و برخی آثار بلندمدت یا میان‌مدت دارند. هرچقدر که این آثار بلندمدت‌تر باشد؛ یعنی این که تصمیمات مرتبط لزوماً باید بر اساس برنامه قبلی و پیش‌بینی اتخاذ شود. داشتن یک نظام برنامه‌ریزی و کنترل به‌مثابه دو تیغه یک قیچی به نام مدیریت عملکرد است. حرکت این قیچی در نظام اجرایی کسب‌وکار می‌تواند تعیین کند که با این عملیات و این مخارج و این مداخله‌ها کسب‌وکار در مسیر تعیین شده هست یا نه! در اینجا ما با افقی فراتر از دوره جاری و حال و اکنون به کسب‌وکار نگاه می‌کنیم و مفهوم سود و زیان را به پایداری کسب‌وکار در آینده بسط می‌دهیم.  
همان‌طور که گفته شد در این مسیر، خدمت اندازه‌گیری از سوی سیستم حسابداری رایج انجام می‌شود و خدمت تحلیل؛ ترکیب و گزارش دهی برای تصمیم‌سازی

توسط نظام مدیریت عملکرد متناسب‌سازی شده هر کسب‌وکار به مدیریت آن کسب‌وکار عرضه می‌شود. دو خدمتی که مکمل هم خواهند بود. هم در پاسخ به ذینفعان متعدد بیرونی و هم در پاسخ به ذینفعی مهم و درونی به نام: مدیریت.

## ◆ در یک بنگاه اقتصادی، اصالت با افزایش درآمدی است یا کاهش اندازه‌های هزینه‌ای؟ لطفاً در این مورد توضیح دهید.

این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. مگر می‌توان بدون از دست دادن (هزینه)، به دست آورد (درآمد)؟ مگر می‌توان بدون ورودی، خروجی گرفت؟ کلیدواژه‌ای به نام بهره‌وری از همین محل مطرح می‌شود که آیا می‌توان با: نهاده معین، ستانده بیشتر گرفت؟ یا با مقدار نهاده کمتر، همان مقدار ستانده گرفت؟ یا با نهاده بیشتر؛ ستانده بیشتر گرفت؟ در همه این حالات بهره‌ورانه عمل کرده‌ایم. این دو ضد یکدیگر نیستند، مکمل هم هستند و در ارتباط سیستمی با هم قرار دارند. برای همین است که عبارت مدیریت هزینه به‌تنهایی بیانگر آنچه باید نگران آن بود، نیست!

## ◆ مدیریت هزینه در یک بازار رقابتی که قیمت‌ها را بازار تعیین می‌کند با وضعیتی که قیمت‌های دستوری حاکم است را چگونه مقایسه می‌کنید؟

در اقتصاد دستوری، بازار به مفهوم رقابتی آن مطرح نیست. یعنی تولیدکننده یا ارائه‌کننده کالا یا خدمت شرایط انحصاری دارد. قیمت خود را تحمیل می‌کند چون از یک سو بسید/رانت/یارانه دولتی استفاده می‌کند، بنابراین نگرانی از بابت مدیریت هزینه وجود ندارد. در این شرایط عواقب بی‌کفایتی، ناکارآمدی و نابه‌رور بودن عرضه‌کننده از جیب دولت یا جیب مصرف‌کننده به سمت عرضه‌کننده پرداخت می‌شود و وی نیازی به مدیریت هزینه یا اصولاً مدیریت ندارد.

در بازار رقابتی که عصاره قوانین اقتصادی یعنی عرضه و تقاضا و برآیند آن‌ها یعنی قیمت حاکم است، تکلیف روشن است. خدمت یا کالای مورد نظر با هزینه‌ای متناسب تولید و به قیمتی متناسب به بازار ارائه می‌شود و مشتری متناسب خود را با توجه به کیفیت، کمیت و قیمت آن پیدا می‌کند.

در اقتصاد دستوری، بازار به مفهوم رقابتی آن مطرح نیست. یعنی تولیدکننده یا ارائه‌کننده کالا یا خدمت شرایط انحصاری دارد. قیمت خود را تحمیل می‌کند چون از یک سو بسید/رانت/یارانه دولتی استفاده می‌کند، بنابراین نگرانی از بابت مدیریت هزینه وجود ندارد. در این شرایط عواقب بی‌کفایتی، ناکارآمدی و نابه‌رور بودن عرضه‌کننده از جیب دولت یا جیب مصرف‌کننده به سمت عرضه‌کننده پرداخت می‌شود و وی نیازی به مدیریت هزینه یا اصولاً مدیریت ندارد.

## ◆ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان فرمایید.

این مبحث هم مشابه بسیاری از موضوعات مدیریتی دیگر وقتی از میانه راه و به‌صورت یک نوش داروی معجزه‌گر به آن نگاه شود؛ فاقد اثرات سیستمی و بدون منفعت پایدار برای کسب‌وکار خواهد بود.

از مدیریت هزینه وقتی به‌عنوان یک راه‌حل موقت به آن می‌پردازیم، تنها جنبه کاهش هزینه باقی می‌ماند!

زمانی که با صرف منابع و دست نیافتن به مقصود دچار کمبود شده‌ایم و در این تنگنا راه‌کار موجود را کاستن از صرف منابع و تزریق انرژی به درون سیستم می‌بینیم. در این مسیر چه‌بسا که کارکردهای عادی و ضروری سیستم را هم دچار نارسایی می‌کنیم.

امیدوارم که بتوان به اصلاح نگرش‌های غیر سیستمی در این خصوص کمک کرد. تلاش‌های مشابه با کاری که شما در حال انجام آن هستید؛ از جمله این کمک‌هاست. ◆◆

# اگر تولید راه بیفتد...



سید علی محمد  
پیام نوروزی ۹۸  
رهبر انقلاب

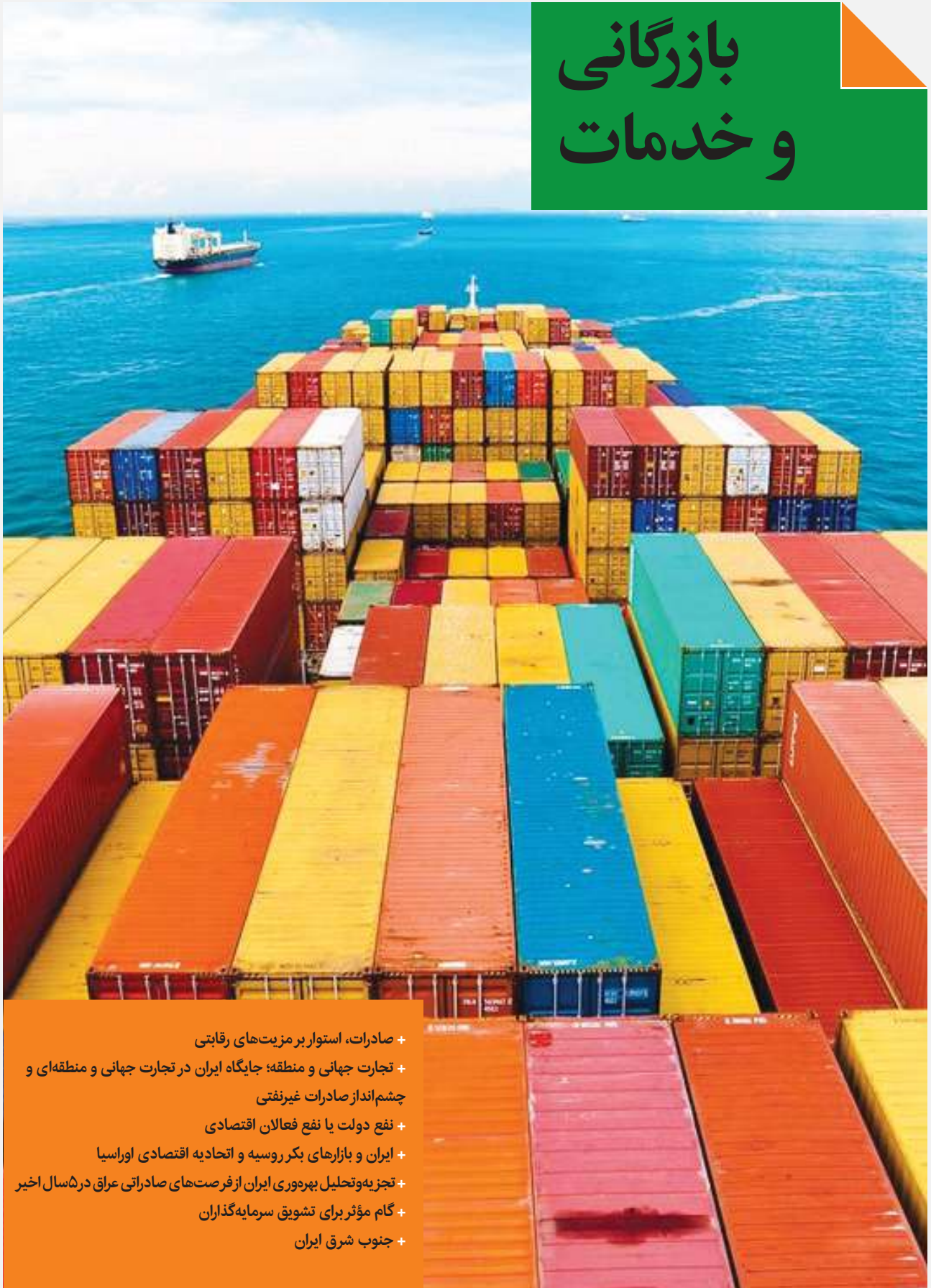
مشکلات معیشتی  
را میتواند حل کند



KHAMENEI.IR



# بازرگانی و خدمات



- + صادرات، استوار بر مزیت‌های رقابتی
- + تجارت جهانی و منطقه؛ جایگاه ایران در تجارت جهانی و منطقه‌ای و چشم‌انداز صادرات غیرنفتی
- + نفع دولت یا نفع فعالان اقتصادی
- + ایران و بازارهای بکر روسیه و اتحادیه اقتصادی اوراسیا
- + تجزیه و تحلیل بهره‌وری ایران از فرصت‌های صادراتی عراق در ۵ سال اخیر
- + گام مؤثر برای تشویق سرمایه‌گذاران
- + جنوب شرق ایران



گفت‌وگو با «محسن جلال‌پور» فعال و تحلیل‌گر مسائل اقتصادی

## صادرات؛ استوار بر مزیت‌های رقابتی

رویکرد صادرات، رویکردی علمی و تخصصی و استوار بر مزیت‌های رقابتی است. دنیای امروز حرکتی جهشی در جهت استفاده از ظرفیت‌های انسانی در خلق مزیت‌های رقابتی داشته است. دوره‌ای که کشورها به‌واسطه منابع زیرزمینی در دنیا عرض اندام کنند، گذشته است. در جهان امروز از هر ۱۰ شرکت یا مجموعه بزرگ صادراتی و تحصیل‌کننده ارز و تولید ثروت، حداقل ۷ شرکت در خود ظرفیت ابداع، اختراع، نوآوری و دانش‌بنیانی دارند. در ۵ دهه گذشته عمدتاً صادرات ما بر پایه منابع طبیعی و خدادادی بوده که آنچه تولید کرده‌ایم، اعم از محصولات کشاورزی و صنعتی و معدنی بر همین اساس بوده است. اگر آب و انرژی ارزان و مجانی که در این دهه‌ها مصرف کرده‌ایم دیگر نباشد، امروز همین کالاهای معمول صادراتیمان هم مزیت رقابتی نخواهد داشت. باید اقتصاد را به بخش خصوصی واگذار و مسیر را هموار نمود و برای صادرات برنامه‌ریزی کرد. مشروح گفت‌وگو با محسن جلال‌پور فعال و تحلیل‌گر مسائل اقتصادی را در ادامه بخوانیم.





دانایی انسان‌هاست. کما این‌که می‌بینیم دنیا به سمت هوش مصنوعی حرکت کرده و طی دو دهه گذشته حرکت جهشی در جهت استفاده از ظرفیتهای انسانی داشته است. در همین مدت مجموعه‌هایی که بر پایه عقل، فکر، ابتکار و خلاقیت بوده‌اند، رشد کرده و بزرگ شده‌اند، به‌عبارت‌دیگر دوره‌ای که کشورها به‌واسطه منابع زیرزمینی در دنیا عرض‌اندام کنند و خود را در جایگاه بالای اقتصاد جهانی قرار دهند، گذشته است. در دنیا به‌طورمعمول از هر ۱۰ شرکت یا مجموعه بزرگ صادراتی یا مجموعه بزرگ تحویل ارز و تولید ثروت، حداقل ۷ شرکت ظرفیت فکر، ابداع، اختراع، نوآوری و دانش‌بنیان بودن را در خود دارند.

بنابراین باید بررسی کرد در هر زمان و بنا به اقتضا چه محصولی در دنیا موردنیاز است و برای آن امکان رقابت وجود دارد، سپس تولید آن محصول را ترویج و در برنامه‌ریزی صادراتی قرار داد.

◆ می‌دانیم که توسعه صادرات بر محور خلق ثروت و ارزش است، اگرهم محصولات صادراتی استان کرمان اعم از تولیدات صنعتی و کشاورزی را در نظر بگیریم، تولید و تجارت کدام محصولات واقعاً بر اساس توجیه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی صورت می‌گیرد؟

که طی چند دهه مصرف کرده‌ایم از ایران بگیرند، همین کالاهای صادراتی موجود نیز مزیت رقابتی نخواهد داشت. کما این‌که ما بارها این مطلب را مطرح کرده‌ایم که حتی تولید پسته که اصلی‌ترین محصول صادراتی استان است، به دلیل استفاده از منابع آبی که جزو منابع تجدید ناپذیر است، چندان کار مقرون‌به‌صرفه‌ای نبوده و اگر به عقب برگردیم شاید نمی‌بایست این کار را در استان و کشور انجام می‌دادیم. همچنین فولاد و محصولات صنعتی مثل سیمان که امروز تولید و صادر می‌کنیم، برخوردار از ظرفیتهای انرژی و آب ارزان است؛ به روایتی سالانه چند صد هزار میلیارد تومان یارانه پنهان انرژی در کشور توزیع می‌شود که دیده نمی‌شود.

بنابراین در پاسخ به این سؤال که صادرات بر پایه چه محصولاتی استوار است، بایستی مزیت‌ها را در نظر گرفت و هرکدام از این مزیت‌ها را تقسیم‌بندی نمود؛ برای مثال تولیدی که رقابتی است و بر پایه رانت و یارانه نیست، می‌تواند پایدار باشد و برعکس اگر تولیدی بر پایه رانت، یارانه‌ها و قیمت‌های ارزان کالاهای پایه‌گذاری شده باشد، به‌محض حذف یارانه‌ها عملاً امکان صادرات و در واقع رقابت را از دست می‌دهد. آنچه امروز در دنیا مطرح است، بیشتر استفاده از منابع انسانی، هوش و ذکاوت و

اگر امروز انرژی ارزان و مجانی و آبی را که طی چند دهه مصرف کرده‌ایم از ایران بگیرند، همین کالاهای صادراتی موجود نیز مزیت رقابتی نخواهد داشت. کما این‌که ما بارها این مطلب را مطرح کرده‌ایم که حتی تولید پسته که اصلی‌ترین محصول صادراتی استان است، به دلیل استفاده از منابع آبی که جزو منابع تجدید ناپذیر است، چندان کار مقرون‌به‌صرفه‌ای نبوده و اگر به عقب برگردیم شاید نمی‌بایست این کار را در استان و کشور انجام می‌دادیم.

◆ اصولاً صادرات بر اساس چه محصولاتی استوار است، به عبارتی کالا باید بر چه پایه‌ای طراحی و تولید شود تا بتواند در بازارهای جهانی مورد دادوستد قرار گیرد؟ هر کشوری دارای مزیت‌هایی است و بر اساس آن مزیت‌ها می‌تواند کالاهایی را تولید کند که قدرت رقابت با سایر کشورها را داشته باشد. با توجه به پیشرفت روزافزون علوم مختلف، هر چه جلوتر می‌رویم، عرصه رقابت تنگ‌تر و کار مشکل‌تر می‌شود، زیرا کشورها مزیت‌های بیشتری برای خودشان خلق می‌کنند، برای تشریح کامل موضوع بهتر است اول به تبیین مزیت‌ها بپردازیم. مزیت‌ها به چند دسته تقسیم می‌شوند:

- اول مزیت‌های خدادادی مثل خاک، آب، منابع زیرزمینی، مرتع، جنگل و سایر مواردی که در هر کشور و منطقه‌ای وجود دارد.

- دوم مزیت‌های مصنوعی که هر کشوری در طول زمان بر اساس داشته‌های خود تولید کرده و معمولاً شامل محصولات صنعتی، کشاورزی، خدماتی و مواردی می‌شود که امکان تولید و رقابت را با دیگر کشورها ممکن می‌سازد.

- سوم مزیت‌هایی که بیشتر به منابع انسانی برمی‌گردد؛ از جمله آنچه در آبی‌تی و فعالیت‌های خدماتی مثل گردشگری تولید می‌شود؛ به عبارتی مزیت‌هایی که وابسته به مجموعه توانایی‌های منابع انسانی هستند. مزیت‌های دسته اول یعنی منابع طبیعی و خدادادی را هر کشوری به‌نوبه خود دارد و ما جزو چند کشور اول دنیا از نظر منابع انرژی، خاک، آب، جنگل‌ها و مراتع هستیم. هر چند که در این چند دهه منابع زیادی را از بین برده‌ایم، ولی به‌رحال این مزیت‌ها وجود داشته و بر اساس آن تولیداتی را هم داشته‌ایم و حتی می‌توان گفت هر آنچه تولید کرده‌ایم، اعم از محصولات کشاورزی، معدنی و صنعتی به همین منابع خدادادی برمی‌گردد. پس کشور ما وابسته به این بخش از منابع و مزیت‌ها بوده و کمتر از مزیت‌های دسته دوم و سوم بهره‌مند شده است. اگر امروز انرژی ارزان و مجانی و آبی را



طی پنج دهه گذشته، عمده صادرات کشور ما بر پایه منابع خدادادی آب، خاک، زمین، معادن و منابع انرژی که در واقع در ذات کشور ایران است، گذاشته شده و بارها این موضوع تذکر داده شد که باید از این مسیر جدا شده و به سمتی حرکت کنیم که تولید را بر مبنای داشته‌های درازمدت پایه‌ریزی کنیم تا بتوانیم برای درازمدت در بازارها حضور داشته باشیم.

حدود چهل سال پیش، پایه کشت پسته در کرمان گذاشته شد و چهار دهه این محصول صادر شد و امروز نیز بالاترین میزان صادرات غیرنفتی کشور مربوط به پسته است، البته طی این سال‌ها محصولات کشاورزی دیگری مثل محصولات گلخانه‌ای، باغی و سپس محصولات معدنی مانند مس، سنگ آهن و فولاد صادر شده که همه این‌ها وابسته به منابع خدادادی و قیمت‌های ارزان انرژی، آب، برق و مجموعه‌ای از داشته‌های کشور بوده که همیشگی و درازمدت نیستند.

اگر بخواهیم برای درازمدت در بازار حضور داشته باشیم، باید ابتدا نیاز روز دنیا را بررسی کنیم و جایگاه خود را نسبت به آن بسنجیم. مجموعه‌های دانش‌بنیان مانند دیجی کالا و سایر مجموعه‌های مشابه که در کشور وجود دارند، ابداعات بسیار خوبی در زمینه تشخیص نیازهای جهانی و کشوری داشته‌اند. امروز دنیا بیشتر از هر چیز به نوعی از ابداعات برای فرآوری بهتر و بهره‌وری بیشتر، استفاده بهینه از سم، کود، امکانات کشاورزی و انرژی جهت تولید محصولات انرژی‌بر و مواردی از این قبیل نیاز دارد. کشور هند در زمینه آبی‌تی ظرفیت‌های بسیاری دارد و اولین صادرکننده دنیا در این حوزه است و این موضوع عملاً به یک کار درازمدت و برنامه‌ریزی شده در استفاده از دانش و ابتکار برمی‌گردد.

اگر صادرات استان را در پنج دهه گذشته مورد بررسی قرار دهیم، می‌بینیم در این مدت عملاً صادراتی که بر پایه خلاقیت، ابتکار و ایده باشد، اتفاق نیفتاده و عمده

صادرات بر پایه داشته‌های طبیعی کشور و استان بوده است و صدمات خیلی زیادی هم دیده‌ایم؛ از جمله در زمینه آب‌وخاک که امروز شرایط بسیار بدی داریم. در زمینه محصولات معدنی به گفته یکی از استناداران وقت، ما برای نسل‌های آینده یک زمین خشک، فرونشست کرده و بدون آب و یک سری حفره‌های بزرگ ناشی از استخراج معادن، به ارث خواهیم گذاشت و این بدهکاری ما به نسل‌های آینده و نگرانی‌مان برای آن‌هاست، درحالی‌که می‌توانستیم، حداقل با استفاده از این امکانات سرمایه‌گذاری‌هایی انجام دهیم و خلق ثروت کنیم تا نسل‌های بعدی متکی به آن‌ها باشند.

در مجموع، آنچه در گذشته اتفاق افتاده، عمدتاً برای طولانی‌مدت توجیه اقتصادی نداشته و موضوع کوتاه‌مدت بوده و آنچه ما باید انجام دهیم این است که حداقل جبران مافات کرده و از این جهت فضای مستعدتری برای نسل بعدی خلق نماییم.

**♦♦ صادرات هم از عوامل درونی بخش و هم از عوامل بیرونی تأثیرپذیر است. در میان بازیگران زنجیره صادرات محصولات صادراتی استان کرمان، عمدتاً از کدام موارد مهم در برنامه صادرات بنگاه‌های مربوطه غفلت شده است و اولویت‌بندی شما در مورد عوامل بیرونی مؤثر بر صادرات این محصولات چیست؟**

به اعتقاد من در بحث صادرات، کشور و استان

دوره‌ای که کشورها به واسطه منابع زیرزمینی در دنیا عرض اندام کنند و خود را در جایگاه بالای اقتصاد جهانی قرار دهند، گذشته است. در دنیا به طور معمول از هر ۱۰ شرکت یا مجموعه بزرگ صادراتی یا مجموعه بزرگ تحصیل ارز و تولید ثروت، حداقل ۷ شرکت ظرفیت فکر، ابداع، اختراع، نوآوری و دانش بنیان بودن را در خود دارند.

احتیاج به بررسی جامعی در زمینه شناسایی مزیت‌ها و نیازها دارد. امروز دیگر نمی‌توان صادرات را بر پایه استان، منطقه و یا حتی یک کشور گذاشت و باید رقابت را در عرصه جهانی دید. هر چند که ما سال‌هاست در تحریم هستیم و باعث شده که این موضوع خیلی برای ما آشنا نباشد، اما نهایتاً اگر روزی بخواهیم در بازارهای جهانی حضور پیدا و بحث صادرات را پررنگ کنیم حتماً باید عرصه جهانی را مدنظر قرار دهیم. لذا اولویت اول، برنامه‌ریزی برای صادرات است که باید در فضای حاکمیتی اتفاق بیفتد. باید بررسی کنیم روشی که در حال حاضر در کشور اجرا می‌شود آیا در آینده می‌تواند ادامه پیدا کند؟ برای مثال موضوع فولاد که امروز استان کرمان به قطب فولاد کشور تبدیل شده، آیا ادامه خواهد داشت؟ اگر شرایط موجود در زمینه آب و انتقال آن و شرایط جوی و منطقه‌ای، زمین، معادن و ذخایر معدنی و از همه مهم‌تر قیمت انرژی برقرار نباشد و مجبور شویم به قیمت‌های جهانی، سنگ‌های معدنی و انرژی را حساب کنیم، آیا امکان ادامه فعالیت داریم؟

بنابراین تشخیص این‌که نیازهای ما چه هستند و در آینده چه رقابتی را در طولانی‌مدت می‌توانیم داشته باشیم و چه مزیت‌هایی برای ما پایدار هستند، خیلی مهم است.

اولویت دوم واگذاری تولید و اقتصاد به بخش خصوصی و هموار کردن مسیر برای آن است. بخش خصوصی خواه‌ناخواه به این دلیل که درازمدت فکر می‌کند و باید پول را از جیب خودش بردارد و پول را با زحمت به دست آورده، همه محاسبات را انجام می‌دهد. در مقابل برای مثال، مجموعه معدنی که معادن مجانی و انرژی مجانی‌تر در اختیار دارد و هیچ بدهکاری و حساب‌کتابی که با جیب خودش ارتباط داشته باشد، ندارد و عمدتاً دستش در منابع طبیعی است و پاسخ‌دهی آن نیز بر اساس دوره کوتاه‌مدت مدیریتی است، قطعاً نمی‌تواند درازمدت را ببیند.



راهکارها توسط نمایندگان مجلس، مواردی که مربوط به دولت است توسط استاندار و روسای سازمان‌های مختلف، بخش‌هایی توسط اتاق و مجموعه مدیران استانی و مواردی که موضوعی است توسط خود فعالان اقتصادی ارائه خواهد شد.

### ◆ به نظر شما در گذر چند دهه اخیر، کسب‌وکارهای مربوطه برای عملکرد بهتر در صادرات استان چه اقدامات شاخصی برای تحویل مزیت رقابتی بیشتر انجام داده‌اند و چقدر حرکت روبه‌جلو داشته‌اند؟

به اعتقاد من کار شاخصی انجام نشده است. بویژه در چند سال اخیر که پیگیر موضوع آب بودیم و مرتب تأکید شده که هزینه مقدار آب مصرفی، بیش از سودآوری آن است، ولی این موضوع همچنان مغفول مانده است.

در سال ۱۳۸۱، حدود ۴۰ درصد از اشتغال استان کرمان در بخش کشاورزی بود. در آن زمان با هدف این‌که توسعه استان به چه سمت و سویی باید هدایت شود، تیمی متشکل از اعضای هیئت نمایندگان اتاق کرمان، مرحوم آقای آگاه، آقای مهندس ایرانی کرمانی و گروهی دیگر تشکیل شد و بعد از حدود یک سال بررسی به این نتیجه رسیدیم که استان در آینده با مشکل

وزارت صمت و بخش مربوطه آن در سازمان صمت استان، اتاق بازرگانی و انجمن‌های صادراتی مثل انجمن خرما و پسته تشکیل شود و موانع صادرات را به سه دسته زیر تقسیم کنند:

- ۱- موانع کشوری از جمله تحریم‌ها، مسائل بانکی، سیاست‌گذاری‌های غلط، محدودیت‌های ایجادشده برای صادرات و...
- ۲- موانع استانی از جمله وجود مشکلاتی در سازمان‌هایی مثل گمرک، استاندارد یا در برخی از مجموعه بنگاه‌ها،
- ۳- عوامل موضوعی مثل موانعی که در صنعت پسته، خرما و مجموعه‌های مس و صنایع معدنی که هر کدام به‌جای خود وجود دارد.

کمیته فوق باید این موانع را جهت ارائه راهکار با دانشگاه، مجموعه‌های جدیدی که در این زمینه‌ها ایده‌های خوب ارائه می‌دهند، جوان‌ها و دانشجویان دارای ابتکار و خلاقیت و همچنین با کسانی که کار عملی انجام می‌دهند؛ از جمله صادرکنندگان و دست‌اندرکاران و آن‌ها که در میدان هستند، در میان بگذارد. به این ترتیب عملاً آنالیز این موانع به‌صورت میدانی و دانشگاهی انجام‌شده و دسته‌بندی صورت می‌گیرد و راهکارهای مشخص با صورت‌مسئله‌های مشخص تدوین می‌شود. درنهایت برخی

درمجموع اگر ما در این مسیر حرکت نکنیم، منابعمان به‌زودی به پایان خواهد رسید و هیچ‌کس هم جوابگو نخواهد بود؛ چون دوره مدیریت مدیران کوتاه است و بعد از آن عملاً هیچ مسئولیتی ندارند.

از طرفی اگر برای بعضی از سرمایه‌گذاری‌هایی که در کشور انجام می‌شود، قیمت انرژی را به قیمت آزاد حساب کنیم، اصلاً مقرون‌به‌صرفه نیست، درحالی‌که میلیاردها دلار یا ریال در آن‌ها سرمایه‌گذاری شده و همه بر پایه رانت انرژی است. این‌ها نگرانی‌هایی است که همه ما داریم و فکر می‌کنیم بالاخره یک روزی در این کشور باید یارانه انرژی برداشته شود و قیمت‌ها واقعی شوند.

در مورد بخش دیگر سؤال که از چه مواردی در برنامه صادرات غفلت شده، باید گفت، کلی‌ترین عامل همان نبود برنامه صادراتی درازمدت، میان‌مدت و حتی کوتاه‌مدت است. باید عوامل بیرونی مؤثری مثل بعضی از تشکلهای NGOها جمع شوند، عوارض، موانع و مشکلات را شناسایی کنند و بر اساس یک نظر بالادستی و با توجه به امکانات، تولید و بازار، ایده‌های خوبی را ارائه نمایند که امکان و شرایط شکل‌گیری آن در کشور و استان وجود داشته باشد. برای این منظور پیشنهاد می‌کنم که کمیته‌ای متشکل از سازمان توسعه تجارت،

جدی «آب» روبه‌رو خواهد شد. همچنین در یک بازه زمانی بعدتر یعنی در سال ۱۳۹۴، به‌عنوان رییس اتاق ایران، در همایش روز صنعت سخنرانی و مسئله آب را مطرح کردم که آقای جهانگیری معاون اول رییس‌جمهور وقت در سخنرانش گفت «آقای جلال‌پور اولین کسی است که در استان کرمان علم آب را بلند کرده است.»

در واقع ما مسئله آب را پیش‌از این مطرح و تأکید کردیم که لازم است بخش عمده‌ای از توسعه صنعتی استان بر اساس صنایع معدنی پایه‌گذاری شود و از همان زمان کار را شروع کردیم و با مقاومت جدی بسیاری از مسئولان مواجه شدیم، چون آن‌ها بر این باور بودند که ما این مطلب را غیرواقعی و غیراصولی مطرح می‌کنیم. از آن زمان تاکنون در یک بازه زمانی حدود ۲۰ ساله کارهای خوبی انجام شد و در سال‌های اخیر در استان کرمان به‌عنوان اولین استان، بیش از ده‌ها میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در بخش معدن انجام شده و خروجی آن چندین کارخانه سیمان، فولاد و زیرمجموعه‌های آن، مس و لاستیک است.

همچنین در سال ۱۳۹۰ نیز اتاق، اولین مجموعه‌ای بود که بحث گلخانه‌ها و توسعه آن‌ها را در جنوب استان مطرح کرد و به همین واسطه «پایانه صادراتی جیرفت» را پایه‌گذاری کردیم که بعد از ده سال تلاش، بالاخره سال گذشته افتتاح شد. در آن زمان نیز تأکید داشتیم که تنها راه توسعه کشاورزی در جنوب استان فقط حرکت به سمت گلخانه و استفاده بهینه از آب و بهره‌ور نمودن آن است.

در مورد روند مصرف آب، حدود صدسال پیش ایده بر این بود که در هکتار چقدر باید محصول کشاورزی برداشت شود، بعدها دریافتند که هکتار مهم نیست و باید بررسی شود که از هر مترمکعب آب چقدر محصول باید برداشت شود. با گذر زمان به این نتیجه رسیدند که میزان برداشت محصول با هر مترمکعب آب هم اهمیت ندارد و باید بررسی شود که چه مقدار محصول قابل‌استفاده و

قابل‌مصرف از هر مترمکعب آب می‌توانند برداشت کنند؛ درواقع بخش ضایعات آن یا بخشی که عملاً استفاده نمی‌شود را حذف می‌کردند. سپس به این نتیجه رسیدند که باید مقدار ارزی را که از هر مترمکعب آب به دست می‌آید را در نظر گرفت و در سال‌های اخیر میزان سود ارزی حاصل از تولید یک کالا در تناسب با میزان آب مصرفی را محاسبه می‌کنند؛ یعنی این‌که به لحاظ ارزی آیا به نفع است که خود کالایی را تولید کنیم یا از کشور دیگری آن را وارد نماییم. روند فوق نشان می‌دهد که آب اهمیت زیادی دارد، اما در کشور ما به آن توجه کمی شده است؛ کما این‌که ما در انجمن‌های پسته، خرما، محصولات گلخانه‌ای و گیاهان دارویی و در کل اتاق این مطلب را خیلی جدی دنبال می‌کنیم، ولی طی سال‌های اخیر هنوز اتفاقی توسط حاکمیت نیفتاده است. در زمان مسئولیت من در اتاق ایران فقط و فقط سنگ‌آهن صادر می‌شد، امروز می‌بینید که در این بخش زیرمجموعه‌های

**اگر صادرات استان را در پنج دهه گذشته موردبررسی قرار دهیم، می‌بینیم در این مدت عملاً صادراتی که بر پایه خلاقیت، ابتکار و ایده باشد، اتفاق نیفتاده و عمده صادرات بر پایه داشته‌های طبیعی کشور و استان بوده است و صدمات خیلی زیادی هم دیده‌ایم؛ از جمله در زمینه آب‌و‌خاک که امروز شرایط بسیار بدی داریم. در زمینه محصولات معدنی به گفته یکی از استانداران وقت، ما برای نسل‌های آینده یک زمین خشک، فرونشست کرده و بدون آب و یک سری حفره‌های بزرگ ناشی از استخراج معادن، به ارث خواهیم گذاشت و این بدهکاری ما به نسل‌های آینده و نگرانیمان برای آن‌هاست، درحالی‌که می‌توانستیم، حداقل با استفاده از این امکانات سرمایه‌گذاری‌هایی انجام دهیم و خلق ثروت کنیم تا نسل‌های بعدی متکی به آن‌ها باشند.**

فراوانی ایجاد شده که هنوز هم جای کار بسیاری وجود دارد. در مورد مس مطلع شدم که مدیرعامل محترم این مجموعه از افزایش تولید کاتد تا یک‌میلیون تن خبر داده است، درحالی‌که تاکنون حدود یک‌چهارم ظرفیت تولید انجام می‌شده است. هرچند که خود محصول کاتد هم عملاً محصول نهایی نیست و ما باید زیرمجموعه‌ها را درست کنیم؛ بنابراین می‌توان گفت اقدامات لازم و شاخصی در زمینه ایجاد مزیت رقابتی و تولید با ارزش‌افزوده بالاتر انجام نشده است و باید برای ارتقا وضع دست‌به‌دست هم دهیم تا این مهم انجام شود؛ البته اصل قضیه را باید حاکمیت و مجموعه‌های دولتی دنبال کنند، زیرا ما در اتاق فقط می‌توانیم مشاوره و پیشنهاد دهیم و پس از تحقیق و بررسی، نتایج را ارائه نماییم.

#### ♦♦ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید،

#### عنوان فرمایید.

من زیاد این موضوع را تأکید کردم که رویکرد صادرات، رویکردی تخصصی و بسیار علمی است. امروز باید در دنیا رقابت کرد. باید روند علی‌صادرات را به لحاظ زمانی هرروز، هر هفته، هرماه، هر سال، هر دهه، هر ربع قرن و هر قرن بررسی و نتیجه‌گیری کرد و علاوه بر آن باید شرایط منطقه از روستا و شهری که تولید را در آن آغاز کرده‌ایم تا قفسه‌ای که در هر جای دنیا محصول باید در آنجا به فروش برسد، در نظر گرفت. به اعتقاد من مهم‌ترین مطلب این است که ما به این مقوله به‌عنوان یک کار علمی و تخصصی نگاه کنیم. در خیلی از کشورهای دنیا، رشته تخصصی صادرات وجود دارد و ما اگر در ایران تا این اندازه نخواهیم جلو برویم، حتماً نیاز به میزهای مشخص برای بررسی مسائل داریم که جای آن خیلی خالی است. این می‌تواند یکی از راهکارهایی باشد که اتاق با همکاری سازمان‌ها و تشکلهای و ذینفعان مربوطه برای حل مشکل صادرات دنبال کند. ♦♦



# تجارت جهانی و منطقه

## جایگاه ایران در تجارت جهانی و منطقه‌ای و چشم‌انداز صادرات غیرنفتی



♦ دکتر حسن ولی بیگی

مشاور کمیسیون توسعه صادرات غیرنفتی اتاق ایران

یافت. ضمن این‌که ارزش صادرات و واردات جهانی در سال ۲۰۲۱ در مقایسه با سال‌های گذشته در قله خود قرار گرفت. در سال ۲۰۲۲ نیز ارزش واردات جهانی در مقایسه با سال قبل ۱۳ درصد افزایش یافت.

سال ۲۰۲۲ در شرایطی آغاز شد که اقتصاد جهانی یک بازگشت قوی را پشت سر گذاشته بود و چشم‌انداز مناسبی را پیش رو داشت، لیکن وقوع جنگ روسیه و اوکراین بر اقتصاد جهانی سایه افکند که بارزترین آن‌ها افزایش قیمت جهانی کالاها بود. اگرچه قیمت‌های مواد غذایی و انرژی تا سه‌ماهه چهارم از اوج‌های پس از مناقشه خود کاسته شده بود،

تجارت جهانی پس از سقوط در سال ۲۰۲۰ به دلیل شیوع همه‌گیری کووید ۱۹، در سال ۲۰۲۱ یک بازگشت قوی پس از رکود را تجربه کرد. در این سال تجارت جهانی به دلیل تقاضای قوی مصرف‌کنندگان برای محصولات، بویژه در اقتصادهای پیشرفته که با اقدامات محرک مالی دولت‌ها حمایت می‌شد (افزایش سریع‌تر تجارت کالاها نسبت به تجارت خدمات)، شدیداً افزایش یافت. به این ترتیب در سال ۲۰۲۱، تجارت کالا نسبت به سال قبل ۲۶٫۶ درصد و در مقایسه با سال ۲۰۱۹، ۱۷ درصد بهبود

ولیکن طبق استانداردهای تاریخی همچنان بالا بود و تأثیر منفی بر رشد اقتصادی و تقاضای واردات برجای گذاشت. به‌رحال کندی اقتصاد جهانی، افزایش شدید قیمت‌های جهانی، انقباض پولی کشورها به‌منظور مقابله با تورم، چشم‌انداز اقتصاد جهانی را اندکی تیره کرد. این تحولات باعث شد در سال ۲۰۲۲ ارزش واردات جهانی در مقایسه با سال قبل ۱۳ درصد و ارزش صادرات جهانی ۱۱ درصد افزایش یابد که کمتر از بیش‌بینی‌های قبلی بود. تجارت کالاهای واسطه‌ای در سال ۲۰۲۱ نسبت به سال گذشته ۲۸ درصد افزایش ارزش داشته است که اندکی بیشتر از رشد تجارت جهانی است. در سه‌ماهه اول ۲۰۲۲ نیز رشد ۱۰ درصدی را تجربه کرده است. سهم کالاهای واسطه‌ای در صادرات جهانی (بدون احتساب سوخت) در سطح روند بلندمدت خود یعنی کمی بیش از ۵۰





درصد باقی‌مانده است که نشان می‌دهد زنجیره‌های تأمین جهانی در مقیاس جهانی تغییراتی نداشته است. در این میان واردات جهانی کشورهای منطقه (۱۵ کشور همسایه) در سال ۲۰۲۰ افت کمتری در مقایسه با متوسط جهانی داشت؛ به‌گونه‌ای که در سال ۲۰۲۰ افت واردات جهانی ۷,۲ درصد و کشورهای منطقه ۵ درصدی رکود ناشی از همه‌گیری کووید ۱۹ را تجربه کرد. در سال ۲۰۲۱ تقریباً معادل متوسط جهانی رشد واردات داشته است (از ۱۱۸۹ میلیارد دلار سال ۲۰۱۹ به ۱۱۲۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ و سپس به ۱۴۳۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ افزایش یافت). همچنین طی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۱ به‌طور متوسط سهم واردات منطقه از جهان ۶,۴ درصد بوده است.

### جایگاه ایران:

صادرات غیرنفتی ایران در سال‌های پیرامونی شیوع همه‌گیری کووید ۱۹، افت‌وخیزهای شدیدتری در مقایسه با جهان و منطقه داشته است. صادرات ایران یک سال پس از خروج آمریکا از برجام (۲۰۱۹) با افت ۷,۴ درصد مواجه شد و به سطح ۴۱,۴ میلیارد دلار رسید. در سال ۲۰۲۰ که کل جهان درگیر همه‌گیری بود و افت واردات جهانی و منطقه به ترتیب ۷,۲ و ۵ درصد بود، ایران با کاهش چشم‌گیر صادرات (۱۵,۷ درصد) مواجه گردید. در

سال ۲۰۲۱ نیز خیزش صادرات غیرنفتی ایران در مقایسه با جهان و منطقه بیشتر بود؛ به‌طوری‌که افزایش صادرات غیرنفتی در ایران ۳۹,۳ درصد بود. ما در جهان شاهد افزایش ۲۶,۶ درصد بودیم. درجا زدن صادرات غیرنفتی در دهه ۱۳۹۰ باعث شده است که سهم ایران از تقاضای واردات کالاهای منطقه از ۴,۵ درصد در سال ۲۰۱۵ به ۳,۷۵ درصد در سال ۲۰۲۱ کاهش یابد. اقتصاد ایران در بخش تجارت خارجی از نارسایی‌های بسیاری رنج می‌برد. تمرکز بالای مبادی وارداتی و مقاصد صادراتی، همچنین تنوع پایین کالاهای صادراتی و وارداتی، کشور را آسیب‌پذیر کرده است. صادرات مواد خام و با ارزش افزوده پایین، چشم‌انداز رشد اقتصادی و کاهش بیکاری در کشور را محدود کرده است.

بر اساس گزارش سازمان جهانی تجارت، از منظر تقاضای جهانی، تجارت جهانی و تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۲۲ ضعیف‌تر از ۲۰۲۱ بوده، به‌گونه‌ای که رشد اقتصادی در سال ۲۰۲۲ نصف سال ۲۰۲۱ بوده. رشد حجم واردات جهانی نیز در سال ۲۰۲۲ به‌شدت کمتر از سال ۲۰۲۱ بود، اما به دلیل تداوم جنگ روسیه و اوکراین، تورم بالا و عدم اطمینان بازارهای مالی و کاهش نیافتن ریسک‌های جهانی و منطقه‌ای (تداوم سیاست‌های انقباضی

**تجارت کالاهای واسطه‌ای در سال ۲۰۲۱ نسبت به سال گذشته ۲۸ درصد افزایش ارزش داشته است که اندکی بیشتر از رشد تجارت جهانی است. در سه‌ماهه اول ۲۰۲۲ نیز رشد ۱۰ درصدی را تجربه کرده است. سهم کالاهای واسطه‌ای در صادرات جهانی (بدون احتساب سوخت) در سطح روند بلندمدت خود یعنی کمی بیش از ۵۰ درصد باقی‌مانده است که نشان می‌دهد زنجیره‌های تأمین جهانی در مقیاس جهانی تغییراتی نداشته است.**

برای مقابله با تورم و ورشکستگی بانک‌های آمریکایی) چشم‌انداز سال ۲۰۲۳ چندان بهتر از سال ۲۰۲۲ نخواهد بود. طبق پیش‌بینی‌های صورت گرفته حجم تقاضای جهان رشد ۱,۷ درصدی را در پیش خواهد داشت. همچنین رشد اقتصادی جهان در مقایسه با سال قبل نیز کندتر خواهد شد و به ۲,۴ درصد خواهد رسید که هر دو شاخص رشد کمتری در مقایسه با سال ۲۰۲۲ خواهند داشت.

بررسی چشم‌انداز طرف تقاضای اقتصاد جهانی و طرف عرضه صادرات غیرنفتی نشان می‌دهد که رشد صادرات غیرنفتی کشور به دلایل زیر در سال پیش رو راه سختی برای تجربه رشد بالا خواهد داشت:

۱. تقاضای ضعیف واردات جهانی و منطقه‌ای کالاها در اقتصاد جهانی (رشد واردات در سال ۲۰۲۳ در آسیا ۲,۶ درصد)،
۲. رشد اقتصادی ضعیف در سال ۲۰۲۳ و حتی کمتر از سال ۲۰۲۲ (کشورهای CIS رشد منفی یک درصد، خاورمیانه ۲,۹ درصد و آسیا ۴,۲ درصد)،
۳. تورم بالا در جهان و تداوم سیاست‌های انقباضی،
۴. عدم اطمینان در بازارهای مالی و ورشکستگی بانک‌های آمریکایی و اروپایی،
۵. ترکیب صادرات غیرنفتی کشور که مبتنی بر مواد هیدروکربنی بوده و عمدتاً از ارزش‌افزوده‌های پایینی برخوردارند،
۶. تمرکز ۵۰ درصدی صادرات غیرنفتی کشور بر کشورهای منطقه (که سهم این منطقه از جهان زیر ۷ درصد است) که همواره منطقه پرتنشی بوده و مباحث سیاسی بر فضای اقتصادی منطقه سایه افکنده است،
۷. تداوم تحریم‌های بین‌المللی و محدودیت‌های ناشی از آن،
۸. سرمایه‌گذاری کم (خالص سرمایه‌گذاری منفی است) و ظرفیت‌های تولیدی پایین،
۹. فضای کسب‌وکار نامناسب اقتصاد کشور.

گفت‌وگو با «مهرداد عباد» عضو هیئت نمایندگان و نایب‌رئیس کمیسیون تسهیل تجارت و توسعه صادرات اتاق تهران

## نفع دولت یا نفع فعالان اقتصادی

مهرداد عباد، عضو هیئت نمایندگان و نایب‌رئیس کمیسیون تسهیل تجارت و توسعه صادرات اتاق بازرگانی تهران می‌گوید که تجارت خارجی مناسب برای هر کشور، به این معنا که بتواند به راحتی صادرات و واردات انجام دهد، موجب تأمین ارز موردنیاز آن کشور می‌شود. ما در چند دهه اخیر بیشترین میزان خام فروشی در منابع مربوط به نفت و گاز و در چند سال اخیر خام فروشی مواد معدنی و صادرات انرژی مجازی ارزان را داشته‌ایم. تمرکز بر تحقیق و توسعه و تمرکز بر روی واردات تکنولوژی و فناوری‌های موردنیاز برای گذر از خام‌فروشی ضرورت دارد. کشور ما سال‌هاست که از تجارت بین‌المللی دور بوده و شاید روابط تجاری خیلی ساده برای بازرگانان ما خیلی سخت باشد. ما در هر دو حوزه صادرات و واردات ضعیف عمل کرده‌ایم؛ نه توانسته‌ایم کالای موردنیاز کشورمان را وارد کنیم و نه توانسته‌ایم که صادرات خیلی قوی داشته باشیم. حوزه تجارت خارجی کشور بویژه در زمینه سیاست‌های ارزی، ثبت سفارش و تخصیص ارز در واردات و نقش بانک‌ها نیاز به اصلاحات اساسی دارد.



کنند و کمترین مقدار ریزش در مشتریان را داشته باشند؛ به عبارتی اصولاً شرکت‌های پیشرو سعی دارند زنجیره تأمین همان صنعتی را که فعالیت می‌کنند، کامل‌تر کنند تا مشتری بتواند تمام نیازهای خود را از طریق شرکت برطرف کند. در مورد کشور ما که شرایط کسب‌وکار متفاوت‌تری دارد، اگر بخواهیم تمایزی بین سبد محصولات و مشتریان قائل شویم باید بگوییم در تجارت خارجی ایران، در اصل سبد مشتریان برای صادرکنندگان ما اهمیت بیشتری دارد تا سبد محصولاتشان؛ چون محصولاتی که از ایران صادر می‌شود، محصولات زیادی نیست و یا اینکه مشتری راغب نیست که محصول موردنیاز

♦♦ به نظر شما امروزه در جهان، سبد محصولات مهم‌تر است یا سبد مشتریان و دیگر این که ارزیابی شما از تجارت خارجی ایران در رابطه با این موضوعات چیست؟ در دنیای امروز سبد محصولات و سبد مشتریان هر دو اهمیت دارند و نمی‌توان گفت که کدام یک مهم‌تر است، شاید این دو مکمل یکدیگر هستند. سبد محصولات موجب می‌شود شرکت‌ها بتوانند مشتریان بیشتری پیدا کنند و سبد مشتریان موجب پایداری و دوام شرکت‌ها می‌شود؛ به همین دلیل باید این دو را با هم در نظر گرفت. تجارت خارجی در دنیا روی هردوی این‌ها کار می‌کند و شرکت‌ها سعی دارند، سبد مشتریان خود را کامل و مشتریانی که وجود دارند را وفادار

خود را از ایران به واسطه قیمت و کیفیت خریداری نماید. به همین دلیل محصولات محدودی از ایران صادر می‌شود و از آن طرف به واسطه تحریم‌های خارجی، مشتریان به شدت محدود هستند و اگر یک شرکت صادراتی یک سبد مشتریان وفادار داشته باشد که حتی در شرایط سخت تحریم بتواند با آن‌ها کار کند، شاید به نسبت دیگر رقبا شرایط بهتری داشته باشد.

♦♦ مزیت تجارت خارجی ما در اندیشه توسعه بازارهای خارجی چیست؟





داشتن روابط بین‌الملل و تجارت خارجی خوب برای یک کشور در بلندمدت موجب می‌شود، صنایع کشور تقویت شود و کیفیت محصولات تولیدی به‌واسطه رقابتی که با دنیا و با کیفیت‌های روز برقرار می‌شود، افزایش یابد. از طرفی مواد اولیه باکیفیت بالاتری وارد کشور می‌شود که برای تولید موردنیاز می‌توان از آن استفاده نمود و در نتیجه این امر موجب افزایش کیفیت و بهره‌وری کالاها می‌گردد.

از طرفی وقتی کشورها بتوانند تعاملات تجاری خوبی داشته باشند، علاوه بر کیفیت می‌توانند روی مزیت‌های دیگر مثل بسته‌بندی تمرکز کنند که نتیجه آن در اختیار نگه‌داشتن بازارهای جهانی خواهد بود. همچنین تجارت خارجی مناسب برای هر کشور، به این معنا که بتواند به‌راحتی صادرات و واردات انجام دهد، موجب تأمین ارز موردنیاز آن کشور می‌شود.

♦♦ ما نسبت به چند دهه گذشته چقدر از خام‌فروشی فاصله گرفته‌ایم، رفع مسئله خام‌فروشی، در تجارت بین‌المللی درگرو چه عوامل بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای است؟

بیشترین میزان خام‌فروشی در کشور ما در چند دهه اخیر در منابع مربوط به نفت و گاز که جزو منابع عمده ما بوده، صورت گرفته است که البته در چند سال اخیر خام‌فروشی مواد معدنی و صادرات انرژی مجازی ارزان نیز داشته‌ایم.

اگر تکنولوژی و فناوری‌های لازم وجود داشته باشد، کالاهایی که امکان ایجاد ارزش افزوده بیشتری در داخل برای آن‌ها وجود دارد، نمی‌بایست صادر شوند. ما در کشورمان در این سال‌ها مجبور شده‌ایم به‌واسطه عدم وجود فناوری و تکنولوژی‌ها، مواد اولیه از جمله نفت و گاز را به‌صورت خام صادر کنیم و علاوه بر خام‌فروشی، خام‌سوزی نیز داشته‌ایم؛ یعنی گاز طبیعی که الان در

منازل سوخته می‌شود، ماده اولیه‌ای است که می‌توان از آن ده‌ها گاز که ارزش افزوده خیلی بالایی دارند، جداسازی شود و برای کشور سودآوری بالایی داشته باشد. علاوه بر گازی که در منازل مصرف می‌شود، گازی که در فلرهای گازی سوخته می‌شود و عملاً به هوا می‌رود، همچنین میزان آبی که در برخی محصولات کشاورزی مثل هندوانه استفاده می‌شود که به‌نوعی صادرات آب مجازی و خام‌فروشی آب محسوب می‌شود هم بدون اینکه ارزش افزوده‌ای از آن حاصل شود، به هدر می‌روند.

بنابراین برای جلوگیری از خام‌فروشی، اول تمرکز روی تحقیق و توسعه در کشورمان است تا بتوانیم از مواد خام، ارزش افزوده بالایی ایجاد کنیم و در گام بعد تمرکز روی واردات تکنولوژی و فناوری‌های موردنیاز است.

### ♦♦ چه تحلیلی از روند تغییرات سهم کشاورزی، صنعت و خدمات در صادرات ایران در چند دهه اخیر دارید؟

به‌طوری کلی روند صادرات در کشور ما در چند دهه اخیر از دو عامل تأثیر زیادی گرفته است: عامل اول، نرخ ارز است، هر زمان که نرخ ارز بالا رفته، صادرات در برهه‌هایی افزایش پیدا کرده است. عامل دوم ناشی از ارتباطات بین‌المللی کشور ما است؛ به‌طوری‌که در برهه‌هایی که شرایط بین‌المللی کشور ما مناسب نبوده و ارتباط ما با خیلی از کشورها قطع شده، روند صادرات اُفت پیدا کرده است. از طرف دیگر شرایط سخت داخلی و قوانین و مقررات دست و پاگیر در برخی دولت‌ها باعث شده که صادرات ما کاهش پیدا کند.

\* در مورد سهم صادرات در سه حوزه کشاورزی، صنعت و خدمات در چند دهه اخیر می‌توان گفت که در حوزه کشاورزی به این دلیل که این حوزه جزو محصولات تحریمی نبوده، رشد نسبتاً خوبی را داشته‌ایم، ولی سهم ما از بازار منطقه بسیار پایین است، علی‌رغم اینکه در حوزه خلیج فارس بازار بسیار مناسبی برای صنایع کشاورزی وجود دارد که از آن



تجاری منفی دارند، کشورهایی مثل آمریکا و چین بزرگ‌ترین واردکنندگان هستند. ما در کشور باید بررسی کنیم که آیا واقعاً در عمل کالاهایی که مورد نیاز کشور بوده وارد شده یا خیر؟ که این موضوع اهمیت بیشتری دارد و از آن طرف پتانسیلی که ایران برای صادرات داشته، آیا تحقق پیدا کرده است یا خیر؟ به اعتقاد من ما در هر دو حوزه ضعیف عمل کرده‌ایم؛ یعنی نه توانسته‌ایم کالاهای مورد نیاز کشورمان را وارد کنیم و نه توانسته‌ایم صادرات خیلی قوی داشته باشیم و هر دو این‌ها به دلیل وجود تحریم‌ها بوده است. در موضوع واردات، شاید این مسئله که تراز تجاری کشور مثبت شود را تکلیف خود نمی‌دانیم، اما باید روند موجود را اصلاح کنیم. قوانین و مقررات واردات، نیاز به اصلاح دارد و این‌که چه کالاهایی واقعاً باید وارد شود، مشخص شود. قبلاً لیست کالاهایی که واردات آن‌ها ممنوع بوده است شامل ۱۰۰۰ قلم کالا می‌شده، اما در حال حاضر با وجود افزایش‌های سالانه تعداد این اقلام به حدود ۲۰۱۶ قلم کالا رسیده، درحالی‌که قرار بر این بوده کالاهایی که با کیفیت بالا در کشور تولید می‌شوند در این لیست قرار بگیرند و دیگر وارد نشوند. اشکال از اینجا شروع می‌شود که انتخاب اقلام موجود در این لیست به‌درستی انجام نشده؛ به‌طور مثال یک سری از کالا که نیاز کشور است و باید وارد کشور شود در این لیست جزء کالاهای ممنوعه برای واردات است، یک سری از کالاها که در کشور تولید می‌شوند و کیفیت مناسب هم دارند، جهت حمایت نیاز به ممنوعیت واردات کالاهای مشابه دارند، اما در لیست کالاهای ممنوعه نیستند و وارد می‌شوند، همچنین یکی سری کالاها به دلیل ماهیتشان هیچ‌وقت وارد کشور نمی‌شوند و باز هم با وجود وضوح این مورد، در این لیست قرار گرفته‌اند؛ بنابراین باید روی اصلاح این موارد کار نمود تا بتوان مواد اولیه مورد نیاز و کالاهایی که مورد نیاز کشور هستند را وارد کرد و از آن طرف با واردات کالاهای با کیفیت، تولیدکنندگان داخلی را به

بین‌المللی دور بوده و شاید روابط تجاری خیلی ساده برای بازرگانان ما خیلی سخت باشد. با وجود این‌که کشور روسیه در تحریم‌های بین‌المللی است، ولی اگر بخواهد یک ارتباط بانکی بین ایران و روسیه شکل بگیرد، باید قوانین و مقررات مربوط به FATF در آن رعایت شود و بانک‌ها بتوانند یک حساب LC باز کنند. البته اخیراً صحبت شده که بتوانند لاین‌های پولی (بین دو کشور) را راه‌اندازی کنند، ولی در وهله اول به اعتقاد من خوب است که شناخت بازرگانان ایرانی را از بازار روسیه بیشتر کنیم و در این خصوص اتاق مشترک ایران و روسیه باید فعال شود و در این زمینه همراهی و کمک کند.

#### ♦♦ برای جلوگیری از روند منفی تراز تجاری کشور چه تدابیری باید اندیشیده شود؟

در مورد روند منفی تراز تجاری کشور دو دیدگاه وجود دارد؛ گروهی معتقدند که کشور نباید ترازش منفی باشد و همیشه باید صادرات بیشتر از واردات باشد و این در واقع استراتژی است که در حال حاضر کشور ما دارد، ولی خیلی از اقتصاددانان و صاحب‌نظران دیگر این موضوع را الزاماً باعث برتری و توسعه کشور نمی‌دانند و خیلی‌ها اعتقاد دارند که در مسیر توسعه لازم است تراز تجاری کشور منفی باشد و در واقع میزان واردات آن بیشتر از صادرات باشد. در حال حاضر بسیاری از کشورهای در حال توسعه و حتی توسعه‌یافته، تراز

در مورد سهم صادرات در سه حوزه کشاورزی، صنعت و خدمات در چند دهه اخیر می‌توان گفت که در حوزه کشاورزی به این دلیل که این حوزه جزو محصولات تحریمی نبوده، رشد نسبتاً خوبی را داشته‌ایم، ولی سهم ما از بازار منطقه بسیار پایین است، علی‌رغم این‌که در حوزه خلیج فارس بازار بسیار مناسبی برای صنایع کشاورزی وجود دارد که از آن استفاده نکرده‌ایم.

استفاده نکرده‌ایم.

• سهم بخش صنعت نسبت به سایر بخش‌ها کمتر است، در این خصوص متأسفانه آمار خیلی دقیقی نداریم، ولی در عمل صادرات صنعتی ما روزبه‌روز کمتر شده است. اگر روابط بین‌المللی‌مان با کشورهای دیگر حسنه شود، مسلماً صادرات کشور ما در حوزه صنعت هم حرفی برای گفتن خواهد داشت. • در حوزه خدمات به‌خصوص در حوزه IT به‌واسطه اینکه در ۱۰ سال اخیر این صنعت در کشورمان رشد چشمگیری داشته و توانسته در بعضی از بازارهای منطقه نفوذ کند، امیدواریم که این موضوع در آینده ادامه داشته باشد و بتوانیم علاوه بر IT در بخش‌های دیگر هم فعالیت نماییم.

#### ♦♦ آمریکا و اروپا از بازار روسیه خارج شده‌اند، تغییرات روند صادرات ایران به روسیه با توجه به این جریان را چگونه توضیح می‌دهید؟

بازار روسیه، بازار بسیار بزرگی است که متأسفانه ایران به چند دلیل نتوانسته در این سال‌ها از آن بهره ببرد؛ ریسک بالای کار با بازار روسیه، عدم شناخت ایرانی‌ها از بازار روسیه و ترسی که به ذات در بازرگان ما نسبت به تجارت با روسیه وجود داشته است، از دلایل آن هستند. لذا شرکت‌ها و صنایع محدودی با روسیه در دو موضوع واردات و صادرات کار می‌کنند و خیلی گسترده نیستند.

روسیه جزو کشورهای بزرگ است و دارای فناوری و تکنولوژی‌های به‌روز می‌باشد و کشور ما می‌تواند از این پتانسیل استفاده کند، بویژه اخیراً که ارتباط ایران با روسیه بهتر شده است و می‌توان از این پتانسیل چه در بحث ورود فناوری‌های نو که در ایران نیست و چه در بحث صادرات استفاده نمود. در موضوع صادرات به روسیه خیلی ضعیف عمل شده است، فقط در بعضی حوزه‌ها از جمله مواد غذایی و برخی صنایع مانند مخازن تحت فشار موفق به صادرات به این کشور شده‌ایم. از طرفی کشور ما سال‌هاست از تجارت

در حوزه تجارت خارجی، کشور در چند بخش نیاز به اصلاحات اساسی به شرح زیر وجود دارد:

• در حوزه سیاست‌های ارزی کشور، سیاست‌های مربوط به چگونگی اختصاص ارز به واردکننده و چگونگی برگرداندن و فروش ارز توسط صادرکننده در سال‌های اخیر چندین و چند بار تغییر کرده است و همه ناکارآمد بوده‌اند. لذا برای تقویت تجارت خارجی کشور نیاز است که این سیاست‌ها را تسهیل کنیم و آن‌ها را به نفع واردکنندگان و صادرکنندگان وضع کنیم، نه به نفع دولت.

• در مورد ثبت سفارش و تخصیص ارز در واردات در حال حاضر مشکلات بسیاری وجود دارد و پروسه زمان‌بری است. در واقع موضوع ثبت سفارش و تخصیص ارز یک پروسه دوماهه است، در صورتی که در تجارت خارجی این موضوع اصلاً معنی ندارد، اختصاص یک مجوز به شخصی که با پول خودش می‌خواهد یک محصولی را وارد کند، دو ماه به تعویق بیندازند!

• نقش بانک‌ها در موضوع تخصیص ارز بسیار تأثیرگذار است و هزینه‌های زیادی را به شرکت‌های واردکننده و صادرکننده تحمیل می‌کنند. بانک‌ها پول‌هایی را به‌عنوان ضمانت می‌گیرند که در قبال آن هیچ خدماتی نمی‌دهند؛ برای مثال در مورد تخصیص ارز برای واردات، بعد از ثبت سفارش، واردکننده اول باید ۵ درصد را پرداخت کند و بعد از اینکه ارز تخصیص داده می‌شود، باید ۳۰ درصد هم در این مرحله پرداخت نماید و این پول چند ماه نزد بانک می‌ماند بدون اینکه به واردکننده اجازه دهد که پول را به صراف دهد (که به بانک هم ربطی ندارد) و کالا را وارد کند. در واقع بانک‌ها فقط به‌عنوان یک ناظر و ناظم ابتدا یک ۵ درصد و بعد ۳۰ درصد و همین‌طور بیشتر را که پلکانی بالا می‌رود را دریافت می‌کنند و در عوض باعث اختلال در سرمایه در گردش واردکننده می‌شوند و سرمایه او بلوکه شده بدون این که برایش سودآوری داشته باشد. ♦♦



نمی‌توانند ملاک باشند.

### ♦♦ مهم‌ترین اصلاحات در حوزه تجاری کشور که نقش و الزامات تسهیل تجاری را ایفا کند، چیست؟

در حال حاضر بسیاری از کشورهای در حال توسعه و حتی توسعه‌یافته، تراز تجاری منفی دارند، کشورهایی مثل آمریکا و چین بزرگ‌ترین واردکنندگان هستند. ما در کشور باید بررسی کنیم که آیا واقعاً در عمل کالاهایی که مورد نیاز کشور بوده وارد شده یا خیر؟ که این موضوع اهمیت بیشتری دارد و از آن طرف پتانسیلی که ایران برای صادرات داشته، آیا تحقق پیدا کرده است یا خیر؟ به اعتقاد من ما در هر دو حوزه ضعیف عمل کرده‌ایم؛ یعنی نه توانسته‌ایم کالاهای مورد نیاز کشورمان را وارد کنیم و نه توانسته‌ایم صادرات خیلی قوی داشته باشیم و هردوی این‌ها به دلیل وجود تحریم‌ها بوده است.

رقابت و ادراک کنیم تا بدین وسیله سعی کنند کیفیت را افزایش دهند.

در بحث سیاست‌های ارزی و قوانین و مقرراتی که برای صادرات وضع شده، در خصوص برگرداندن ارز حاصل از صادرات، باید تسهیلات بیشتری برای صادرکنندگان قائل شد تا بتوانند صادرات بهتری داشته باشند. از طرفی صادرکنندگان ما نیاز به ثبات دارند، بخصوص ثبات نرخ ارز تا بتوانند کالاهایشان را صادر کنند. به‌طور کلی در مورد تراز تجاری مثبت، الزامات خیلی زیادی وجود دارد، این که هدف این باشد که میزان واردات یا صادرات را به‌صورت عددی بیشتر کنیم، به اعتقاد من استراتژی خوبی نیست و از طرف دیگر آمار و ارقام دقیق نیستند و خیلی از کالاها و ارزش‌هایی که وارد می‌شود، الزاماً باید ارزشی باشد که در سامانه گمرک ثبت شده است و سامانه تا یک حدی را قبول می‌کند، چون واردکنندگان برای اینکه ارز ارزان بیشتری بگیرند، خیلی از کالاهایی را که وارد می‌کنند کمتر از ارزش واقعی و خیلی‌ها هم بیشتر از ارزش واقعی‌شان ثبت می‌کنند؛ بنابراین این موارد بسیار تأثیرگذار هستند و در نتیجه اعداد



# ایران و بازارهای بکر روسیه و اتحادیه اقتصادی اوراسیا

## نگاهی به اتحادیه اقتصادی اوراسیا



### ◆ فرشته آبنیکی

کارشناس ارشد مطالعات روسیه، آسیای میانه و قفقاز

حوزه کشورهای مستقل هم سود عضو، حذف تدریجی قوانین گمرکی در داخل اتحادیه، برقراری تعرفه خارجی مشترک در میان کشورهای عضو، هماهنگ‌سازی تشریفات گمرکی، جابجایی آزاد کالا، سرمایه، نیروی کار و خدمات در مرزهای اوراسیا، برقراری سیاست مشترک در زمینه انرژی، صنعت، کشاورزی و وسایل نقلیه اهداف این اتحادیه را تشکیل می‌دهند.

جمعیت مقیم در این اتحادیه در شروع سال ۲۰۲۲، ۱۸۴۰۲۵۰۰۰ نفر بوده است که روسیه با ۱۴۵۵۵۷۶۰۰ نفر و ارمنستان با ۲۹۶۱۴۰۰ نفر به ترتیب بیشترین و کمترین جمعیت را در این اتحادیه دارند. تولید ناخالص داخلی اتحادیه اقتصادی اوراسیا در سال ۲۰۲۱، ۲۰۶۶،۸ میلیارد

ریشه نظری تکوین اتحادیه اقتصادی اوراسیا را باید در پیشنهاد نورسلطان نظربایف، رئیس‌جمهور قزاقستان در سال ۱۹۹۴ در خصوص تکوین بلوک تجاری منطقه‌ای جستجو کرد، اما این اتحادیه تا پیش از سال ۲۰۱۴ به سازوکار صحیحی نرسید، در ۲۲ مه ۲۰۱۴ سران کشورهای روسیه، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان و ارمنستان پیمان اتحادیه اقتصادی اوراسیایی را به امضا رساندند که از اول ژانویه ۲۰۱۵ به مرحله اجرا درآمد. این اتحادیه هفت هدف عمده را دنبال می‌کند. تسهیل تجارت، ایجاد بازار مشترک در

دلار آمریکا بوده که روسیه با ۱۷۷۸،۹ میلیارد دلار بیشترین سهم و قرقیزستان با ۸،۷ میلیارد دلار کمترین سهم را در تولید ناخالص داخلی این اتحادیه به خود اختصاص داده‌اند. ارزش تولیدات صنعتی اتحادیه اقتصادی اوراسیا ۱۴۴۷،۲ میلیارد دلار می‌باشد که روسیه با ۱۲۸۸،۴ میلیارد دلار بیشترین ارزش و قرقیزستان با ۴،۴ میلیارد دلار کمترین ارزش تولیدات صنعتی این اتحادیه را دارد. تولیدات کشاورزی اتحادیه اقتصادی اوراسیا ۱۳۸،۵ میلیارد دلار آمریکا می‌باشد که ۱۰۴،۷ میلیارد دلار تولید روسیه و کمترین آن ۲ میلیارد دلار ارزش تولیدات کشاورزی ارمنستان است. اتحادیه اقتصادی اوراسیا در سال ۲۰۲۱، ۵۲۷،۹ میلیارد دلار به کشورهای خارج از این اتحادیه صادرات داشته و ارزش واردات این اتحادیه در همین سال برابر با ۳۱۸،۵ میلیارد دلار بوده است. بیشترین ارزش صادرات مربوط به روسیه (۴۴۸،۷ میلیارد دلار) و بیشترین ارزش



بیشترین میانگین دستمزد ماهانه در روسیه ۷۷۷ دلار و کمترین آن در کشور قرقیزستان ۲۲۸ دلار آمریکا ثبت شده است. شاخص قیمت مصرفکننده در این اتحادیه ۱۰۸,۶ درصد است.

همان‌طور که نمودار شماره (۱) نشان می‌دهد اتحادیه اقتصادی اوراسیا در سال ۲۰۲۱ در تولید ناخالص داخلی، تولیدات صنعتی، سرمایه‌گذاری و گردش کالایی در خرده‌فروشی نسبت به سال ۲۰۲۰ رشد داشته است و در تولیدات کشاورزی، حمل و جابه‌جایی کالا، تجارت متقابل با اعضای اتحادیه و تجارت با کشورهای خارج از اتحادیه نسبت به ۲۰۱۷ کاهش داشته است.

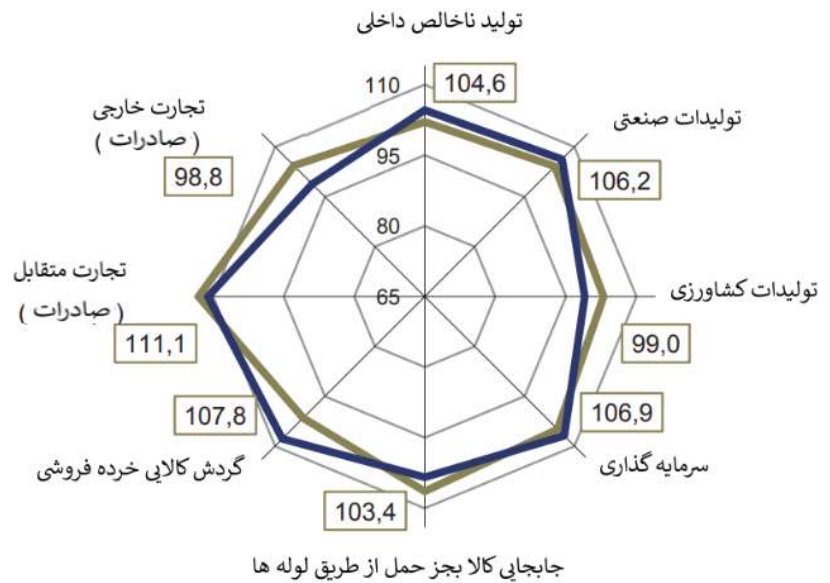
بر اساس داده‌های منتشر شده توسط کمیسیون اقتصادی اتحادیه اوراسیا (نمودار شماره (۲))، ۸۵,۱ درصد از تجارت خارجی روسیه انجام می‌شود. پس از آن قزاقستان با ۸,۹ درصد بلاروس با ۴,۸ درصد قرقیزستان و ارمنستان با ۰,۶ به ترتیب در رتبه‌های بعد قرار می‌گیرند. از مقایسه این نمودار با نمودار سال ۲۰۱۷ به‌وضوح دیده می‌شود که روسیه همواره بیشترین سهم در تجارت خارجی این اتحادیه با کشورهای خارج از آن را دارا می‌باشد.

نمودار شماره (۳) نشان می‌دهد چین، آلمان، هلند، ایتالیا، ترکیه، ایالات متحده، جمهوری کره، انگلستان، لهستان، فرانسه، ژاپن و هند به ترتیب شرکای اصلی تجاری اتحادیه اقتصادی اوراسیا می‌باشند. به‌طوری‌که ۱۹,۸ درصد از تجارت خارجی این اتحادیه با چین صورت می‌گیرد. تراز تجاری این اتحادیه با همه‌ی شرکای اصلی خود به‌جز چین و فرانسه مثبت است.

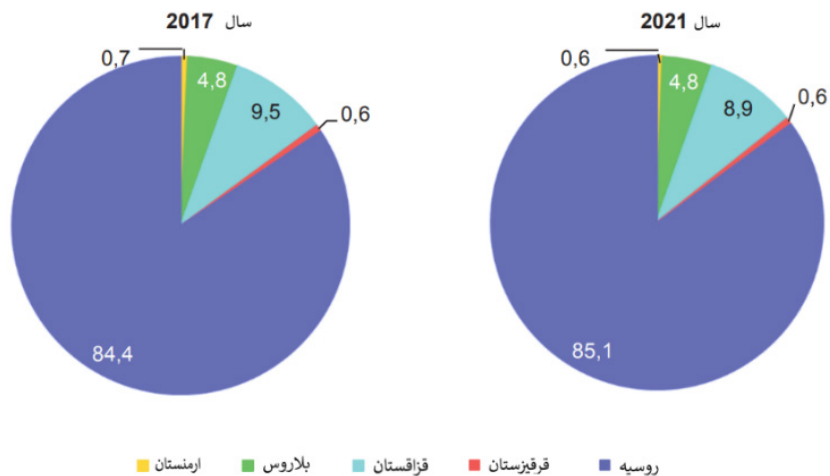
نمودار شماره (۴) حاکی از آن است که ۳۴ درصد از صادرات دوجانبه در اتحادیه اقتصادی اوراسیا توسط روسیه، ۳۳,۳ درصد توسط بلاروس، ۲۶,۱ درصد توسط قزاقستان، ۳,۷ درصد توسط قرقیزستان و ۲,۹ درصد توسط ارمنستان انجام شده است. صادرات متقابل روسیه به سایر کشورهای عضو اتحادیه

میلیارد دلار تجارت بلاروس و کمترین آن ۰,۸ میلیارد دلار تجارت قرقیزستان با سایر اعضای کشورهای عضو اوراسیا می‌باشد. بیش از ۹۳ هزار نفر نیروی کار در این اتحادیه وجود دارد که بیش از ۷۵ هزار نفر آن‌ها شهروند روسیه می‌باشند. نرخ بیکاری در این اتحادیه بر اساس معیارهای ILO، ۴,۹ درصد است.

واردات نیز مربوط به روسیه (۲۷۱,۷ میلیارد دلار) می‌باشد. قرقیزستان با صادرات ۲ میلیارد دلاری و واردات ۲,۹ میلیارد دلاری، کمترین ارزش تجارت کالایی را در این اتحادیه دارد. تجارت میان اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا در سال ۲۰۲۱، ۷۳,۱ میلیارد دلار آمریکا می‌باشد که ۴۶,۲ میلیارد دلار آن تجارت روسیه، ۱۷,۴



نمودار شماره (۱): شاخص‌های اصلی اقتصاد در اتحادیه اقتصادی اوراسیا، برحسب درصد نسبت به سال قبل (منبع: کمیسیون اقتصادی اوراسیا)



نمودار شماره (۲): سهم کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا در حجم تجارت خارجی این اتحادیه در سال ۲۰۲۱، برحسب درصد (منبع: کمیسیون اقتصادی اوراسیا)

و تنها ۱۴,۶ درصد از تجارت آن با اعضای این اتحادیه صورت می‌پذیرد. ۹۱,۱ درصد از تجارت روسیه، ۷۳,۹ از تجارت قزاقستان، ۶۴,۷ درصد از تجارت ارمنستان، ۵۸,۹ درصد از تجارت قرقیزستان و ۴۹,۵ درصد از تجارت بلاروس با شرکای خارج از اتحادیه بوده است.

آمارهای ارائه‌شده گویای آن است که اتحادیه اوراسیا نه تنها در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، امنیتی و اجتماعی تحت سیطره و حیات خلوت روسیه است، بلکه فدراسیون روسیه در حوزه‌ی اقتصاد و تجارت نیز محور اصلی اتحادیه اقتصادی اوراسیا می‌باشد. با وجود همسویی سیاسی و امنیتی قابل‌توجهی که بویژه در مسائل منطقه‌ای میان تهران و مسکو وجود دارد، اما برای روس‌ها حضور دیگر کشورها در آسیای مرکزی نوعی پیش‌دستی ارزیابی می‌شود و تلاش بسیاری از سوی روس‌ها برای ایفای نقش حداقلی دیگر بازیگران در آسیای مرکزی دنبال می‌شود.

### ایران و بازار بکر اتحادیه اقتصادی اوراسیا

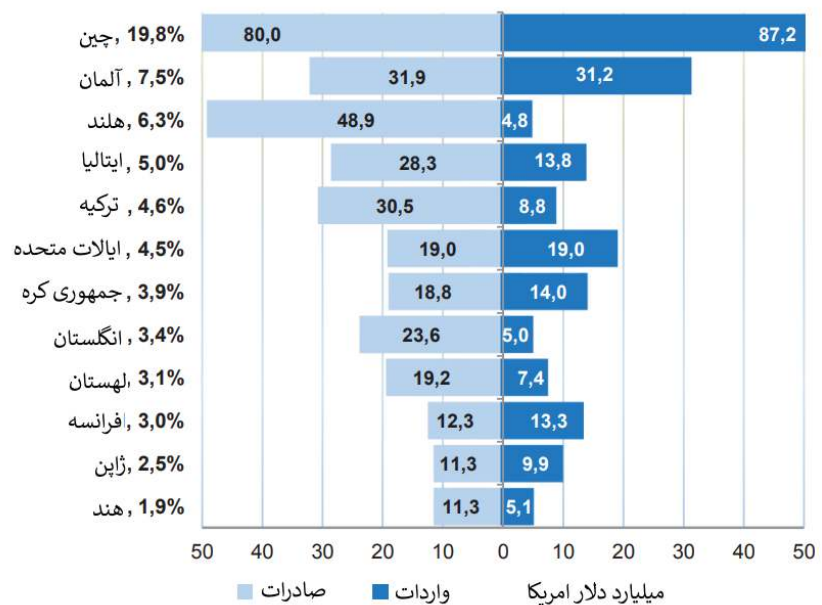
جمهوری اسلامی ایران از ابتدای تشکیل این اتحادیه مذاکراتی را جهت انعقاد موافقت‌نامه تجاری با این اتحادیه آغاز کرد که نهایتاً موافقت‌نامه موقت تشکیل منطقه تجارت آزاد بین جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در اردیبهشت ۱۳۹۷ به امضای طرفین رسید و از پنجم آبان ۱۳۹۸ اجرایی شد. بر اساس توافقات صورت گرفته دو طرف؛ تهران می‌بایست پس از یک سال از امضای این موافقت‌نامه موقت وارد مذاکرات تجارت آزاد با اوراسیا شود تا پس از طی دو سال بعد، وارد موافقت‌نامه تجارت آزاد با اوراسیا شود. عضویت ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا که بازوی اقتصادی اوراسیا نیز نامیده می‌شود در شرایط تحریمی می‌تواند نقش مؤثری در عبور ایران از تنگناهای اقتصادی ایفا کند و امکان استفاده از تعرفه‌های تجاری، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و صادرات و تسهیل روابط اقتصادی با کشورهای این اتحادیه را فراهم کند.

اقتصاد ایران و کشورهای حوزه آسیای مرکزی

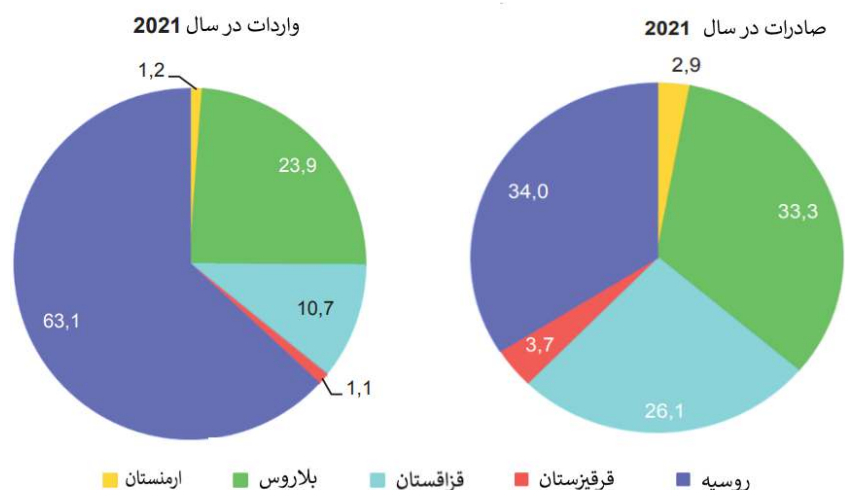
اتحادیه به دلیل جمعیت بالای این کشور نسبت به سایر اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا، تحریم‌های غرب، همه‌گیری کرونا و بحران اوکراین و ... می‌باشد.

بر اساس داده‌های نمودار شماره (۵) ۸۵,۴ درصد از تجارت خارجی اتحادیه اقتصادی با کشورهای خارج از این اتحادیه انجام می‌شود

اقتصادی اوراسیا بسیار نزدیک صادرات سایر کشورهای عضو می‌باشد، اما از مجموع واردات متقابل اعضای اتحادیه، سهم واردات روسیه ۶۳,۱ درصد، بلاروس ۲۳,۹ درصد، قزاقستان ۱۰,۷، ارمنستان ۱,۲ درصد و قرقیزستان ۱,۱ درصد بوده است. آنچه مسلم است سهم ۶۳,۱ درصدی روسیه از مجموع واردات درون

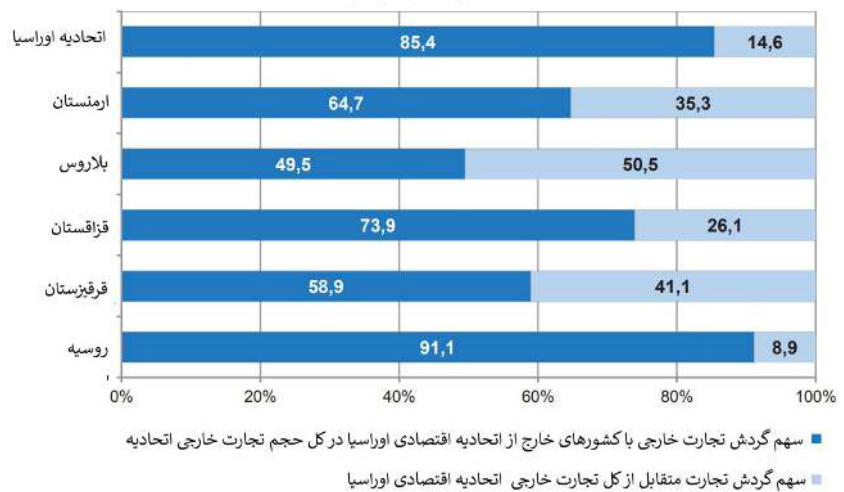


نمودار شماره (۳): توزیع حجم تجارت خارجی اتحادیه اقتصادی اوراسیا بر اساس شرکای تجاری اصلی در سال ۲۰۲۱ (منبع: کمیسیون اقتصادی اوراسیا)



نمودار شماره (۴): سهم اعضای اتحادیه در حجم تجارت دوجانبه و متقابل در سال ۲۰۲۱، درصد (منبع: کمیسیون اقتصادی اوراسیا)





نمودار شماره (۵): حجم تجارت خارجی با کشورهای خارج از اوراسیا و تجارت متقابل از کل حجم تجارت خارجی کالا در سال ۲۰۲۱ (منبع: کمیسیون اقتصادی اوراسیا)

از منظر اقتصادی تشکیل منطقه تجارت آزاد تجاری میان ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا بازار جدیدی را پیش روی تجار ایرانی قرار می‌دهد. در سال گذشته ۳,۳ میلیارد دلار حجم کل مبادلات ایران و کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا بود که در این میان سهم صادرات ایران به اوراسیا ۱,۵ میلیارد دلار و سهم واردات از این اتحادیه ۱,۷ میلیارد دلار بوده است. حجم مبادلات ترانزیتی میان ایران و کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا در سال گذشته ۱,۸ میلیون تن بوده

از توان هم تکمیلی جدی برخوردارند. هرچند هنوز هم حجم مبادلات تجاری میان ایران و این کشورها مطلوب نیست، اما ظرفیت‌های بسیاری برای رشد مبادلات تجاری وجود دارد که مغفول مانده است. تشکیل منطقه آزاد تجاری با اتحادیه اوراسیایی که زمینه‌های تاریخی و فرهنگی مشترک فراوانی با ایران دارد می‌تواند بازارهای این کشورها را در اختیار ایران قرار داده و از این طریق در اتحادیه‌ای که روسیه در آن نقش محوری دارد از فشار تحریم‌های غرب کاسته و بر وزن و نفوذ منطقه‌ای ایران بیفزاید.

به لحاظ سیاسی، هموارسازی روابط منطقه‌ای تهران با کشورهای همسایه و گسترش روابط سیاسی با کشورهای دوست یکی از اصول سیاست خارجی ایران است. در این راستا هم‌مرزی ایران با ارمنستان به‌عنوان یکی از اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا موجب سهولت و تسریع در تجارت زمینی ایران می‌شود و نیز به گسترش روابط تجاری خود با سایر اعضای اتحادیه اوراسیا از جمله قزاقستان و قرقیزستان خواهد شد. شایان ذکر است برقراری روابط سیاسی و اقتصادی پایدار با قزاقستان که در میان کشورهای آسیای مرکزی بیشترین نزدیکی را به غرب دارد، می‌تواند از نفوذ آمریکا و اروپا علیه ایران در اوراسیا بکاهد.

**آمارهای ارائه شده گویای آن است که اتحادیه اوراسیا نه تنها در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، امنیتی و اجتماعی تحت سیطره و حیات خلوت روسیه است، بلکه فدراسیون روسیه در حوزه‌ی اقتصاد و تجارت نیز محور اصلی اتحادیه اقتصادی اوراسیا می‌باشد. با وجود همسویی سیاسی و امنیتی قابل توجهی که بویژه در مسائل منطقه‌ای میان تهران و مسکو وجود دارد، اما برای روس‌ها حضور دیگر کشورها در آسیای مرکزی نوعی پیش‌دستی ارزیابی می‌شود و تلاش بسیاری از سوی روس‌ها برای ایفای نقش حداقلی دیگر بازیگران در آسیای مرکزی دنبال می‌شود.**

که یکمیلیون تن از مبدأ اتحادیه اوراسیا و ۷۰۰ هزار تن از ایران تبادل صورت گرفته است. کالاهای مورد معامله طرفین در این اتحادیه شامل صادرات و واردات محصولات صنعتی، پتروشیمی، ساختمانی و کشاورزی می‌شود. بر اساس گزارشات اتحادیه اقتصادی اوراسیا، ۴۶,۵ درصد از ساختار گردش تجارت خرده‌فروشی در سال ۲۰۲۱، به گروه محصولات غذایی از جمله نوشیدنی‌ها و محصولات تنباکو و ۵۳,۵ درصد به محصولات غیرخوراکی اختصاص یافته است. در این یادداشت با استفاده از شاخص مزیت نسبی آشکار شده که به بررسی نسبت عملکرد صادراتی یک کشور بر پایه بررسی ساختار کالایی صادرات آن در مقایسه با ساختار کالایی صادرات جهانی است، می‌پردازد. به مزیت نسبی صادرات محصولات کشاورزی و مواد غذایی ایران به هر یک از کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا می‌پردازیم. شاخص مزیت نسبی، بررسی نسبت عملکرد صادراتی یک کشور بر پایه بررسی ساختار کالایی صادرات آن در مقایسه با ساختار کالایی صادرات جهانی است. محاسبات این یادداشت پژوهشی نشان داد ایران در ۷ گروه (۲۰-۱۹-۰۹-۰۸-۰۷) از کالاهای حوزه مواد غذایی، روسیه در ۳ گروه کالایی (۱۵-۱۰-۰۳)، بلاروس در ۱۰ گروه کالایی (۰۲-۰۴-۰۷-۰۸-۱۱-۱۶-۱۷-۱۸-۲۲)، ارمنستان در ۱۱ گروه (۰۲-۰۳-۰۴-۰۷-۰۸-۱۱-۱۶-۱۷-۱۸-۲۰-۲۲)، قزاقستان در ۴ گروه کالایی (۱۰-۱۱-۱۲-۱۷) و قرقیزستان در گروه‌های کالایی (۰۴-۰۷-۰۸-۰۹-۱۱-۱۲-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲) دارای مزیت نسبی آشکار شده می‌باشند. هرچه تعداد کالاهای مشابه که هر دو کشور در آن مزیت نسبی آشکار شده بیشتر از یک دارند کمتر باشد، امکان تجارت بین دو کشور بیشتر خواهد بود. نتایج بررسی شاخص مزیت نسبی آشکار شده برای مجموعه اقلام صادراتی ایران در حوزه کشاورزی و مواد غذایی حاکی از وجود مزیت نسبی ایران در کدهای (۲۰-۱۹-۰۹-۰۸-۰۷) با روسیه و کدهای (۱۹) با بلاروس و کد کالایی (۱۹) با ارمنستان، کدهای کالایی (۲۰-۱۹-۰۹-۰۸-۰۷)

کد	فصل	قسمت
۰۲	گوشت و احشاء خوراکی	حیوانات زنده؛ محصولات حیوانی
۰۳	ماهی‌ها و قشرداران، صدقداران و سایر آبزیان فاقد ستون فقرات	حیوانات زنده؛ محصولات حیوانی
۰۴	شیر و محصولات لبنی؛ تخم پرندگان؛ عسل طبیعی؛ محصولات خوراکی که منشأ حیوانی دارند و در جای دیگر گفته نشده و مشمول شماره دیگر تعریف نشده باشد	حیوانات زنده؛ محصولات حیوانی
۰۷	سبزیجات، نباتات، ریشه و غده‌های زیر خاکی خوراکی	محصولات نباتی
۰۸	میوه‌های خوراکی؛ پوست مرکبات یا پوست خربزه و همانند آن	محصولات نباتی
۰۹	قهوه، چای، ماته و ادویه	محصولات نباتی
۱۰	غلات	محصولات نباتی
۱۱	محصولات صنعت آردسازی؛ مالت؛ نشاسته و فکول؛ اینولین؛ گلوتن گندم	محصولات نباتی
۱۲	دانه و میوه‌های روغن‌دار؛ دانه و بذریه‌های میوه‌های گوناگون	محصولات نباتی
۱۵	چربی‌ها و روغن‌های حیوانی یا نباتی؛ فرآورده‌های حاصل از تفکیک آن‌ها؛ چربی‌های خوراکی آماده؛ موم‌های حیوانی یا نباتی	چربی‌ها و روغن‌های حیوانی یا نباتی؛ فرآورده‌های حاصل از تفکیک آن‌ها؛
۱۶	فرآورده‌های گوشت، ماهی یا قشرداران، صدقداران و سایر آبزیان فاقد ستون فقرات	محصولات صنایع غذایی، نوشابه‌ها، آبگون‌های الکلی و سرکه‌ها
۱۷	قند و شکر و شیرینی	محصولات صنایع غذایی، نوشابه‌ها، آبگون‌های الکلی و سرکه‌ها
۱۸	کاکائو و فرآورده‌های آن	محصولات صنایع غذایی، نوشابه‌ها، آبگون‌های الکلی و سرکه‌ها
۱۹	فرآورده‌های غلات، آرد، نشاسته، فکول یا شیر؛ نان‌های شیرینی	محصولات صنایع غذایی، نوشابه‌ها، آبگون‌های الکلی و سرکه‌ها
۲۰	فرآورده‌ها از سبزیجات؛ میوه‌ها یا از سایر اجزاء نباتات	محصولات صنایع غذایی، نوشابه‌ها، آبگون‌های الکلی و سرکه‌ها
۲۱	فرآورده‌های خوراکی گوناگون	محصولات صنایع غذایی، نوشابه‌ها، آبگون‌های الکلی و سرکه‌ها
۲۲	نوشابه‌ها، آبگون‌های الکلی و سرکه‌ها	محصولات صنایع غذایی، نوشابه‌ها، آبگون‌های الکلی و سرکه‌ها

با قزاقستان می‌باشد و ایران در هیچ یک از کالاهای مزیت دار و دارای تخصص خود به دلیل شباهت با کالاهای مزیت دار قرقیزستان دارای مزیت صادراتی به این کشور نیست. برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران بخش تجارت خارجی کشور ایران باید در راستای استفاده از ظرفیت‌های تجاری کشورهای عضو اتحادیه اوراسیایی به برنامه‌ریزی و تعیین خط‌مشی صادراتی کالاهای دارای اولویت پرداخته و با تعیین بازار هدف صادرات هر یک از گروه‌های کالایی، مسیر نیل به افزایش صادرات غیرنفتی را هموار کنند و با در نظر گرفتن ظرفیت‌ها و مزیت‌های نسبی آشکار شده کشورهای عضو اتحادیه اوراسیایی به واردات از این کشورها اقدام کنند تا از فرصت رقابت کشورها برای صادرات به ایران، در راستای واردات کالاهایی با کیفیت بالا و قیمت حداقلی استفاده کافی برده شود، اما ورود مؤثر و پایدار به این اتحادیه مستلزم توجه و آگاهی از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های تجاری ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا، شناخت قوانین حقوقی و گمرکی این اتحادیه، توجه به مسائل سیاسی فرهنگی و امنیتی اقتصادی اوراسیا، تلاش برای ایجاد شبکه‌های عنکبوتی تجاری میان ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، برندسازی از محصولات ایرانی، تجارت کالاهای تحریم شده با استفاده از فرصت تحریم‌های روسیه از طریق واردات موازی و روش‌های دور زدن تحریم‌ها، توجه به صادرات محصولات حلال به مناطق مسلمان‌نشین در کشورهای این اتحادیه، کشت فراسرزمینی، توجه به نقش ترانزیتی ایران، توجه هاب بودن قزاقستان و امکان دور زدن تحریم‌های روسیه از مسیر قزاقستان و بلاروس و ... می‌باشد. اما آنچه باید به یادداشت این است که اتحادیه اقتصادی اوراسیا زمین‌بازی روسیه و حیات خلوت این کشور است. همه مراودات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و غیره تا زمانی از سوی روسیه به چالش کشیده نمی‌شود که یا روسیه بازیگر اصلی در آن مرادده باشد و یا از منافع آن بهره‌مند شود و یا حداقل منافع روسیه تهدید نشود. ♦♦

# تجزیه و تحلیل بهره‌وری ایران از فرصت‌های صادراتی عراق در ۵ سال اخیر

♦ دکتر جهانبخش سنجابی شیرازی

دبیر کل اتاق مشترک بازرگانی ایران و عراق



سال گذشته سهم ۱۹,۲۶ درصدی از کل ارزش صادرات کالایی کشورمان را داشته است. امروز با عراقی مواجه هستیم که مجموع عواید حاصل از صادرات نفت خام آن در سال ۲۰۲۲ میلادی بالغ بر ۱۱۵ میلیارد دلار بوده است. با کشوری مواجه هستیم که یک بازار ۴۲ میلیونی مصرف دارد. با همه فراز و نشیب‌های امنیتی این کشور، می‌بینیم که عراق هنوز هم بازار بزرگی است. این کشور به دلیل در اختیار داشتن منابع نفتی، موقعیت فوق‌العاده مهم ترانزیتی، ظرفیت بالای کشاورزی و جذب خیل عظیمی از زوار عتبات عالیات، کشور بسیار ثروتمندی محسوب می‌شود. در سال‌های اخیر مسئولان عراقی با غلبه بر مشکلات داخلی و امنیتی، همت زیادی برای بازسازی کشورشان داشته‌اند. به همین دلیل رقابت شدیدی بین کشورهای مختلف برای حضور در بازار عراق شکل گرفته است.

عراق واردکننده بزرگ انواع کالا و خدمات از ابتدایی ترین نوع تا کالا و خدمات با

امروز با عراقی مواجه هستیم که مجموع عواید حاصل از صادرات نفت خام آن در سال ۲۰۲۲ میلادی بالغ بر ۱۱۵ میلیارد دلار بوده است. با کشوری مواجه هستیم که یک بازار ۴۲ میلیونی مصرف دارد. با همه فراز و نشیب‌های امنیتی این کشور، می‌بینیم که عراق هنوز هم بازار بزرگی است. این کشور به دلیل در اختیار داشتن منابع نفتی، موقعیت فوق‌العاده مهم ترانزیتی، ظرفیت بالای کشاورزی و جذب خیل عظیمی از زوار عتبات عالیات، کشور بسیار ثروتمندی محسوب می‌شود.

کشور ثروتمند عراق با توجه به قرابت‌های دینی، فرهنگی و جغرافیایی یکی از مهم‌ترین شرکای تجاری ایران است. عراق با هیچ‌کدام از همسایگان خود به‌اندازه ایران مرز مشترک ندارد. طول مرزهای خاکی و آبی مشترک یکی از مهم‌ترین مزیت‌های تجارت دو کشور است. تعدد مراکز ارتباطات و تبادلات مرزی از جمله ۸ بازارچه رسمی و نزدیکی عراق به مراکز تولید در ایران موجب شده است تا ارسال هر کالایی از دورترین نقطه ایران به عراق در مدت زمان کوتاهی صورت گیرد. محصولات تولیدی ایران با سلیقه و ذائقه عراقی‌ها همسو است. بنابراین قسمت قابل‌توجهی از کالاهای موردنیاز عراق از طریق واردات کالاهای با کیفیت و قیمت مناسب ایرانی در گروه‌های مختلف کالایی اعم از پتروشیمی و پایه نفتی، صنعت، کشاورزی و صنایع غذایی، معدن و صنایع معدنی، فرش و صنایع دستی تأمین می‌شود. صدور گاز و برق از ایران به عراق نیز تاکنون استمرار داشته است. میزان صادرات کالایی کشورمان به عراق طی پنج سال گذشته از سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ به ترتیب به ارقام ۸,۹۹۱ - ۹,۰۲۷ - ۷,۴۳۱ - ۸,۹۰۱ و ۱۰,۲۳۸ میلیارد دلار رسیده است. در همین مدت واردات ایران از عراق نیز به ترتیب ارقام ۵۸ - ۱۲۸ - ۱۳۴ - ۱۱۹۶ و ۲۶۳ میلیون دلار بوده است.

صادرات ایران به عراق، طی دوازده‌ماهه سال ۱۴۰۱ در قیاس با سال ۱۴۰۰ از حیث ارزش، رشد ۱۵ درصدی را نشان می‌دهد. این کشور به‌عنوان اصلی‌ترین مقصد صادرات کالاهای ایرانی در میان کشورهای همسایه،

فناوری بالا است. این کشور در تأمین ارز موردنیاز ایران برای واردات انواع کالا نقش بسیار مهمی دارد. بخش بزرگی از صادرات ایران به عراق مواد غذایی، محصولات کشاورزی و مصالح ساختمانی است. بازار عراق همچنین ظرفیت بالایی برای پذیرش کالاهای صنعتی و دانش‌بنیان ایران دارد. به‌منظور بهبود شرایط تجارت کشور ما با عراق، باید چند تغییر اساسی در سازوکار تجارت با این کشور صورت گیرد. اولین تغییر در تقویت امکانات و زیرساخت‌های تجاری است. از فروش درب کارخانه و تجارت پیله‌وری باید به سمت ایجاد شرکت‌های بزرگ برای تأمین و توزیع کالاهای ایرانی در عراق حرکت کنیم و همچنین ایجاد انگیزه برای تولیدکنندگان بزرگ که خودشان صادرکننده باشند. در مرحله بعدی باید به‌سرعت ظرفیت تولید و تجارت مشترک را تقویت کنیم و از طریق برگزاری نشست‌های تجارت مشترک سهم خود را در بازار عراق



کد تعرفه دارای شاخص منفعت مثبت و از نظر شاخص چگالی در حدود ۱۶۷ محصول ۰ تا ۲۰ درصد، ۶۶ محصول ۲۰ تا ۵۰ درصد و ۵۵ محصول دارای چگالی بالای ۵۵ درصد هستیم. به‌طور خلاصه از ۶۲۷ کد تعرفه HS واردات عراق تقریباً در ۳۳۹ کد، مزیتی اندک ولی در بیش از ۲۸۰ کد می‌توانیم ۲۰ تا ۵۰ درصد بازار عراق را به‌صورت بالقوه داشته باشیم.

سنوات گذشته سهم ما از بازار عراق ۷ تا ۱۷ درصد بوده و سهم فعلی کشورمان از آن بازار حدود ۱۵ درصد است. تداوم روند افزایشی تجارت کشورمان با عراق از سال‌های گذشته تاکنون، نویدبخش آینده‌ای درخشان‌تر خواهد بود. چنانچه بتوانیم حتی نیمی از ظرفیت‌های بالقوه صادراتی را به‌بالفعل تبدیل کنیم، قطعاً می‌توانیم در کمترین میزان، ۲۱ درصد از بازار عراق را به دست آوریم. عبور از هدف صادرات ۱۰ میلیارد دلاری امسال و رسیدن به چشم‌انداز ۲۰ میلیارد دلاری در میان‌مدت البته با تراز تجاری دوجانبه و نه صرفاً صادرات ما به عراق، حتماً امکان‌پذیر خواهد بود. ♦♦

**عراق واردکننده بزرگ انواع کالا و خدمات از ابتدایی‌ترین نوع تا کالا و خدمات با فناوری بالا است. این کشور در تأمین ارز موردنیاز ایران برای واردات انواع کالا نقش بسیار مهمی دارد. بخش بزرگی از صادرات ایران به عراق مواد غذایی، محصولات کشاورزی و مصالح ساختمانی است. بازار عراق همچنین ظرفیت بالایی برای پذیرش کالاهای صنعتی و دانش‌بنیان ایران دارد.**

تحلیل بازار عراق و چشم‌انداز آن نشان می‌دهد که این کشور در بیش از ۶۲۷ کد تعرفه چهاررقمی HS واردات دارد. بررسی شاخص‌های امروزی که تعیین‌کننده میزان شانس ورود به یک بازار است، نشان‌دهنده این مطلب است که کالاهای کشورمان در بیش از ۵۰ درصد از واردات عراق از جمله در شاخص‌های چگالی، منفعت و پیچیدگی مزیت دارند. به‌عنوان‌مثال در ۳۶۸ کد تعرفه HS که عراقی‌ها واردات انجام می‌دهند، دارای شاخص پیچیدگی، در ۳۸۸

تثبیت نماییم. حضور ما در بازار عراق باید پایدار شود و به سمت پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشترک و حتی تولید در مقصد حرکت کنیم.

توسعه صادرات خدمات فنی و مهندسی و حضور در زیرساخت‌های پیمانکاری در حوزه‌های مختلف عراق، امضای موافقت‌نامه‌های دوجانبه مثل موافقت‌نامه جامع استاندارد و حمل‌ونقل از جمله موضوعاتی است که در توسعه تجارت دو کشور یقیناً مؤثر خواهد بود.

وقتی بیش از ۹۰ درصد تراز تجاری به نفع ایران مثبت است، قاعدتاً کشور مقابل دلیلی برای امضای توافق‌نامه تجارت آزاد یا ترجیحی ندارد. باید با عراق به سطحی از تراز تجاری برسیم که خلق مزیت رقابتی کرده و موافقت‌نامه تجارت آزاد با عراق را امضا کنیم. همگام با برنامه‌ریزی برای توسعه صادرات به عراق از بستر این کشور برای افزایش واردات هم استفاده کنیم تا تراز تجاری به حدی برسد که عراقی‌ها انگیزه امضای موافقت‌نامه تجارت آزاد را داشته باشند.





گفت‌وگو با «محسن وفایی» مدیرعامل منطقه ویژه اقتصادی سیرجان

## گام مؤثر برای تشویق سرمایه‌گذاران

اولین منطقه ویژه اقتصادی کشور در سال ۱۳۷۲ در سیرجان تأسیس شد که امروز بیش از ۴۰ بنگاه تولیدی در آن فعالیت دارند. این منطقه برای ۳۰۰۰ نفر اشتغال مستقیم ایجاد کرده است. در سال ۱۴۰۱ بیش از ۶۵۰۰۰ تن انواع محصولات تولیدی منطقه به ارزش بیش از ۷۰۰۰ میلیارد ریال به کشورهای افغانستان، تاجیکستان، اندونزی، عراق و ازبکستان صادر شده است. اگرچه فاصله بین مشوق‌ها در کشور ما برای سرمایه‌گذاری در مناطق ویژه اقتصادی با دیگر مناطق موفق جهان بسیار زیاد است، اما ما هم برای سرمایه‌گذاری در مناطق ویژه اقتصادی، مشوق‌های زیادی از جمله معافیت مالیاتی، قانون کار مجزا، معافیت‌های گمرکی، بروکراسی کمتر و ... را داریم.

محسن وفایی مدیرعامل منطقه ویژه اقتصادی سیرجان بر این باور است که اجرای کامل قانون تشکیل و اداره مناطق ویژه اقتصادی می‌تواند گام مؤثری در جهت تشویق سرمایه‌گذاران برای ورود به این منطقه باشد.





◆ **ایجاد و توسعه منطقه ویژه اقتصادی سیرجان چه تأثیری در شتاب بخشیدن به ورود سرمایه‌های خارجی به داخل منطقه و کشور داشته است، اگر ممکن است در این مورد به نتایج آماری اشاره فرمایید.**

برابر ماده یک قانون تشکیل و اداره مناطق ویژه اقتصادی کشور مناطق ویژه با هدف پشتیبانی از فعالیت‌های اقتصادی و برقراری ارتباط تجاری بین‌المللی و تولید و پردازش کالا، انتقال فناوری، صادرات غیرنفتی و جلب و تشویق سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، ایجاد شده‌اند. یکی از مهم‌ترین رسالت‌های منطقه ویژه سیرجان نیز در زمان تأسیس آن در دهه هفتاد شمسی، جذب سرمایه‌گذاران خارجی بوده و در ابتدای شروع به کار مناطق، سرمایه‌گذاران خارجی تمایل زیادی برای این امر داشته‌اند، اما در سال‌های بعد و به واسطه تحریم‌های بین‌المللی روند سرمایه‌گذاری خارجی در کشور کند شد و در نتیجه منطقه ویژه سیرجان نیز از این قاعده مستثنی نبود. با این حال هم‌اکنون چهار شرکت با سرمایه‌گذاری خارجی در زمینه تولید کاشی و سرامیک، لامپ‌های کم‌مصرف، مواد معدنی و همچنین طعم‌دهنده‌های خوراکی با سرمایه‌گذاری بیش از چهار میلیون دلار در منطقه مشغول به فعالیت هستند. بدیهی است در صورت اجرای

◆ **منطقه ویژه اقتصادی سیرجان در تحصیل و افزایش درآمدهای ارزی چه موفقیت‌هایی به دست آورده است؟**

از زمان آغاز مسئولیت به‌عنوان مدیرعامل منطقه ویژه اقتصادی سیرجان یکی از اولویت‌هایمان افزایش آمار صادرات از منطقه بود و سعی کردیم از طریق تسهیل در روند صادرات، کمک به سرمایه‌گذاران داخل منطقه و رایزنی با مسئولان گمرک، زمینه‌ی لازم برای افزایش صادرات را فراهم سازیم. خوشبختانه صادرات محصولات تولیدی منطقه در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۰ بیش از ۴۳۳ درصد رشد داشته است. در ۱۲ ماه سال ۱۴۰۱ بیش از ۶۵۰۰۰ تن انواع محصولات شامل قند و شکر، بریکت آهن اسفنجی، مستریج و ... با ارزش بیش از ۷۰۰۰ میلیارد ریال به کشورهای افغانستان، تاجیکستان، اندونزی، عراق و ازبکستان صادر شده است که این میزان افزایش از ابتدای سال ۱۴۰۱ نسبت به مدت مشابه سال ۱۴۰۰ بیش از ۴۳۳ درصد رشد را نشان می‌دهد. این میزان صادرات باعث شده ارزش ریالی آن ۲۷۲ درصد نسبت به مدت مشابه سال ۱۴۰۰ افزایش پیدا کند.

**خوشبختانه صادرات محصولات تولیدی منطقه در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۰ بیش از ۴۳۳ درصد رشد داشته است. در ۱۲ ماه سال ۱۴۰۱ بیش از ۶۵۰۰۰ تن انواع محصولات شامل قند و شکر، بریکت آهن اسفنجی، مستریج و ... با ارزش بیش از ۷۰۰۰ میلیارد ریال به کشورهای افغانستان، تاجیکستان، اندونزی، عراق و ازبکستان صادر شده است که این میزان افزایش از ابتدای سال ۱۴۰۱ نسبت به مدت مشابه سال ۱۴۰۰ بیش از ۴۳۳ درصد رشد را نشان می‌دهد. این میزان صادرات باعث شده ارزش ریالی آن ۲۷۲ درصد نسبت به مدت مشابه سال ۱۴۰۰ افزایش پیدا کند.**

◆ **ابتدا توضیحاتی درباره مشخصات، مختصات و روند رشد و تکمیل زیربنای و استقرار بنگاه‌های اقتصادی در منطقه ویژه اقتصادی سیرجان ارائه بفرمایید.**

منطقه ویژه اقتصادی سیرجان در سال ۱۳۷۲ به‌منظور پشتیبانی از فعالیت‌های اقتصادی و برقراری ارتباط تجاری بین‌المللی و تحرک در اقتصاد منطقه‌ای در زمینی به وسعت ۱۳۷۶ هکتار پایه‌گذاری و تأسیس شد. از دیگر اهداف منطقه ویژه می‌توان به تولید و پردازش کالا، انتقال فناوری، توسعه صادرات غیرنفتی، ایجاد اشتغال مولد و جذب و تشویق سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، صادرات مجدد، عبور خارجی (ترانزیت) و انتقال کالا (ترانشیپ) اشاره کرد. هم‌اکنون بیش از ۴۰ واحد تولیدی در این منطقه ویژه مشغول به فعالیت هستند. این منطقه ویژه برای سه هزار نفر اشتغال مستقیم ایجاد کرده است. منطقه ویژه اقتصادی سیرجان به حوزه‌های مختلف صنعت، انبار، خدمات و اقامتی تقسیم شده و از امکانات و زیرساخت‌های منطقه می‌توان به فعالیت دو بانک تجارت و ملی، وجود مهمانسرا، رستوران با ظرفیت پذیرش حدود ۴۰۰ نفر مهمان، مرکز مخابرات مستقل، استخر شنا، زمین فوتبال، حدود ۳۰ هکتار فضای سبز، سردخانه با ظرفیت ۵۰۰۰ تن، تاکسی سرویس، پوشش اینترنت، گمرک مستقر در منطقه، اداره استاندارد مستقر در منطقه، مجاورت با پایانه سیرجان، انشعاب فرعی ریل راه‌آهن در منطقه ویژه اقتصادی سیرجان به طول ۹ کیلومتر اشاره کرد. این منطقه چهار کیلومتر تا فرودگاه سیرجان و شش کیلومتر تا ایستگاه راه‌آهن فاصله دارد. با توجه به گذشت نزدیک به سی سال از زمان افتتاح منطقه، برخی از زیرساخت‌های آن قدیمی و مستهلک شده بود به همین دلیل تلاش کردیم در دو سال اخیر به بهسازی زیرساخت‌های منطقه بپردازیم؛ به‌عنوان مثال عملیات روکش آسفالت خیابان‌ها، تعویض روشنایی معابر، اجرای پروژه فیبر نوری، توسعه فضای سبز و ... انجام شده است.



قانون مذکور مسلماً سرمایه‌گذاری خارجی نیز افزایش پیدا می‌کند.

◆ **این منطقه چه نقشی تاکنون در انتقال فناوری به داخل کشور داشته است و برای آینده چه برنامه‌هایی اندیشیده شده است؟**  
نقش پارک علم و فناوری در انتقال فناوری به داخل کشور بسیار پررنگ و چشمگیر است. به همین دلیل با هماهنگی‌های انجام شده، دفتر پارک علم و فناوری سیرجان در منطقه ویژه اقتصادی مشغول به فعالیت است و ما هم هر کجا توانسته‌ایم به آن‌ها کمک کرده‌ایم. همان‌طور که می‌دانید پارک علم و فناوری سازمانی است که به‌وسیله متخصصان حرفه‌ای اداره می‌شود و هدف اصلی آن افزایش ثروت جامعه از طریق تشویق و ارتقاء فرهنگ نوآوری و افزایش توان رقابت در میان شرکت‌ها است.

یکی دیگر از راه‌های انتقال فناوری، وارد کردن خط تولید با تکنولوژی به‌روز و استقرار آن‌ها در کارخانه‌های منطقه بوده است. ما سعی کرده‌ایم این موضوع را نیز در دستور کار داشته باشیم. به همین دلیل اولویت منطقه ویژه اقتصادی سیرجان چه در زمان تأسیس و چه حالا استقرار کارخانه‌هایی مرتبط با تولیدات الکترونیکی بوده است. در همین زمینه کارخانه‌هایی مثل گلدیران، تهویه، آروین دوساری و ... در منطقه مشغول به فعالیت هستند.

◆ **ارزیابی شما از چگونگی جذب سرمایه‌ها در بخش مولد در پی ایجاد و توسعه منطقه تا این مرحله چیست و آینده را چگونه می‌بینید؟**  
نکته بسیار مهمی که در اینجا باید اشاره کنم، این است که مردم ایران عموماً سرمایه‌های پولی را در بازارهایی مثل ارز، سکه، طلا و املاک که بازدهی مولدی ندارد، سرمایه‌گذاری می‌کنند که در فرصت دیگری می‌توان به دلایل آن پرداخت، اما باید اشاره کنم که برای جذب سرمایه‌ها در بخش تولید باید محیط امن و شفاف برای سرمایه‌گذاری ایجاد کرد تا سرمایه‌ها از بخش غیر مولد به بخش مولد میل کند. نقش دولت در این زمینه بسیار

پررنگ است، دولت می‌تواند با رفع موانع تولید موجبات ورود این سرمایه‌ها به بخش تولید را فراهم آورد. ما در منطقه ویژه سیرجان سعی کرده‌ایم با به حداقل رساندن موانع تولید و رفع مشکلات سرمایه‌گذاران در این امر کمک کنیم. با وجود همه مشکلات هم‌اکنون بیش از ۴۰ واحد صنعتی با بیش از سه هزار نفر اشتغال مستقیم در منطقه مشغول به کار هستند. از وضع موجود رضایت نداریم و تلاش می‌کنیم که جذب سرمایه‌ها را در آینده بیشتر کنیم.

◆ **بدون شک تنوع و توسعه محصولات صادراتی، اولویت مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در جهان است. ارزیابی شما از چگونگی عملکرد مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور در این زمینه چیست؟**  
همان‌طور که اشاره شد، مناطق ویژه اقتصادی با هدف پشتیبانی از تولید و پردازش کالا و صادرات آن به کشورهای دیگر تأسیس شده‌اند. قانون و آیین‌نامه تصویب شده برای این مناطق، تسهیلات و مزایای قانونی متعددی برای تحقق این هدف دارد، اما در سال‌های اخیر به دلیل صدور بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌هایی که برخی از مزایای قانونی را محدود و یا حذف کرد و همچنین به‌موجب تحریم‌های بین‌المللی امکان استفاده کامل از ظرفیت مناطق در جهت تولید و صادرات محصولات متنوع وجود ندارد. امیدواریم با اجرای کامل قانون و آیین‌نامه اجرایی مناطق ویژه اقتصادی موجبات تشویق سرمایه‌گذاران و تولیدات متنوع جهت صادرات فراهم شود.

در منطقه ویژه سیرجان سعی کرده‌ایم با به حداقل رساندن موانع تولید و رفع مشکلات سرمایه‌گذاران در این امر کمک کنیم. با وجود همه مشکلات هم‌اکنون بیش از ۴۰ واحد صنعتی با بیش از سه هزار نفر اشتغال مستقیم در منطقه مشغول به کار هستند. از وضع موجود رضایت نداریم و تلاش می‌کنیم که جذب سرمایه‌ها را در آینده بیشتر کنیم.

◆ **شما مشوق‌های مناطق آزاد ایران را در تطبیق با مشوق‌های مناطق آزاد و پیشرو در دنیا چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

فاصله بین مشوق‌های ما با دیگر مناطق موفق جهان بسیار زیاد است؛ به‌عنوان مثال در مورد منطقه آزاد جبل علی، تسهیلات و مشوق‌هایی که آن‌ها برای سرمایه‌گذاران اعم از تسهیلات بانکی و یا مشوق‌های مالیاتی و صادراتی دارند قابل‌مقایسه نیست. ما هم برای سرمایه‌گذاری در مناطق مشوق‌های زیادی از جمله معافیت مالیاتی، قانون کار مجزا، استفاده از معافیت‌های گمرکی، بروکراسی کمتر و ... را داریم، اما به نظر در مرحله اول، اجرای قانون تشکیل و اداره مناطق ویژه به‌طور کامل می‌تواند گام مؤثری در جهت تشویق سرمایه‌گذاران برای ورود به مناطق ویژه اقتصادی باشد.

◆ **به لحاظ مدیریت و زیرساخت‌های موردنیاز سرمایه‌گذاری، وضعیت ما را با مناطق آزاد و ویژه اقتصادی پیشرو چطور مقایسه می‌نمایید؟**

برای مقایسه مناطق آزاد و ویژه ایران با مناطق پیشرو در دیگر کشورها نیاز به تحقیق و پژوهش گسترده و علمی می‌باشد، ولی آن‌طور که از شواهد برمی‌آید و با مقایسه‌های اولیه می‌توانیم نتیجه بگیریم که اوضاع در برخی از مناطق آزاد و ویژه دیگر کشورها بهتر از ماست و آن‌ها رونق بیشتری دارند؛ برای مثال در منطقه آزاد تجاری جبل علی بیش از ۵۰۰۰ شرکت بین‌المللی فعال است و در این منطقه حدود ۲۱۰ کارخانه متعلق به بیش از ۱۳۰ کشور جهان مشغول به تولید هستند.

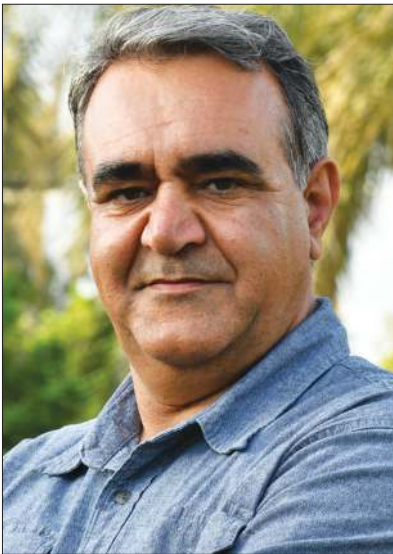
جبل علی بیش از ۶۵ بندر و پایانه دریایی در شش قاره جهان را زیر پوشش خود دارد و به ۳۴۰ بندر در سراسر دنیا متصل و دارای ۲۳ اسکله و ۷۸ جرثقیل برای تأمین نیازهای بزرگ‌ترین کشتی‌های کانتینری در جهان و بهترین بندر دریایی در خاورمیانه رتبه‌بندی شده است. بدیهی است این امکانات در مناطق آزاد و ویژه کشور ما وجود ندارند. ◆◆

# جنوب شرق ایران

## شکل‌گیری اجتماعات اولیه تا ورود به دوران شهرنشینی (عصر مفرغ) با نگاهی به ارتباطات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و روابط تجاری بازرگانی در دنیای باستان

♦ دکتر نادر علی‌دادی سلیمانی

باستان‌شناس



عمیق کوهستانی و ورود به دشت جیرفت، از بخش میانی این دشت گذر کرده و در امتداد خود با گذر از کناره غربی دشت رودبار به باتلاق جازموربان که بازمانده یک دریاچه بزرگ و کهن در جنوب شرق ایران است، می‌ریزد. پهنه‌های بزرگ دشتی چون دشت جیرفت، دشت اسفندقه، دشت بلوک، دشت فاریاب، دشت‌های رودبار، قلعه گنج و کهنوج که حاصل طغیان‌های مکرر رودها و انباشت غنی از خاک رس ارتفاعات پیرامون است و آب‌وهوای گرم و مرطوب که شرایط بسیار مطلوبی را برای رشد و بالندگی موجودات زنده فراهم کرده است، سبب شده تا در جنوب استان کرمان ناحیه‌ای متفاوت شکل گیرد. این ناحیه شرایط بسیار مناسبی برای رشد و نمو

ویژگی‌های طبیعی- اکولوژیک از عوامل تأثیرگذار بر روندها و جریان‌های اجتماعی اقتصادی محسوب می‌شوند که در ابعاد مختلف مطرح هستند. ویژگی‌های مختلف توپوگرافیکی، زمین ساختی و آب و هوایی از عوامل ویژه طبیعی هستند که بر ساختارهای مختلف تأثیرگذارند. شناخت اقلیم و چشم‌انداز طبیعی که آثار و شواهدی از حضور انسان دنیای باستان در آن دیده می‌شود، به نحوی است که در مطالعات باستان‌شناختی بدون درک و یا عدم توجه به آن نمی‌توان به فهم و شناخت درست و دقیقی از اسباب و دلایل پیدایش حضور انسان، دوره روستانشینی و پس از آن عصر تمدن و شهرنشینی دست‌یافت. بنابراین امروزه در باستان‌شناسی بویژه در دوره پیش از تاریخ، مطالعات دیرین اقلیم‌شناسی از رهیافت‌های بنیادین به شمار می‌آید.

جنوب شرق ایران و بویژه گستره جنوب استان کرمان به واسطه تنوع اقلیمی و جغرافیای طبیعی بسیار حائز اهمیت است. شناخته‌شده‌ترین درون‌داشتهای جغرافیایی، زیست‌محیطی و طبیعی این منطقه چون وجود ارتفاعات بلند و برف‌گیر برآسمان و جبال بارز در شمال تا شمال شرق شهرستان جیرفت، رود دائمی هلیل‌رود که از ارتفاعات سردوئیه در شهرستان جیرفت و بلندی‌های بافت و رابر سرچشمه می‌گیرد و بعد از گذر از دره‌های

سفال گاو‌کشی که از زیبایی در نقش، فرم، مقاومت و استحکام قابل توجهی برخوردار است، قدیم‌ترین سفال سراسر جنوب شرق ایران به شمار می‌رود. مطالعه مواد فرهنگی به‌دست‌آمده در کاوش تپه گاوکشی حکایت از شگفتی ارتباطات و مراودات فرهنگی و تجاری این بخش از ایران علاوه بر مناطق هم‌جواری چون استان امروزی فارس و خوزستان در غرب، با مناطق دوردست‌تری چون شمال سوریه تا جنوب شرق ترکیه دارد که تأمین‌کننده مواد خام سنگ آهک برای ساکنین رشته‌کوه زاگرس تا جنوب شرق این رشته‌کوه و جایی چون گاوکشی در جیرفت بوده است.

گیاهان و حیوانات از گذشته‌های دور فراهم آورده بود. وجود آب دائم هلیل‌رود، خاک حاصلخیز دشت جیرفت و آب‌وهوای مناسب موجب شد تا اجتماعات انسانی کناره دشت اسفندقه در غرب شهرستان جیرفت را از دوره نوسنگی برای استقرار انتخاب کنند. بر پایه بررسی‌های باستان‌شناسی تپه‌ها و محوطه‌های بسیاری بیش از ۸۰۰ تپه و محوطه یا گورستان در کناره‌های هلیل‌رود شناسایی شده است که حاکی از غنای این حوزه فرهنگی در مطالعات باستان‌شناسی دارد. بسیاری از این تپه‌ها در بررسی‌های باستان‌شناسان مورد شناسایی قرار گرفته و شماری از آن‌ها در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده‌اند. مجموعه اشتراکات و یکپارچگی که در بررسی و مطالعه فرهنگ‌های این حوزه مورد شناسایی قرار گرفته، سبب شده است تا از این حوزه به

منطقه را شامل می‌شده است. بر پایه اسناد و مدارک باستان‌شناختی حاصل از سه فصل کاوش، تپه گاو کوشی دارای سه مرحله استقرار است. معماری از پیش طراحی شده که با علم به جغرافیا و اقلیم منطقه ساخته شده‌اند، قرینه‌ها در آن رعایت شده است و می‌توان اولین معابد دوره نوسنگی را در این محل سراغ گرفت.

در بُعد اقتصاد و شیوه معیشت وجود سنگ‌های مادر، فراوانی تراشه‌ها و دورریزها و وجود انواع ابزارهای سنگی دیگر در بین آثار به‌دست‌آمده از این تراشه نشان از تولید محلی و صنعت ابزارسازی بومی در این محوطه دارد. مطالعات گیاه باستان‌شناسی صورت گرفته بر روی نمونه‌های به‌دست‌آمده از درون فضاهای معماری میزان استفاده از دانه‌های خوراکی و غلات را مشخص ساخته است. به دست آمدن دانه گندم، جو و کنجد کربنیزه شده شواهد محکمی دال بر کشت این دانه‌های خوراکی در خلال دوره نوسنگی است. ابزارهای سنگی در خور تأملی از کوبنده‌ها و سابنده‌ها نیز به‌دست‌آمده که دال بر استفاده از غلات و دانه‌های خوراکی در مصرف روزانه ساکنین محل به شمار می‌رود. مطالعات ارزشمندی بر روی نمونه‌های استخوان حیوانات صورت پذیرفته که حاکی از استفاده گونه‌های متنوع و مختلف حیوانات اهلی و وحشی در رژیم غذایی خانواده است. سفال گاو کوشی که از زیبایی در نقش، فرم، مقاومت و استحکام قابل‌توجهی برخوردار است، قدیم‌ترین سفال سراسر جنوب شرق ایران به‌دست‌آمده در کاوش تپه گاو کوشی حکایت از شگفتی ارتباطات و مراودات فرهنگی و تجاری این بخش از ایران علاوه بر مناطق هم‌جواری چون استان امروزی فارس و خوزستان در غرب، با مناطق دوردست‌تری چون شمال سوریه تا جنوب شرق ترکیه دارد که تأمین‌کننده مواد خام سنگ



شکل شماره (۱): فضاهای معماری و معبد دوره نوسنگی، تپه گاو کوشی - اسفندقه جیرفت

سه فصل کاوش باستان‌شناختی در فاصله سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵ خورشیدی در تپه باستانی گاو کوشی توسط نگارنده صورت گرفته است. داده‌های فرهنگی به‌دست‌آمده از کاوش در این تپه، فرایند شکل‌گیری استقرارهای اولیه یکجانشینی در دوره نوسنگی را پیش روی ما قرار می‌دهد. شکل‌گیری این گروه‌ها به سبب زیستگاه مناسبی بوده است که درون‌مایه جغرافیایی

نام «حوزه فرهنگی هلیل‌رود» در مطالعات باستان‌شناسی جنوب شرق ایران یاد کنیم. «هلیل‌رود» با طول مسافت حدود ۴۰۰ کیلومتر رود دائمی در جنوب استان کرمان است. این رود از سرچشمه‌های آن تا ورود به هامون جازموریان به سبب این‌که مهم‌ترین منبع آب به شمار می‌رود، عامل شکل‌گیری کهن‌ترین استقرارهای انسانی و جریان ساز فرهنگ‌ها و تمدن‌های انسانی از دنیای باستان تا به امروز بوده و درعین حال مهم‌ترین عامل پیونددهنده و زنجیره اشتراکات و مشابهت‌های فرهنگی بوده است. شهرستان جیرفت بخشی از این حوزه بزرگ فرهنگی است. کهن‌ترین آثار و شواهد حضور انسان در پهنه یادشده در کناره‌های غربی دشت اسفندقه، مناطق پایکوهی غرب دشت جیرفت و دامنه‌های شرقی رشته‌کوه بشاگرد در حوزه شهرستان قلعه گنج مورد شناسایی قرار گرفته است. از این آثار و شواهد می‌توان به دست‌افزارهای سنگی اشاره کرد که به دوره پارینه‌سنگی متأخر تعلق دارند. این ابزارها، اسناد ارزنده‌ای از پیشینه حضور انسان در دشت اسفندقه و مناطق پیرامون با اقلیم مشابه را پیش روی ما قرار می‌دهد.

**دشت جیرفت با قابلیت‌های فراوان از منابع طبیعی و برخورداری از رسوب حاصلخیز حاصل از طغیان هزاره‌های متمادی هلیل‌رود، آب دائم این رود حیاتی، منابع غنی سنگ‌های معدنی در ارتفاعات پیرامون در اواخر هزاره چهارم تا آغاز هزاره سوم پیش از میلاد به یکی از مهم‌ترین مراکز بزرگ شهرنشینی در دنیای آن روز تبدیل شد؛ بنابراین می‌بینیم مرکز بزرگ شهری چون کنارصندل در بخش مرکزی دشت جیرفت به سبب قابلیت‌های زیست‌محیطی و موهبت‌های طبیعی این حوزه است که شکل گرفته و تا یک هزاره تداوم داشته است.**



به شمار می‌رود؛ حوادث بی‌شماری به وقوع پیوسته است. مجید زاده آشکارترین این حوادث را افزایش اساسی جمعیت ساکن در منطقه جغرافیایی آسیای جنوب غربی می‌داند که موجب دگرگونی‌های قابل‌ملاحظه‌ای در توزیع جمعیت، ابعاد و دائمی شدن محوطه‌های مسکونی گردید (مجید زاده ۱۳۶۸:۳). شواهد و مدارک باستان‌شناسی در بخش‌های مختلف ایران و از جمله جنوب شرق ایران، مظهر تأییدی است بر گسترش محوطه‌ها و افزایش شمار محوطه‌های مسکونی که خود این عامل بدون شک پیامد افزایش جمعیت است. چایلد (۱۹۳۷) این منحنی جمعیت را با پیشرفت‌های فرهنگی مرتبط می‌داند. فرهنگ با همه زوایای آن بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین دستاورد انسان بود. ابزاری که به کمک آن جوامع توانسته‌اند اعضای خود را اداره کنند و سازمان پیچیده آن را به وجود آورند. (مجید زاده ۱۳۶۸:۴) چهار هزاره حد فاصل نخستین استقرارهای دائم دوره نوسنگی تا آغاز عصر مفرغ، پیشینه حضور، بالندگی، رشد فرهنگ در همه ابعاد آن، شکوفایی، توسعه، خلاقیت، کشف و ابتکار تکنولوژی در زمینه‌های کشاورزی و اقتصادی است. ارتباط با مناطق دوردستی چون شمال سوریه تا جنوب شرق ترکیه امروزی و تأمین منابعی چون سنگ اُسیدین در دوره نوسنگی، برقراری کاروان‌های بزرگ تجارت کالا، شناسایی و کشف معادن سنگ چخماق که در امر تولید ابزار سنگی تا کشف فلز مورد استفاده قرار می‌گرفته است، تحول و تکامل کوره‌های اولیه سفالگری به‌منظور تولید سفال تجارتي تحول در تولید ابزار کشاورزی، تولید و به‌کارگیری ابزار شمارشی و نظام‌مند کردن تجارت و بازرگانی کالا، کشف فلز و به‌کارگیری آن، پیدایش جرف و مشاغل تخصصی و شکل‌گیری نظام‌های اقتصادی و اجتماعی پشتوانه قوی و بسیار کهنی بود برای شکل‌گیری یک تحول بزرگ،

پایان این هزاره افزون بر دشت‌های غنی رسی، مراتع در دشت‌های کوهپایه‌ای و کوهستانی نیز پذیرای جمعیت‌های بزرگ انسانی بوده است. در همین دوره افزون بر ارتباطات منطقه‌ای، ارتباطات فرامنطقه‌ای در نقاط دوردست‌تری چون دشت‌های پست رُسی میان رودان (بین‌النهرین) در عراق امروزی و دشت‌های خوزستان گسترش یافته و شاهد نفوذ و حضور فرهنگ‌های میان‌رودانی در جنوب شرق ایران هستیم. از این دوره به نام دوره آغاز نگارش در بین‌النهرین یاد شده است؛ فرهنگی که چندی نپایید که حضور آن در شرقی‌ترین مرزهای غرب آسیا آشکار شد. مشخصه این فرهنگ وجود سفال‌هایی با ویژگی‌های خاص چون سفال لبه واریخته است که در بسیاری از تپه‌ها و محوطه‌های باستانی جنوب شرق ایران دیده شده و شاهد حضور و نفوذ این فرهنگ در گستره بسیار وسیعی از جنوب شرق ایران هستیم. از آغاز استقرار دائم در روستاها که همزمان با جنوب غرب آسیا و از جمله ایران و مناطق هم‌جوار، این حضور در جنوب شرق ایران در دشت اسفندقه جیرفت دیده می‌شود تا پایان هزاره چهارم پیش از میلاد که آغاز عصر برنز در ایران شناخته شده است؛ یک دوره زمانی معادل ۳۸۰۰ تا ۴۰۰۰ ساله

وجود این اشیاء محدود و انگشت‌شمار هیچ شکی باقی نمی‌گذارد که کالاهای یافت شده در این مناطق متعلق به فرهنگی خارج از مرزهای بین‌النهرین که عاری از کوه و منابع سنگ کلوریت بوده است، تعلق دارند. به دست آمدن اشیاء زرین در کنار اشیاء نیمه‌گران‌بهای سنگ کلوریت و مرمر از رفاه و ثروت و دارایی مردمان شهرنشین دشت جیرفت خبر می‌دهد که در کنار کارگاه‌های سفالگری، فلزکاری و تراش سنگ، کارگاه‌های جواهرسازی نیز فعال بوده است.

اُسیدین برای ساکنین رشته‌کوه زاگرس تا جنوب شرق این رشته‌کوه و جایی چون گاوگُشی در جیرفت بوده است. نتایج کاوش در تپه گاوگُشی آغاز راهی است برای شناخت یکی از مهم‌ترین ادوار زندگی بشر در جنوب شرق ایران که پیش‌ازاین ناشناخته بود. قابلیت‌ها و درون‌داشته‌های طبیعی حوزه فرهنگی هلیل‌رود سبب شد تا استقرارهای دوره نوسنگی در ادوار بعد چون دوره مس سنگ، عصر مفرغ و دوره تاریخی و اسلامی نیز تداوم یابد. در دوره مس سنگ اجتماع یا اجتماعات کوچک دوره نوسنگی تبدیل به اجتماعات و گروه‌های بزرگ‌تر در قالب شکل‌گیری روستاها و آبادی‌های متعدد در سراسر حوزه شده است؛ به‌نحوی که آثار و شواهد این حضور را در قالب تپه‌های باستانی در گستره‌ی حوزه مورد مطالعه می‌توان یافت. این دوره در باستان‌شناسی ایران به نام دوره روستانشینی میانی تا متأخر شناخته می‌شود. کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی صورت گرفته در این دوره از گسترش فزاینده استقرارها در سراسر جنوب غرب (دشت ارزوئیه)، کناره‌ی هلیل‌رود در دشت‌های جیرفت، بلوک و رودبار تا دشت‌های پای کوهی غرب هامون جازموریان دارد. هر چند شواهدی از ارتباطات فرامنطقه‌ای دیده می‌شود، اما در خلال هزاره ششم تا پنجم پیش از میلاد از جوامعی می‌توان یاد کرد که خوداتکا بوده و با اقتصاد متکی بر کشاورزی و دامداری امرامعاش نموده‌اند. اقلیم مناسب و مساعد آب و هوایی حوزه در پایان دوره مس سنگ نیز سبب گسترش بیش‌ازپیش جمعیت‌های انسانی هم در شمار و هم در سطح اشغال آبادی‌ها شده است؛ به‌نحوی که در خلال سده‌های پایانی هزاره چهارم پیش از میلاد که در باستان‌شناسی جنوب شرق ایران از آن به نام دوره علی‌آباد یاد می‌شود، می‌توان از غلبه اقتصاد متکی بر دامداری بر اقتصاد متکی بر کشاورزی یاد کرد. در

و محوطه‌های بزرگی چون تپه یحیی در دشت صوغان آرزوئیه (لمبرگ کارلوفسکی ۱۳۵۳-۱۳۴۷)، محوطه باستانی شهداد در کناره غربی لوت مرکزی (علی حاکمی و میرعابدین کابلی ۱۳۴۸-۱۳۸۱)، تپه‌های باستانی کنارصندل در بخش میانی دشت جیرفت (یوسف مجید زاده ۱۳۸۱-۱۳۸۶)، کاوش باستان‌شناسی گورستان بندجلال در دهستان رمشک شهرستان قلعه‌گنج، (حمیده چوبک ۱۳۷۷) شواهد ارزنده‌ای از عصر مفرغ جنوب شرق ایران و دوره شهرنشینی را پیش روی ما قرار می‌دهد.

اسناد و مدارک به‌دست‌آمده از کاوش‌های یاد شده اسناد محکم و متقنی از تداوم حضور انسان و روی آوردن آن از اجتماعات پراکنده روستایی در مناطق کوهستانی، دره‌های عمیق و دشت‌های رسی با اقتصاد متکی بر دامداری و کشاورزی به اجتماعات و مراکز شهری در مناطقی با قابلیت پذیرش جمعیت‌های انسانی و ایجاد بستری برای فعالیت‌های گسترده و متنوع است. دشت جیرفت با قابلیت‌های فراوان از منابع طبیعی و برخورداری از رسوب حاصلخیز حاصل از طغیان هزاره‌های متمدای هلیل رود، آب دائم این رود حیاتی، منابع غنی سنگ‌های معدنی در ارتفاعات پیرامون در اواخر هزاره چهارم تا آغاز هزاره سوم پیش از میلاد به یکی از مهم‌ترین مراکز بزرگ شهرنشینی در دنیای آن روز تبدیل شد؛ بنابراین می‌بینیم مرکز بزرگ شهری چون کنارصندل در بخش مرکزی دشت جیرفت به سبب قابلیت‌های زیست‌محیطی و موهبت‌های طبیعی این حوزه است که شکل گرفته و تا یک هزاره تداوم داشته است. منابع شناسایی شده از سنگ مس در ارتفاعات شمال حوزه و کوره‌های ذوب مس به‌دست‌آمده در کاوش‌های کنارصندل و ساخت ظروف و اشیای زیبای هنری از جنس مس و یا مفرغ، شکل‌گیری صنعت فلزگری و فلزکاری را آشکار می‌کند که پیش از این در دوره مس سنگ آغاز شده بود و



شکل‌های شماره (۲) و (۳): اشیاء سفالی حاصل از کاوش‌های باستان‌شناسی دشت جیرفت - هزاره سوم پیش از میلاد

به گروه دیگر جلوگیری به عمل آید. به اعتقاد ابن خلدون نخستین مرحله از زندگی اجتماعی بادیه‌نشینی است و سکونت در شهرها و روستاها در مرحله بعدی قرار دارد و تشکیل سلطنت و دولت مقدم بر ظهور شهرها بوده است. ابن خلدون فیلسوف بزرگ اسلامی همچنین توجه خاصی به تأثیر محیط‌زیست بر شیوه‌های زندگی جوامع انسانی داشته است. کاوش‌های باستان‌شناختی صورت گرفته در گستره استان کرمان و تپه‌ها

همان‌که گوردون چاپلید (۱۹۳۷) از آن به نام «انقلاب شهرنشینی» یاد کرده است. عبدالرحمن بن خلدون (۷۳۳-۸۰۸ ه. ق) فیلسوف و مورخ بزرگ اسلامی می‌گوید، انسان به علت سرشت مدنی ناگزیر به گرد هم آمدن با هموعان خود و ایجاد تشکیلات اجتماعی است که در آن هر عضو برای رفع نیازهای خویش محتاج همکاری با دیگران است. پس از تشکیل جامعه، وجود یک حاکم در میان افراد آن جامعه اجتناب‌ناپذیر می‌گردد تا از تجاوز گروهی



شکل‌های شماره (۴) و (۵): اشیای ساخته‌شده از سنگ کلوریت و سنگ نشانی (مرصع کاری شده)



شکل شماره (۶): لوح آجری به دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی کنارصندل- جیرفت (کهن‌ترین نمونه‌های نگارش)

شواهد محکمی است در انطباق با آنچه صاحب‌نظرانی چون چاپلند و رابرت آدامز از ویژگی‌های شهر و شهرنشینی برشمرده‌اند؛ هر چند شماری از این شاخص‌های انقلاب شهرنشینی که تمیز آن را از روستانشینی برشمرده‌اند، طی یک روند تدریجی گرد هم آمده و شکل گرفته است. شباهت کامل اشیاء و آثار به دست آمده از جنس سفال، سنگ کلوریت و فلز به لحاظ نقش و فرم از ارتباط تجاری مرکز بزرگ شهری دشت جیرفت با شهرهایی چون شهر سوخته در شرق، سواحل جنوبی خلیج فارس و دریای عمان در جنوب، حوزه رود سند در پاکستان امروزی و میان رودان در غرب دارد. ♦♦



شکل شماره (۷): بقایای معماری دژ حکومتی حاصل از کاوش‌های باستان‌شناسی کنارصندل- جیرفت

اشیاء نیمه گران‌بهای سنگ کلوریت و مرمر از رفاه و ثروت و دارایی مردمان شهرنشین دشت جیرفت خبر می‌دهد که در کنار کارگاه‌های سفالگری، فلزکاری و تراش سنگ، کارگاه‌های جواهرسازی نیز فعال بوده است و افزون بر ساخت اشیاء زرین، با وارد کردن سنگ لاجورد از ناحیه بدخشان در افغانستان امروزی و با واسطه مرکز بزرگ شهرنشینی دیگری چون شهر سوخته در شرق ایران امروز، مهره‌های زینتی و اشیاء سنگ لاجورد را نیز ساخته‌اند، اما به نظر می‌رسد مهم‌ترین دستاورد انسان شهرنشین در عصر مفرغ، ابداع خط بود که همزمان با بین‌النهرین و یا خوزستان در ایران شکل گرفت؛ از قدیم‌ترین نمونه‌های آن می‌توان به سه لوح آجری به دست آمده در کاوش‌های باستان‌شناسی کنارصندل اشاره کرد (شکل شماره (۶)).

معماری فاخر و وجود بنای آیینی که از آن به نام معبد یاد می‌کنیم از دیگر شاخصه‌های شهرنشینی به شمار می‌رود که آثار و شواهد آن در دل تپه کنارصندل جنوبی با بقایای حصاری که گرداگرد یک بنای عظیم حکومتی را در بر گرفته است،

در عصر مفرغ به رشد، توسعه و تکامل رسید. شناسایی معادن سنگ‌های نیمه گران‌بهای چون سنگ کلوریت و تأمین این سنگ از شمال غرب جیرفت در کوه‌های باغ برج تا آشین و ارسال به کارگاه‌های ساخت و پرداخت سنگ تراشان در دشت جیرفت و تولید زیباترین اشیاء صنعتی و هنری را نمی‌توان ندیده گرفت؛ هنر صنعتی که آن را خاص فرهنگ حوزه هلیل رود می‌دانیم. این هنر صنعت خود نیازمند وجود شبکه بزرگی با تقسیم کار گسترده بود. گروهی به عنوان معدن کار اقدام به استخراج سنگ کلوریت از معدن نموده و با راه‌اندازی کاروانی از حمل‌ونقل کالا، آن را به کارگاه‌های تراش سنگ سپرده‌اند. صنعتگران هنرمند در کارگاه‌های مختلف و با درجه هنری متفاوت - که از روی آثار آن‌ها به خوبی می‌توان تشخیص داد- اقدام به تولید، نقش‌اندازی و در نهایت سنگ‌نشانی اشیاء نموده‌اند (شکل شماره (۴) و (۵)) به درستی نمی‌دانیم، اما شاید گروه هنرمندان متفاوت از گروه صنعتگران بوده و نقش‌اندازی و سنگ‌نشانی (مرصع کاری) توسط گروهی خاص صورت می‌گرفته است. اشیاء که از تنوع فراوانی برخوردار بوده و می‌توانسته به سفارش افراد صورت گرفته باشد، تحت تأثیر فرهنگ حاکم بر جامعه آن روز نقش‌اندازی شده و در نهایت به تجار و کاروان‌های بزرگ تجارت و بازرگانی کالا سپرده شده است تا به مناطق دوردست صادر گردد؛ به نحوی که امروزه با کاوش‌های صورت گرفته تعداد انگشت‌شماری از این کالاهای صادر شده آن روز دنیای باستان را در مناطقی از جنوب عراق تا عربستان می‌بینیم.

وجود این اشیاء محدود و انگشت‌شمار هیچ شکی باقی نمی‌گذارد که کالاهای یافت شده در این مناطق متعلق به فرهنگی خارج از مرزهای بین‌النهرین که عاری از کوه و منابع سنگ کلوریت بوده است، تعلق دارند. به دست آمدن اشیاء زرین در کنار









# جامعه

- + بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه منطقه‌ای
- + توازن نوسازی و نوگرایی در جامعه ایرانی
- + هوشمندسازی، یک راهکار مناسب برای توسعه شهر کرمان
- + کیفیت توسعه شهرنشینی در ایران
- + کاهش کمی و کیفی آب‌های زیرزمینی، مسئله اساسی استان کرمان
- + پرهیز از حذف سیستماتیک
- + سازگاری با کم‌آبی، ایده‌ها و واقعیت‌ها

# بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه منطقه‌ای

## ♦ دکتر سوده مقصودی

عضو هیئت‌علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید باهنر  
کرمان



**(۲) سطح منطقه‌ای:** صاحب‌نظرانی مانند کوهن و پروساک اعتقاد دارند که سرمایه اجتماعی می‌تواند به توسعه اقتصادی کمک نماید. برخی از مزایای مورد اشاره توسط این افراد به شرح ذیل می‌باشد: به اشتراک گذاشتن بهتر دانش، ایجاد روابط مبتنی بر اعتماد، ایجاد روح تعاون درون جامعه بین گروه‌های اجتماعی و مسئولان، کاهش نرخ جرم و بزهکاری، کاهش هزینه‌های طرح‌ها، کمک به آموزش، افزایش مشارکت، انتقال اطلاعات و دانش، کاهش مرگ‌ومیر رشد بهداشت، افزایش فعالیت‌های مرتبط با ثبات و امنیت (پیغمبری، ۱۳۹۳: ۲۸).

رابرت پاتنام را می‌توان از پیشگامانی دانست که به رابطه میان توسعه منطقه‌ای و سرمایه اجتماعی توجه کرده است. او در مطالعه خود درباره مناطق کشور ایتالیا دریافت که با سرمایه اجتماعی می‌توان اختلافات مناطق را از نظر توسعه اقتصادی توضیح داد. از نظر پاتنام سرمایه اجتماعی به معنای ویژگی‌های سازمان اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که می‌تواند کارایی جامعه را با تسهیل کنش‌های هماهنگ بهبود بخشد

سرمایه اجتماعی را می‌توان یکی از مشخصه‌های عمده برای دستیابی به توسعه منطقه‌ای تلقی کرد. سرمایه اجتماعی به‌عنوان مجموعه‌ای از روابط اجتماعی دارای بار ارزشی بسیار بالایی می‌باشد. با افزایش سطح روابط اجتماعی شهروندان، میزان آگاهی آن‌ها نسبت به روابط صحیح اجتماعی افزایش می‌یابد و این امر سبب می‌شود تا میزان مشارکت شهروندان در امور شهری و منطقه‌ای افزایش یابد و به دنبال آن پویایی و توسعه منطقه‌ای شکل گیرد.

سرمایه اجتماعی در سال‌های اخیر یکی از مهم‌ترین متغیرهای تبیین‌کننده سطح توسعه و رفاه جوامع در سطوح گوناگون و موردتوجه خاص سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان بوده است. منظور از سرمایه اجتماعی، املاک و دارایی‌های شخصی یا پول نیست. منظور آن چیزی است که باعث می‌شود این اشیاء محسوس در زندگی روزمره مردم بیشتر به حساب آیند؛ یعنی حسن نیت، دوستی، حس همدردی و مراودات اجتماعی بین گروهی از افراد یا خانواده‌ها که یک واحد اجتماعی را تشکیل می‌دهند. اگر شخصی با همسایه‌اش ارتباط برقرار کند و آن‌ها نیز با دیگر همسایگان ارتباط برقرار کنند، انباشتی از سرمایه اجتماعی به وجود خواهد آمد که نیازهای شخصی آن‌ها را برآورده نموده و حتی می‌تواند باعث بهبود چشمگیر کیفیت زندگی در کل آن اجتماع گردد؛ درحالی‌که کل اجتماع از همکاری اجزای خود نفع می‌برد و افراد نیز از مزایایی همچون مساعدت، همدردی و دوستی با همسایگان بهره‌مند خواهند شد. سرمایه اجتماعی وضعیت کیفی را توصیف می‌کند که در جامعه و روابط بین افراد و گروه‌ها حاکم است. وجود این فضا روابط بین افراد را تسهیل نموده و اعتماد بین آن‌ها را بهبود می‌بخشد (سوری، ۱۳۹۳: ۵۱). برخی از اندیشمندان سرمایه اجتماعی را در دو سطح منطقه‌ای و ملی بررسی و مطالعه کرده‌اند:

**(۱) سطح ملی:** سرمایه اجتماعی در این سطح اشاره به شبکه‌ها، تعاملات و هنجارهایی دارد که کیفیت و کمیت تعاملات اجتماعی را شکل می‌دهد. سرمایه اجتماعی فقط مجموع نهادهایی که جامعه را تشکیل می‌دهند، نیست، بلکه سبب انسجام این نهادها نیز می‌گردد.

(پیغمبری، ۱۳۹۳: ۳۵). در صورتی سرمایه اجتماعی مثبتی در بین افراد یا شهروندان یک جامعه ایجاد شود و از این طریق میزان تعلق و وابستگی اجتماعی شهروندان افزایش یابد، شرایط و زمینه‌های مشارکت اجتماعی شهروندان در توسعه محله و منطقه فراهم می‌شود. توسعه منطقه‌ای به این مفهوم است که چگونه می‌توان برای یک منطقه که ممکن است شامل چند شهر بزرگ در یک منطقه و یا چند استان و یا ایالت، برنامه‌ریزی داشت تا در سطح ملی و جهانی به برتری‌های نسبی موردنظر مسئولین و سیاستمداران آن منطقه نائل شد و در این میان از توازن در پیشرفت و رشد آن منطقه به‌صورت همگن بهره‌مند شد (نیازی و نصرآبادی، ۱۳۸۹: ۶). توسعه‌ی منطقه‌ای فرآیند یکپارچه متشکل از عناصر اجتماعی، اقتصادی، اکولوژیکی و بخشی، مبتنی بر مزیت‌های نسبی منطقه‌ای، حاصل تعاملات و روابط افقی بخش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاستی تأثیرگذار، عملیاتی پایین به بالا و فعالیتی است که توسط نهادهای محلی و منطقه‌ای



مشارکت در گروه‌ها و سازمان‌های مولد، بالا بردن انعطاف و افزایش تعاملات اجزاء نظام اقتصادی و... به بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی جامعه کمک شایانی می‌کند. ♦♦

#### منابع

- پیغمبری، محمد. (۱۳۹۳). بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه منطقه‌ای (نمونه موردی: تنکابن)، کارشناسی ارشد، رشته شهرسازی- برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دانشکده هنر و معماری، گروه شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
- فرجی راد، خدر، کاظمیان، غلامرضا، رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا. (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی سیاست‌های توسعه منطقه‌ای در ایران از دیدگاه رویکرد نهادی، فرایند مدیریت و توسعه، ۲۶ (۲): ۲۷-۵۸.
- سوری، علی. (۱۳۹۳). سرمایه اجتماعی و رشد در ایران، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲۲ (۶۹): ۴۹-۶۴.
- شعبانی، احمد، نخلی، سیدرضا، شیخانی، مصطفی. (۱۳۹۲). اثر سرمایه اجتماعی بر توسعه انسانی: مطالعه کاربردی مناطق ایران، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، ۱۸ (۲): ۱۲۷-۱۶۱.
- نیازی، محسن، کارکنان نصرآبادی. محمد. (۱۳۸۹). سرمایه اجتماعی و توسعه منطقه‌ای در منطقه ده تهران، همایش شهروندان و تعلق اجتماعی در منطقه ۱۰، تهران.

و حفاظت و امنیت و به‌طورکلی عدم مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی در بسیاری از شهرهای ایران موجب ائتلاف سرمایه‌های مادی و معنوی و تشدید مشکلات و ناهنجاری‌های شهری گردیده است. سرمایه اجتماعی را می‌توان یکی از مشخصه‌های عمده برای دستیابی به توسعه منطقه‌ای تلقی کرد. سرمایه اجتماعی به‌عنوان مجموعه‌ای از روابط اجتماعی دارای بار ارزشی بسیار بالایی می‌باشد. با افزایش سطح روابط اجتماعی شهروندان، میزان آگاهی آن‌ها نسبت به روابط صحیح اجتماعی افزایش می‌یابد و این امر سبب می‌شود تا میزان مشارکت شهروندان در امور شهری و منطقه‌ای افزایش یابد و به دنبال آن پویایی و توسعه منطقه‌ای شکل گیرد. (نیازی و نصرآبادی، ۱۳۸۹: ۷). به‌طورکلی می‌توان از مفهوم سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک متغیر مهم برای تبیین تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی میان سطوح فضایی (کشور، منطقه، شهر یا مناطق شهری) مختلف استفاده کرد. سرمایه اجتماعی با تقویت دو عنصر اصلی اعتماد و مشارکت گروهی و در نتیجه با تسهیل اطمینان در تعاملات پیچیده و کاهش نیاز به ضمانت‌های اجرایی، به وجود آوردن امکان مبادله آسان اطلاعات، افزایش مهارت‌های اجتماعی اعضا، بالا بردن درجه

اعم از دولت‌های محلی، نهادهای منطقه‌ای و نهادهای مردمی و خصوصی راهبری، هدایت و قوام می‌یابد (فرجی راد و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۷). توسعه منطقه‌ای از دو جنبه حائز اهمیت است. نخست، اهمیت اقتصادی مناطق (در سطحی پایین‌تر از مقیاس ملی) که شامل برقراری روابط اقتصادی و به جریان انداختن فرایندهای توسعه را در منطقه است و دیگر، حفظ و ارتقای فرهنگ ملی و بومی کشور در برابر تعرض فرایندهای جهانی شده اقتصادی و اجتماعی از طریق احیای فرهنگ‌های بومی مناطق مختلف. تنوع قومی و فرهنگی در مناطق مختلف، بویژه در مناطق هم‌جوار مرزهای سیاسی کشور، موجب ارج و منزلت فراوان مسائل توسعه منطقه‌ای با هدف حفظ سنت‌های پویا و غنی فرهنگی شده است. ارکان اصلی توسعه منطقه‌ای عبارتند از: وجود منابع طبیعی و پایه‌ای بودن فعالیت‌های مرتبط با آن منابع. نکته قابل‌ذکر آن است که رشد منطقه‌ای باید درجایی افزایش یابد که به منطقه و کشور کمک کند و درجایی متوقف شود که برای انسان و طبیعت ضرر داشته باشد. (پیغمبری، ۱۳۹۳: ۱۵).

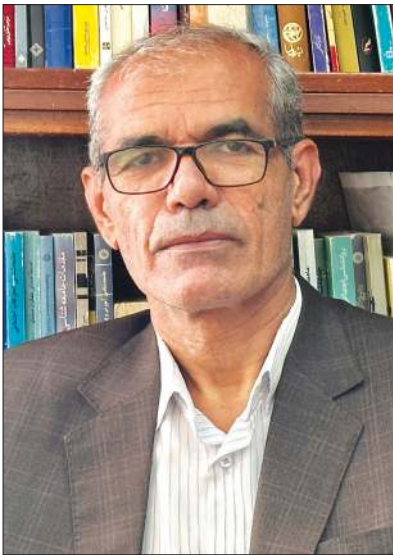
ازهم‌گسیختگی روابط اجتماعی در شهر، شهرنشینی، کاهش همکاری و تعاون، ضعف در حمایت‌های اجتماعی جامعه، رکود و ضعف در امنیت اجتماعی و رسیدگی به امور انتظامی



# توازن نوسازی و نوگرایی در جامعه ایرانی

## ♦ دکتر اصغر میرفردی

عضو هیئت‌علمی بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی  
دانشگاه شیراز



امر اقتباسی و وارداتی از غرب، اگرچه با تأخیر از زمان پدیدار شدن در غرب مورد توجه قرار گرفت، در مقایسه با خود غرب، گسترش آن سرعت بیشتری داشت.

درون‌زا و آرام بودن فرایند نوگرایی و نوسازی در غرب، گونه‌ای آرامش، تجانس و هماهنگی در گذار از سنت به نوگرایی را در پی داشت، اما در جوامع غیرغربی که این دو پدیده برون‌زا و اقتباسی با سرعت بالا بود، گونه‌ای از شوک و تکان‌های فرهنگی و اجتماعی در پی ورود آن‌ها شکل گرفت و همچنان این تکان‌ها با ورود عناصر جدید نوسازی در این دسته از جوامع پدیدار می‌شود.

جوامعی می‌توانند از مزایای واقعی نوسازی و نوگرایی به‌خوبی بهره بگیرند که گونه‌ای از همگامی و همراهی در این دو پدیده هم‌خانواده را تجربه کنند. جوامع غربی به دلیل همان دو ویژگی درون‌ساز بودن و آرام بودن فرایند نوسازی و نوگرایی تجربه شده‌اشان، از چنین موهبتی بهره‌مند بوده و همچنان از این فرصت برای بهزیستی و شکوفایی‌شان بهره می‌گیرند. جوامعی که به سبک اقتباسی این دو پدیده را تجربه

نوسازی و نوگرایی دو انگاشت (مفهوم) از یک رویکرد هستند. نوگرایی از نظر تاریخی، پیشینه بیشتری نسبت به نوسازی دارد. نوگرایی از پوست‌اندازی اندیشه در جامعه سنتی برخاسته است و در پی این دگرذیسی اندیشه‌ها و پنداشت‌ها درباره انسان، جهان هستی، سرنوشت انسانی و بایسته‌ها و نابایسته‌های جامعه انسانی (نوگرایی)، دگرگونی‌هایی در ماهیت و چگونگی ساختارهای اقتصادی و اجتماعی زندگی انسانی (نوسازی) نیز پدیدار شد.

اگر نوگرایی را گونه‌ای دگرگونی در هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی زندگی انسان‌ها بدانیم، نوسازی گونه‌ای از دگرگونی در ابزارها و روش‌های عینی و پدیداری زندگی آن‌ها است. نوگرایی برخاسته از جامعه غرب بود و پس از انقلاب صنعتی که خاستگاه آن نیز غرب بود و هم‌راستا با آن، شکل و محتوای زندگی فردی و اجتماعی مردم جوامع درگیر با این پدیده‌ها دگرگون شد. پس از جوامع غربی، سرزمین‌ها و جوامع دیگر، یکی پس از دیگری، در پیوند با این دو پدیده قرار گرفتند و دگرذیسی‌هایی را پذیرا شدند. ناگفته پیداست که چگونگی پدیدارسازی و اثرگذاری فرایند نوگرایی و نوسازی در جوامع غربی با جوامع غیرغربی همچون جامعه ما، تفاوت‌های بنیادین دارد؛ دو تفاوت آشکار این است که نوگرایی و نوسازی در غرب درون‌زا بود ولی در جوامع غیرغربی همچون ایران، برون‌زا و اقتباسی از غرب بود. دوم این که هم‌راستا با درون‌زا بودن، نوگرایی و نوسازی در غرب به‌صورت آرام و با آهنگی کند رخ دادند، به‌گونه‌ای که فراگیر شدن فرایند نوگرایی در غرب سده‌ها زمان برد، ولی در جوامع غیرغربی همچون ایران، نوگرایی و نوسازی، به‌سان یک

می‌کنند، افزون بر تجربه تکان‌های گوناگون ناشی از سرعت واردات، گونه‌ای از ناهماهنگی و بی‌توانی را در نوسازی و نوگرایی تجربه می‌کنند. این وضعیت، شرایطی را پدید می‌آورد که به تعبیر آگبرن و نیم‌کوف، دچار تأخر یا پس‌ماندگی فرهنگی می‌شوند؛ وضعیتی که در آن عناصر فرهنگ مادی و فرهنگ غیرمادی به یک اندازه و به‌گونه هماهنگ در جامعه جذب و نهادینه نمی‌شوند. بخش مادی فرهنگ را در این‌گزاره تحلیلی می‌توان به نوسازی و بخش غیرمادی آن که با پنداشت، ایستار، آگاهی و عقلانیت افراد پیوند دارد را می‌توان به نوگرایی نسبت داد. در چنین شرایطی، عناصر فرهنگ مادی با سرعت زیاد و در دامنه گسترده‌ای اقتباس و به‌کار گرفته می‌شوند، اما بایسته‌های فرهنگ غیرمادی که برای به‌کارگیری سازنده عناصر مادی ضرورت دارند، هم‌راستا با بخش مادی فرهنگ در جامعه نهادینه نمی‌شوند. برای نمونه می‌توان به ورود خودرو و صنعت خودروسازی به کشور و استفاده از آن-

تأسیس سازمان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، به‌عنوان نمودی از نوسازی، نیازمند ایستارها و باورهای عقلانی نهادینه‌شده هم‌راستا با فعالیت این سازمان‌ها و بنگاه‌ها، به‌عنوان نمودی از نوگرایی است. ارزیابی شیوه عملکردی افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها در جوامع جهان‌سومی همچون جامعه ایران، نشان می‌دهد که فاصله زیادی بین نوسازی سازمانی و سطح مورد انتظار از نوگرایی در اندیشه‌ها و باورهای کنشگران حقوقی و حقیقی آن‌ها وجود دارد.

برآمده از جریان نواندیشی را در رویارویی با منافع خود می‌دانند از مهم‌ترین موانع نوگرایی‌ها و نوگرایی در جامعه شکل می‌گیرد. استفاده از فناوری‌های نوین گسترش می‌یابد، اما اندیشه‌های نوگرایانه جایگاهی نمی‌یابد. این ناتوانی تا جایی گسترش می‌یابد که از دستاوردهای نوسازی-همچون تجهیزات فنی، جنگی، فعالیت‌ها و دستاوردهای اقتصادی و تولیدات فرهنگی همچون نشریات، کتاب، رسانه‌های جمعی و ارتباطی کلاسیک و نوین- برای رویارویی با نوگرایی بهره گرفته می‌شود.

چنین وضعیت نامتوازنی فرایند توسعه بویژه توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه ایرانی را مختل ساخته و جامعه را از دستیابی به توسعه جامع و پایدار بازمی‌دارد. با توجه به این‌که در کشورهای جهان سوم چون ایران، تمرکزگرایی و مدیریت از بالا، ویژگی غالب مدیریتی و سیاست‌گذاری است، ضرورت دارد دیدگاه‌ها و اولویت‌های سیاست‌گذاری برای هم‌نوآوری برنامه‌ها و فرایندهای نوسازی و نوگرایی به شیوه علمی و کارشناسانه بازاندیشی شود. در آن صورت با برنامه‌ریزی نهادین می‌توان انتظار داشت چنین ناهم‌راستایی بین نوسازی و نوگرایی در جامعه ایرانی کاهش یابد. ♦♦

بین مردم با یکدیگر بود. قانون آمده بود تا حاکمان بجای اینکه منبع مشروعیت خود را در عالم ناسوتی و آسمان‌ها بیابند، از خواست و اندیشه مردم آن را پی‌جویی کنند. ۳- ضعف آموزش برای ترویج نوگرایی و حتی نهادینه‌سازی شیوه بهره‌گیری از دستاوردهای جدید- نوسازی- یکی از موانع هم‌راستایی و توازن بین نوگرایی و نوسازی بود. هنوز جامعه ایرانی از این کاستی و ضعف در رنج است و آسیب می‌بیند.

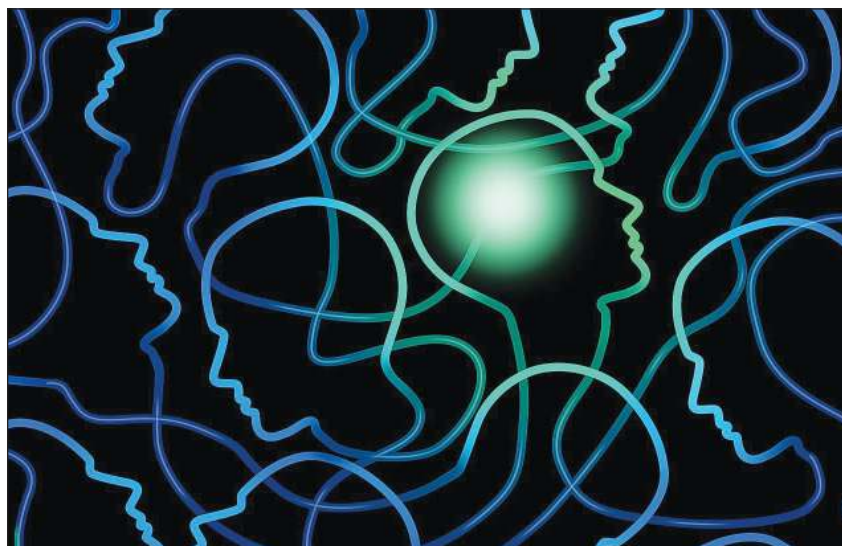
۴- وجود معارض‌هایی برای نوگرایی و حتی در برهه‌هایی برای سازمان‌ها و نهادهایی همچون آموزش نوین به‌سان بخشی از نوسازی از دلایل ضعف نوسازی و نوگرایی و همچنین ناهم‌راستایی این دو با یکدیگر در جامعه ایرانی است. ربط دادن هر اندیشه نوگرایانه‌ای به بیگانگان و اجنبی و یا نوکر و جیره‌خوار دانستن نوگرایان از جمله واکنش‌ها و انگ‌هایی است که مخالفان نوگرایی برای رویارویی با آن به کار می‌بستند و تا روزگار کنونی نیز همچنان چنین واکنش‌ها و انگ‌هایی به کار بسته می‌شود. چنین رویه‌ای در دوره پس از انقلاب، به‌شدت رایج بود و همچنان نیز باورمندان چنین برداشتی به نوگرایی و نوگرایان در جامعه وجود دارند.

۵- کسانی که اندیشه‌های نو و آگاهی‌های

به‌سان یک عنصر مادی فرهنگ- بدون توجه به الزامات فرهنگ و قواعد راهنمایی و رانندگی- به‌سان عنصر غیرمادی فرهنگ- اشاره نمود. تأسیس سازمان‌ها و نگاه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، به‌عنوان نمودی از نوسازی، نیازمند ایستارها و باورهای عقلانی نهادینه‌شده هم‌راستا با فعالیت این سازمان‌ها و نگاه‌ها، به‌عنوان نمودی از نوگرایی است. ارزیابی شیوه عملکردی افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها در جوامع جهان‌سومی همچون جامعه ایران، نشان می‌دهد که فاصله زیادی بین نوسازی سازمانی و سطح مورد انتظار از نوگرایی در اندیشه‌ها و باورهای کنشگران حقوقی و حقیقی آن‌ها وجود دارد. بنا به دلایل پیش‌گفته و همچنین عوامل دیگری که در پی می‌آید، توازن مورد انتظار بین نوسازی و نوگرایی در جامعه ایران شکل نگرفته است:

۱- عناصر نوسازی و نوگرایی از آغاز به شکل نامتوازنی توسط جامعه ایرانی اقتباس می‌شد، زیرا عاملیت آغازین در اقتباس دانش و معرفت نوین، حکومت‌های مرکزی بودند که بنا به سطح آگاهی‌شان از نوگرایی و همچنین بنا به مصالح‌شان نسبت به اقتباس عناصر نو اقدام می‌کردند. به دلیل سطح سواد پایین و همچنین فقر عمومی، امکان ارتباط اشخاص حقیقی با نگاه‌ها و جوامع توسعه‌یافته‌تر وجود نداشت.

۲- در پیوند با دلیل نخست، حاکمان مرکزی گونه‌ها و عناصر نوین نوسازی را جذب می‌کردند، درحالی‌که اندیشه‌های نوگرایانه کمتر مورد توجه بود؛ برای نمونه در دوره قاجار، استفاده از ابزارها و فناوری‌ها با شوق و ذوق ویژه‌ای انجام می‌شد، ولی مبانی اندیشه‌ای که اقتدار و جایگاه والای «قبلگان عالم» یا همان شاهان زمانه را زیر سؤال ببرد، مورد اقبال واقع نمی‌شد. به همین دلیل، بسیاری از اندیشه‌وران آن زمان، خلأ اصلی جامعه ایرانی در آن روزگار را نبود یک کلمه یعنی «قانون» می‌دانستند. قانون دستاورد اندیشه نوگرایانه برای ایجاد ترتیبات حکمیت بین حاکمان و مردم و همچنین





# هوشمندسازی؛ یک راهکار مناسب برای توسعه کرمان



♦ دکتر محسن صانعی

عضو هیئت‌علمی گروه مهندسی برق دانشگاه شهید باهنر کرمان

## مقدمه

هزاره سوم میلادی را می‌توان هزاره شهرنشینی نامید. در این هزاره رشد سریع فرآیند شهرنشینی در تمامی نقاط دنیا در حال اتفاق افتادن است؛ به طوری که در سال ۲۰۴۰ بیش از ۶۵ درصد از جمعیت جهان در شهرها زندگی خواهند کرد. در سال‌های اخیر، هر هفته ۱,۳ میلیون نفر در سراسر دنیا به شهرها مهاجرت کرد که این روند در ایران شدیدتر می‌باشد؛ به طوری که در ایران در سال ۱۳۹۰ بیش از ۶۵ درصد جمعیت در شهرها به سر می‌بردند و پیش‌بینی می‌شود این رقم به بیش از ۸۵ درصد برسد. این موج شهرنشینی موجب ازدحام جمعیت در محدوده‌های کوچک شده و باعث شده است که حدود ۷۰ درصد از CO<sub>2</sub> موجود در درون شهرها تولید شود. از طرفی شهرها، مصرف‌کننده نزدیک به ۸۰ درصد انرژی دنیا هستند. نکته دیگری که در مورد شهرها می‌توان گفت، این است که شهرها در نقاط مختلف دنیا به قطب‌هایی برای اقتصاد جهانی تبدیل شده‌اند. پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۲۵ حدود ۶۰۰ شهر از بزرگ‌ترین شهرهای جهان ۶۰ درصد از تولید ناخالص جهانی را داشته باشند. علاوه بر این شهرها نقشی حیاتی در حرکت به سمت اقتصاد دانش‌بنیان ایفا می‌کنند. عمده مصرف انرژی دنیا نیز به شهرها تعلق دارد که سهم روشنایی شهرها به‌تثانی ۱۹ درصد برق دنیا می‌باشد. از نظر اجتماعی نیز اشتغال، بزهکاری و فقر از مهم‌ترین چالش‌های شهرهای بزرگ خواهد بود. با وجود این مسائل و مشکلات، سؤال مهم این است که برای غلبه بر این

مشکلات و توسعه پایدار شهرها چه باید کرد؟ یکی از راه‌حل‌های محوری، حرکت به سمت شهر هوشمند است.

اما شهر هوشمند چیست و چه الزامات و چالش‌هایی دارد؟ برای شهر هوشمند ده‌ها تعریف می‌توان پیدا کرد، اما همه این تعاریف بر بهبود کیفیت زندگی شهروندان با به‌کارگیری فناوری اطلاعات تأکید دارد. یک تعریف رایج برای شهر هوشمند عبارت است از: «شهر هوشمند عرصه‌ای توسعه‌یافته برای شهرنشینی است که توسعه پایدار و کیفیت زندگی بالا را با ایجاد بهترین شرایط در ابعاد اقتصادی، شهروندی، حاکمیتی، جابه‌جایی، محیطی و زندگی فراهم می‌آورد. سرمایه‌های انسانی میسر می‌شود.» از منظر اتحادیه جهانی مخابرات

**تحلیل اطلاعات منتشر شده در مورد اولویت‌های شهرهای دبی، استکهلم، نانجینگ (چین)، والنسیا، بارسلونا، وین و آمستردام (به‌عنوان تعدادی از شهرهای هوشمند) در مسیر هوشمندسازی نشان می‌دهد که به‌طور متوسط در این هفت شهر به حمل‌ونقل بیشترین توجه شده است و مدیریت شهری و ارتباطات در اولویت بعدی قرار دارد. یکی از دلایل توجه بیشتر به حمل‌ونقل، تأثیر آن بر کیفیت زندگی به‌عنوان مهم‌ترین هدف هوشمندسازی شهرها است؛ به‌عنوان مثال، بهبود حمل‌ونقل می‌تواند بر سلامت شهروندان، صرفه‌جویی در وقت شهروندان، اقتصاد شهر، سهولت آموزش، ارتقای گردشگری و مصرف انرژی تأثیر قابل‌توجهی داشته باشد.**

و کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد، یک شهر هوشمند، شهری نوآور است که از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و سایر ابزارهای مرتبط برای ارتقای کیفیت زندگی، بهره‌وری عملیات و خدمات شهری و رقابت‌پذیری استفاده می‌کند و در عین حال سعی دارد تا نیازهای نسل فعلی و آتی را در جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و فرهنگی برطرف سازد. آقای سانتانا و همکاران در مقاله‌ای که در سال ۲۰۱۶ منتشر کرده‌اند بر این تعریف از شهر هوشمند توافق دارند که یک شهر باید یک محیط یکپارچه برای تسهیل قابلیت همکاری بین زیرسیستم‌های خود را داشته باشد. بر این اساس، به نظر آن‌ها: «یک شهر هوشمند، شهری است که در آن ابعاد اجتماعی، تجاری و تکنولوژیکی آن از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات برای بهبود تجربه شهروندان در داخل شهر پشتیبانی می‌شود. برای رسیدن به این هدف، شهر خدمات عمومی و خصوصی را در یک مسیر جامع، مقرون‌به‌صرفه و پایدار ارائه می‌دهد.»

## مؤلفه‌های شهر هوشمند

محققان بسیاری با هدف روشن ساختن آنچه یک شهر هوشمند را به وجود می‌آورد، این مفهوم را به مؤلفه‌های متعددی تقسیم کرده‌اند. در این میان دیرکس و کیلینگ بر اهمیت یکپارچگی اجزای مختلف یک شهر هوشمند تأکید می‌کنند. محققانی که از این یکپارچگی شهر هوشمند حمایت می‌کنند، اغلب بر این باورند که در یک محیط متراکم مانند شهرها، هیچ سیستمی نمی‌تواند در انزوا عمل کند. گیفینگر و همکاران در مرکز علوم منطقه‌ای دانشگاه تکنولوژی وین شش مؤلفه اصلی را برای شهر هوشمند ذکر کرده‌اند که توسط بسیاری از محققین در این حوزه مورد تأکید قرار گرفته‌اند و اتحادیه اروپا شهر هوشمند را بر این اساس رتبه‌بندی کرده است. این شش مؤلفه عبارتند از:

• **حاکمیت هوشمند:** شامل یکپارچه‌سازی

خدمات و تعاملات بین حاکمیت، مردم، شهرداری و سازمان‌های مرتبط، به‌منظور عملکردی یکپارچه، اثربخش و کارا؛ شفافیت و داده باز جهت تصمیم‌گیری مشارکتی؛ بازمهندسی مقررات و فرایندها و دولت الکترونیک،

• **اقتصاد هوشمند:** برقراری سطح قابل قبولی از تجارت الکترونیک و کسب‌وکار الکترونیک به‌منظور افزایش بهره‌وری؛ ایجاد بستری برای کارآفرینی و نوآوری، ایجاد محصولات نوآورانه و مدل‌های کسب‌وکار و خدمات نوین و مبتنی بر ICT و پیوند جهانی و محلی،

• **جابه‌جایی هوشمند:** برقراری زیرساخت ICT یکپارچه به‌منظور ارائه خدمات حمل‌ونقل و لجستیک به نهادها و مردم؛ سیستم حمل‌ونقل امن، پاک (غیر موتوری)، پایدار، یکپارچه و متنوع؛ کاهش هزینه و زمان سفر؛ کاهش آلودگی هوا؛

دسترسی به حمل‌ونقل چندگانه؛ کاهش تقاضای سفر،

• **محیط هوشمند:** شامل شبکه انرژی هوشمند و تجدیدپذیر، پایش و کنترل آلودگی، نوسازی ساختمان‌ها و امکانات، شهرسازی سبز، بهینه‌سازی مصرف انرژی و افزایش کیفیت منابع،

• **مردم هوشمند:** مردمی که مهارت‌های فناوری را دارند، در فضای فناورانه زندگی می‌کنند، به فضای تحصیل و یادگیری مجازی دسترسی دارند و توانمندی‌های آن‌ها در راستای ابتکار و خلاقیت بیشتر مدیریت می‌شود، تأکید بر منابع انسانی و مدیریت ظرفیت، پردازش و تحلیل داده توسط خود مردم با هدف تصمیم‌گیری و تولید محصول و خدمات،

• **زندگی هوشمند:** معیشتی با سبک فناورانه؛ رفتارها و مصارف مبتنی بر فضای فناورانه، سبک زندگی سالم، امن و با طراوت،





امکانات فرهنگی متنوع در شهر، اسکان با کیفیت، همبستگی و سرمایه اجتماعی، ایمنی و تاب‌آوری شهری، شکوفایی فرهنگی و خوشبختی.

البته در عمل کمتر شهری را می‌توان یافت که به همه مؤلفه‌های شهر هوشمند به یک میزان توجه کرده باشد و هر شهری در حرکت به سمت هوشمندسازی، با توجه به شرایط خود برخی از مؤلفه‌ها را در اولویت قرار داده است. تحلیل اطلاعات منتشر شده در مورد اولویت‌های شهرهای دبی، استکهلم، نانجینگ (چین)، والنسیا، بارسلونا، وین و آمستردام (به‌عنوان تعدادی از شهرهای هوشمند) در مسیر هوشمندسازی نشان می‌دهد که به‌طور متوسط در این هفت شهر به حمل‌ونقل بیشترین توجه شده است و مدیریت شهری و ارتباطات در اولویت بعدی قرار دارد. یکی از دلایل توجه بیشتر به حمل‌ونقل، تأثیر آن بر کیفیت زندگی به‌عنوان مهم‌ترین هدف هوشمندسازی شهرها است؛ به‌عنوان مثال، بهبود حمل‌ونقل می‌تواند بر سلامت شهروندان، صرفه‌جویی

در وقت شهروندان، اقتصاد شهر، سهولت آموزش، ارتقای گردشگری و مصرف انرژی تأثیر قابل‌توجهی داشته باشد. در بحث حمل‌ونقل هوشمند، استفاده از انواع شیوه‌های حمل‌ونقل مانند حمل‌ونقل عمومی (اتوبوس، مترو و ...) و حمل‌ونقل غیر موتوری و پاک (مانند پیاده‌روی و دوچرخه) به‌جای استفاده از خودروهای شخصی اهمیت دارد. تحلیل اطلاعات منتشر شده در پنج شهر آمستردام (هلند)، کامپالا (اوگاندا)، منهن (آمریکا)، بوکاتا (کلمبیا) و کیتو (اکوادور) نشان می‌دهد که میانگین استفاده از خودروی شخصی، وسایل نقلیه عمومی و پیاده‌روی و دوچرخه به ترتیب ۲۰، ۴۶ و ۳۴ درصد می‌باشد، اما این آمار در مورد تهران به ترتیب ۷۵، ۲۰ و ۵ درصد می‌باشد که نشان‌دهنده تفاوت شدید تهران با سایر شهرها است. سایر شهرهای ایران هم شرایط بهتری نسبت به تهران ندارند و به‌طور خاص در شهر کرمان، حمل‌ونقل عمومی بسیار ضعیف‌تر از تهران می‌باشد و بستر پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری هم خیلی

ضعیف است. به همین دلایل سهم استفاده از خودروی شخصی نسبت به تهران بیشتر می‌باشد.

### شهر هوشمند و شهر الکترونیک

هر چند که مهم‌ترین مشخصه یک شهر هوشمند استفاده از فناوری اطلاعات برای بهبود کیفیت زندگی شهروندان است، اما الزاماً هر شهری را که از فناوری اطلاعات استفاده می‌کند نمی‌توان شهر هوشمند نامید. به‌عنوان مثال هم‌اکنون ما در سطح کشور با پدیده عجیبی به نام تعدد کارت‌های الکترونیک روبه‌رو هستیم. کارت سوخت، کارت ملی، کارت پایان خدمت، کارت‌های شتاب بانکی، کارت بلیت مترو و غیره از جمله کارت‌هایی هستند که به مردم تحمیل می‌شوند و مردم مجبورند بابت این کارت‌ها هزینه پرداخت کنند و در حفظ و نگهداری آن‌ها کوشا باشند. اگر فردی کیف پول خود را گم نماید مجبور است مدت‌ها به سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف جهت صدور کارت المثنی مراجعه نماید. این نمونه‌ای از شهر تقریباً الکترونیک می‌باشد که اصلاً هوشمند نیست. شهر الکترونیک عبارت است از شهری که کلیه امور شهروندان شامل خدمات و سرویس‌های دولتی و سازمان‌های بخش خصوصی با بهره‌گیری از ابزار ICT به‌صورت برخط با کیفیت و ضریب ایمنی بالا انجام می‌شود، اما اگر این شهر بخواهد هوشمند باشد باید اجزای مختلف آن با هم هماهنگ شوند. برای شناخت بهتر شهر هوشمند، بهتر است ابتدا ویژگی‌های یک شهر غیرهوشمند را بشناسیم. وجود ویژگی‌های زیر نشانه‌هایی از غیرهوشمند بودن یک شهر می‌باشد:

- \* شهری که در آن از همه‌چیز زیاد استفاده شود؛ خودروهای شخصی، غذا، آب، انرژی...
- \* شهری که در سیستم‌ها و شبکه‌های موجود در آن پویایی وجود ندارند،
- \* شهری که شبکه‌های مختلفی که در درون آن وجود دارند با هم در ارتباط نیستند و تعامل ندارند،





ساختمان‌های پزشکان کرمان در یک محدوده خاص قرار دارند که مشکلات ترافیکی زیادی ایجاد کرده است. **کمبود آب:** خشک‌سالی‌های متوالی و طبیعت خشک کرمان باعث شده است شاهد فقر شدید فضای سبز در این شهر باشیم.

**زیرساخت اینترنت:** متأسفانه استان کرمان و به‌تبع آن شهر کرمان از نظر زیرساخت اینترنت به‌شدت ضعیف است. شهر کرمان فاقد زیرساخت فیبر نوری کافی است و پروژه اجرای فیبر نوری شهری به‌کندی پیش می‌رود. اینترنت بسیار هم در این شهر ضعیف می‌باشد.

**پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری:** شهر کرمان از نظر زیرساخت لازم برای پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری بسیار فقیر است. در سال‌های اخیر تلاش‌هایی برای رونق دوچرخه‌سواری در این شهر انجام شده است، اما به دلایلی تقریباً همه آن‌ها با شکست مواجه شده است. همچنین برای ایجاد مسیرهای امن برای پیاده‌روی هم تلاش جدی صورت نمی‌گیرد و بیشتر در حد رفع تکلیف است.

موارد فوق فقط برخی از مشکلات کرمان است که باعث می‌شود کرمان تا رسیدن به یک شهر هوشمند فاصله زیادی داشته باشد، اما در کنار مشکلات ذکر شده در بخش قبل، لازم است اشاراتی به مزیت‌های شهر کرمان نیز داشته باشیم. شهر کرمان مرکز استانی است که دارای امکانات فراوانی است. معادن ارزشمند متعدد و متنوع، باغات و مزارع متنوع، صنایع بزرگی همانند صنایع فولاد، مراکز متعدد باستانی و گردشگری و از همه مهم‌تر دانشگاه‌های متعدد و تعداد زیاد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در استان از جمله مهم‌ترین مزیت‌های شهر کرمان است که در مسیر هوشمندسازی شهر می‌تواند مفید باشد. لذا در تدوین راه هوشمندسازی شهر باید تلاش کرد از این امکانات، حداکثر بهره را برد.

سفر با اتوبوس بسیار وقت‌گیر باشد؛ به‌طوری‌که درصد کمی از شهروندان از آن استفاده می‌کنند. در زمینه تاکسی‌رانی هم مشکلات کمتر از اتوبوس‌رانی نیست، ضمن آن‌که نظارت بر تاکسی‌ها ضعیف‌تر می‌باشد.

**پارک حاشیه‌ای:** بسیاری از معابر کرمان دارای عرض کمی هستند و سال‌هاست که به دلیل هزینه بالا، پروژه تعریض معابر متوقف شده است. از طرفی در همه خیابان‌ها شاهد پارک دو لاین خودرو در دوطرف خیابان هستیم. اغلب کسبه از ابتدای روز خودروی خود را مقابل مغازه خود پارک می‌کنند و در تمام طول روز بخشی از فضای خیابان را اشغال می‌کنند. این موضوع ظرفیت عبور و مرور خیابان‌ها را به‌شدت کاهش می‌دهد.

**پارکینگ عمومی:** شهر کرمان فاقد تعداد کافی پارکینگ عمومی با استاندارد مناسب است. عموماً پارکینگ‌های عمومی کرمان، زمین‌های متروکه و خاکی هستند که با حداقل امکانات خدمات می‌دهند. این موضوع انگیزه شهروندان به استفاده از آن‌ها را کاهش می‌دهد.

**تمرکز خدمات پزشکی:** متأسفانه عمده

\* شهری که تمامی ذینفعان در پروسه برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری حضور و دخالت ندارند،

\* شهری که عناصر موجود در آن مانند شهروندان، سازمان‌ها و شرکت‌ها که دارای اطلاعات ارزشمندی هستند، اطلاعات خود را به اشتراک نمی‌گذارند و آن را برای خود نگه می‌دارند.

### ویژگی‌های شهر کرمان

شهر کرمان با وسعت نزدیک به ۲۵۰ کیلومترمربع و جمعیت نزدیک به ۶۰۰ هزار نفر، یکی از بزرگ‌ترین شهرهای جنوب شرق کشور می‌باشد که تراکم جمعیتی آن نسبتاً کم (تقریباً ۲۴ نفر در هکتار) می‌باشد با این حال از برخی از مشکلاتی که در شهرهای با تراکم بالاتر شاهد هستیم، رنج می‌برد؛ به‌عنوان مثال در برخی از معابر در ساعاتی از شبانه‌روز شاهد ترافیک آزاردهنده هستیم که می‌توان از توزیع نامناسب امکانات در سطح شهر؛ مناسب نبودن معابر، نبودن حمل‌ونقل عمومی مناسب و پارک حاشیه‌ای خودروها به‌عنوان دلایل اصلی این موضوع نام برد. **در ادامه با جزئیات بیشتر به برخی از مشکلات شهر کرمان می‌پردازیم:**

### شبکه اتوبوس‌رانی و تاکسی‌رانی: در کرمان

حدود ۷۰ خط اتوبوس‌رانی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها مسیر مشتاق- آزادی با طول تقریبی ۳۷۰۰ متر است که حدود ۵۰ درصد از مسافری را به خود اختصاص می‌دهد. مشکل اصلی این خطوط، عدم وجود ارتباط معنی‌دار بین آن‌ها است. به‌بیان‌دیگر، شهر کرمان فاقد یک شبکه اتوبوس‌رانی به‌هم‌پیوسته است. از طرفی این خطوط همه مناطق شهر را پوشش نمی‌دهد و در بسیاری از مناطق شهر، فاصله زمانی بین دو اتوبوس خیلی زیاد و غیرقابل‌پیش‌بینی می‌باشد. فرسودگی شدید اتوبوس‌ها و کمبود شدید مسیر ویژه اتوبوس‌رانی از مشکلات دیگر اتوبوس‌رانی کرمان می‌باشد که باعث شده است

الزاماً هر شهری را که از فناوری اطلاعات استفاده می‌کند نمی‌توان شهر هوشمند نامید. به‌عنوان مثال هم‌اکنون ما در سطح کشور با پدیده عجیبی به نام تعدد کارت‌های الکترونیک روبه‌رو هستیم. کارت سوخت، کارت ملی، کارت پایان خدمت، کارت‌های شتاب بانکی، کارت بلیت مترو و غیره از جمله کارت‌هایی هستند که به مردم تحمیل می‌شوند و مردم مجبورند بابت این کارت‌ها هزینه پرداخت کنند و در حفظ و نگهداری آن‌ها کوشا باشند. اگر فردی کیف پول خود را گم نماید مجبور است مدت‌ها به سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف جهت صدور کارت الکترونیکی مراجعه نماید.

## پیشنهادهایی برای حرکت به سمت کرمان هوشمند

شاید اولین و مهم‌ترین گام برای هوشمندسازی شهر کرمان (مانند هر شهر دیگری)، تشکیل شورای راهبردی کرمان هوشمند و دبیرخانه این شورا در محل شهرداری با حضور متخصصان و کارشناسان خبره از بخش‌های مختلف است. این شورا باید با کمک مشاوران خبره، ضمن تدوین سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های مناسب، اولویت‌های اصلی شهر را مشخص نموده و مقدمات تدوین نقشه راه هوشمندسازی شهر را فراهم کند. نکته مهمی که در تدوین و اجرای نقشه راه باید مورد توجه قرار گیرد، این است که هوشمندسازی یک مسیر است نه یک مقصد. پروژه‌های در نظر گرفته شده در نقشه راه باید توسط مشاوران و متخصصان پیشنهاد و در شورای راهبردی کرمان هوشمند تصویب شود، اما به نظر این حقیر پروژه‌های زیر می‌تواند کاندیداهای مناسبی برای این منظور باشد.

**۱) اتوبوس‌رانی:** در کرمان روزانه حدود ۳۵ الی ۴۰ هزار سفر توسط حداکثر ۲۰ هزار نفر از شهروندان (کمتر از ۳ درصد از شهروندان) با اتوبوس انجام می‌شود؛ دلیل اصلی این عدم استقبال، وضعیت به‌شدت نابسامان اتوبوس‌رانی کرمان است. لذا پروژه باطراحی شبکه اتوبوس‌رانی لازم است. بازنگری در مسیرهای اتوبوس‌رانی و جایابی تعدادی پایانه که خطوط اتوبوس‌رانی را به هم متصل کند، بسیار ضروری است. استفاده از اپلیکیشن‌هایی که به مسافران زمان دقیق ورود اتوبوس به هر ایستگاه را اعلام کند، هماهنگی بین خطوط تاکسی‌رانی با خطوط اتوبوس‌رانی، توسعه مسیرهای ویژه اتوبوس، نظارت الکترونیکی متمرکز بر اتوبوس‌ها، ارتقای کیفیت اتوبوس‌ها از جمله موارد پیشنهادی در این پروژه می‌باشد.

**۲) پارک حاشیه‌ای خودرو:** برآوردها نشان می‌دهد که در برخی شهرها تا ۳۰ درصد از ترافیک، ناشی از افرادی هستند که در جستجوی مکان پارک هستند. در شهر کرمان در محدوده ساختمان‌های پزشکان این مطلب به‌خوبی احساس می‌شود. استفاده از

پارکومترهای مناسب برای کنترل الکترونیکی پارک حاشیه خیابان‌ها، رایگان نمودن پارک حاشیه‌ای برای مدت کوتاه و افزایش تصاعدی هزینه پارک طولانی‌مدت (به‌طوری‌که پارک طولانی‌مدت توجیه نداشته باشد)، توسعه تعداد و کیفیت پارکینگ‌های عمومی، استفاده از اپلیکیشن‌هایی که مکان خالی برای پارک خودرو را به کاربران نشان دهد مواردی است که برای پروژه پارک حاشیه‌ای پیشنهاد می‌شود.

**۳) هوشمندسازی تقاطع‌ها:** استفاده از روش‌های هوشمند برای تشخیص ترافیک ورودی‌های هر تقاطع، زمان‌بندی هوشمند چراغ‌ها متناسب با ترافیک، ایجاد مسیر سبز برای خودروهای امدادی، اولویت‌دهی به اتوبوس و تاکسی (سرویس حمل‌ونقل عمومی)، پیام هشدار، تذکر یا اعمال قانون نسبت به خودروهای متخلف متناسب با سیاست‌های مصوب و قوانین جاری، توجه به عابرین پیاده، قابلیت هماهنگی با تقاطع‌های هم‌جوار و ارائه گزارش‌های مختلف از جمله ویژگی‌های یک تقاطع هوشمند می‌باشد. منظور از ایجاد مسیر سبز برای خودروهای امدادی، این است که با برقراری ارتباط بین این خودروها با مرکز کنترل، قبل از رسیدن خودروی امدادی به تقاطع، مسیر آن خالی و آزاد گردد و تا حد امکان هیچ خودروی امدادی در ترافیک گرفتار نشود. برای تشخیص میزان ترافیک، می‌توان از دوربین و یا تحلیل

اولین و مهم‌ترین گام برای هوشمندسازی شهر کرمان (مانند هر شهر دیگری)، تشکیل شورای راهبردی کرمان هوشمند و دبیرخانه این شورا در محل شهرداری با حضور متخصصان و کارشناسان خبره از بخش‌های مختلف است. این شورا باید با کمک مشاوران خبره، ضمن تدوین سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های مناسب، اولویت‌های اصلی شهر را مشخص نموده و مقدمات تدوین نقشه راه هوشمندسازی شهر را فراهم کند.

سرعت خودروهای عبوری استفاده کرد.

**۴) توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات:** توسعه زیرساخت اینترنت (توسعه پوشش اینترنت پرسرعت در سطح شهر، پوشش وای‌فای در پارک‌ها و مراکز عمومی، تکمیل شبکه فیبر نوری شهر)، اتصال سازمان‌های مختلف به هم با توجه به سیاست‌گذاری‌های ملی و با کمک مراکز تبادل دیتا، به اشتراک‌گذاری داده‌های موجود در سازمان‌های مختلف و ترویج سیاست Open Data بین مدیران، طراحی و پیاده‌سازی اپلیکیشن‌های کمک‌کننده به استفاده از خدمات و امکانات شهر، توسعه مرکز دیتای شهر و ... از جمله مواردی هستند که در توسعه فاوای شهر باید مورد توجه قرار گیرند.

**۵) افزایش فرهنگ مدیران و شهروندان:** تعیین و تعریف «ارزش ارائه‌شده توسط شهر هوشمند»، جلب مشارکت مدیران سازمان‌های مختلف خدمات‌رسان در شهر، تدوین فرایندهای مناسب برای اخذ خدمات شهری و حذف فرایندهای بوروکراتیک، شناسایی و حذف مقررات و سیاست‌های منسوخ شده و متناقض، جلب مشارکت صنایع بزرگ و بخش خصوصی، فرهنگ‌سازی عمومی، توسعه مهارت‌های شهروندان و ... از جمله عناوین قابل‌پیگیری برای ارتقای فرهنگ مدیران و شهروندان می‌باشند.

**۶) توسعه حمل‌ونقل پاک:** بهینه‌سازی حمل‌ونقل عمومی (اتوبوس و تاکسی)، طراحی و ساخت ایستگاه‌های اتوبوس مناسب، ارائه اینترنت وای‌فای در ایستگاه‌های اتوبوس و درون اتوبوس‌ها، ترویج دوچرخه‌ها و اسکوترهای اشتراکی، توسعه مسیرهای ویژه دوچرخه‌سواری و توسعه پیاده‌راه‌ها از جمله موارد قابل توجه برای توسعه حمل‌ونقل پاک می‌باشند.

### سخن آخر

در پایان باید به ذکر این نکته پرداخت که تا زمانی که مدیران مختلف شهری به این جمع‌بندی و اعتقاد نرسند که هوشمندسازی یک ضرورت است، حرکت در این مسیر آغاز نمی‌شود. ♦♦

# کیفیت توسعه شهرنشینی در ایران



♦ دکتر محمدرضا رضایی

عضو هیئت علمی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه یزد



♦ بهنام شیخ شریعتی کرمانی

پژوهشگر دوره دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه یزد

## مقدمه

شهر و شهرنشینی دارای تاریخچه‌ای بسیار قدیمی است و بیش از پنج هزار سال قدمت دارد. تا سال ۱۹۰۰ میلادی از هر ۸ نفر، فقط یکی در مناطق شهری زندگی می‌کرد، اما در حال حاضر نیمی از جمعیت جهان شهرنشین (۵۴ درصد) هستند. در سطح جهانی تا سال ۲۰۵۰ از هر ۱۰ نفر ۷ نفر ساکن شهرها خواهند شد. یعنی از مجموع ۹,۵ میلیارد جمعیت جهان در سال ۲۰۵۰ میلادی، بیش از ۶,۳ میلیارد نفر ساکن شهرها خواهند شد. در حالی که اکنون جمعیت شهرها بیش از ۳,۹ میلیارد نفر است. از این رو روند توسعه شهرنشینی ارتباطی مستقیم با توسعه شهری و افزایش نرخ شهرنشینی و مهاجرت افراد بیش‌تری از مناطق روستایی به مناطق شهری دارد. مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی، فرصت‌های بهتر کسب‌وکار، امکان فراگیری مهارت‌های جدید، فرصت‌های بهتر برای آموزش، دسترسی بهتر به نظام بهداشتی دارند که در مجموع سبب بهبود سرمایه‌های انسانی در مناطق شهری خواهد شد. از سوی دیگر از آنجا که مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی، زیرساخت‌های بهتری برای انجام فعالیت‌های اقتصادی دارند، مکان مناسب‌تری برای فعالیت‌های اقتصادی بوده و عمده فعالیت‌های اقتصادی از مناطق روستایی به مناطق شهری و یا اطراف آن منتقل می‌شوند.

به علت توسعه صنعت در کشورهای غربی، افزایش جمعیت شهرهای آن‌ها قابل‌توجه است، اما مهاجرت از روستا به شهر در کشورهای درحال توسعه یکی از چالش‌های موجود این کشورها محسوب می‌شود. بر اساس مطالعه‌ای که توسط یکی از مراکز پژوهشی فرانسه انجام شد، تأکید شد که گرایش به سکونت در شهرهای قاره‌های آفریقا و آسیا روزبه‌روز در حال افزایش است و تا سال ۲۰۳۰ بزرگ‌ترین شهرهای جهان از آن آسیا و آفریقا خواهد بود. در واقع شهرنشینی یکی از موضوعات مهم عصر جدید شده است، تا جایی که از انقلاب شهری یاد می‌شود. ایران نیز دارای سابقه‌ای دیرین در تاریخ شهرنشینی است. سابقه‌ی سرشماری عمومی نفوس و مسکن در ایران مربوط به سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰، ۱۳۹۵ و ۱۴۰۰ می‌شود. بنابراین اولین آمار رسمی از تعداد جمعیت شهری مربوط به سال ۱۳۳۵ است (شکل شماره (۱) و (۲)).

ایران از جمله کشورهای درحال توسعه است که نرخ رشد شهرنشینی در آن به سرعت سرسام‌آوری در چند دهه اخیر متحول شده است؛ به طوری که طی سال‌های گذشته میزان رشد شهرنشینی ۴,۴ درصد بوده و در همین دوره متوسط رشد تولید ناخالص داخلی تنها ۱,۴ درصد بوده است. الگوی برون‌زای توسعه شهری از یک سو و توزیع نامتناسب جمعیت شهری در پهنه جغرافیایی کشور از سوی دیگر سبب شده است تا سیاست‌های شهری و الگوی توسعه آن چندان مطلوب و پایدار نباشد. الگوی شهرنشینی از بیماری‌های بسیاری از جمله طراحی بی‌روح و نامتوازن (تئوری شهرهای خاکستری)، فاصله زیاد بین مناطق در برخورداری از خدمات شهری و عدم مشارکت شهروندان و رشد خارج از اراده مدیریت شهری شهرها (ساخت‌وسازهای غیرمجاز و حاشیه‌نشینی) در رنج است. توزیع شهرها و به تبع آن تمرکز جمعیت نقاط شهری در کشور ما از همسانی و مشابهت



زیادی برخوردار نیست. توزیع جمعیت در خاک یک کشور به عوامل تاریخی گذشته و نیز به ویژگی‌های زمان حال بستگی دارد. افراد در ابتدا به خاطر وجود امکانات غذایی، شرایط آب‌وهوایی و جغرافیایی مساعد در یک منطقه خاص ساکن می‌شدند، اما افراد کنونی به دلایل متفاوتی در یک منطقه مستقر می‌شوند. طی قرن اخیر، ظهور کلان‌شهرها و مناطقی با تراکم جمعیتی بالا، نیاز به داشتن آگاهی درست از توزیع جمعیت و تجزیه و تحلیل آن را احساس نموده است. شهرنشینی با شتاب بیشتر، پدیده قرن حاضر است و به مرور زمان جمعیت بیشتری محل سکونت خود را از مناطق روستایی به مناطق شهری تغییر می‌دهند که بخش فزاینده‌ای از آن‌ها نیز شهرهای بزرگ را انتخاب می‌کنند.

به عبارتی دیگر هر تحول و تغییر خارج از قاعده و سازمانی در شهرهای کشور منجر به پیامدهای ناخواسته‌ای شده است که از جمله آن می‌توان به توزیع بی‌عدالتی، گسترش آسیب‌های اجتماعی و ناهمگون فزاینده اجتماعی و کمک به گسترش انواع بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشاره نمود. هم‌چنین الگوی توسعه شهری در ایران، الگوی تسلط تک‌شهری و نیز تمرکزگرایی بوده است.

ایران به‌عنوان یک کشور درحال توسعه که از اوایل قرن بیستم به صورت رسمی و سازمان‌یافته در معرض پدیده‌های نوسازی غرب قرار گرفت، طی دهه‌های گذشته به‌شدت متأثر از روند شهرنشینی بوده و به‌نوعی عدم‌تعادل در حوزه‌های جمعیتی و اقتصادی دچار شده است. شهرنشینی، جامعه ایران را در طی دهه‌های گذشته دست‌خوش تحولات زیادی ساخته است، درحالی‌که خود شهرنشینی در ارتباط با پدیده‌های دیگری همچون رشد جمعیت قابل بررسی است. در واقع ایران به‌عنوان یک کشور درحال توسعه در طی دهه‌های اخیر با این دو پدیده مرتبط به هم یعنی افزایش جمعیت و رشد شهرنشینی مواجه بوده است.

گسترش شهرنشینی به‌خصوص در دوره معاصر سبب دل‌مشغولی بسیاری از نخبگان و صاحب‌نظران گوناگون به مسائل و پیامدهای ناشی از توسعه شهر و شهرنشینی شده است. گسترش شهرنشینی به‌عنوان یک پدیده معمول در جوامع، موجب شده که مسئله شهر یکی از مسائل جامعه‌شناسی شود.

نظام شهرنشینی و روند سریع آن در کشورهای درحال توسعه سبب هجوم گسترده به شهرها و پیدایش بخش خدمات متورم، حاشیه‌نشینی، بیکاری پنهان و پیدایش دوگانگی شبکه‌های اجتماعی مهاجرین در شهرها می‌شود. شهرهای کشورهای رشدنیافته نهادهای دورگه‌ای هستند که در نتیجه دو واکنش پدید آمده‌اند. اول واکنش به تقسیم کار اجتماعی که پدیده‌ای بومی است و دوم واکنش به ادغام در اقتصاد جهانی.

توسعه جامعه (توسعه درون‌زا) بر تمامی اجزای ارتقای سطح زندگی اکثریت افراد فراهم آوردن امکانات، هدایت آگاهانه جامعه توسط مردم تکیه دارد. رسیدن به خواستی علاوه بر شناسایی امکانات و توانایی‌های بالقوه ساده و تخصصی جامعه نیازمند توجه خاص به شرایط تاریخی، سنن فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، روانشناسی و اجتماعی نیز می‌باشد و این روند، جدا از روند گذشته جامعه نخواهد بود.

در ایران، پایتخت به‌عنوان مادرشهر اصلی به‌تنهایی یک‌چهارم از جمعیت شهرنشین را در خود جای داده است. از این رو با توجه به جایگاه و منشأ روستایی بودن اکثر جمعیت نقاط شهری، شهرهای ایران را می‌توان شهر مهاجرتی یا شهر مهاجران نامید. در ایران الگوی شهرنشینی همانند اکثر کشورهای آسیای غربی است. یعنی سطح شهرنشینی در حد متوسطی قرار دارد ولی رشد جمعیت شهرنشین سریع است.

### سیاست‌های جمعیتی و توسعه شهرنشینی در ایران

تا آغاز دهه ۱۳۳۰ رشد جمعیت در ایران شکل نگران‌کننده نداشت و تا اوایل دهه ۱۳۴۰ برنامه کنترل جمعیت موردتوجه قرار نگرفت. جمعیت رو به افزایش کشور در اواخر دهه ۱۳۴۰ مسئولان کشور را به فکر کنترل جمعیت واداشت و از آن زمان سیاست (فرزند کم‌تر زندگی بهتر) سرمشق برنامه‌های جمعیتی قرار گرفت و تا حدودی نیز توانست به کنترل میزان باروری بپردازد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی که تحولاتی در ساخت ارزشی و هنجارهای اجتماعی به وجود آمد، برنامه کنترل جمعیت نیز توسط اکثریت روحانیون مورد نكوهش قرار گرفت و حتی برخی از مردم بر این اساس کنترل جمعیت را گناهی نابخشوده می‌دانستند. این نگرش و ایدئولوژی و پندارهای دیگر در مورد ازدواج به افزایش باروری دامن زد. از این پندارها می‌توان به افزایش دامنه ازدواج‌های مجدد، کاهش سن ازدواج خصوصاً برای دختران و غیره اشاره نمود.

شرایط اجتماعی ناشی از جنگ تحمیلی، مخالف نگرش کنترل جمعیت بود. لذا اندیشه فرزند کم‌تر نمی‌توانست با فضای فکری ناشی از جنگ هم‌خوانی داشته باشد. ولی در سال ۱۳۶۷ با توجه به فتوای امام خمینی (ره) در مورد بلاشکال بودن کنترل جمعیت، نقطه عطفی در سیاست‌های جمعیتی و اجرای برنامه‌های تنظیم خانواده بود. در مجموع برنامه‌ها سیاست‌های فوق تا حدودی به افزایش جمعیت خصوصاً توسعه جمعیت شهرنشین کشور کمک کرد (جدول شماره (۱)).

### توسعه ناموزون و رشد کلان‌شهرها در ایران

یکی از ویژگی‌های توسعه ناموزون، تقسیم یک جامعه به مناطق با توسعه نابرابر شامل نواحی مرکز و پیرامون است که در آن مناطق مرکزی امکانات توسعه‌ای را از مناطق پیرامونی جمع کرده و در این فراگرد

جدول شماره (۱): میزان شهرنشینی در استان‌های کشور طی سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ (درصد)

نام استان	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	نام استان	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
کل کشور	۶۱,۳۱	۶۸,۴۶	۷۱,۴۰	فارس	۵۶,۶۷	۶۱,۱۷	۶۷,۶۰
آذربایجان شرقی	۶۰,۲۸	۶۶,۶۷	۶۹,۲۰	قزوین	۵۷,۱۱	۶۸,۰۵	۷۳,۱۰
آذربایجان غربی	۵۲,۶۸	۶۰,۰۳	۶۲,۷۰	قم	۹۱,۱۶	۹۳,۹۱	۹۵,۲۰
اردبیل	۴۸,۶۷	۵۸,۲۶	۶۴	کردستان	۵۲,۴۲	۵۹,۴۲	۶۶
اصفهان	۷۴,۳۰	۸۳,۳۲	۸۵,۴۰	کرمان	۵۲,۸۹	۵۸,۵۳	۵۷,۵۰
البرز	-	۸۸,۷۰	۹۰,۵۰	سیستان و بلوچستان	۴۶,۱۲	۴۹,۶۰	۴۹
ایلام	۵۳,۲۳	۶۰,۶۹	۶۴	کرمانشاه	۶۱,۷۵	۶۶,۷۹	۶۹,۷۰
بوشهر	۵۳,۰۵	۶۵,۱۶	۶۸,۲۰	کهگیلویه و بویراحمد	۳۹,۲۳	۴۷,۶۴	۵۲,۶۰
تهران	۸۶,۱۶	۹۱,۳۴	۹۲,۸۰	گلستان	۴۱,۲۹	۴۹,۱۷	۵۱
چهارمحال و بختیاری	۴۵,۰۵	۵۱,۵۵	۵۸,۲۰	گیلان	۴۶,۸۳	۵۳,۸۸	۶۰,۳۰
خراسان جنوبی	۴۰,۹۲	۵۱,۳۳	۵۶	لرستان	۵۳,۶۵	۵۹,۴۳	۶۱,۳۰
خراسان رضوی	۶۱,۰۹	۶۸,۱۵	۷۱,۹۰	مازندران	۴۵,۹۰	۵۳,۱۸	۵۴,۷۰
خراسان شمالی	۴۰,۰۷	۴۸,۳۶	۵۱,۵۰	مرکزی	۵۷,۰۹	۶۸,۹۷	۷۳,۹۰
خوزستان	۶۲,۵۲	۶۷,۲۲	۷۱	هرمزگان	۴۱,۸۰	۴۷,۱۱	۵۰
زنجان	۴۷,۶۲	۵۷,۹۹	۶۲,۵۰	همدان	۴۸,۳۱	۵۷,۵۸	۵۹,۲۰
سمنان	۶۸,۲۹	۷۴,۷۰	۷۷	یزد	۷۲,۸۰	۷۹,۷۱	۸۲,۸۰

برای شناخت نابرابری توسعه شهری در کشور از شاخص تمرکز شهری می‌توان سود جست. این شاخص از طریق تقسیم جمعیت بزرگ‌ترین شهر بر مجموع دومین، سومین و چهارمین شهر به دست می‌آید. در اکثر استان‌های کشور مقدار این شاخص بالا است و مثلاً در استان تهران در سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ مقدار این شاخص ۲,۲ و ۲,۳۶ بوده است. در کل کشور مقدار این شاخص در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ به ترتیب ۱,۷۷ و ۱,۵۶ بوده است. در کشورهای

پیرامونی آن از جنبه‌های مختلف وابسته به آن هستند. شهرهای مراکز استان‌ها در کشور اغلب چنین ویژگی‌ای دارند. دکتر پیران در بررسی خود تحت عنوان (توسعه برون‌زا و شهر) نشان می‌دهد مراکز استان‌هایی که دارای پراکندگی کم‌تری در جمعیت خود هستند و امکانات طبیعی و غیرطبیعی اقتصادی آن‌ها نابرابر توزیع شده است و از سویی درصد شهرنشینی در آن‌ها بالا است، درصد بیش‌تری از جمعیت استان‌ها را در خود جذب کرده‌اند.

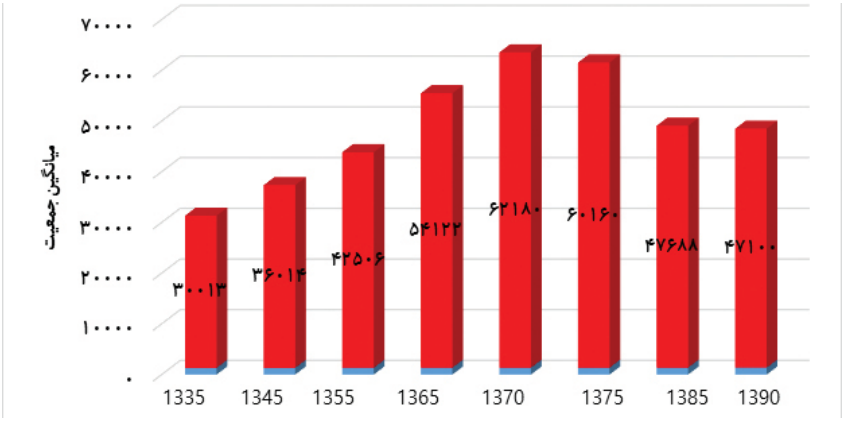
عقب‌ماندگی مناطق پیرامونی و توسعه مراکز جهت معکوس با هم دارند. از دیدگاه نظام جهانی، سلسله‌ای از مناطق شامل توسعه کم‌تر و توسعه بیش‌تر وجود دارد. مهم‌ترین ویژگی این مناطق مرکزی، جمعیت بالا در قیاس با دیگر مناطق کشور است و از این قبیل، شهرهای بزرگ و حتی کلان‌شهرهایی شکل می‌گیرند. هر شهر بزرگ و یا کلان‌شهر در حوضه‌ای قرار گرفت که تا شعاع معینی کلان‌شهر و یا شهر بزرگ دیگری وجود ندارد و مناطق



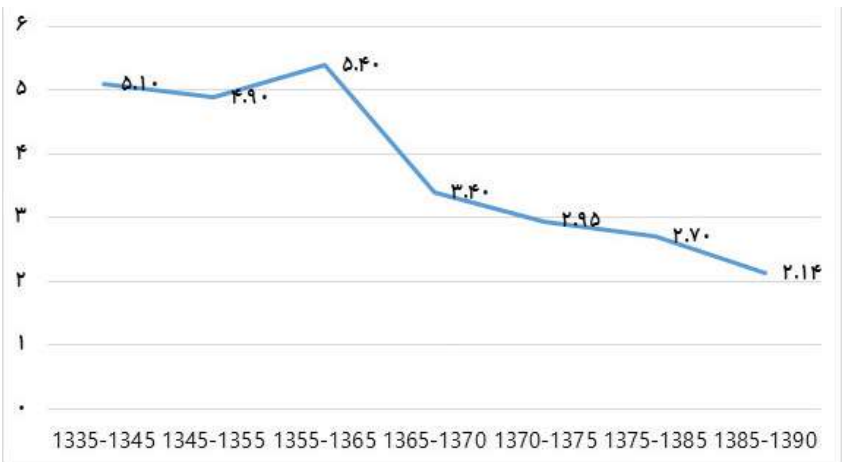
**ویژگی‌ها و پیامدهای توسعه شهرنشینی در ایران**

باید بررسی کرد که شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران چه ویژگی‌هایی دارد که آن را از الگوی شهرنشینی در کشورهای پیشرفته متمایز می‌کند؟ الگوی شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه متأثر از الگوی کشورهای شمالی و پیشرفته و نوعی تقلید ناشیانه از تجربه شهری شدن جوامع متروپول است که بازتاب کالبدی و فضایی این روند (انتقال منابع و امکانات از شهر حاشیه به متروپول) منجر به نظام معینی از اسکان و استقرار فعالیت‌ها و منابع که در جهان سوم الگویی نهادی شده است، می‌شود.

بررسی تحولات شهرنشینی کشور نشان می‌دهد که کلان‌شهرهای محدودی بخش عمده‌ای از جمعیت مناطق شهری و امکانات توسعه اقتصادی کشور را به خود جذب کرده‌اند و از آنجا که زیرساخت‌های آماده‌ای وجود نداشت، تبعات اقتصادی - اجتماعی ناخواسته فراوانی را بر نظام اجتماعی این کشورها تحمیل کرده است. در ایران، پایتخت به‌عنوان مادرشهر اصلی به‌تنهایی یک‌چهارم از جمعیت شهرنشین را در خود جای داده است. از این رو با توجه به جایگاه و منشأ روستایی بودن اکثر جمعیت نقاط شهری، شهرهای ایران را می‌توان شهر مهاجرتی یا شهر مهاجران نامید. در ایران الگوی شهرنشینی همانند اکثر کشورهای آسیای غربی است. یعنی سطح شهرنشینی در حد متوسطی قرار دارد ولی رشد جمعیت شهرنشین سریع است. مطالعه رابطه بین شهرنشینی و توسعه در سطح دنیا نشان می‌دهد که سهم قابل توجهی از توسعه کشورها به‌وسیله متغیر شهرنشینی قابل تبیین است و در عین حال این تأثیر کاملاً معنادار است. به عبارتی کشورهای شهرنشین‌تر در دنیا کشورهای توسعه‌یافته‌تری هستند. البته نه در همه موارد، در ایران هم این ارتباط کاملاً معنادار و صادق است یعنی استان‌های با شهرنشینی بالاتر، نمره توسعه بالاتری هم به خود اختصاص می‌دهند. شهرنشینی در کشور ما چند ویژگی عمده دارد مانند رشد شتابان، توزیع نامتوازن و تمرکزگرایانه، برون‌زا و در ارتباط مستقیم با فروپاشی اقتصاد کشاورزی و روستایی، گسترش اقتصاد دلالی و



شکل شماره (۱): میانگین جمعیت شهرهای کشور طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰



شکل شماره (۲): رشد جمعیت نقاط شهری کشور در نیم قرن اخیر (درصد)

کشور، متأثر از الگوی درون‌زای توسعه و ترقی اقتصادی کشور نبوده است و بیش‌تر متأثر از ورود ایران به دوره جدیدی از مناسبات بین‌المللی و تقسیم کار جهانی بوده است. در الگوی درون‌زا، رشد شهرنشینی، گسترش شهرها و افزایش میزان آن به همراه تحول و بهبود در نظام اقتصادی، صنعتی شدن، تغییر نظام اجتماعی و سایر مناسبات صورت می‌گیرد. در حالی که در الگوی برون‌زا این‌گونه نیست و طبیعی است که این مدل از شهرنشینی مسائل و مشکلات زیادی را به همراه داشته باشد، ضمن آن‌که از مشکلات ذاتی و مشترک گسترش شهرنشینی هم در رنج است. از این رو، مهم‌تر از نقش شهرنشینی، کیفیت و کمیت شهری شدن است.

غربی و پیشرفته مقدار این شاخص کم‌تر از یک می‌باشد. شاخص دیگر برای بخش توسعه ناموزون شهری، شاخص تقدم و تسلط تک‌شهری در سطح استان‌های کشور است که از تقسیم جمعیت بزرگ‌ترین شهر هر استان به دومین شهر همان استان به دست می‌آید. این شاخص گویای تعادل در توزیع استانی جمعیت کشور است. این شاخص در استان‌های خراسان، تهران، فارس، آذربایجان شرقی و سمنان به ترتیب برابر با ۹،۱۱، ۴،۱۰، ۳،۹ و ۰،۸۲ می‌باشد که نشان‌گر عدم تعادل و توسعه ناموزون شهرهای کشور خصوصاً در استان‌های خراسان، تهران و فارس می‌باشد (جدول شماره (۲) و (۳)). تحولات چشمگیر در توسعه شهرنشینی



جدول شماره (۲): وضعیت شهرنشینی در ایران طی نیم قرن اخیر

شرح	تعداد استان	تعداد شهر	میانگین تعداد شهرهای هر استان	نسبت شهرنشینی (درصد)	تعداد شهرهای بیش از یک میلیون نفر جمعیت
۱۳۳۵	۱۳	۱۹۹	۱۵,۳	۳۱,۴	۱ شهر (تهران)
۱۳۴۵	۲۱	۲۷۲	۱۳,۰	۳۸,۰	۱ شهر (تهران)
۱۳۵۵	۲۳	۳۷۳	۱۶,۲	۴۷,۰	۱ شهر (تهران)
۱۳۶۵	۲۴	۴۹۶	۲۰,۷	۵۴,۳	۴ شهر (تهران، مشهد، تبریز، اصفهان)
۱۳۷۵	۲۶	۶۱۲	۲۳,۵	۶۱,۳	۵ شهر (تهران، مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز)
۱۳۸۵	۳۰	۱۰۱۲	۳۳,۷	۶۸,۵	۶ شهر (تهران، مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز، کرج)
۱۳۹۰	۳۱	۱۱۳۹	۳۶,۷	۷۱,۴	۸ شهر (تهران، مشهد، اصفهان، کرج، تبریز، شیراز، اهواز، قم)

جدول شماره (۳): تغییرات جمعیت شهری و تعداد نقاط شهری کشور طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰

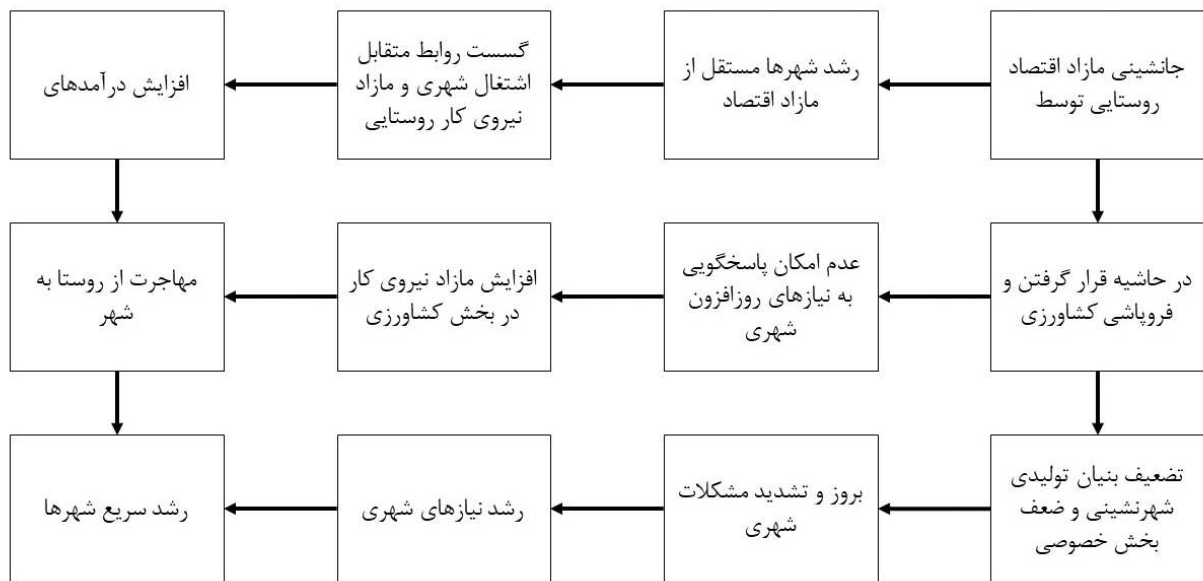
سال	جمعیت	افزایش هر دوره		تعداد شهرها	افزایش تعداد شهرها
		نسبی	مطلق		
۱۳۳۵	۶۰۰۲۶۲۱	-	-	۲۰۰	-
۱۳۴۵	۹۷۹۵۸۱۰	۶۳,۲	۳۷۹۳۱۸۹	۲۷۲	۷۲
۱۳۵۵	۱۵۸۵۴۶۸۰	۶۱,۸	۶۰۵۸۸۷۰	۳۷۳	۱۰۱
۱۳۶۵	۲۶۸۴۴۵۶۱	۶۹,۳	۱۰۹۸۹۸۸۱	۴۹۶	۱۲۳
۱۳۷۰	۳۱۸۳۶۵۹۸	۱۸,۶	۴۹۹۲۰۳۷	۵۱۲	۱۶
۱۳۷۵	۳۶۸۱۷۷۸۹	۱۵,۶	۴۹۸۱۱۹۱	۶۱۲	۱۰۰
۱۳۸۵	۴۸۲۵۹۹۶۴	۳۱,۰	۱۱۴۴۲۱۷۵	۱۰۱۲	۴۰۰
۱۳۹۰	۵۳۶۴۶۶۶۱	۱۱,۲	۵۳۸۶۶۹۷	۱۱۳۹	۱۲۷

درعین حال به دلیل عدم هم‌زمانی رشد شاخص‌های اجتماعی - فرهنگی همانند باسوادی کل جامعه به‌خصوص باسوادی زنان و جمعیت قابل توجه روستایی نرخ زادوولدها در حد دوره ماقبل صنعت باقی‌مانده است و این امر سبب پیشی گرفتن رشد زادوولد بر میزان مرگ‌ومیر و در نتیجه افزایش جمعیت شده است. هم‌زمان با این تحول رویداد دیگری در مناطق روستایی کشور پدیدار شده، در نتیجه اجرای اصلاحات ارضی و استفاده بخش کشاورزی از فن‌آوری روز تراکتور، کمباین، نیروی مازاد فراوانی در جامعه روستایی ظاهر گشته، این جمعیت مازاد به دنبال فرصتی برای کار و فعالیت و سراب زندگی بهتر، راهی مناطق شهری شده و چون شهرها آمادگی پذیرش

### چالش‌های توسعه شهرنشینی در ایران

نظام شهرنشینی و روند سریع آن در کشورهای درحال توسعه سبب هجوم گسترده به شهرها و پیدایش بخش خدمات متورم، حاشیه‌نشینی گسترده، بیکاری پنهان، پیدایش دوگانگی شبکه‌های اجتماعی مهاجرین در شهرها می‌گردد. شهرهای کشورهای رشدنیافته نهادهای دورگه‌ای هستند که در نتیجه دو واکنش پدید آمده‌اند: اول واکنش به تقسیم کار اجتماعی که پدیده‌ای بومی است و دوم واکنش به ادغام در اقتصاد جهانی. در کشورهای درحال توسعه برخلاف کشورهای توسعه‌یافته مراحل انتقال جمعیت به‌سرعت طی شده است. ورود دستاوردهای تکنولوژی جدید موجب کاهش نرخ مرگ‌ومیر و

رونق صادرات نفت در چند دهه اخیر بوده است که برخی از صاحب‌نظران تحت‌نام استبداد نفتی هم از آن یاد می‌کنند. شهرنشینی با خود پیامدهای مثبت و منفی فراوانی به ارمغان می‌آورد، بویژه سهم الگوی شهرنشینی در این میان قابل ملاحظه است. بررسی رابطه شهرنشینی با متغیرهای اقتصادی و اجتماعی مانند طلاق، اعتیاد، سرقت، سن ازدواج، مرگ‌ومیر کودکان، امید زندگی، مهاجرپذیری و غیره بیان‌گر وجود رابطه همبستگی قابل توجه با هر یک از متغیرهای فوق است. شهرنشینی رابطه علت و معلولی با بسیاری از پدیده‌های اجتماعی دارد و نیز پیامدهای گوناگون ناشی از رشد سریع پدیده شهرنشینی در کشور قابل پیگیری است (شکل شماره (۳)).



شکل شماره (۳): چگونگی تحول و پیامدهای شهرنشینی

این میهمانان میلیونی ناخوانده را نداشت (زیرا نرخ رشد جمعیت در مناطق شهری نیز بالا بوده و شهر حتی برای پاسخ گویی به افزایش طبیعی ساکنان خود نیز دچار مشکل بوده است). لذا، این مناطق در کشورهای درحال توسعه به آشفته بازار اجتماعی از مشاغل کاذب، ناهنجاری‌های اجتماعی، شکاف طبقاتی و غیره تبدیل گردیده است.

همچنین بررسی تحولات شهرنشینی کشورها نشان می‌دهد که کلان‌شهرهای محدودی بخش عمده‌ای از جمعیت مناطق شهری و امکانات توسعه اقتصادی کشور را به خود جلب و جذب نموده‌اند و چون زیرساخت‌های آماده‌ای وجود نداشت لذا تبعات اقتصادی - اجتماعی ناخواسته فراوانی را بر نظام اجتماعی این کشورها تحمیل کرده است. زیرا در محیط شهر سازمان اجتماعی، نوع احساسات، ذهنیات و نظام معیشت با جوامع پیشین تفاوت اساسی پیدا می‌کند.

**ایران عبارتند از:**

- ضعف مسکن شهری،
- مسئله مهاجرت و حاشیه‌نشینی،
- معضل رشد بخش غیرمتشکل و غیررسمی اقتصادی،
- ضعف طراحی، برنامه‌ریزی و مدیریت

ایران، نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری سال ۷، شماره ۲۶، پاییز ۱۳۹۵.

- دانشمند نارویی، مرضیه، پهلوانی، مصیب، اسفندیاری، مرضیه، ۱۴۰۱، بررسی مسائل اقتصاد ایران، سال ۹، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱.

- زیاری، کرامت‌الله، محمدی، اکبر، عطار، خلیل، ۱۳۹۰، مجله علمی - تخصصی برنامه‌ریزی فضایی، سال ۱، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۰.

- علی‌اکبری، اسماعیل، ۱۳۸۳، توسعه شهری و آسیب‌شناسی اجتماعی در ایران، نشریه پژوهش‌های جغرافیایی، سال ۱۳۸۳، دوره ۳۶، شماره ۴۸، صفحات ۴۹ تا ۶۹.

- علی‌پور، کیوان، علی‌احمدی، نسرین، ۱۳۹۶، بررسی مفاهیم و نظریه‌های توسعه شهری از آغاز تاکنون، نشریه مدیریت شهری نوین، دوره ۵، شماره ۱۷، شماره پیاپی ۱۷، تیر ۱۳۹۶، صفحات ۹۱ تا ۱۰۶.

- فتحی، الهام، ۱۳۹۴، روند شهرنشینی در ایران، آمار، شماره ۱۲، خرداد و تیر ۱۳۹۴.

- قربانی، زهرا، ۱۳۸۵، الگوهای شهرنشینی در ایران و جهان، فصلنامه جمعیت، شماره ۷۷ و ۷۸.

- نوابخش، مهرداد، فتحی، سروش، ۱۳۸۶، رشد و توسعه شهرنشینی در ایران (با تأکید بر فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی)، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، علمی - پژوهشی، سال ۴، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۸۶.

شهری،

- ضعف سرمایه اجتماعی،
- ضعف هویت شهری.

### چالش‌های اجتماعی توسعه شهرنشینی در ایران

- مهاجرت،
- حاشیه‌نشینی،
- ناهمگونی در بافت اجتماعی جامعه شهری،
- طلاق،
- نارسایی در ارائه خدمات اجتماعی.

نسبت شهرنشینی در کل کشور در طی نیم‌قرن گذشته روندی صعودی داشته است. تعداد جمعیت در نقاط شهری بالغ بر ۹ برابر شده، درحالی‌که طی همین مدت، جمعیت روستایی ۱,۷ برابر شده است. بر اساس مطالعات، روند شهرنشینی در ایران همچنان به سیر صعودی خود ادامه داده و احتمالاً در سال ۱۴۳۰ به حدود ۸۵ درصد خواهد رسید. به‌این‌ترتیب در سال‌های آتی بر تراکم جمعیت کلان‌شهرها و از جمله شهر تهران به‌شدت افزوده خواهد شد. ♦♦

### منابع و مأخذ

- بردی، رحیم، مردانزاد، آنا، ۱۳۹۵، تحلیلی بر برنامه‌ریزی فضایی و الگوی توسعه شهرنشینی در

# کاهش کمی و کیفی آب‌های زیرزمینی مسئله اساسی استان کرمان



بهداشت وابسته است، اهمیت آب برای زیست در این استان مشخص می‌شود. حفر صدها رشته قنات در سطح استان توسط نیاکانمان مبین نیاز شدید به آب بوده که زحمت طاقت‌فرسای احداث قنات را به جان می‌خریده‌اند. نکته جالب توجه این است که هر جا که مسئله آب مطرح است در کنار کمیت آن کیفیت آن هم مطرح می‌باشد. لذا وجود ذخایر آب شور با کیفیت نامناسب در یک منطقه نمی‌تواند به معنی نبود مشکل آب باشد. در این نوشتار، ابتدا شرایط کلی آب زیرزمینی در استان توضیح داده می‌شود. پس از آن، وضعیت بهره‌برداری از آن بررسی می‌گردد و در پایان، اثرات اضافه برداشت و کاهش حجم منابع آب زیرزمینی استان معرفی می‌گردد.

♦ دکتر احمد عباس نژاد

عضو هیئت‌علمی گروه زمین‌شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

## مقدمه

استان کرمان با وسعت حدود ۱۸۲۰۰۰ کیلومترمربع حدود ۱۱ درصد مساحت ایران را اشغال کرده است. قرارگیری ایران در کمربند خشک جهان و قرارگیری استان در شرق کشور که خشک‌تر از سایر نقاط ایران است، هر دو، مبین شرایط نه‌چندان مساعد بارش که منبع اصلی تأمین منابع آب است، در این استان می‌باشند. باتوجه به این‌که آب عنصر مهم توسعه جوامع بشری است و برای هر نوع فعالیت (کشاورزی، صنعت و خدمات) به آن نیاز است و همچنین، زندگی شهروندان به وجود منابع آب مناسب برای شرب و

## شرایط کلی آب زیرزمینی در استان

ساختار کلی توپوگرافی استان کرمان





و کوهستان جبال بارز. در مقابل، در میان این کوهستان‌ها دشت‌های متعددی قرار دارند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از دشت کرمان، دشت رفسنجان، دشت بم، دشت زرند، دشت سیرجان، دشت شهراباک و دشت جیرفت.

در گذشته، ساکنان استان از طریق احداث قنات‌های فراوان آب‌های زیرزمینی ورودی به دشت‌ها را به‌طور عمده در محدوده مخروط افکنه‌های حاشیه دشت‌ها استخراج نموده و اقدام به کشاورزی در سطوح کفه‌ای دارای خاک حاصلخیز واقع در قسمت‌های میانی دشت‌ها می‌کرده‌اند.

این نوع بهره‌برداری چند هزار سال در استان ادامه داشته و به لحاظ زیست‌محیطی پایدار بوده است. زیرا که آبدهی قنات تابع تغذیه آبخوان‌ها بوده است و به تبعیت از آن، کم‌وزیاد می‌شده است. اتفاق ناگوار در ارتباط با منابع آب زیرزمینی استان از حدود ۴ تا ۵ دهه گذشته رقم خورد که در طی آن احداث چاه‌های عمیق برای بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی در همه سطوح دشت‌ها و تا اعماق زیاد صورت گرفت. حفر چاه‌های عمیق به‌صورت با مجوز و یا بدون مجوز در سه دهه گذشته به‌شدت ادامه یافت و تعداد چاه‌ها از چند ده حلقه در حدود ۵۰ سال قبل در بعضی از دشت‌های استان به چند هزار مورد در آن دشت رسید. نتیجه چنین وضعیتی اضافه برداشت از آبخوان‌ها، کاهش حجم ذخایر آب زیرزمینی و به‌تبع آن، افت نسبتاً شدید سطح آب‌های زیرزمینی تقریباً در همه دشت‌های استان بوده است؛ به‌عنوان مثال، سطح آب‌های زیرزمینی در دشت کرمان در طی ۱۶ سال (سال آبی ۷۰-۷۱ تا سال آبی ۸۵-۸۶)، ۱۳،۳ متر افت داشته است که به معنی بیش از ۸۰ سانتیمتر افت در سال می‌باشد. در حال حاضر افت متوسط سطح آب زیرزمینی در دشت‌های استان حدود ۴۰ سانتیمتر در سال است. از آنجاکه ضخامت لایه آبدار در بسیاری از دشت‌ها کمتر از حدود ۲۰ متر



شکل شماره (۱): فروچاله اختیاریاد کرمان

در مقابل، دشت‌ها به علت ارتفاع کمتر و تجمع آب‌رفت‌های متخلخل حاصل از فرسایش کوهستان‌ها محل‌های اصلی تجمع آب‌های زیرزمینی می‌باشند که از کوهستان‌ها به سمت آن‌ها جریان می‌یابد.

مهم‌ترین واحدهای کوهستانی استان که دریافت‌کننده اصلی ریزش‌های جوی می‌باشند عبارتند از کوهستان سرچشمه، کوهستان هزار، کوهستان لاله‌زار، کوهستان بحر آسمان، کوهستان داوران، کوهستان راور

از نوع کوه‌دشت است و مجموعه‌ای از کوهستان‌ها و دشت‌های بین آن‌ها، استان کرمان را شکل داده‌اند. در این توپوگرافی، کوه‌ها منبع اصلی تغذیه آب‌های زیرزمینی می‌باشند، زیرا که:

- ۱- به علت ارتفاع بیشتر، بارش زیادتری دریافت می‌کنند،
- ۲- به علت آب‌وهوای سردتر، تبخیر کمتری دارند،
- ۳- در آن‌ها سهم بارش از نوع برف که به‌تدریج ذوب‌شده و به‌خوبی نفوذ می‌کند زیادتر است،
- ۴- سطوح صخره‌ای دارای درز و شکاف فراوان و آبراهه‌های دارای آب‌رفت‌های درشت‌دانه بستری در کوهستان‌ها کمک به نفوذ سریع و زیاد ریزش‌های جوی به داخل زمین می‌کنند.

**اتفاق ناگوار در ارتباط با منابع آب زیرزمینی استان از حدود ۴ تا ۵ دهه گذشته رقم خورد که در طی آن احداث چاه‌های عمیق برای بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی در همه سطوح دشت‌ها و تا اعماق زیاد صورت گرفت. حفر چاه‌های عمیق به‌صورت با مجوز و یا بدون مجوز در سه دهه گذشته به‌شدت ادامه یافت و تعداد چاه‌ها از چند ده حلقه در حدود ۵۰ سال قبل در بعضی از دشت‌های استان به چند هزار مورد در آن دشت رسید. نتیجه چنین وضعیتی اضافه برداشت از آبخوان‌ها، کاهش حجم ذخایر آب زیرزمینی و به‌تبع آن، افت نسبتاً شدید سطح آب‌های زیرزمینی تقریباً در همه دشت‌های استان بوده است.**



شکل شماره (۲): شکاف ناشی از نشست زمین در دشت منوجان

سطح آب‌های زیرزمینی خشک شده‌اند.  
**۴- نیاز به کف‌شکنی و افزایش عمق چاه‌های بهره‌برداری**

با کاهش آبدهی چاه‌ها و در صورت وجود لایه‌های آبدار در اعماق بیشتر، نیاز به کف‌شکنی چاه‌های موجود و یا حفر چاه‌های عمیق‌تر به جای چاه‌های موجود است. این اتفاق در حال حاضر در سطح استان در حال رخداد است و هزینه‌های زیادی را به کشاورزان تحمیل می‌کند.

**۵- افزایش مصرف انرژی برای استحصال آب زیرزمینی**

با افزایش عمق سطح آب‌های زیرزمینی، لازم است آب زیرزمینی از اعماق بیشتری به سمت سطح زمین پمپاژ شود که در این صورت نیاز به مصرف انرژی بیشتر برای استخراج آب عمیق‌تر و تحمیل هزینه خواهد بود.

**۶- نشست زمین**

یکی از اثرات مهم کاهش ذخایر آب زیرزمینی و افت سطح آب زیرزمینی نشست زمین است که خود را به صورت ایجاد فروچاله، ایجاد درز و شکاف در زمین و سازه‌ها و بیرون آمدن ظاهری لوله جدار چاه‌ها نشان می‌دهد. متراکم شدن لایه‌های رسی که قبلاً از آب اشباع بوده‌اند و در اثر افت سطح آب‌های زیرزمینی آب خود را از دست داده‌اند، مهم‌ترین عامل



شکل شماره (۳): شکاف در دیوار منزلی در شهر رفسنجان به علت نشست زمین

این استان دوره‌های خشکسالی و ترسالی طولانی بوده و معمولاً به‌طور متوالی رخ می‌دهند. ذخایر آب استان می‌تواند در دوره‌های خشکسالی از زیست انسان حمایت کرده و امکان فعالیت را مهیا سازد. بدیهی است که نبود ذخایر آب زیرزمینی کافی در دوره‌های خشکسالی می‌تواند منجر به فجایع بزرگ از جمله خشک شدن باغ‌ها و مزارع، قحطی، آوارگی و کوچ انسان شود.

**۲- کاهش آبدهی منابع آب**

ضریب انتقال آبخوان‌ها عامل مهم میزان آبدهی چاه‌های حفر شده است و مقدار آن در هر محل برابر است با نفوذپذیری مواد تشکیل‌دهنده آبخوان ضربدر ضخامت لایه آبدار. با کاهش ضخامت لایه آبدار، مقدار ضریب انتقال هم کاهش می‌یابد که به معنی کاهش آبدهی چاه‌ها، چشمه‌ها و قنوات خواهد بود.

**۳- خشک شدن منابع آبی**

در اثر افت سطح آب‌های زیرزمینی امکان خشک شدن بعضی از قنوات، چشمه‌ها و چاه‌ها وجود دارد که یک خسارت اقتصادی مهم خواهد بود. بیش از ۷۰ درصد قنات‌های استان که یک سرمایه ملی و مهم بوده‌اند متأسفانه در اثر افت

مقدار متوسط بارش در سطح استان، تغییرات جغرافیایی زیادی نشان می‌دهد. به طوری که در نزدیکی قلل کوهستان لاله‌زار مقدار آن به بیش از ۴۰۰ میلی‌متر در سال می‌رسد، ولی در بخش‌هایی از دشت لوت حدود ۱۵ میلی‌متر در سال است. متوسط سالانه بارش در کل استان ۱۲۹ میلی‌متر است و با توجه به وسعت آن (۱۸۲۰۰۰ کیلومترمربع) حجم بارش در سطح استان حدود ۲۳ میلیارد مترمکعب است. از این مقدار، بخش قابل‌ملاحظه‌ای بلافاصله پس از ریزش از طریق خاک و پوشش گیاهی دچار تبخیر و تعرق شده و به هوا برمی‌گردد.

و حتی چند متر است، این نرخ افت اگر هرچه سریع‌تر مهار نشود، می‌تواند در آینده مشکلات زیادی برای استان ایجاد کند.

**وضعیت بهره‌برداری**

مقدار متوسط بارش در سطح استان، تغییرات جغرافیایی زیادی نشان می‌دهد. به طوری که در نزدیکی قلل کوهستان لاله‌زار مقدار آن به بیش از ۴۰۰ میلی‌متر در سال می‌رسد، ولی در بخش‌هایی از دشت لوت حدود ۱۵ میلی‌متر در سال است. متوسط سالانه بارش در کل استان ۱۲۹ میلی‌متر است و با توجه به وسعت آن (۱۸۲۰۰۰ کیلومترمربع) حجم بارش در سطح استان حدود ۲۳ میلیارد مترمکعب است. از این مقدار، بخش قابل‌ملاحظه‌ای بلافاصله پس از ریزش از طریق خاک و پوشش گیاهی دچار تبخیر و تعرق شده و به هوا برمی‌گردد. بخشی به صورت جریان سطحی (رودخانه‌های کوچک عمدتاً فصلی در کوهستان‌ها) درمی‌آید و یا به صورت سیلاب از دست می‌رود. حجم بارشی که به داخل زمین نفوذ کرده و باعث تغذیه آب‌های زیرزمینی دشت‌ها می‌شود حدود ۵,۲۰ میلیارد مترمکعب است. ولی میزان برداشت از آبخوان‌های استان حدود ۵,۷ میلیارد مترمکعب است. بنابراین، سالانه حدود ۵۰۰ میلیون مترمکعب آب زیرزمینی اضافه بر تغذیه استخراج می‌شود که به معنی بیملان منفی آبخوان‌های استان است. نتیجه آن افت سطح آب‌های زیرزمینی است که دارای عواقبی است که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

**اثرات اضافه برداشت**

مهم‌ترین اثرات اضافه برداشت از منابع آب زیرزمینی استان عبارتند از:

**۱- کاهش حجم ذخایر آب زیرزمینی استان**

اضافه برداشت باعث شده حجم منابع آب زیرزمینی ذخیره شده از آبخوان‌های استان به تدریج کاهش یابد. از آنجا که در



برای آب شرب یک سم محسوب می‌شود. در پایان، خاطرنشان می‌سازد که اگرچه چاره‌جویی برای مشکلات مطرح شده هدف این نوشتار نبوده است، ولی بدیهی است که چاره اصلی اجرای مدیریت جامع منابع آب استان است. موفق‌ترین دشت استان از نظر مدیریت منابع آب دشت بم بوده است که در آن اجازه حفر تعداد اندکی چاه داده شده است. لذا تنها تعداد اندکی از قنات‌های آن خشک شده‌اند و در حال حاضر بعضی از پرآب‌ترین قنات‌های ایران در این دشت قرار دارند. نشست زمین و سایر مشکلات ناشی از افت سطح آب‌های زیرزمینی در این دشت یا ایجاد نشده و یا خفیف بوده است. ♦♦

از مناطق در حال کاهش است. این کاهش کیفی می‌تواند شامل افزایش مقدار کل املاح و شور شدن آب، افزایش مقدار نیترات آب و افزایش مقدار فلزات سنگین (بویژه شبه‌فلز سمناک ارسنیک) باشد. براساس اطلاعات موجود، مقدار ارسنیک آب زیرزمینی در تعدادی از دشت‌های استان بیش از حد مجاز (۱۰ میکروگرم در لیتر) است و مقدار نیترات که از طریق کودهای کشاورزی و فاضلاب‌های شهری وارد آب زیرزمینی می‌شود تقریباً در تمام منابع آب زیرزمینی استان در حال افزایش است. مقدار مجاز آن ۵۰ میلی‌گرم در لیتر است که در بعضی مناطق به این رقم رسیده یا نزدیک شده است. نیترات نیز



شکل شماره (۴): شکاف ناشی از نشست زمین در دشت جیرفت

نشست زمین در استان است. از آنجا که این لایه‌های رسی بیشتر در قسمت‌های میانی دشت‌ها (سطوح کفه‌ای) توسعه دارند، شکاف‌های ناشی از نشست هم بیشتر در این قسمت از دشت‌های استان ظاهر شده و خواهند شد. فروچاله اختیارآباد کرمان (شکل شماره ۱)) در اثر افت سطح آب‌های زیرزمینی ایجاد شده و پیدایش شکاف‌های ناشی از نشست در دشت‌های کرمان، زرنند، رفسنجان، سیرجان، جیرفت، منوجان، نودژ و ارزوئیه گزارش شده است. در اثر آن خسارات زیادی به زمین‌های کشاورزی، چاه‌های بهره‌برداری، جاده‌ها و ساختمان‌ها وارد شده است (شکل‌های شماره (۲)، (۳) و (۴)).

#### ۷- کاهش کیفیت آب زیرزمینی

اضافه برداشت از آبخوان‌ها و افت سطح آب‌های زیرزمینی از طریق هجوم آب شور موجود در بخش‌های انتهائی دشت‌ها به آبخوان‌های غیر شور و نیز ورود آب شور اعماق بیشتر به چاه‌های عمیق باعث کاهش کیفیت منابع آب زیرزمینی می‌شود. همین عوامل باعث افزایش مقدار املاح آب‌های زیرزمینی استان؛ مثلاً در بخش‌هایی از دشت‌های سیرجان، رفسنجان و کرمان (منطقه زنگی‌آباد- اختیارآباد) شده است.

خاطرنشان می‌سازد که کیفیت منابع آب زیرزمینی استان توسط عوامل دیگری نظیر نفوذ فاضلاب‌های خانگی در شهرها و روستاها، آب برگشتی کشاورزی و آلاینده‌های صنعتی و معدنی نیز در بعضی





گفت‌وگو با «سروش طالبی اسکندری» دبیر کارگروه سیاست پژوهی اندیشکده آب ایران

## پرهیز از حذف سیستماتیک

سروش طالبی اسکندری، دبیر کارگروه سیاست پژوهی اندیشکده آب ایران در گفت‌وگو با ما می‌گوید که آب انتقالی بین حوضه‌ای، گران است و استفاده از آن در هر جا که باشد، نمی‌تواند هزینه‌ها را پوشش دهد و این گزاره که ما جایی آب اضافه داریم، یک توهم است. مسائلی که امروز در بخش آب داریم، تنها به موضوع بهره‌وری مربوط نمی‌شود و حتی در مواردی موضوع بهره‌وری، خود می‌تواند باعث حادثه شدن مشکل آب شود. میزان وابستگی به مصرف آب آنقدر زیاد شده که چالش‌های زیادی را به وجود آورده است و با وضعیت نامناسب به دلیل بارگذاری زیاد در منابع آب روبه‌رو هستیم. همچنین آمایش سرزمین می‌خواهد تجویز درست ارائه دهد، اما مسئله بسیار تعارض برانگیز است و در صحنه تعارض و نزاع بین گروه‌های مختلف، به نظر آمایش سرزمین باطل می‌شود.



در صنعت مصرف می‌شود بهره‌وری بالایی دارد. لذا این موضوع چالش مهمی ایجاد می‌کند. نکته مهم دیگری که جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خودش را دارد، این است که اساساً این گزاره که «ما جایی آب اضافه داریم، یک توهم است». از خوزستان گرفته تا جلگه‌های حاشیه خزر، ما جایی آب اضافه که قابل انتقال باشد، نداریم. همان‌طور که مستحضرید امسال در شالیزارهای گیلان مسئله تأمین آب وجود داشته، در خوزستان سال‌هاست چالش‌ها از ریزگردها گرفته تا کشاورزی و شرب، خودش را نشان داده است. لذا این موضوع باعث می‌شود که حوزه مبدأ نیز

♦♦ در مورد آسیب‌های احتمالی انتقال بین‌حوضه‌ای آب توضیح دهید و این‌که چه چاره‌ای برای به حداقل رساندن یا عدم انتقال بین‌حوضه‌ای متصور است؟

آسیب‌های احتمالی انتقال بین حوضه‌ای آب بسیار زیاد و متنوع است و شامل آسیب‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست-محیطی می‌شود.

در توضیح آسیب‌های اقتصادی باید گفت، اصولاً پروژه‌های انتقال آب نیاز به هزینه‌های سنگینی دارند و زیرساخت و هزینه اولیه موردنیاز آن‌ها بسیار گران‌قیمت خواهد بود و در نتیجه آب تأمین‌شده نیز گران‌درمی‌آید و در جایی که استفاده شود نمی‌تواند هزینه‌ها را پوشش دهد؛ حتی اگر

درگیر چالش‌های جدی شود. به عبارتی جامعه‌ای که قبلاً از آن آب استفاده می‌کرده، احساس بی‌عدالتی می‌کند و برای احقاق حق خود تلاش می‌نماید، موضوعی که مصادیق آن را زیاد دیده‌ایم؛ به‌عنوان مثال تخریب خط لوله، اعتراض و داستان‌هایی از این قبیل.

همچنین علاوه بر خط لوله انتقال که چالش‌های زیادی از جمله هزینه‌های بهره‌برداری و پمپاژ را ایجاد می‌کند، جنبه زیست‌محیطی دیگری که اخیراً پررنگ شده مربوط به آسیب‌هایی است که حفر تونل انتقال آب به آب‌های زیرزمینی و



برای پاسخ به این پرسش به سه نکته باید توجه نمود؛ اول این که در کشور فساد وجود دارد و پروژه‌های سنگین، منافع قابل توجهی دارند و برادران پروژه انجام بده، به چنین جریان‌های مالی که پراز فساد است، عادت و نیاز دارند؛ بنابراین راحت نمی‌شود با پروژه‌های بزرگ مخالفت کرد و همیشه توجیه‌هایی به دنبال آن می‌آید که در نهایت این پروژه‌ها اجرا می‌شوند. مورد دوم این است که هر کاری در راستای بهره‌وری نیازمند تعامل با جامعه است؛ چون همراهی جامعه به شکل‌های مختلف به‌عنوان یک کنشگر قوی لازم است. بخش شرب و کشاورزی به یک شکل و بخش‌های دیگر نیز هر کدام مسائل خاص خودش را دارد و این همراه شدن، نیازمند یک حکمرانی خوب است که توجه داشته باشد و در تعامل با متخصصان و کارشناسان دل سوز جامعه عمل کند. این مدل کارهایی که در راستای بهره‌وری انجام می‌شود، دردسرهایی خواهد داشت که هزینه‌های سیاسی و اجتماعی خیلی سنگینی برای دولت ایجاد می‌کند و بنابراین همین موضوع باعث شده که دولت در بسیاری مواقع سراغ این موارد نرود.

مورد سوم؛ اساساً حتی فساد هم به این شکل نباشد، اجرای موضوعاتی مثل ارتقاء بهره‌وری آب، کاهش مصرف آب در جهت حفظ سهم محیط‌زیست، کاهش مصرف آب توسط بالادست باهدف رسیدن آب به پایین‌دست، بازتخصیص از بخش‌های قبلی مصرف‌کننده (مانند کشاورزی در جهت رفع نیازهای ایجاد شده جدید در سایر بخش‌ها، مثل بخش شرب یا صنعت و مواردی از این قبیل) در هر جای دنیا که شباهت‌های اقلیمی وجود دارد و هم‌چنین در شرایطی که ما با آن مواجه هستیم، بسیار بسیار پیچیده خواهد بود. بدیهی است در مورد رودخانه آمازون صحبت نمی‌کنیم که منابع آبی آن برای هر نوعی از مصرف جوابگو است.

درمجموع بازی کردن و جابه‌جا کردن حقوق آب خیلی سخت و پیچیده است



نکته‌ای که وجود دارد این است که این آسیب بسیار پویا خواهد بود. ۳۰ سال پیش کسی تصور نمی‌کرد که جلگه خوزستان تبدیل به منشایی از ریزگرد می‌شود که نیمی از مساحت کشور را درگیر خود می‌کند و یا در مورد گیلان که ممکن است روزی با کمبود آب روبه‌رو شود و مواردی از این قبیل. لذا باید در نظر داشت ۲۰ تا ۳۰ سال آینده مسائلی وجود خواهد داشت که امروز نمی‌توان آن‌ها را پیش‌بینی نمود. درمجموع این تصور «که می‌شود آبی را منتقل کرد و برای مسائل و مشکلات آن از پیش چاره‌اندیشی کرد و آن‌ها را به حداقل رساند»، به نظر خیلی واقع‌بینانه نیست.

♦♦ چرا منابع مالی که صرف هزینه‌های سنگین انتقال آب می‌شود، صرف ارتقاء بهره‌وری در فرآیندهای موجود مصرف آب نمی‌شود، آیا ارتقای بهره‌وری مصرف آب در حد انتقال آب جوابگو نیست؟

زه‌کشی آن‌ها وارد می‌کند. در مورد ارائه راهکار باید گفت، بهتر است خیلی امیدوارانه به دنبال پاسخ به این سؤال نباشیم! شاید برای امروز که پروژه در حال اجراست بتوان فکری کرد و این آسیب‌ها را به حداقل رساند و مردم را راضی نگه داشت، اما با نگاه درازمدت به این پروژه، تونل‌هایی که به‌واسطه آن حفر می‌شوند و لوله‌ها و آبی که منتقل می‌شود تبدیل به یک بخشی از حیات اجتماعی مبدأ و مقصد منطقه خواهد شد و جلوی چشم مردم است و در هر خشکسالی، نفرین‌ها به سمت آن می‌آیند، تراکتورهایی که لوله را می‌شکنند! به عبارتی این خط لوله دقیقاً تبدیل به یک عضو از جامعه خواهد شد که قرار است با آن همزیستی کند، همزیستی که از همان ابتدا تعارض‌های جدی ایجاد کرده و باید منتظر آینده‌ای بود که این تعارض‌ها تبدیل به جنگ و این داستان‌ها شود.

بهره‌وری در مزرعه شده‌اند، اما در عوض آبی که قبلاً داخل زمین نفوذ می‌کرده و آبخوان‌ها از آن تغذیه می‌کردند و به‌واسطه آن زهکشی صورت می‌گرفته و جریان پایدار رودخانه و تالاب حفظ می‌شده، الان از بین رفته است؛ بنابراین در خیلی از موارد باید به موضوع بهره‌وری با دید انتقادی نگاه کرد و خیلی چشم بسته به سمت آن حرکت نمود.

### ♦♦ توسعه فعالیت‌های اقتصادی آب چقدر

#### مبتنی بر معیار و چقدر بی‌رویه است؟

فعالیت‌های اقتصادی آب چه فعالیت‌های اقتصادی صحیحی که با معیار میزان مصرف آب سنجیده می‌شوند و چه فعالیت‌های اقتصادی که با پروژه‌های آبی و آب‌رسانی، شبکه‌های آب‌رسانی، سد و غیره همراهند را شاید خیلی ساده نشود با معیارهایی از پیش مشخص و جهان‌شمول بررسی نمود و باید مورد به مورد در خصوص آن‌ها صحبت کرد. به‌طور کلی موضوع کاملاً آشکار این است که میزان مصرف آب و در واقع میزان وابستگی به مصرف آب آن‌قدر زیاد شده که چالش‌های زیادی را به وجود آورده، از جمله این که در موارد زیادی حقوق محیط‌زیست یا حقوق بهره‌برداران تأمین نمی‌شود و یا قیمت تمام شده آب خیلی بیشتر از گذشته است.

بنابراین اگرچه معتقدم که سراغ معیارهای دقیق و سفت‌وسخت نرویم، اما می‌توان گفت وضعیت نامناسبی که به دلیل بارگذاری زیاد در منابع آب داریم، قابل کتمان نیست.

### ♦♦ آمایش سرزمین متناسب با منابع آب

تجدید پذیر در گذشته مورد بی‌توجهی قرار گرفته است، امروزه و برای آینده چه اندیشیده شده است؟

در ادامه سؤال قبل به اعتقاد من آمایش سرزمین نیز یکی از همان معیارهای از پیش مشخص شده است که می‌خواهد تصویری با جزئیات کامل و شرایطی ایده‌آل

### ♦♦ بهبود در وضعیت منابع آب از طریق

#### افزایش بهره‌وری، معطل چه عوامل و اقداماتی است؟

با وجود مواردی که در سؤال قبل اشاره شد بخشی از راه‌حل مسئله این است که باید شکلی از تولید اجرا شود که با مصرف آب کمتر بتوان ارزش بیشتری را خلق کرد؛ برای این منظور وجود عواملی مثل زیرساخت، دانش، آموزش و تعامل دولت و مردم می‌تواند تأثیرگذار باشد. البته باید به این موضوع توجه کرد لزوماً مسائلی که ما امروز در آب داریم، تنها به موضوع بهره‌وری بر نمی‌گردد و حتی در مواردی بهره‌وری می‌تواند خود باعث حادث شدن مشکل آب شود؛ برای مثال در مناطقی که روی بهره‌وری آب تمرکز شده به ازای مصرف آب، تولید ارزشمندتری صورت گرفته و همین موضوع باعث هجوم بیشتر به منابع آب شده است. مثال دیگر این که اگر بهره‌وری را در مقیاس مزرعه در نظر بگیریم، درست است سیستم‌های آبیاری تحت فشار باعث ایجاد

نکته مهم دیگری که جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خودش را دارد، این است که اساساً این گزاره که «ما جایی آب اضافه داریم، یک توهم است». از خوزستان گرفته تا جلگه‌های حاشیه خزر، ما جایی آب اضافه که قابل انتقال باشد، نداریم. همان‌طور که مستحضرد امسال در شالیزارهای گیلان مسئله تأمین آب وجود داشته، در خوزستان سال‌هاست چالش‌ها از ریزگردها گرفته تا کشاورزی و شرب، خودش را نشان داده است. لذا این موضوع باعث می‌شود که حوزه مبدأ نیز درگیر چالش‌های جدی شود. به عبارتی جامعه‌ای که قبلاً از آن آب استفاده می‌کرده، احساس بی‌عدالتی می‌کند و برای احقاق حق خود تلاش می‌نماید، موضوعی که مصادیق آن را زیاد دیده‌ایم؛ به‌عنوان مثال تخریب خط لوله، اعتراض و داستان‌هایی از این قبیل.

و مسائلی به وجود می‌آورد که تاریخی از حقوق و تعارض را به دوش می‌کشد و در این خصوص روایت‌های مختلفی نقل شده است. لذا در دولت‌هایی مثل آمریکا، اسپانیا و استرالیا نیز شرایط مشابهی است و دولت‌ها به پروژه‌هایی که صفر تا صد آن‌ها مشخص است و فقط باید برای آن هزینه کنند، بیشتر علاقه‌مند هستند و با آن راحت‌تر کنار می‌آیند.

### ♦♦ بهره‌وری آب در ایران و جهان و کشورهای

#### منطقه را چگونه مقایسه می‌کنید؟

بهره‌وری در آب را می‌توان این‌طور تعریف کرد که به ازای هر مترمکعب چه مقدار محصول تولید یا چه قدر ارزش خلق می‌کنیم. با مقایسه میزان بهره‌وری در بخش‌های مختلف بررسی می‌شود که بهره‌ور هستیم یا خیر؟

موضوع بهره‌وری آب کمی پیچیده‌تر از تعریف آن است. اولاً مصرف آب کارکردهای دیگری هم غیر از تولید ارزش افزوده دارد، ثانیاً برای تولید ارزش افزوده اقتصادی آب تنها نهاده نیست. میزان بهره‌وری بنا به موارد مصرف متفاوت است؛ برای مثال بهره‌وری آبی که باهدف ایجاد شغل برای بخشی از جامعه روستانشین یا تأمین بخشی از نیاز غذایی مصرف می‌شود خیلی کمتر از میزان بهره‌وری آبی است که در یک صنعت هایتک مصرف می‌شود، اما این موضوع به این معنی نیست که لزوماً هر جایی که بهره‌وری بیشتر است پس مصرف آب مناسب‌تر است، چون به‌این‌ترتیب اصلاً نباید آبی به کشاورزان داد و این موضوع ممکن و منطقی نیست. در بهره‌وری علاوه بر جنس فعالیت اقتصادی؛ عوامل دیگری هم تأثیرگذار هستند؛ از جمله وضعیت خاک و اقلیم، میزان خبرگی نیروی انسانی و داشتن دانش‌های لازم، فراهم بودن زیرساخت‌ها و غیره. لذا وقتی تعریف دقیقی از بهره‌وری در دست نیست، مقایسه کردن نه کار راحتی است و نه لزوماً نتیجه این مقایسه معیار اساسی برای تصمیم‌گیری است.



ارائه دهد که آب باید به این شکل مصرف شود، فعالیت‌های اقتصادی این‌گونه باشند، سکونت انسان و توزیع فضایی فعالیت‌ها و جمعیت باید این شکل مطلوب را داشته باشد. در صورتی که اگر با جزئیات بیشتری به این موضوع توجه کنیم، درمی‌یابیم که در مورد مسائلی صحبت می‌کنیم که بسیار تعارض برانگیز هستند و در واقع صحنه‌ای از تعارض و نزاع بین گروه‌های مختلف وجود دارد و برای دعویایی که ممکن است چند ده سال سابقه داشته باشد، یک جمع متخصص، دولتی، نخبه یا خبره نمی‌تواند فرمول مشخصی ارائه دهند؛ برای مثال در مسئله زاینده‌رود گروهی از حقوق محیط‌زیست، عده‌ای از کشاورزانی که چند نسل از آب استفاده می‌کردند، گروهی از شهر و پایداری آن و آثار باستانی شهر دفاع می‌کنند و در این بین ممکن است گروهی بر این عقیده باشند که چرا باید فعالیت اقتصادی منطقه مثل سدسال پیش باشد و باید صنایع جدید از آب برخوردار شوند و غیره؛ بنابراین آمایش سرزمین به اعتقاد من باطل می‌شود، چون ما در مورد یک تعارضی صحبت می‌کنیم که از قبل

نمی‌توان گفت کدام یک از گروه‌ها درست می‌گویند و بقیه حرف‌هایشان باطل است. ولی آمایش می‌خواهد «تجویز درست» را ارائه دهد.

### ♦♦ مهم‌ترین سیاستی که برای مدیریت آب، بویژه در مناطقی که پرائر کم‌آبی با مشکلات مواجهند باید اتخاذ شود، چیست؟

به اعتقاد من پاسخ این سؤال نمی‌تواند جواب ساده‌ای داشته باشد چون اگر چنین بود تاکنون می‌بایست راه‌حل ارائه می‌شد و مسئله حل شده بود.

به‌طور کلی در موضوع حکمرانی آب باید شرایطی فراهم شود که گروه‌های مختلفی که در این تعارض حضور دارند و مصداق آن را در مثال زاینده‌رود آوردیم، بتوانند با صدای خودشان مطالبه گر باشند و حق خودشان را پیگیری کنند و به‌صورت سیستماتیک هیچ گروهی حذف نشود؛ برای مثال این‌طور نباشد که محیط‌زیست حامیانی با صدایی بلند نداشته باشد، حتی اگر هیچ‌کدام از انسان‌ها به فکرشان نرسد، نهایتاً محیط‌زیست ممکن است کارش به‌جایی برسد که خود صدایش را بلند کند و ریزگرد

و فرونشست زمین صدای محیط‌زیست شود و خودش را فریاد بزند و به این شکل جلوی حذف سیستماتیک خود را بگیرد. من به‌عنوان یک کارشناس و شما به‌عنوان یک رسانه باید تلاشمان این باشد که قبل از این که کار به جایی برسد که آن صدا از قعر چاه بیرون بیاید و مدت زیادی از حذف شدن آن گذشته باشد، به مرئی و شنیدنی شدن هر کدام از گروه‌های درگیر موضوع آب کمک کنیم و صدایشان را منعکس و به تقویت آن‌ها کمک نماییم.

شاید این راهکاری که من ارائه کردم با آن اصطلاح سیاستی که شما مطرح می‌کنید خیلی هماهنگ نباشد چون دولت‌ها در همه دنیا و شاید در کشوری همچون ایران بیشتر، تمایل دارند که گروه‌های مختلف تشکیل نشوند و مطالبه‌گری نکنند؛ برای مثال یک‌زمانی دولت برای حل مسئله آب، ساخت سد را پیشنهاد داد. در آن زمان کسی از پایین دست اعتراض نمی‌کرد که این کار در چهل سال آینده برای او دردسرساز است و یا آن بالادستی سد در مورد حق خودش حرفی نمی‌زد و یا روستاهایی که تخلیه می‌شدند خیلی صدایی نداشتند و دولت کارش را راحت انجام می‌داد. اساساً دولت تمایل به جامعه‌ای دارد که سر تعظیم جلویش خم کند و به اصطلاح «آش را با جاش» در اختیار دولت دانای عاقل، مدیر و مدبر قرار دهد که هر کاری که دوست دارد، انجام دهد، تجربه چند دهه گذشته به ما نشان داده که دولت با این رویکرد دیگر راه به جایی نمی‌برد.

در مجموع آن تصویر و آن چشم‌انداز مطلوبی که من از آب می‌سازم، به‌واسطه همین پژوهش‌های انتقادی، رسانه‌ها و مهم‌تر از این‌ها تشکل‌های کشاورزی، شهروندی و محیط‌زیستی تمایل دارد که بیشتر تلاش کند خارج از دولت آن را محقق نماید. در پایان اگر بخواهم تحت فشار بگویم که سیاست چه کمکی می‌تواند کند؛ پیشنهاد می‌کنم که افراد دغدغه‌مند دولتی تلاش کنند تا جلوی حذف سیستماتیک را بگیرند. ♦♦



# سازگاری با کم‌آبی؛ ایده‌ها و واقعیت‌ها

حسین زراعتکار  
کارشناس آب‌های زیرزمینی



غیرمجاز، تعدیل پروانه‌های بهره‌برداری از چاه‌های مجاز، نصب کنتورهای هوشمند، توسعه آبیاری تحت فشار، اجرای الگوی کشت، توسعه صنایع کم‌آبرو و نیز بازچرخانی آب در صنایع اشاره نمود. اکنون که بیش از ۵ سال از تصویب طرح سازگاری با کم‌آبی می‌گذرد، می‌توانیم ارزیابی کلی از نتایج این طرح داشته باشیم. واقعیت این است که نتایج به‌دست‌آمده جایی برای امیدواری زیادی باقی نمی‌گذارد. البته ممکن است به‌عنوان مثال تعداد محدودی از ۱۱ هزار حلقه چاه غیرمجاز در سطح استان مسدود و مسلوب‌المنفعه شده باشند و یا این‌که بر روی کاغذ، اصلاحات متعددی در جهت تعدیل پروانه‌های بهره‌برداری به‌عمل آمده، باشد و یا تعدادی کنتور حجمی بر روی چاه‌ها نصب‌شده باشد، اما مهم نتایج این اعمال بر روی زمین است. مهم این است که تا چه میزان از بحران آب کاسته شده باشد، از افت مداوم سطح آب در دشت‌ها جلوگیری به‌عمل آمده و یا جلوی کم‌آبی شدن، خشک شدن و افزایش شوری آب گرفته شده باشد. این‌ها مسائلی هستند که مصرف‌کنندگان از جمله صاحبان چاه‌ها با تمام وجود آن را لمس می‌کنند و اگر از این زاویه به موضوع نگاه کنیم،

در بهمن‌ماه سال ۱۳۹۶ ایده اولیه طرح سازگاری با کم‌آبی توسط وزرای نیرو، صنعت و معدن، کشاورزی و سازمان محیط‌زیست طی نامه‌ای به رییس‌جمهور وقت پیشنهاد شد. وزرای فوق در این نامه اعلام کردند که فشارهای وارده بر منابع آب و تأمین آب برای نیازهای جدید نیازمند اتخاذ رویکردهای نوین به مدیریت منابع آب می‌باشد و از آنجا که بحران آب موضوعی فرابخشی است و از آنجا که بحران آب نیز تنها از طریق همکاری بین همه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و ذینفعان مختلف امکان‌پذیر است. پس از این نامه در هیئت دولت کارگروهی با نام سازگاری با کم‌آبی با مسئولیت وزیر نیرو و عضویت وزیران جهاد کشاورزی، کشور، صنعت و معدن و رؤسای سازمان‌های حفاظت محیط‌زیست و برنامه‌بودجه تشکیل گردید. با توجه به بحران‌های شدید منابع آب و نگرانی دست‌اندرکاران و مردم، امیدهای زیادی به این کارگروه برانگیخته شد. پس از بررسی‌های انجام‌گرفته، هدف اصلی از این طرح، ایجاد توازن بین تولید و مصرف منابع آب و نیز بهبود شرایط کلی سفره‌های آب اعلام گردید. جهت رسیدن به این هدف اعلام شد که لازم است حدود ۱۱ میلیارد مترمکعب از مصارف سالانه آب کشور تا پایان برنامه هفتم توسعه، کاهش یابد. به این منظور در کلیه استان‌ها، کارگروه سازگاری با کم‌آبی زیر نظر استانداری تشکیل و مقرر گردید جهت رسیدن به اهداف فوق، برنامه‌های خود را ارائه نمایند. در استان کرمان این کارگروه، هدف اصلی را کاهش ۱٫۸ (یک و هشت‌دهم) میلیارد مترمکعب از مصارف فعلی تا پایان برنامه هفتم اعلام نمود. جهت رسیدن به این هدف وظایف مختلفی برای سازمان‌ها تعیین گردید که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به انسداد چاه‌های

به نظر نمی‌رسد اتفاق خاصی افتاده باشد. حال جای این سؤال باقی می‌ماند که پس مشکل کجاست؟ برای پاسخ به این سؤال لازم است مروری برگزشته داشته باشیم. مشکلات منابع آب تقریباً از دهه هزار و سیصد و سی به بعد و به دلیل تغییر در شیوه حفاری چاه‌ها خود را نشان داد. با ورود دستگاه‌های حفاری جدید، شیوه حفر چاه‌ها از روش سنتی و دستی تغییر یافت. به‌تدریج تعداد چاه‌ها افزایش یافت و اولین نشانه‌های پایین رفتن سطح آب پدیدار گردید در ادامه و با افزایش تعداد چاه‌ها و افت سطح آب در بعضی از مناطق، در سال ۱۳۴۷ اولین قانون مدون و تقریباً جامع در مورد منابع آب با نام قانون آب و نحوه ملی شدن آن از تصویب مجلس شورای ملی آن زمان گذشت. طبق این قانون از آن زمان آب ملی گردیده و مدیریت آن در اختیار دولت قرار گرفته است، درحالی‌که قبل از آن مالکیت آب از آن اشخاص بوده و دولت نقش چندانی در چگونگی توزیع و مصرف نداشته است. بر اساس همین قانون کلیه دشت‌هایی که در آن‌ها افت سطح آب

**واقعیت این است که نتایج به‌دست‌آمده جایی برای امیدواری زیادی باقی نمی‌گذارد. البته ممکن است به‌عنوان مثال تعداد محدودی از ۱۱ هزار حلقه چاه غیرمجاز در سطح استان مسدود و مسلوب‌المنفعه شده باشند و یا این‌که بر روی کاغذ، اصلاحات متعددی در جهت تعدیل پروانه‌های بهره‌برداری به‌عمل آمده، باشد و یا تعدادی کنتور حجمی بر روی چاه‌ها نصب‌شده باشد، اما مهم نتایج این اعمال بر روی زمین است.**

مصرف‌کننده آب در کشور است، یک اجماع واقعی به وجود نیامده است.

به نظر می‌رسد ریشه همه این مشکلات به یک موضوع اصلی برمی‌گردد و تا زمانی که به‌طور اساسی حل نگردد، راه‌حل‌های ارائه‌شده نیز نمی‌توانند نتایج ملموسی به بار آورند و آن عدم همدلی و احساس مشترک بین صاحبان چاه‌ها و مسئولان است. متأسفانه در کلیه تصمیمات، جایی برای مشارکت صاحبان منابع در نظر گرفته نشده و به همین دلیل کشاورزان که مصرف‌کنندگان اصلی منابع آب هستند، مشکل را از آن خود نمی‌دانند و برای رفع آن هم رغبت چندانی نشان نمی‌دهند و این موضوع زمانی حل می‌گردد که آنان حس کنند خودشان در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت دارند و به‌اصطلاح به بازی گرفته می‌شوند. در طرح سازگاری با کم‌آبی هم همین مشکل وجود دارد. با وجود این‌که علاوه بر وزارت نیرو ظاهراً دستگاه‌های دیگر دولتی مشارکت دارند، اما در هیچ‌کدام از تصمیمات اثری از نقش صاحبان چاه‌ها دیده نمی‌شود. نادیده انگاشتن نقش مردم در مدیریت منابع آب که صاحبان واقعی آن هستند، مشکلی است که از سال ۱۳۴۷ و با تصویب اولین قانون جامع منابع آب شروع شده و طی دهه‌های بعد همچنان ادامه یافته است. قابل ذکر است که در یک شرایط ایده‌آل، لازم است نقش دولت از یک مدیر تمام‌عیار به یک ناظر عالی کاهش پیدا کند. ناظری که صرفاً بر میزان کلی مصرف در هر منطقه نظارت نماید و مدیریت مصرف را به خود ذینفعان بسپارد. اما این نکته را نیز باید بپذیریم که رسیدن به چنین مدلی از مدیریت منابع آب در شرایط فعلی بی‌شتریک آرزو است؛ زیرا هم به بستر اجتماعی نیاز دارد که در حال حاضر مهیا نیست و هم به اصلاح ساختارها و تصویب و تغییر قوانین موردنیاز در مجلس شورای اسلامی.

بنابراین واقع‌نگری به ما می‌آموزد که حداقل باید تلاش نمود تا با مشارکت صاحبان چاه‌ها در تصمیم‌گیری‌ها، زمینه همدلی بین آن‌ها و مسئولان دولتی حاصل شود؛ زیرا شرایط بحرانی منابع آب در کشور ما موضوعی نیست که بتوان به‌سادگی از آن گذشت. آینده ما منوط به رفتارهای امروزی ما است؛ آینده‌ای که متأسفانه به‌شدت نگران‌کننده است. ♦♦



شورای اسلامی بود. بر طبق این قانون مقرر گردید با تشخیص وزارت نیرو چاه‌هایی که قبل از سال ۱۳۸۵ حفر شده‌اند با شرایطی مجوز بگیرند و چاه‌های بعد از آن پرو و مسلوب‌المنفعه گردند؛ موضوعی که هنوز به‌صورت لاینحل باقی‌مانده است. در سال ۱۳۹۳، طرح تعادل بخشی در شورای عالی آب به تصویب رسید. در این طرح در ابتدا ۱۵ پروژه پیش‌بینی شده بود که از جمله مهم‌ترین آن‌ها انسداد چاه‌های غیرمجاز و نصب کنتور حجمی بر روی چاه‌های مجاز بود. پس از آن در سال ۱۳۹۴ دستورالعملی از طرف وزارت نیرو صادر گردید که چگونگی اجرای قانون تعیین تکلیف در مورد چاه‌های غیرمجاز را مشخص می‌نمود. اما واقعیت این است که با وجود همه این قوانین، طرح‌ها و دستورالعمل‌ها و هزینه‌های فراوان بحران آب نه‌تنها رفع نگردیده بلکه هر روز بر ابعاد آن افزوده شده است.

حال باید دید با وجود آن‌که تقریباً هیچ‌کدام از طرح‌ها و برنامه‌های وزارت نیرو و نیز قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی به نتایج دلخواه نرسیده است، در طرح سازگاری با کم‌آبی چه رویکرد جدیدی مطرح گردیده تا جایی برای خوش‌بینی و امیدواری وجود داشته باشد؟ شاید مهم‌ترین تغییری که می‌توان در طرح سازگاری دید، درخواست از دیگر دستگاه‌ها از جمله وزارت جهاد، صنایع و معادن، محیط‌زیست و غیره جهت همکاری با طرح است. متأسفانه حتی در همین زمینه نیز هماهنگی کامل دیده نمی‌شود. حتی بین وزارت نیرو که مدیریت منابع آب را عهده دارد و وزارت جهاد کشاورزی که اصلی‌ترین

مشاهده گردید به دستور دولت ممنوعه گردیده و از آن پس حفر چاه در این مناطق ممنوع شد و در دیگر مناطق نیز مقرر شد هر کس بخواهد از منابع آب استفاده کند موظف است مجوز آن را از دولت بگیرد، اما متأسفانه در عمل چنین اتفاقی نیفتاد و مخصوصاً پس از وقوع انقلاب اسلامی، بسیاری افراد از خلأ نهادهای قانونی و نیز ناآگاهی بعضی از دست اندرکاران که نه‌تنها جلوی حفر چاه‌های غیرمجاز را نمی‌گرفتند بلکه گاهی مشوق آنان نیز بودند، استفاده کرده و تعداد زیادی چاه را در اقصی نقاط کشور به‌صورت غیرقانونی حفر کردند. در سال ۱۳۶۱ با تصویب قانون توزیع عادلانه آب در مجلس شورای اسلامی، سعی گردید مشکل چاه‌های غیرمجاز حل گردد، اما آنچه در عمل اتفاق افتاد، قانونی شدن بسیاری از چاه‌های غیرمجاز از طریق شرکت‌های آب منطقه‌ای و یا دادگاه‌ها با تمسک به تبصره ذیل ماده ۳ همین قانون بود. در این تبصره قید شده بود، اگر هر کدام از این چاه‌ها به تشخیص دو کارشناس مضر به مصالح عمومی تشخیص داده شوند باید پرو و مسلوب‌المنفعه گردند. بنابراین بحث فنی مطرح نبود، بلکه مصلحت در جایگاه بالاتری قرار می‌گرفت و بنا به همین مصلحت‌ها در اکثریت قریب به اتفاق این‌گونه چاه‌ها مجوز قانونی گرفتند. همین مسئله، مشوق بسیاری از افراد سودجو جهت حفر چاه‌های غیرمجاز جدید گردید. بنابراین نه‌تنها مشکل حل نشد، بلکه مشکلات جدیدی هم به وجود آمد. اقدام بعدی در سال ۱۳۸۹ تصویب قانونی به نام تعیین تکلیف چاه‌های غیرمجاز در مجلس



# رویدادها



منبع اخبار: روابط عمومی اتاق کرمان

[www.otagh-bazargani.com](http://www.otagh-bazargani.com)

## واحد آموزش اتاق کرمان رتبه یک برتر را در بین اتاق‌های کشور کسب کرد

(۲۱ فروردین، ۱۴۰۲)

واحد آموزش اتاق کرمان برای هشتمین سال متوالی از سوی اتاق ایران در گروه اتاق‌های دارای رتبه یک برتر قرار گرفت. براساس اعلام موسسه آموزشی و پژوهشی اتاق ایران، این رتبه برای برگزاری سمینارهای آموزشی در اتاق کرمان طی سال ۱۴۰۱ اختصاص داده شده است. واحد آموزش اتاق کرمان در سال ۱۴۰۱ در مجموع ۱۳۵ دوره و سمینار آموزشی را برگزار کرده که در مجموع ۷ هزار و ۲۳۳ نفر معادل ۳۶ هزار و ۷ نفر ساعت در این برنامه‌های آموزشی شرکت داشتند.



## تولید محصول با کیفیت، ارزش افزوده ایجاد می‌کند

(۰۷ اردیبهشت، ۱۴۰۲)

سیدمهدی طیب زاده در هشتاد و چهارمین نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان با موضوع بررسی راهکارهای تولید صادرات محور افزود: کرمان از نظر حجم تولید محصولات مختلف مشکلی ندارد و در جنوب و شمال استان محصولات متنوعی تولید می‌شود اما باید تولید صادرات محور و با کیفیت مدنظر قرار گیرد. وی ادامه داد: سعی می‌شود در سال جاری مسائل مهم مربوط به صادرات و بحث سرمایه‌گذاری مطرح شود تا تولید با کیفیت در مسیر صادرات افزایش یابد.

در ادامه استاندار کرمان با بیان اینکه رهبر معظم انقلاب در سال جاری اولین و مهم‌ترین مسئله کشور را اقتصاد، مهار تورم و رشد تولید عنوان کردند، گفت: برخی دستگاه‌های دولتی نگاه مثبتی به تولید و تولیدکننده ندارند و بخشی از عدم حمایت از تولید به دلیل مشکلات فرهنگی است.

رییس کل دادگستری استان کرمان نیز در این نشست با اشاره به نام‌گذاری امسال با عنوان مهار تورم و رشد تولید گفت: باید به هر دو مسئله توجه کنیم زیرا مکمل یکدیگر هستند و اگر تورم مهار نشود، حتماً به تولید و همچنین صادرات لطمه می‌زند. حجت‌الاسلام ابراهیم حمیدی با تأکید بر اینکه در بحث صادرات نباید صرفاً به ظرفیت‌های بالای استان توجه داشت، تصریح کرد: باید به ظرفیت‌های کوچک‌تر نیز توجه کرد و چتر حمایتی باید بر سر صنایع کوچک و محصولات گلخانه‌ای و کشاورزی قرار گیرد.

رییس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی گفت: صادرات یکی از حلقه‌های متصل به تولید است اما مسائل مربوط به بازگشت ارز حاصل از صادرات و نرخ تثبیت تعهدات ارزی چالش اساسی امروز ما در حوزه صادرات است.

در ادامه رییس مجمع نمایندگان استان کرمان در مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه رشد تولید از مسیر صادرات ارزیابی می‌شود، گفت: اعمال سلیقه‌ها در صادرات محصولات کشاورزی خطرناک است که باید حذف شود.

گفتنی است در این نشست گزارش‌هایی با موضوع «عملکرد شورای گفت‌وگو در سال ۱۴۰۱» و «الزامات رشد و توسعه تولید صادرات محور در استان» ارائه شد، تقویم برگزاری نشست‌های شورا در سال ۱۴۰۲ به تصویب رسید و از اعضای شورا تجلیل شد.





## کارگاه آموزشی انواع روش‌های تأمین مالی در بازار سرمایه برگزار شد

(۱۳ اردیبهشت، ۱۴۰۲)

کارگاه آموزشی انواع روش‌های تأمین مالی و حمایت‌های موجود ویژه شرکت‌های تولیدی و دانش‌بنیان در بازار سرمایه با حضور رییس کمیسیون امور زیربنایی و سرمایه‌گذاری اتاق کرمان و مدیر نظارت بر بازار اولیه سازمان بورس و اوراق بهادار کشور و جمعی از فعالان اقتصادی برگزار و روش‌های متعدد تأمین مالی ارائه شد.



## کارگاه آموزشی فرهنگ‌سازی سواد مالی، ویژه دانش آموزان برگزار شد

(۱۳ اردیبهشت، ۱۴۰۲)



کارگاه آموزشی فرهنگ‌سازی سواد مالی ویژه دانش آموزان استعدادهای درخشان کرمان با حضور کارشناس سازمان بورس و اوراق بهادار و مدرس سواد مالی در محل مدرسه اتاق بازرگانی کرمان برگزار شد. گفتنی است در این نشست رابطه درآمد و هزینه و همچنین ریسک و بازدهی بیان و آموزش‌های لازم ارائه شد.

## رییس سازمان بورس: سهم تأمین مالی بخش خصوصی از بازار سرمایه افزایش می‌یابد

(۱۴ اردیبهشت، ۱۴۰۲)

رییس سازمان بورس و اوراق بهادار گفت: یکی از هدف‌گذاری‌های ما در سال جاری این است که بتوانیم تأمین مالی بخش خصوصی از بازار سرمایه را افزایش دهیم.

مجید عشقی در نشست بررسی تأمین مالی طرح‌های اولویت‌دار استان کرمان از بازار سرمایه افزود: سال گذشته ۱۲۰ هزار میلیارد تومان انتشار اوراق دولتی انجام شد که نسبت به سال قبل از آن کاهش یافته بود و در مقابل انتشار اوراق شرکتی افزایش داشت. وی ادامه داد: انتشار اوراق شرکت‌های بورسی و غیربورسی را به شدت گسترش خواهیم داد و هدف این است که این ارتباطات برقرار و ایجاد شود و در ادامه به صورت عملیاتی برای شرکت‌ها کار کنیم.

استاندار کرمان نیز در این نشست بیان کرد: شرکت‌های کرمانی ظرفیت بسیار خوبی دارند، اما روش‌های تأمین مالی مانند دریافت تسهیلات کاملاً سنتی است و یکی از اقدامات مهم ما در کرمان تأمین منابع مالی شرکت‌هاست. فداکار، حمایت خود را از شرکت‌های استان و ظرفیت آن‌ها برای فعالیت در بازار سرمایه اعلام کرد.



در ادامه رییس اتاق کرمان گفت: در شرایطی که بانک‌ها محدودیت‌های بسیاری در تأمین منابع مالی دارند و سرمایه‌گذاران نیز به دلیل بهره بردن از سود بیشتر، تمایل کمتری برای سرمایه‌گذاری دارند ضرورت استفاده از تأمین مالی از بازار سرمایه برای کرمان حیاتی است. رییس کمیسیون امور زیربنایی و سرمایه‌گذاری اتاق کرمان نیز در این نشست گفت: استان کرمان با این‌همه ظرفیت کشاورزی، صنعتی، معدنی و غیره فاقد هرگونه نهاد مالی است و برای راه‌اندازی شرکت سهامی عام در استان با ترکیبی از سهامداران خصوصی، معتبر و حرفه‌ای تصمیماتی اتخاذ شده است.

همچنین محسن ضرابی عضو هیئت نمایندگان اتاق کرمان افزود: سازمان بورس به دلیل برخی نگرانی‌های ایجاد شده در پذیرش شرکت‌های پیمانکاری نیز مقاومت دارد که همراهی در این موضوع نیز مجدداً درخواست می‌شود. عضو دیگر هیئت نمایندگان اتاق کرمان حمید عزت‌آبادی پور خاطرنشان کرد: در کرمان منابع بسیاری وجود دارد اما این منابع نقشی در توسعه صنعتی استان ندارند که در همین راستا اتاق کرمان در نظر داشت شرکت‌های عام سهام پروژه را ایجاد کند که متأسفانه شرکت‌های معدنی و تولیدی بزرگ استان از مشارکت با بخش خصوصی استقبال نکردند. گفتنی است در این نشست جمعی از فعالان اقتصادی و مدیران بنگاه‌های اقتصادی به بیان پرسش‌های خود در حوزه بورس پرداختند و پاسخ‌های لازم را دریافت کردند.



## همایش معرفی ابزارهای نوین تأمین مالی از طریق بازار سرمایه برگزار شد

(۱۴ اردیبهشت، ۱۴۰۲)

همایش معرفی ابزارهای نوین تأمین مالی از طریق بازار سرمایه با حضور رییس سازمان بورس و اوراق بهادار، مدیران عامل شرکت‌های فرابورس و بورس کالا، استاندار کرمان، رییس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، رییس و اعضای هیئت نمایندگان اتاق کرمان و جمعی از فعالان اقتصادی برگزار شد.

رییس اتاق کرمان در این همایش با بیان اینکه پاشنه آشیل بسیاری از پروژه‌های کرمان، تأمین مالی است، گفت: با حضور مدیران بورس کشور در نشستی با راه‌اندازی ۵ شرکت سهامی عام پروژه موافقت شد و همچنین به تصمیمی برای ایجاد شرکت تأمین سرمایه از نهادهای مالی مورد نیاز، روش‌های تأمین مالی و همه روش‌هایی که بتوانند به این حجم از سرمایه‌گذاری‌های استان کمک کند، رسیدیم. استاندار کرمان نیز در این همایش بیان کرد: حضور مدیران بورس در کرمان می‌تواند آغاز حرکت جدیدی در حوزه سرمایه‌گذاری و تأمین سرمایه باشد تا بتوان از روش‌های تأمین مالی سنتی به سمت شیوه‌های مدرن پیش رفت.

در ادامه رییس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی گفت: نیاز استان کرمان استفاده از ظرفیت‌های همه‌جانبه بازار سرمایه است که نیازمند توسعه فعالیت‌های بورس تهران، فرابورس، بورس کالا و بورس انرژی در استان هستیم.

رییس سازمان بورس و اوراق بهادار گفت: ارتباط صحیحی بین بورس و فعالان اقتصادی و شناخت کافی از فعالیت‌های بورس ایجاد نشده و در دو روز سفر به کرمان عدم آشنایی با ابزارهای بازار سرمایه مشهود بود. مجید عشقی افزود: مهم‌ترین نکته در بحث سرمایه‌گذاری، بحث اعتمادسازی است که پروژه و بنگاه اقتصادی می‌تواند با پوشش ریسک‌های مرتبط با آن سودآوری بیشتر را داشته باشد و معتقدیم بخش خصوصی باید بازیگر اصلی این جریان باشد.

مدیرعامل شرکت فرابورس ایران نیز در ادامه این نشست افزود: فرابورس از سال ۱۳۸۸ فعالیت رسمی خود را آغاز کرده که کارکردهای متفاوتی با مقررات مجزا دارد. محمدعلی شیرازی، با اشاره به اینکه ۵ شرکت از استان کرمان بزودی در بازار اول و دوم فرابورس ارائه می‌شوند، خاطرنشان

کرد: بازار مربوط به شرکت‌های کوچک و متوسط تاکنون کم رونق بوده که در حال حاضر شرایط پذیرش را باهدف ورود شرکت‌ها بسیار سهل کرده‌ایم.

مدیرعامل شرکت بورس کالای ایران، گفت: سال گذشته بورس کالا فعالیت خوبی داشت و رکوردها همه جهش یافت به طوری که ارزش معاملات ما به هزار همت رسید. سیدجواد چهرمی افزود: استان کرمان ۱۰ درصد ارزش معاملات بورس کالا را به خود اختصاص داده و شرایط خوبی برای شرکت‌های کرمانی در بورس کالا وجود دارد.

گفتنی است پس از این همایش، نشست تخصصی بررسی ظرفیت‌های تأمین مالی فرابورس و بورس کالا همراه با پرسش‌های فعالان اقتصادی برگزار شد.



### اتاق کرمان و اتاق بوداپست مجارستان تفاهم‌نامه همکاری امضا کردند

(۱۶ اردیبهشت، ۱۴۰۲)



در راستای توسعه همکاری‌های اقتصادی بین استان کرمان و کشور مجارستان، پس از برگزاری نشستی با حضور رییس اتاق کرمان، سفیر مجارستان در ایران، جمعی از نمایندگان شرکت‌های مجارستانی و فعالان اقتصادی استان کرمان، تفاهم‌نامه همکاری‌های اقتصادی بین اتاق‌های کرمان و بوداپست به امضا رسید.

### معاون سازمان توسعه تجارت: تجارت خارجی محل تصمیم‌های ناگهانی نیست

(۱۶ اردیبهشت، ۱۴۰۲)

معاون ارتقا کسب‌وکارهای بین‌المللی سازمان توسعه تجارت ایران گفت: حوزه تجارت خارجی محل تصمیم‌گیری‌ها و بخش‌نامه‌های ناگهانی نیست و در این زمینه نیازمند وحدت فرماندهی هستیم.

محمدصادق قنادزاده، در نشست بررسی راهکارهای تولید صادرات محور در استان افزود: متأسفانه در برخی موارد سیاست‌هایی بر مبنای اضطرار در نظر گرفته می‌شود که نتیجه خوبی ندارد که به همین دلیل با بانک مرکزی، گمرک و استاندارد به دلیل تصمیم‌گیری‌های ناگهانی، دچار چالش هستیم. وی اظهار کرد: حوزه تجارت خارجی باید در تعامل با بخش خصوصی باشد تا بتوان ایجاد تحول مدنظر رهبر معظم انقلاب در این بخش محقق شود.

در ادامه این نشست رییس اتاق کرمان نیز با تأکید بر اینکه تولید بهره‌ور با ایجاد ارزش افزوده بیشتر در تولید محقق می‌شود، گفت: در تولیدات کرمان به‌ویژه محصولات کشاورزی رقابت پذیر بودن، کیفیت مناسب و ایجاد ارزش افزوده بالا باید محور فعالیت‌های تولید صادرات محور قرار گیرد.

در این نشست اعضای هیئت نمایندگان اتاق کرمان مواردی مانند کمک به بنگاه‌های کوچک و متوسط توسط سازمان توسعه تجارت، دریافت مجوز از شورای وزیران برای جلوگیری از ممنوعیت‌های ناگهانی صادرات بر اساس قانون بهبود فضای کسب‌وکار و با مجوز





سازمان توسعه تجارت، ترسیم نقشه راه برای ایجاد شرکتهای مدیریت صادرات حرفه‌ای، درخواست اعتراض سازمان توسعه تجارت ایران به ممنوعیت‌های ناگهانی صادرات و غیره را عنوان نمودند.

### تحقق عدد ۱۰۰ برای صادرات استان دنبال شود

(۱۶ اردیبهشت، ۱۴۰۲)

رییس اتاق کرمان با اشاره به اینکه باید شعار ۱۰، ۴۰ و ۵۰ را برای صادرات و در نتیجه توسعه‌یافتگی استان انتخاب کنیم، گفت: اگر تحقق ۱۰ میلیارد دلار صادرات، ۴۰ محصول صادراتی و ۵۰ کشور هدف که مجموع این اعداد ۱۰۰ می‌شود، دنبال شود به توسعه دست پیدا خواهیم کرد. سیدمهدی طیب زاده در همایش روز صادرات و تجلیل از صادرکنندگان برتر استان کرمان در سال ۱۴۰۱ با تأکید بر تولید صادرات محور در استان افزود: بر اساس آمار گمرکات، هر کیلو صادرات استان کرمان کمتر از یک دلار ارزش دارد و این موضوع نشان می‌دهد که کالای با ارزش افزوده صادر نمی‌شود و واردات نیز چندین برابر است.

گفتنی است در این همایش از صادرکنندگان برتر استان در سال ۱۴۰۱ تجلیل شد. بر این اساس شرکتهای فولاد سیرجان ایرانیان، صنایع مس شهید باهنر کرمان، خشکبار ایلیا گستر سیرجان، صنایع آلومینیوم هزار، فرمولیبدن کویر رفسنجان، مجتمع فروآلیاژ رباط، فنی مهندسی توسعه بابکان، سیرجان زمرد، رنگدانه سیرجان، پسته الماس کویر جنوب روغن‌موتور پردیس، بازرگانی جهانگیری، گسترش بازرگانی کرمان، نشاط آفرینان کویر و بازرگانی شهریار هورخش کریمان به‌عنوان صادرکننده نمونه مورد تجلیل قرار گرفتند. همچنین شرکتهای الماس کویر، مجتمع پترو نیرو سیرجان، سیمان توسعه ماهان کرمان، گلاب زهرا و نانو نخ و گرانول سیرجان به‌عنوان صادرکنندگان شایسته تقدیر تجلیل شدند.





## مدارس کرمان دانا ۳ و ۴۳ در بافت افتتاح شد

(۱۷ اردیبهشت، ۱۴۰۲)

در آئینی با حضور دبیر کل اتاق کرمان، مدیران کل آموزش و پرورش و تجهیز و نوسازی مدارس استان مدارس کرمان دانا ۳ و ۴۳ در شهرستان بافت افتتاح و مدرسه کرمان دانا ۴۵ کلنگ زنی شد.

دبیرکل اتاق کرمان در آئین افتتاح این مدارس ضمن گرامیداشت مقام معلم گفت: پویش کرمان دانا به دلیل کمبود فضای آموزشی در شهر و استان کرمان شکل گرفت تا بتواند با کمک خیرین مدرسه‌ساز این کمبودها تا حدود زیادی جبران شود. وی ادامه داد: در تفاهم‌نامه منعقد شده پویش کرمان دانا بین اتاق کرمان، موسسه مهر گیتی و ادارات کل آموزش و پرورش و نوسازی مدارس استان، قرار است ۱۲۰ مدرسه در قالب ۷۲۰ کلاس درس به بهره‌برداری برسد که تاکنون تعدادی از مدارس افتتاح، تعدادی در دست‌ساخت و تعدادی کلنگ زنی شده‌اند. امیری، از «پیمان سالاری» خیر مدرسه‌ساز که با کمک‌های ایشان دو مدرسه فرهنگ یک و دو در بافت احداث شد قدردانی و اظهار کرد: بزودی یک مدرسه دیگر در ارزوئیه افتتاح می‌شود.

وی همچنین از راه اندازی انجمن توسعه شهرستان بافت، رابر و ارزوئیه در آینده‌ای نزدیک خبر داد.



## مدارس کرمان دانا ۱۹، ۲۱ و ۲۵ در فهرج، بم و نماشیر افتتاح شدند

(۲۴ اردیبهشت، ۱۴۰۲)

مدرسه کرمان دانا ۱۹ در روستای اسدآباد انگوری شهرستان فهرج، مدرسه کرمان دانا ۲۱ در روستای کروک از توابع بم و مدرسه کرمان دانا ۲۵ در نظام شهر نماشیر در آئین‌هایی با حضور رییس اتاق کرمان، مدیران کل آموزش و پرورش و تجهیز و نوسازی مدارس استان، ائمه جمعه شهرستان‌های مذکور و سایر مسئولان محلی افتتاح شدند.

طیب زاده، «محمدرضا شه بخش» مدیرعامل صنایع خودروسازی کرمان را از مدیران نسل پنجم دانست و افزود: در پویش کرمان دانا با کمک خودروسازی بم ۴ مدرسه در منطقه احداث شده که امروز شاهد افتتاح سه مدرسه از آن‌ها هستیم و خوشبختانه با مجموعه قوی اقتصادی که در شرق استان شکل گرفته، فعالیت‌های بیشتری انجام خواهد شد.

گفتنی است مدارس کرمان دانا ۱۹، ۲۱ و ۲۵ هر یک ۶ کلاسه، در زیربنای ۵۰۰ مترمربع در زمینی به مساحت سه هزار مترمربع و با هزینه ۶۵ میلیارد ریال احداث شده‌اند. لازم به ذکر است در پویش کرمان دانا تاکنون ۵ مدرسه در شرق استان به بهره‌برداری رسیده است.



## انجمن جوانان کارآفرین استان کرمان تشکیل شد

(۲۷ اردیبهشت، ۱۴۰۲)



انجمن جوانان کارآفرین استان کرمان با هدف هم‌افزایی جوانان کارآفرین و مشاوره و کمک به جوانان تازه وارد در مسیر کارآفرینی تشکیل شد. جوانان علاقمند به عضویت در انجمن جوانان کارآفرین استان کرمان می‌توانند با شماره ۰۹۱۰۳۰۷۰۲۸۵ آقای انوشه تماس حاصل نمایند.

## رییس اتاق کرمان: فضای کسب‌وکار بانوان ارزیابی شود

(۰۳ خرداد، ۱۴۰۲)



رییس اتاق کرمان گفت: اگر پایش فضای کسب‌وکار ویژه فعالیت‌های اقتصادی بانوان انجام شود، دقیق‌تر و با جزئیات بیشتر می‌توان مسائل این حوزه را بررسی و راهکارهای مناسب را پیشنهاد داد. سیدمهدی طبیب زاده، در نشست جمعی از بانوان بازرگان و کارآفرین استان کرمان افزود: پس از شنیدن صحبت‌های بانوان در این نشست به این نتیجه رسیدیم که توانمندی‌های بانوان ناشناخته مانده و باید این فعالیت‌ها از راه‌های مختلف مانند برگزاری نمایشگاه، برگزاری نشست‌ها، معرفی توانمندی‌های بانوان در رسانه‌ها و تبلیغات، بیش از گذشته معرفی شوند. گفتنی است در این نشست بانوان شرکت‌کننده به بیان مسائل و چالش‌های پیش روی فعالیت‌های خود پرداختند.

## معاون اقتصادی رییس جمهور: تحول در ساختار بودجه ضروری است

(۰۶ خرداد، ۱۴۰۲)

معاون اقتصادی رییس جمهور گفت: باید تحولی در ساختار بودجه به وجود آید که این مهم به عنوان یکی از دستورات رهبر معظم انقلاب به شورای هماهنگی قوا ابلاغ و در این زمینه سندی تهیه شده است. محسن رضایی در هشتاد و پنجمین نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان با موضوع بررسی موانع و مشکلات افزایش تولید در سال ۱۴۰۲، خواهان ارائه نظر فعالان اقتصادی درباره بخشنامه‌ها و ساختار بودجه کشور شد و افزود: لایحه بودجه حتی پس از تصویب، با وجود کمبود منابع ممکن است در اجرا با تغییراتی مواجه باشد. وی ادامه داد: برای تحول ساختار بودجه، نظام بانکی و سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال سه سند راهبردی در دولت تهیه شده و به تأیید رهبری خواهد رسید تا با تغییر دولت‌ها در کشور ماندگار شود. رییس اتاق کرمان در ادامه این نشست گفت: شورای گفت‌وگوی استان کرمان با اهتمام استاندار و نمایندگان مجلس بسیار فعال بوده و از معاون اقتصادی رییس جمهور درخواست داریم مباحث مطرح شده در این نشست در نشست دیگری در تهران با حضور ایشان و مسئولان استان به صورت جدی پیگیری شود. در ادامه استاندار کرمان بیان کرد: استان کرمان مشکلی در توسعه و سرمایه‌گذاری ندارد اما دستگاه‌ها به دلیل داشتن افکار جزیره‌ای، مانع این توسعه هستند. محمدمهدی فداکار افزود: بزرگ‌ترین خدمت به رشد سرمایه‌گذاری این استان، مانع ایجاد نکردن است و تمامی تلاش خود را به کار گرفته‌ایم که دولت مانع سرمایه‌گذاری نشود.



رییس کل دادگستری استان کرمان در این نشست گفت: اقدامات قوه قضائیه برای کمک به تولید، اشتغال، صنعت و معدن اگر بیشتر از وظایف این مجموعه نباشد، کمتر هم نیست و در استان کرمان نیز با فعالیت کارگروه رفع موانع تولید مسائل مختلف اقتصادی بررسی و به رفع آنها کمک شده است.

رییس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی نیز در این نشست گفت: در خصوص مسائل ارزی به بخش خصوصی حق می‌دهم؛ تصمیمات سیاست ارزی از نظر ما در مغایرت صریح با قانون بودجه، احکام دائمی و مغایر با سند تحول مردمی دولت است.

در ادامه عضو هیئت‌رئیس اتاق کرمان با اشاره به اینکه برای تحقق شعار سال «رشد تولید و مهار تورم» باید شرایط و سیاست‌های دستگاه‌های مرتبط با فضای کسب‌وکار تغییر کند، تا اوضاع بهتر شود، گفت: اصلاح شاخص‌های بهبود فضای کسب‌وکار در دست حاکمیت است و بخش خصوصی در این زمینه نقشی ندارد.

عضو دیگر هیئت‌رئیس اتاق کرمان از اقدام جسورانه دولت برای حذف ارز ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی، ابراز امیدواری کرد. آرش علوی بیان کرد: سیاست‌های اخیر ارزی دولت ترس زیادی را در بین صادرکنندگان خرد و متوسط ایجاد کرده و در مدت‌زمان ۴ رییس کل قبلی بانک مرکزی در مجموع عملکرد مثبتی نبوده است.

عضو هیئت نمایندگان اتاق کرمان سید محمدرضا ترابی موسوی نیز در این نشست با اشاره به خسارت ۸۰ درصدی به محصول باغات استان به‌ویژه پسته به علت سرمازدگی، در سال گذشته گفت: مسئولان استان بازدید میدانی و بررسی‌های لازم را انجام دادند و دو نشست نیز با حضور وزیر کشاورزی وقت برگزار شد که فقط دو مصوبه در مورد اختصاص سوخت به باغداران برای گرم نگه‌داشتن باغ خود در زمان سرما و پرداخت غرامت بیمه کشاورزان البته با ۶ ماه تأخیر اجرا شد.

حامد بدرآبادی عضو دیگر هیئت نمایندگان اتاق کرمان با بیان اینکه ۱۶۱ هزار هکتار نخیلات با ۱۰ هزار نخل در استان، معیشت جمع زیادی از مردم ۱۱ شهرستان جنوب و شرق استان را تأمین می‌کند ادامه داد: ۸ میلیارد تومان بودجه برای شناسایی و پاسخگویی این حجم از نخیلات کم است که امیدواریم اعتبار بیشتر و به‌صورت سالیانه برای مبارزه با این دو آفت در نظر گرفته شود. گفتنی است در این نشست مسائل فعالان اقتصادی در حوزه‌های بیمه تأمین اجتماعی، بانک، بیمه و مالیات، مطرح شد.



## توسعه همکاری‌های تجاری کرمان و ازبکستان بررسی شد

(۰۹ خرداد، ۱۴۰۲)

نشست بررسی توسعه همکاری‌های تجاری کرمان و ازبکستان با حضور رییس اتاق کرمان، سفیر ازبکستان در ایران، رییس اتاق بازرگانی ازبکستان و جمعی از فعالان اقتصادی دو طرف برگزار شد.

رییس اتاق کرمان در این نشست گفت: اتاق کرمان یکی از اتاق‌های پیش‌تاز کشور در صادرات است و توسعه صادرات با کشورهای همسایه، هم‌فرهنگ و هم‌مذهب از برنامه‌های مهم اتاق در این راستاست. سیدمهدی طیب زاده افزود: در سال





گذشته ۳ میلیارد دلار صادرات از گمرکات کرمان به ازبکستان انجام شده که اگرچه این آمار بسیار کم است اما بخشی از محصولات کرمان از گمرکات سایر استانها به‌ویژه مشهد صورت گرفته است.

سفیر ازبکستان در ایران نیز در این نشست گفت: در ماه سپتامبر سال گذشته با سفر رییس‌جمهور ایران به ازبکستان اتفاق بزرگی در مورد همکاری‌های دو طرف افتاد و در این ملاقات دو طرف بر تحکیم و توسعه روابط بین دو کشور تأکید داشتند. عبدالله اف افزود: همچنین بر پیوند صنایع دو کشور تأکید و قرار شد در استان سمرقند، دو کشور یک واحد تولیدی با مشارکت ۵۰ درصدی ایجاد کنند.

رییس اتاق بازرگانی ازبکستان نیز در این نشست بیان کرد: جمعی از فعالان اقتصادی ازبکستان بازدید از ایران داشتند و ظرفیت‌های بسیاری به‌ویژه در حوزه فولاد و سازه‌های فلزات بررسی و پیشنهاداتی برای همکاری‌های بیشتر ارائه شد. دورون وخابف افزود: صنعت ساخت‌وساز در ازبکستان فعال است و شرکت‌های ایرانی می‌توانند در این زمینه همکاری داشته باشند.

گفتنی است در این نشست جمعی از فعالان اقتصادی دو طرف به معرفی ظرفیت‌ها و نظرات خود پرداختند.

### کارگاه آموزشی هوش مدیریتی در اتاق کرمان برگزار شد

(۱۱ خرداد، ۱۴۰۲)



کارگاه آموزشی هوش مدیریتی با حضور رییس و جمعی از اعضای هیئت نمایندگان اتاق کرمان و مدیران فعال اقتصادی و تدریس «محمد مهدی ربانی» برگزار شد.

رییس اتاق کرمان در ابتدای این کارگاه آموزشی گفت: رسالت اصلی اتاق توانمندسازی، آگاهی بخشی و اطلاع‌رسانی به فعالان اقتصادی در حوزه‌های مختلف است تا بتوانند مسائل پیش‌آمده را مدیریت کنند. وی با اشاره به اینکه پاشنه آشیل بسیاری از فعالیت‌ها فقدان مهارت و عدم کارآمدی مؤثر است، ادامه داد: کرمان بایستی پایه‌گذار نهضتی فراگیر در آموزش مهارت‌های لازم مدیریتی در همه سطوح باشد.

در ادامه مدرس این کارگاه هوش مدیریتی را ترکیبی از هوش شناختی، هوش هیجانی، هوش سیاسی، هوش یادگیری و هوش معنوی عنوان و اظهار کرد: هیچ‌یک از هوش‌ها به‌تنهایی نمی‌تواند یک فرد را به مدیر موفق تبدیل کند حتی اگر فرد در یک هوش، بهره‌های بسیار بالایی داشته باشد.

گفتنی است این کارگاه آموزشی به مدت ۵ ساعت در محل اتاق کرمان برگزار شد و با استقبال مدیران اقتصادی همراه بود.

### کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی از اتاق کرمان تقدیر کرد

(۱۳ خرداد، ۱۴۰۲)



کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی ICC در نخستین نشست حضوری نمایندگان رابط استانی این کمیته از اتاق کرمان به عنوان یکی از اتاق‌های برتر کشور به دلیل فعالیت آن‌ها در پلتفرم اتاق‌های بازرگانی دنیا و انتخاب آن‌ها به عنوان اتاق نمونه ماه در این پلتفرم، تقدیر کرد.

در این نشست که در محل اتاق ایران برگزار شد، «معصومه سعید» مدیر توسعه بازار و بهبود فضای کسب‌وکار اتاق کرمان به عنوان نماینده اتاق کرمان در این کمیته به دلیل کسب رتبه اتاق برتر ماه فوریه ۲۰۲۲ فدراسیون جهانی اتاق‌های بازرگانی (WCF) مورد تقدیر قرار گرفت.

## حسابداران در بهبود فضای کسب و کار تاثیرگذارند

(۱۳ خرداد، ۱۴۰۲)



رئیس اتاق کرمان ضمن ابراز خرسندی از حضور بیش از ۲۰۰ حسابدار و حسابرس انجمن حسابداران کرمان و جمع دیگری از فعالان این حوزه از استان‌های تهران، خوزستان، قزوین و آذربایجان غربی در کارگاه آموزشی صورت‌های مالی تلفیقی و سامانه مودیان گفت: حسابداری پایه اصلی بهبود فضای کسب و کار است و حسابداران در این زمینه بسیار تأثیرگذارند.

در ادامه رئیس هیئت‌مدیره انجمن حسابداران استان کرمان عبدالرضا قاسم‌پور، ارائه طرح نظام حسابداری را مهمترین اقدام انجمن حسابداری استان کرمان عنوان و بیان کرد: امیدواریم طرح

جامع حسابداری در طرح نظام جامع مالی کشور مورد توجه قرار گیرد تا حسابداران به جایگاه اصلی خود برسند. گفتنی است در این کارگاه، مسائل آموزشی در حوزه‌های صورت‌های مالی تلفیقی و سامانه مودیان با تدریس «سجاد حیدری» ارائه شد.

## رئیس سازمان حفظ نباتات کشور: سیاه بازار حاکم بر آفت‌کش‌ها مدیریت می‌شود

(۱۷ خرداد، ۱۴۰۲)

رئیس سازمان حفظ نباتات کشور گفت: سیاه بازار حاکم بر آفت‌کش‌ها را با برنامه اساسی که برای آن‌ها در نظر داریم، مدیریت می‌کنیم که مهمترین مسئله در این مورد تعدد سم فروشی‌هاست.

حسین رنجبر در نشست بررسی سموم و آفات محصولات کشاورزی در جمع فعالان این حوزه افزود: به دنبال اضافه کردن بی‌قیدوبند و بی‌ضابطه سم فروشی‌ها در استان‌ها نیستیم و مدیریت آن‌ها از دست سازمان حفظ نباتات و برخی سازمان‌های مربوطه خارج شده است. وی با اشاره به اینکه در استان کرمان ۳۵۰ سم فروش قانونی فعال هستند، گفت: در کنار این سم فروش‌ها، افرادی غیرقانونی، زیرپله ای و پشت و انتی نیز سم می‌فروشند که این آمار بسیار زیاد و نگران‌کننده است.

در ادامه این نشست رئیس اتاق کرمان گفت: درست است که کشاورزی با امنیت غذایی، اشتغال و معیشت مردم استان عجین است اما برای استان کم آب کرمان باید بتوان با ساختار صحیح برای دفع آفات نباتی و به‌کارگیری کشاورزی مدرن، بهره‌وری را افزایش داد.

همچنین عضو هیئت نمایندگان اتاق کرمان گفت: اتاق کرمان در حوزه کشاورزی هدف‌گذاری خود در زمینه پیگیری استقرار کشاورزی مدرن، تولید صادرات محور و پیگیری کشاورزی قراردادی قرار داده که همه این موارد باهدف مصرف بهینه و افزایش بهره‌وری است.

در ادامه عضو دیگر هیئت نمایندگان اتاق کرمان گفت: اگر وزارت جهاد کشاورزی به وظیفه خود در زمینه کنترل رانت موجود در واردات سموم عمل کند بسیاری از مسائل این حوزه برطرف خواهد شد. عضو دیگر هیئت نمایندگان اتاق کرمان بیان کرد: در سال جاری بیش از یک‌میلیون تن پسته در دنیا تولید شده که حداقل ۲۰۰ هزار تن آن مربوط به ایران است که متأسفانه برخی خود تحریمی‌ها موجب مسائلی در صادرات این محصول شده است. مجید حجت نوقی ادامه داد: برخی مشتریان ما در هند و چین خریدار محصولات ما هستند اما یکسری مسائل در زمینه قرنطینه و آزمایشگاه‌های میکروبی باعث بروز مشکلاتی شده‌اند.

گفتنی است در این نشست جمعی از فعالان کشاورزی در بخش‌های مختلف به بیان نظرات و مسائل خود پرداختند.





## محدودیت تأمین مالی مانع رشد تولید است

(۱۸ خرداد، ۱۴۰۲)

رئیس اتاق کرمان گفت: در سال جاری برای تحقق رشد تولید قطعاً تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی ضروری است و اگر تأمین مالی محدود شود، این رشد اتفاق نمی‌افتد. سیدمهدی طبیب زاده، در آئین تکریم و معارفه مدیر شعب بانک کشاورزی استان کرمان افزود: در شرایط کنونی کشور بانک‌ها به‌ویژه بانک کشاورزی اعلام کند که چه برنامه متفاوتی برای رشد تولید نسبت به سال‌های گذشته دارند. وی در ادامه با اشاره به اینکه اصلاح آئین‌نامه بند «د» تبصره ۱۶ قانون بودجه سال ۱۴۰۲ پس از گذشت حدود سه ماه از سال هنوز اعلام نشده است، گفت: اگر بتوان سیستمی را طراحی کرد که قوانین و آئین‌نامه‌ها پس از تصویب بلافاصله از طریق رسانه‌ها اطلاع‌رسانی و قابل اجرا شوند، بسیاری از فرصت‌ها از دست نمی‌رود زیرا از زمان تصویب تا ابلاغ آن‌ها زمان زیادی طول می‌کشد. طبیب زاده، در پایان از «اله داد محمدی مفرد» مدیر سابق شعب بانک کشاورزی استان به دلیل دفاع جنگنده و جانانه از سیستم بانکی در جلسات و مسلط بودن به مسائل مختلف بانکی قردانی و برای «امیرحسام قزلباش»، مدیر شعب بانک کشاورزی استان آرزوی موفقیت کرد.



## نمایشگاه صنایع دستی در کرمان دایر است

(۱۸ خرداد، ۱۴۰۲)

انجمن صنایع دستی با حمایت اتاق کرمان، نمایشگاه صنایع دستی را در هتل پارس کرمان از ۱۶ خردادماه جاری دایر کرده و تا ۱۹ این ماه ادامه دارد.

رئیس انجمن صنایع دستی کرمان در حاشیه این نمایشگاه گفت: در این نمایشگاه ۵۰ غرفه دار حضور دارند که محصولات خود در ۲۵ رشته صنایع دستی را به نمایش گذاشته‌اند. محمدعلی کاشی تراش کرمانی، افزود: در این نمایشگاه آثار مختلف در رشته‌های شاخصی مانند پته، سفال، سرامیک، زیورآلات، جواهرسازی، کاشی‌های سنتی و تزئینی، چوب، چرم، حصیربافی، دستباف‌ها، قلاببافی، فرش، گلیم، مس و فیروزه کوب در معرض دید بازدیدکنندگان قرار گرفته است. گفتنی است سیدمهدی طبیب



زاده رئیس اتاق کرمان و محمدرضا بهرامی نایب‌رئیس اتاق کرمان در آئین افتتاح این نمایشگاه حضور داشتند و از غرفه‌های صنایع دستی بازدید کردند.



## انجمن حمایت از توسعه و سرمایه‌گذاری بافت، رابر و ارزوئیه تشکیل می‌شود

(۲۰ خرداد، ۱۴۰۲)

انجمن حمایت از توسعه و سرمایه‌گذاری منطقه ابر (سه شهرستان بافت، رابر و ارزوئیه) با حمایت اتاق کرمان تشکیل می‌شود. نشست هم‌اندیشی برای تشکیل این انجمن با حضور عضو هیئت نمایندگان و دبیرکل اتاق کرمان و جمعی از پیشکسوتان و فعالان برتر حوزه‌های مختلف سه شهرستان مذکور، برگزار و مسائل و موارد مختلفی در راستای توسعه این شهرستان‌ها مطرح و بررسی شد. منطقه ابر شامل سه شهرستان بافت، رابر و ارزوئیه، در جنوب غربی استان کرمان واقع است و این منطقه یک نماینده در مجلس شورای اسلامی دارد.



## توسعه دانش مدیریتی از دیگر اهداف پویش کرمان داناست

(۲۴ خرداد، ۱۴۰۲)



رئیس اتاق کرمان گفت: توسعه دانش مدیریتی از دیگر اهداف مهم پویش کرمان داناست زیرا استان در این زمینه نیازمند بهبود و ارتقا است.

سیدمهدی طبیب زاده، در نشست شورای آموزش و پرورش استان کرمان افزود: پیش از توسعه دانش مدیریتی؛ توسعه فضای آموزشی، توسعه مهارت‌آموزی و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان از سایر اهداف این پویش است که اتاق کرمان به آن خواهد پرداخت. وی ادامه داد: هدف از اجرای پویش کرمان دانا ایجاد افزایش اشتیاق در مدرسه‌سازی و کمک به آموزش و آگاهی

بخشی است که در کنار این پویش نهضتی در بین خیران ایجاد شد و عده دیگری به این جمع پیوستند.

در ادامه عضو هیئت‌رئیس اتاق کرمان گفت: اتاق کرمان و اتاق ایران همواره به موضوع مسئولیت‌های اجتماعی ورود کرده و در مواردی مانند همه‌گیری بیماری کرونا، سیل، مدرسه‌سازی و غیره یاری‌رسان بوده است. عباس جبالبارزی، با اشاره به فرموده رهبر معظم انقلاب مبنی بر اینکه «در مدرسه‌سازی هر کس هرچقدر می‌تواند، کمک کند» افزود: اگر بتوان مصوبه‌ای را از دولت گرفت که دستگاه‌های نظارتی به اتاق‌های بازرگانی برای هزینه کردن در انجام پروژه‌های مسئولیت‌های اجتماعی ایراد وارد نکنند، بسیاری از مسائل در این حوزه حل خواهد شد و این کمک‌ها افزایش خواهد یافت.

استاندار کرمان نیز در ادامه این نشست ضمن قدردانی از اتاق کرمان برای اجرای پویش کرمان دانا و احداث مدارس در مناطق مختلف استان، گفت: تکمیل زیرساخت‌های مدارس را برای بهره‌برداری هر چه سریع‌تر آن‌ها پیگیری خواهیم کرد و از تمامی ظرفیت‌ها در این بخش کمک خواهیم گرفت.

## پایون انجمن های اتاق کرمان در نمایشگاه آگروفود دایر است

(۲۷ خرداد، ۱۴۰۲)

پایون انجمن های اتاق کرمان در سی امین نمایشگاه بین المللی صنایع کشاورزی، مواد غذایی، ماشین آلات و صنایع وابسته (ایران آگروفود ۲۰۲۳) از ۲۶ الی ۲۹ خرداد دایر شد.

در این پایون ۶ غرفه وجود دارد که نمایندگان انجمن های پسته، گیاهان دارویی و معطر، گلخانه داران جنوب، گلخانه داران شرق و خرما به عرضه و معرفی محصولات مختلف استان کرمان می پردازند. آئین افتتاح این نمایشگاه با حضور رییس گروه اقتصادی دفتر مقام معظم رهبری و عضو تشخیص مصلحت نظام، سفرای کشورهای برزیل، فنلاند و بلاروس و سایر مسئولان و مقامات برگزار شد.



## از حضور فعالان اقتصادی در نمایشگاه های معتبر حمایت می کنیم

(۲۷ خرداد، ۱۴۰۲)



رییس اتاق کرمان گفت: اتاق کرمان در راستای توسعه صادرات و تولید صادرات محور، همواره از حضور فعالان اقتصادی و تشکل ها در نمایشگاه های معتبر داخلی و بین المللی حمایت می کند.

سیدمهدی طبیب زاده، در حاشیه بازدید از پایون اتاق کرمان در نمایشگاه آگروفود تهران، افزود: از آنجایی که نمایشگاه صنایع کشاورزی، مواد غذایی، ماشین آلات و صنایع وابسته ایران (آگروفود ۲۰۲۳) با ارائه آخرین دستاوردهای این حوزه، پل ارتباطی مهمی بین صنایع کشاورزی و غذایی است و فرصت

مناسبی را برای ارتباط و همکاری شرکت ها و همچنین ترویج صادرات و توسعه کسب و کار در سطح جهانی فراهم می کند، حضور اعضای اتاق متقاضی شرکت در این نمایشگاه را تسهیل کردیم. سایر اعضای هیئت ریسه و هیئت نمایندگان اتاق کرمان نیز از این نمایشگاه بازدید کردند.

اخبار اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان را از این پنجره ببینید:

[www.otagh-bazargani.com](http://www.otagh-bazargani.com)





## ششمین کتاب مرتبط با دعاوی بانکی منتشر شد

### ویژگی های کتاب حاکمیت حقوق عمومی بر قراردادهای بانکی:

- \* مرور مفاهیم و مبانی اصل آزادی قراردادها، حقوق عمومی و خصوصی و تفاوت های بنیادین قراردادهای عمومی با خصوصی
- \* نفوذ حقوق عمومی در قراردادها و توافقات: از حاکمیت حقوق خصوصی به حقوق عمومی
- \* بررسی حاکمیت حقوق عمومی بر قراردادهای بانکی و تحولات آن
- \* رفع ابهامات موجود در امری بودن مقررات پولی کشور نسبت به شروط و آثار قراردادهای بانکی
- \* نقش و نفوذ قانون گذار در نحوه انعقاد، اجرا و نرخ سود و خسارت قراردادهای بانکی
- \* نقش و نفوذ قانون گذار در امهال، بخشودگی جرائم و وصول مطالبات بانکی

### نحوه تهیه کتاب:

سایت انتشارات جنگل: [jungal.com](http://jungal.com)

واحد انتشارات اتاق کرمان:

۰۳۴۳۲۴۴۲۳۲۴ - ۰۹۰۵۸۵۰۸۰۶۹



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان